



۰۱

فصلنامه



# سیاستگذاری پیشرفت شهری

زمستان ۱۴۰۳، دوره اول، شماره ۰۱، شماره پیاپی: ۰۱

بهینه‌سازی سیستم گرمایش خورشیدی جهت گرمایش فضاهاى شهری و آبگرمکن خانگی  
رحیم زاهدی؛ حسین یوسفی؛ ملیکا اصغرزاده؛ فاطمه شمس؛ ساره دانشگر؛ سهند حیدری؛ ابوالفضل احمدی  
پرورش فرهنگ ورزش شهری از طریق اکتشاف رویدادهای ورزشی و مدیریت شهری  
کیانوش ذاکر حقیقی؛ علی زینالی عظیم  
واکاوی نقش و اثرات طرح‌های توسعه شهری در از خودبیگانگی و امتیزه شدن انسان شهری (نمونه موردی: کلان‌شهر تهران)  
علی فرامرزی راد؛ محمدحسین بوچانی  
نقش مدیریت شهری در فرهنگ شهری و سبک زندگی  
ناصر عبادتی؛ لطف الله فروزنده  
ارائه چارچوبی مفهومی برای بودجه ریزی مشارکتی در شهرداری تهران  
امیر شهرابی فراهانی؛ رضا قنبریان؛ سالار دانش فر  
تحلیلی بر اندازه مطلوب محلات (از بعد جمعیت و مساحت) در کلان‌شهر تهران  
ندا میراکبری؛ امیرحسین پورجوهری؛ مریم ابهری



نشانی: تهران، خیابان کریم خان زند، جنب پارک بهجت آباد، پلاک ۱۹۵  
روبروی سازمان نوسازی شهرداری، مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی شهرداری تهران  
کد پستی: ۱۵۹۴۶۴۵۱۱۹  
تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۲۴۸۷۳، ۰۲۱-۸۸۹۲۴۸۷۶، ۰۲۱-۸۸۸۹۸۹۴۴  
پست الکترونیکی: amozesh.moasese@gmail.com  
وب سایت نشریه: <https://judpm.ir>



# فصلنامه سیاست‌گذاری

## پیشرفت شهری

زمستان ۱۴۰۳، دوره اول، شماره ۱، شماره پیاپی ۱



صاحب امتیاز:

مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی شهرداری تهران

مدیر مسئول

دکتر محمدحسین بوچانی

مدرس دانشگاه، دکتری برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی

سرمدبیر

دکتر حسین یوسفی

استاد دانشکده انرژی و منابع پایدار، دانشگاه تهران

جانشین سرمدبیر

مسعود ندافان

مدیر نشریه

زهرگلستا رسائی

مدیر اجرایی

دکتر حسینعلی مهرنیا

کارشناس نشریه

مرضیه رازقی

گرافیسیت

شاهده محمدعلیخانی

ویراستار علمی - ادبی

فاطمه رشوند

صفحه‌آرا

زهره استواری دیلمانی

ترتیب انتشار: فصلنامه

شاپای چاپی: ---

شاپای الکترونیکی: ---

سیاست انتشار: دسترسی آزاد

فرآیند داوری: دوسوکور

اعضای هیئت تحریریه بین‌المللی

پروفسور بهنام محمدی ایواتلو

استاد دانشکده مهندسی انرژی، دانشگاه ال یو تی فنلاند

اعضای هیئت تحریریه

دکتر یونس نوراللهی

استاد گروه سیستم‌های انرژی، دانشگاه تهران

دکتر بیژن عباسی

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

دکتر محمدعلی اکبری

استاد گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه ایلام

دکتر سید ابوالفضل ذاکریان

استاد گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر یوسف حجت

استاد مهندسی مکانیک، دانشگاه تربیت مدرس

دکتر کیانوش ذاکر حقیقی

استاد گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

دکتر لطف‌الله فروزنده

استاد گروه مدیریت، دانشگاه تربیت مدرس تهران

دکتر ارسطو یاری حصار

استاد گروه جغرافیه، دانشگاه محقق اردبیلی

نشانی: تهران، خیابان کریم‌خان زند، جنب پارک بهجت آباد، پلاک ۱۹۵، روبروی

سازمان نوسازی شهرداری، مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی شهرداری تهران

کد پستی: ۱۵۹۴۶۴۵۱۱۹

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۲۴۸۷۳، ۰۲۱-۸۸۹۲۴۸۷۶، ۰۲۱-۸۸۹۸۹۴۴

پست الکترونیکی: amozesh.moasese@gmail.com

وبسایت نشریه: <https://judpm.ir>

## سیاستگذاری پیشرفت شهری

دوره اول، شماره اول، زمستان ۱۴۰۳

### فهرست مقالات

- ۱ ..... بهینه‌سازی سیستم گرمایش خورشیدی جهت گرمایش فضاهاى شهری و آبگرمکن خانگی  
رحیم زاهدی، حسین یوسفی، ملیکا اصغرزاده، فاطمه شمس، ساره دانشگر، سهند حیدری، ابوالفضل احمدی
- ۱۹ ..... پرورش فرهنگ ورزش شهری از طریق اکتشاف رویدادهای ورزشی و مدیریت شهری  
کیانوش ذاکر حقیقی، علی زینالی عظیم
- ۳۵ ..... واکاوی نقش و اثرات طرح‌های توسعه شهری در از خود بیگانگی و تمیزه شدن انسان شهری  
علی فرامرزی‌راد، محمدحسین بوچانی
- ۵۷ ..... نقش مدیریت شهری در فرهنگ شهری و سبک زندگی  
ناصر عبادتی، لطف‌الله فروزنده
- ۷۳ ..... ارائه چارچوبی مفهومی برای بودجه‌ریزی مشارکتی در شهرداری تهران  
امیر شهرابی فراهانی، رضا قنبریان، سالار دانش‌فر
- ۹۱ ..... تحلیلی بر اندازه مطلوب محلات (از بعد جمعیت و مساحت) در کلان‌شهر تهران  
ندا میراکبری، امیرحسین پورجوهری، مریم ابهری

## " باسمة تعالی "

اکنون همانطور که شهرها کانون و محل تجمع چالش‌ها و نارسایی‌های بشری شده‌اند، از سوی دیگر به مدد نوآوری، تکنولوژی، خلاقیت، بهبود حکمروایی شایسته، مقر چاره‌جویی حل بحران‌ها و مسائل بشری نیز هستند. پیشرفت همه جانبه شهرها، می‌تواند موتور شکوفایی ملی را به حرکت در بیاورد. اساسا راهبرد توسعه ملی همه جانبه، از مسیر شکوفای شهری و منطقه‌ای می‌گذرد. به عبارت روشن‌تر "**شهر و منطقه تمدن‌ساز و جامعه‌پرداز**" محور و بُردار میهن آباد و شاخص توسعه ملی است. چاره‌جویی برای شناسایی و حل بحران‌ها و چالش‌های رو به رشد شهرها و بویژه کلان‌شهرها در ایران، مستلزم توجه جدی به بنیادهای علمی و همچنین اندیشه‌ورزی و درک تجربیات موفق جهانی است. واقعیت این است مجموعه نارسایی‌ها و شرایط سخت و بحرانی کنونی فراروی مدیریت شهری در ایران چه در ساحت "کالبد و فیزیک" و چه در ساحت "معنا و محتوا" در دوره‌های مختلف در نواحی و شهرهای دیگر جغرافیای جهان وجود داشته است، اما با تکیه بر خرد علمی، دانش نوآورانه و خلاقانه و با تکیه بر "باورهای مدیریتی علم پایه" نهادی اجرایی در این سکونت‌گاه‌ها به تدریج، فرآیند اصلاح و دگردیسی حل چالش‌ها نهادینه شده است و بهبود کیفیت زندگی و فضای شهری و سکونتگاه انسانی به بار نشسته است. در ایران با وجود پیشرفت‌های بطحی، هنوز مدیریت شهری و شهرنشینی شایسته و تمدن‌ساز و در خور هموطن ایرانی محقق نشده است. سیاستگذاری برای پیشرفت شهری مستلزم توجه به دانش علمی و کاربردی و همچنین توجه به مقتضیات سرزمینی و از سوی دیگر توجه به دستاوردهای بشری برای بهبود فضای سکونتگاهی است. فصلنامه سیاستگذاری پیشرفت شهری در راستای انتشار و گسترش دستاوردهای علمی در حوزه شهرها و مناطق سکونتگاهی و همچنین بهبود روش‌های سیاستگذاری در مدیریت شهری و در راستای وظایف موسسه آموزش عالی علمی کاربردی شهرداری تهران انتشار یافته است. امیدوارم به همت جامعه دانشگاهی و کارشناسان فنی و اجرایی و مدیران شهری مسیر علمی شدن فصلنامه به سرعت طی گردد. موسسه آموزش عالی علمی و کاربردی شهرداری تهران که براساس مجوز شماره ۱۴۰۳/۷۶۱۲/دش تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۳ مجوز ادامه فعالیت علمی و آموزشی و پژوهشی اخذ کرده است، می‌تواند برای تمام شهرها (بیش از ۱۴۷۰ شهر) و روستاها (بیش از ۳۶ هزار واحد روستای دارای شورای روستایی) و مجموعه ساختارهای اجرایی مستقر در شهرها منشاء اثر و راهنمای عمل در بهبود مدیریت و دانش باشد. انتشار فصلنامه سیاستگذاری پیشرفت شهری در راستای کاربردی کردن نظریات و دانش علمی در همه حوزه‌های مدیریت شهری و اتصال نظریه و عمل می‌باشد. از پژوهشگران، کارشناسان، متخصصان و اساتید دانشگاهی و همچنین حرفه‌مندان برنامه‌ریزی شهری در همه رشته‌های تخصصی درخواست می‌گردد، با ارسال مقالات علمی خود مسیر ارتقاء و کاربردی کردن فصلنامه و بهرمندی از آن را فراهم سازند.

لازم می‌دانم از استادان گرامی‌ام که افتخار داده‌اند در مجله به عنوان هیأت تحریریه همکاری می‌کنند سپاسگزاری کنم، همچنین به طور ویژه از آقای دکتر حسین یوسفی سهزایی که مسئولیت سردبیری فصلنامه را بر عهده گرفته‌اند تقدیر شایسته می‌کنم. اگر حمایت‌های بی‌دریغ آقای دکتر مسعود ندافان ریاست محترم موسسه آموزش عالی علمی و کاربردی شهرداری تهران نبود، قطعاً انتشار این فصلنامه ممکن نبود از تدبیر و حمایت مسئولان ایشان سپاسگزارم. تیم اجرای نشریه بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی و تنها در راستای مسئولیت اجتماعی و علمی خود زحمات زیادی برای راه‌اندازی فصلنامه متقبل شده‌اند از همه آنها تشکر می‌کنم.

محمد حسین بوچانی

مدیر مسئول





## Optimization of solar heating system for heating urban spaces and domestic water heating

Rahim Zahedi<sup>1\*</sup>  | Hossein Yousefi<sup>2</sup> | Melika Asgharzadeh<sup>3</sup> | Fatemeh Shams<sup>4</sup> | Sareh Daneshgar<sup>5</sup> | Sahand Heidary<sup>6</sup> | Abolfazl Ahmadi<sup>7</sup>

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Energy Governance, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [rahimzahedi@ut.ac.ir](mailto:rahimzahedi@ut.ac.ir)
2. Professor, Department of New Energy and Environment, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [hosseinyousefi@ut.ac.ir](mailto:hosseinyousefi@ut.ac.ir)
3. BSc in Medical Engineering, Azad University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Email: [melika.as.2000@gmail.com](mailto:melika.as.2000@gmail.com)
4. PhD in Geography and Urban Planning, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Semnan, Iran. Email: [fatemehshams@gmail.com](mailto:fatemehshams@gmail.com)
5. PhD in Electrical Engineering, Faculty of Electrical Engineering, University of Science and Technology, Tehran, Iran. Email: [sareh.daneshgar@yahoo.com](mailto:sareh.daneshgar@yahoo.com)
6. MSc in Computer Systems Architecture, Faculty of Computer Engineering, Khajeh Nasir University, Tehran, Iran. Email: [sahandhdr@gmail.com](mailto:sahandhdr@gmail.com)
7. Associate Professor, Department of Energy Systems Engineering, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran. Email: [a\\_ahmadi@iust.ac.ir](mailto:a_ahmadi@iust.ac.ir)

### ARTICLE INFO

**Article type:**  
Research Paper

**Article History:**  
Received 21 October 2024  
Revised 20 November 2024  
Accepted 20 December 2024  
Published Online 04 January 2025

**Keywords:**  
Residential Solar System,  
Energy Optimization,  
Urban Space Heating,  
Solar Water Heater,  
Renewable Energy Efficiency.

### ABSTRACT

With the industrialization of countries and the increase in urban population, humanity has an urgent need for energy. Over the past few decades, to address this necessity, humans have increasingly relied on fossil fuels. This reliance has resulted in the emission of greenhouse gases into the Earth's atmosphere, leading to global warming. Consequently, numerous natural hazards, such as climate change and the endangerment of habitats, have arisen. Two major concerns regarding fossil fuels are their rapid depletion and their significant contribution to global warming. Solar energy, as a renewable, abundant, and inexhaustible resource, offers a viable alternative to fossil fuels, producing considerably less pollution. In this study, we first introduce and analyze a thermal-solar system. Subsequently, using the TRNSYS software and its associated plugins, we model a hybrid thermal-solar system employing a liquid working fluid. Finally, the system is optimized using the GENOPT program, and the results for the optimized system are obtained and discussed.

**Cite this article:** Zahedi, R.; Yousefi, H. Asgharzadeh, M.; Shams, F.; Daneshgar, S.; Heidary, S. & Ahmadi, A. (2025). Optimization of solar heating system for heating urban spaces and domestic water heating. *Urban Development Policy Making*, 1 (1), 1-17. DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.212760.1000>



© Rahim Zahedi, Hossein Yousefi, Melika Asgharzadeh, Fatemeh Shams, Sareh Daneshgar, Sahand Heidary, Abolfazl Ahmadi  
DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.212760.1000>

## 1. Introduction

The resources that can currently be used in the distributed energy sector are solar, wind, and geothermal resources, the most important of which are solar and wind. In this article, we will examine solar thermal systems.

## 2. Background

A solar system is a system that converts the energy of the sun's rays into thermal energy and electricity.

## 3. Methodology

For this purpose, TRNBUILD software, which is an extension of TRNSYS software, was used, which is applied in TRNSYS software through 56-TYPE. To model the heating load, as shown in Figure 4, a house with dimensions of  $10 \times 12 \times 3$  and two windows of dimensions  $1.5 \times 2$  on the south side and two windows of the same dimensions on the north side (total of 4 windows) was designed in SKETCHUP software and imported into TRNBUILD software. The thickness and materials used in the walls and roof can be seen in Table 1 and Figures 5 and 6.

After modeling the system, it is time for optimization. For optimization, an extension called TRNOPT has been used in the TRNSYS software, which is the interface between the TRNSYS program and the GENOPT optimization program. For optimization, the objective function: the useful energy of the collector and its variable: the collector slope value are considered. The GENOPT program has various capabilities including multi-objective, single-objective, multivariate and univariate optimization and also has various types of optimization methods. In this section, we have used the COORDINATE SEARCH method for optimization.

## 4. Results and Discussion

In Figure 8, the total solar radiation for a year and in Figure 9, the total solar radiation for each month separately for Tehran can be seen. As you can see, Tehran has good potential for solar systems due to its many sunny days with high solar radiation. By carefully looking at the total solar radiation graphs for each month, it can be seen that the amount of radiation in the summer and spring months is higher than in other months of the year, and this is because in the 6 months of winter and autumn, due to cloudy or rainy weather and bad weather conditions, the amount of solar radiation is minimized.

The total energy produced by 2heaters during a year is 13 MW. The energy produced by 2,1heaters during a year and the comparison of the useful energy of the collector and the energy produced by 2,1heaters during a year are shown in Figures 17 and 18. The total energy produced by the external installation is heater1+heater2 (28 MW).

## 5. Conclusion

According to the results, it can be said that Tehran has a very high potential for using solar energy in the distributed energy sector, and not only for heating but also for any air conditioning system, even cooling, such as solar absorption chillers. However, according to the results obtained in this article, despite optimizing the collector slope, the system has difficulty in providing the heating load of the urban space, and the combination of the two cycles has even caused a decrease in the efficiency of the solar water heater. For space heating, it is better to use air-based systems, and for hot water consumption, liquid-based systems, because air systems directly heat the return air from the urban space and deliver the same air to the environment, and there is no need for a heat exchanger, and therefore the efficiency of the system increases. For future research, it is suggested that the economic and environmental effects of optimizing solar heating systems on a larger scale, such as commercial and industrial buildings, as well as its integration with other renewable energy sources, be investigated.



## بهینه‌سازی سیستم گرمایش خورشیدی جهت گرمایش فضاهای شهری و آبگرمکن خانگی

رحیم زاهدی<sup>۱\*</sup> | حسین یوسفی<sup>۲</sup> | ملیکا اصغرزاده<sup>۳</sup> | فاطمه شمس<sup>۴</sup> | ساره دانشگر<sup>۵</sup> | سهند حیدری<sup>۶</sup> | ابوالفضل احمدی<sup>۷</sup>

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه حکمرانی انرژی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [rahimzahedi@ut.ac.ir](mailto:rahimzahedi@ut.ac.ir)

۲. استاد، گروه انرژی‌های نو و محیط زیست، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [hosseinyousefi@ut.ac.ir](mailto:hosseinyousefi@ut.ac.ir)

۳. کارشناسی مهندسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی آزاد، تهران، ایران. رایانامه: [melika.as.2000@gmail.com](mailto:melika.as.2000@gmail.com)

۴. دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. رایانامه: [fatemehshams@gmail.com](mailto:fatemehshams@gmail.com)

۵. دکتری مهندسی برق، دانشکده مهندسی برق، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران. رایانامه: [sareh.daneshgar@yahoo.com](mailto:sareh.daneshgar@yahoo.com)

۶. کارشناسی ارشد معماری سیستم‌های کامپیوتری، دانشکده مهندسی کامپیوتر، دانشگاه خواجه نصیر، تهران، ایران. رایانامه: [sahandhdr@gmail.com](mailto:sahandhdr@gmail.com)

۷. دانشیار، گروه مهندسی سیستم‌های انرژی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران. رایانامه: [a\\_ahmadi@iust.ac.ir](mailto:a_ahmadi@iust.ac.ir)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

با توجه به صنعتی شدن کشورها و افزایش جمعیت شهرنشینی، بشر نیاز مبرمی به انرژی دارد. طی چند دهه اخیر، بشر برای تحقق این امر روی به استفاده از سوخت‌های فسیلی آورده که باعث ورود گازهای گلخانه‌ای به جو زمین و افزایش دمای کره زمین شده است که این امر مخاطرات طبیعی بسیاری از جمله تغییر اقلیم آب‌وهوا و به خطر افتادن زیستگاه جانداران را در پی دارد. دو نگرانی عمده در مورد سوخت‌های فسیلی وجود دارد؛ کاهش سریع آن‌ها و سهم آن‌ها در افزایش گرمایش جهانی. انرژی خورشیدی یکی منابع تجدیدپذیر در دسترس و تمام‌نشده است که می‌تواند جایگزین مناسبی برای سوخت‌های فسیلی باشد و آلودگی‌های به مراتب کمتری ایجاد کند. در این مقاله ابتدا به معرفی و بررسی یک سیستم حرارتی - خورشیدی پرداخته شده است. سپس، توسط نرم‌افزار TRNSYS و افزونه‌های آن به مدل‌سازی یک سیستم حرارتی - خورشیدی ترکیبی با سیال کاری مایع پرداخته شده است. در نهایت، با استفاده از برنامه GENOPT سیستم را بهینه‌سازی کرده و نتایج را برای سیستم بهینه به دست آورده و در مورد آن‌ها بحث شده است.

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

کلیدواژه:

سیستم خورشیدی خانگی،

بهینه‌سازی انرژی،

گرمایش فضای شهری،

آبگرمکن خورشیدی،

کارایی انرژی تجدیدپذیر.

**استناد:** زاهدی، رحیم؛ یوسفی، حسین؛ اصغرزاده، ملیکا؛ شمس، فاطمه؛ دانشگر، ساره؛ حیدری، سهند و احمدی، ابوالفضل (۱۴۰۳). بهینه‌سازی سیستم گرمایش خورشیدی جهت گرمایش فضاهای شهری و آبگرمکن خانگی. *سیاستگذاری پیشرفت شهری*، ۱(۱) ۱-۱۷.

DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.212760.1000>

© رحیم زاهدی، حسین یوسفی، ملیکا اصغرزاده، فاطمه شمس، ساره دانشگر، سهند حیدری، ابوالفضل احمدی

DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.212760.1000>



## ۱. مقدمه

در این دوره نیاز به انرژی بیش از پیش احساس می‌شود تا حدی که یکی از معیارهای اساسی کشورهای برتر جهان، میزان تولید انرژی و منابع انرژی‌زای آن‌ها است [۱]. با این حال، گرمایش زمین و آسیب‌های زیست‌محیطی، کمبود منابع تجدیدناپذیر و از طرف دیگر آلاینده‌های بالای این منابع، باعث شده است که جامعه جهانی به سمت استفاده از منابع تجدیدپذیر همچون انرژی باد - خورشید - زمین‌گرمایی - برق‌آبی و ... حرکت کند [۲]. اما این مسئله به‌تنهایی راه حلی برای بحران انرژی و محیط زیست نمی‌تواند باشد. یکی از راه‌کارهای مهم برای تأمین انرژی و کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی، استفاده از انرژی‌های توزیع‌شده است [۳]. طرح‌هایی مانند خانه‌های سبز و خانه‌های مستقل که انرژی مورد نیاز ساختمان در خود ساختمان تأمین می‌شود یکی از این راه‌حل‌ها است [۴]. منابعی که در حال حاضر برای استفاده در بخش انرژی توزیع‌شده می‌توان از آن‌ها استفاده کرد، منابع خورشیدی - بادی و زمین‌گرمایی هستند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به خورشیدی و بادی اشاره کرد [۵]. در این مقاله به بررسی سیستم‌های حرارتی - خورشیدی می‌پردازیم.

## ۲. پیشینه تحقیق

یک سیستم خورشیدی به سیستمی گفته می‌شود که انرژی پرتوهای خورشید را به انرژی گرمایی و الکتریسیته تبدیل می‌کند.

### ۲-۱. انواع سیستم‌های خورشیدی

سیستم‌های خورشیدی به سه دسته کلی PV، PVT و حرارتی - خورشیدی تقسیم می‌شوند [۶]. دسته اول PV یا فتوولتائیک‌ها هستند که از فوتون‌های موجود درون پرتوهای خورشید استفاده کرده و الکتریسیته تولید می‌کنند. دسته دوم حرارتی - خورشیدی هستند که از انرژی گرمایی موجود در پرتوهای خورشید برای مصارف مختلف استفاده می‌کنند. دسته سوم PVT‌ها هستند که ترکیبی از دو دسته قبلی هستند و می‌توانند هم‌زمان از انرژی خورشید، هم گرما و هم الکتریسیته برداشت کنند.

### ۲-۲. سیستم‌های حرارتی - خورشیدی

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، سیستم‌های حرارتی - خورشیدی از گرمای پرتوهای خورشید برای مصارف مختلف مانند گرمایش فضاهای شهری، گرمایش آب و تأمین گرمای مورد نیاز فرایندهای حرارتی و ... استفاده می‌کنند [۷]. اما توجه ما در این مقاله روی سیستم‌های حرارتی - خورشیدی است که به طور توزیع‌شده می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. در ادامه، به معرفی انواع این سیستم‌ها می‌پردازیم.

### ۲-۳. انواع سیستم‌های حرارتی - خورشیدی در بخش انرژی توزیع‌شده (خانگی)

سیستم‌های حرارتی - خورشیدی به سه دسته کلی سیستم‌های گرمایش فضاهای شهری، سیستم‌های گرمایش آب و سیستم‌های ترکیبی تقسیم می‌شوند [۸]. سیستم گرمایش فضاهای شهری: از حرارت کسب‌شده از سمت خورشید برای گرمایش فضای داخل و تأمین بار گرمایشی ساختمان استفاده می‌کند.

سیستم‌های آب‌گرمکن [۹]: سیستم‌های آب‌گرمکن نیز برای تأمین آب‌گرم مصرفی ساختمان مورد استفاده قرار می‌گیرند. سیستم‌های ترکیبی: ترکیبی از هر دو سیستم قبلی است و هم‌زمان گرمایش فضا و آب گرم مصرفی را تأمین می‌کند.

### ۲-۴. انواع سیستم‌های خورشیدی از نظر سیال کاری

سیستم‌های حرارتی - خورشیدی از نظر سیال کاری نیز به دو دسته هوایی و مایع تقسیم می‌شوند که سیستم مبتنی بر مایع به دلیل کارایی بالاتر بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

## ۲-۵. انواع سیستم‌های حرارتی - خورشیدی با سیال کاری مایع

سیستم‌های مبتنی بر مایع نیز خود به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شوند [۱۰].

**مستقیم:** در سیستم مستقیم، آب وارد کالکتور شده، گرم می‌شود و مستقیماً به سمت مصرف می‌رود.

**غیرمستقیم:** در سیستم غیرمستقیم، آب یا مایع داخل یک سیکل بسته قرار دارد و گرمای کسب‌شده از سیستم خورشیدی را توسط یک مبدل حرارتی به آب مصرفی منتقل می‌کند.

## ۳. مواد و روش‌ها

### ۳-۱. اجزای یک سیستم حرارتی - خورشیدی

کالکتور: کالکتور مهم‌ترین بخش یک سیستم حرارتی - خورشیدی است که وظیفه تبدیل انرژی خورشیدی و استخراج گرما از نور خورشید را به عهده دارد.

اجزای کالکتور: صفحه جاذب، قاب، لعاب (پوشش)، عایق، لوله

مخزن ذخیره: وظیفه ذخیره انرژی گرمایی حاصل از کالکتور را به عهده دارد [۱۰].

پمپ: وظیفه پمپ، تأمین دبی و فشار مناسب در سیکل کالکتور است.

سیستم کنترلی: وظیفه این سیستم کنترل پمپ و جلوگیری از اتلاف انرژی الکتریکی است.

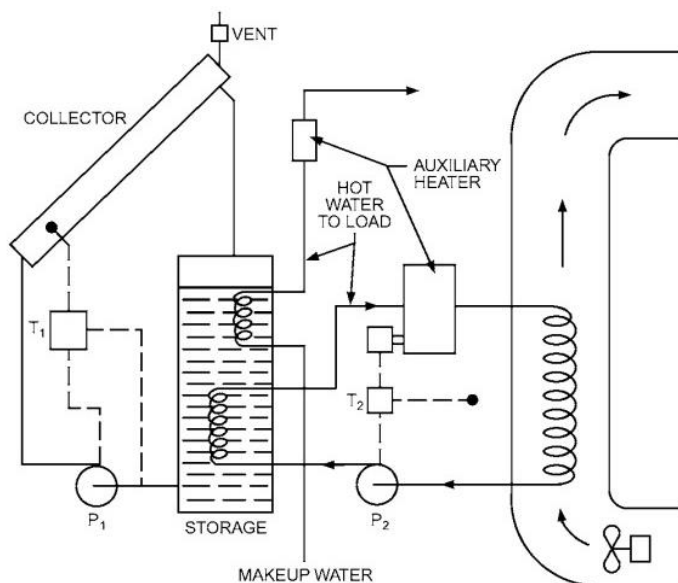
مبدل حرارتی: وظیفه این جزء تبادل حرارت بین تانک و سیکل کالکتور است [۱۱].

تأسیسات گرمایشی خارجی: وظیفه این تأسیسات تأمین انرژی مورد نیاز برای رسیدن دمای محیط یا آب به دمای مورد نظر

است که سیستم خورشیدی قادر به تأمین کل آن انرژی نبوده است.

### ۳-۲. سیستم حرارتی - خورشیدی با سیال کاری مایع به روش غیرمستقیم

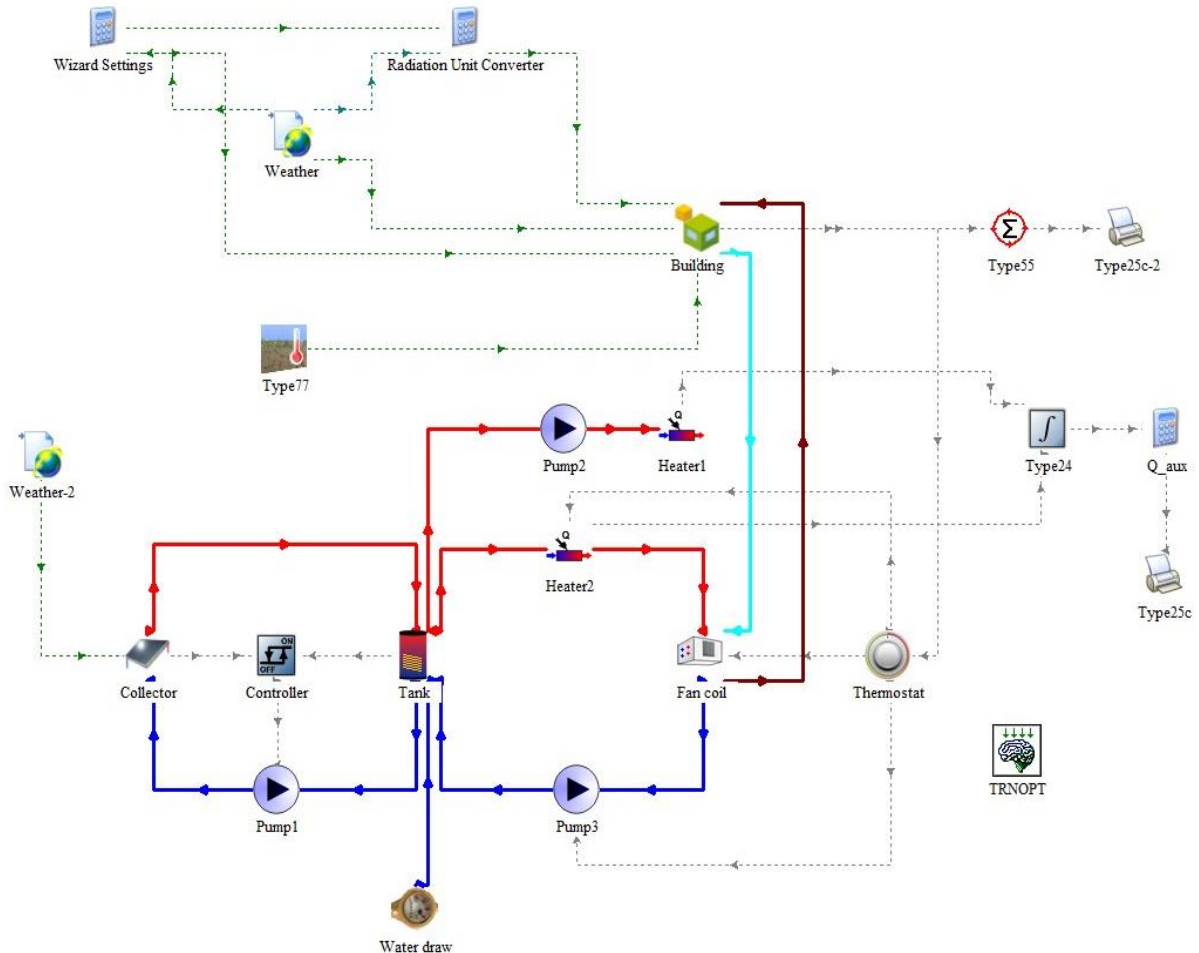
در شکل ۱ شما یک سیستم حرارتی - خورشیدی با سیال کاری مایع به روش غیر مستقیم را مشاهده می‌کنید. در این سیستم ۳ جریان مختلف وارد تانک می‌شوند. جریان اول که سیکل کالکتور است و وظیفه جمع‌آوری انرژی و تحویل آن به مخزن را دارد. جریان دوم آب شهری است که وارد یک مبدل حرارتی درون مخزن شده و با تبادل حرارتی توسط مبدل گرم می‌شود و به سمت بار مصرفی می‌رود. جریان سوم نیز پس از ورود به مبدل حرارتی دوم درون مخزن، گرم می‌شود و به سمت یک فن کویل می‌رود تا گرمایش محیط را تأمین کند.



شکل ۱. نمای از یک سیستم حرارتی - خورشیدی ترکیبی با سیال کاری مایع و غیر مستقیم

### ۳-۳. مدل سازی سیستم

برای مدل سازی این سیستم از نرم افزار TRNSYS و افزونه های آن استفاده شده است. در شکل ۲ مراحل و اجزای شبیه سازی قابل مشاهده است.



شکل ۲. نمایی از یک سیستم حرارتی - خورشیدی ترکیبی با سیال کاری مایع و غیرمستقیم

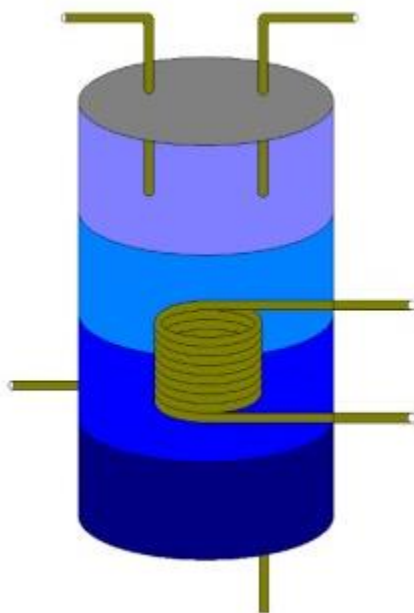
### کالکتور

در اینجا برای مدل کردن کالکتور از جزء TYPE-73 استفاده شده است که یک کالکتور صفحه تخت را شبیه سازی می کند. معادله حاکم بر کالکتورهای صفحه تخت که در این جزء از آن برای مدل سازی استفاده شده، عبارت است از:

$$q_u = FRAC[I_t \tau \alpha - U_L(t_i - t_a)]$$

### مدل سازی مخزن ذخیره:

برای مدل کردن مخزن از جزء TYPE-156 استفاده شده است. این جزء یک مخزن با ۳ جریان را مدل می کند که یک جریان توسط مبدل حرارتی وارد مخزن می شود و ۲ جریان دیگر به صورت مستقیم وارد مخزن شده و سپس از آن خارج می شوند. در برنامه مقدار انرژی ذخیره شده در مخزن و مقدار اتلاف انرژی توسط این جزء محاسبه می شود.



شکل ۳. مخزن ذخیره با ۳ جریان

#### پمپ

برای مدل‌سازی پمپ از جزء TYPE-114 استفاده شده است که در ورودی‌های آن مقدار دبی ورودی و خروجی مشخص می‌شود و دارای ورودی سیگنال است که این امکان را به ما می‌دهد که توسط سیستم کنترلی آن را کنترل کنیم.

#### مدل‌سازی شرایط آب‌وهوایی

در مدل‌سازی و بررسی سیستم‌های خورشیدی، شرایط آب‌وهوایی مهم‌ترین عامل است. به همین دلیل، وارد کردن اطلاعات آب‌وهوایی به شبیه‌سازی لازم است. به منظور این کار از جزء TYPE-15-6 استفاده شده است که اطلاعات آب‌وهوایی استخراج‌شده توسط نرم‌افزار METEONORM را وارد TRNSYS می‌کند.

#### مدل‌سازی سیستم کنترلی

برای مدل کردن این سیستم از TYPE-165 استفاده شده است. این جزء در ورودی ۲ دمای بالا و پایین را می‌گیرد، با هم مقایسه می‌کند و سیگنال خاموش/روشن را در خروجی می‌دهد.

#### مدل‌سازی تأسیسات خارجی

برای مدل کردن این بخش از جزء TYPE-6 استفاده شده است که دمای تنظیم دارد تا ناتوانی کالکتور در تأمین انرژی مورد نیاز برای رسیدن سیستم به دمای مورد نظر را جبران کند.

#### مدل‌سازی فن کویل

برای این منظور از جزء TYPE-137 استفاده شده است تا تبادل حرارتی بین هوای برگشتی از فضا و آب سیکل را تأمین کند.

#### ترموستات

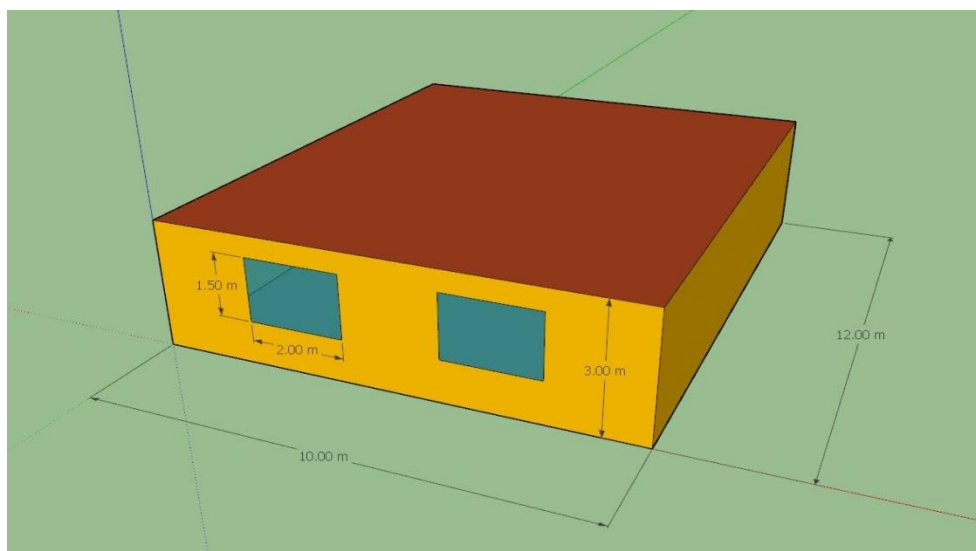
در اینجا ترموستات را با جزء TYPE-166 مدل می‌کنیم. این جزء دمای فضا را با دمای راحتی در فصل زمستان مقایسه کرده و در خروجی خود سیگنال خاموش/روشن ارسال می‌کند (کارکرد فن کویل و پمپ و تأسیسات گرمایشی خارجی جریان فن کویل را کنترل می‌کند).

### مدل‌سازی آب گرم مصرفی

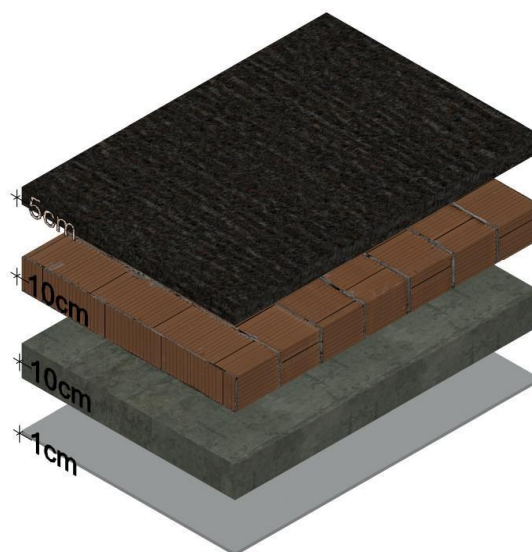
جزء TYPE-14b وظیفه مدل کردن مقدار آب مصرفی را به عهده دارد (شبیه به کنتور عمل می‌کند). برای محاسبه آب گرم مصرفی فرض شده است که سکنه ۴ نفر هستند و هر نفر به طور متوسط در روز ۳۰ لیتر آب مصرف می‌کند و خانه در فواصل زمانی ۸ صبح تا ۵ بعد از ظهر خالی است (۱۶ ساعت مصرف آب) که در ساعاتی که افراد خانه هستند به ازای هر ساعت ۵/۷ لیتر به آب مصرفی نیاز است.

### مدل‌سازی بار گرمایشی فضای شهری

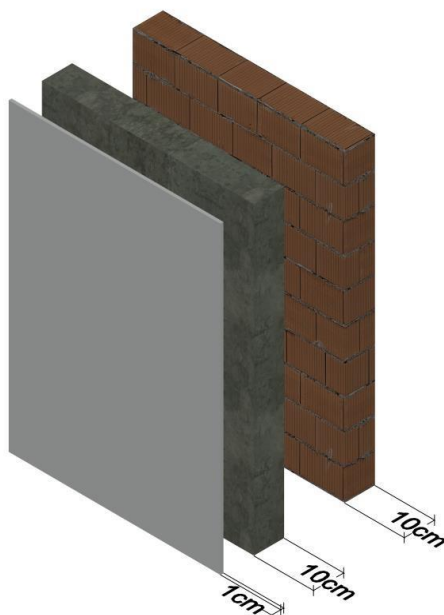
برای این کار از نرم‌افزار TRNBUILD که یکی از افزونه‌های نرم‌افزار TRNSYS است استفاده شده که به واسطه TYPE-56 در نرم‌افزار TRNSYS اعمال می‌شود. برای مدل کردن بار گرمایشی، همان‌طور که در شکل ۴ دیده می‌شود، یک خانه با ابعاد  $3 \times 12 \times 10$  و دو پنجره به ابعاد  $2 \times 5/1$  در ضلع جنوبی و دو پنجره با همین ابعاد در ضلع شمالی (در مجموع ۴ پنجره) در نرم‌افزار SKETCHUP طراحی شده و وارد نرم‌افزار TRNBUILD شده. ضخامت و مصالح به کاررفته در دیوارها و سقف در جدول ۱ و شکل‌های ۵ و ۶ قابل مشاهده است.



شکل ۴. خانه شبیه‌سازی شده در نرم‌افزار SketchUp



شکل ۵. مصالح به کاررفته در سقف



شکل ۶. مصالح به کاررفته در دیوارها

جدول ۱. خواص فیزیکی و ضخامت مصالح به کاررفته در دیوارها و سقف

مقاومت حرارتی (h.m <sup>2</sup> .k/kJ)	چگالی (3kg/m <sup>3</sup> )	ظرفیت گرمایی (kJ/kg.k)	ضریب انتقال حرارت (kJ/hr.m.k)	ضخامت (m)	مصالح
-	۱۲۵۰	۱.۱	۱.۵	۰.۰۱	گچ
-	۹۰۰	۰.۸	۲.۴	۰.۱	بتن
-	۲۰۰۰	۰.۹	۴.۸	۰.۱	آجر
-	۱۰۱۰	۱.۸۵	۲.۱	۰.۰۵	ایزوگام
۰.۰۴۴	-	-	-	-	فاصله هوایی

در نهایت بار گرمایشی محاسبه شده در نرم افزار مقدار ۵/۹ KW به دست آمد.

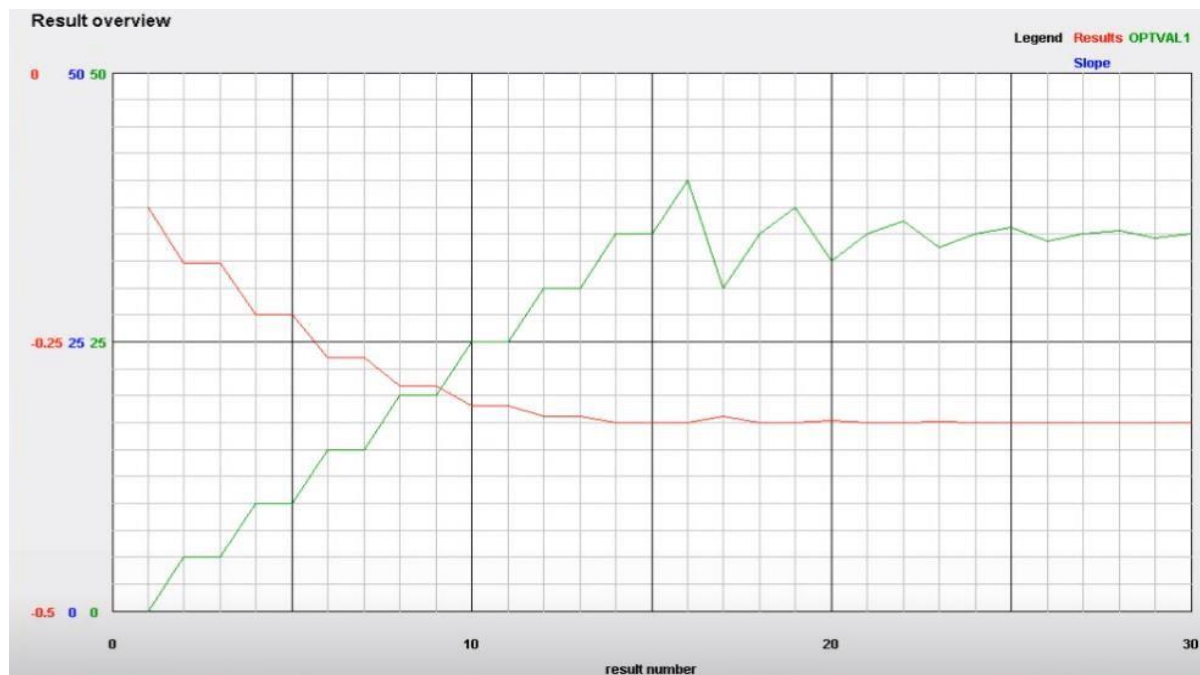
### ۳-۴. بهینه‌سازی

پس از مدل کردن سیستم زمان بهینه‌سازی فرا می‌رسد. برای بهینه‌سازی در نرم افزار TRNSYS از یک افزونه به اسم TRNOPT استفاده شده که رابط بین برنامه TRNSYS و برنامه بهینه‌سازی GENOPT است. برای بهینه‌سازی، تابع هدف: انرژی مفید کالکتور و متغیر آن: مقدار شیب کالکتور در نظر گرفته شده است. برنامه GENOPT دارای توانایی‌های مختلفی از جمله بهینه‌سازی چندهدفه، تک‌هدفه، چندمتغیره و تک‌متغیره و همچنین، دارای انواع مختلفی از روش‌های بهینه‌سازی است. در این بخش ما از روش COORDINATE SEARCH استفاده کردیم.

شکل ۶- مصالح به کار رفته در دیوارها

#### روش COORDINATE SEARCH

در این روش ابتدا بازه‌ای برای بهینه‌سازی انتخاب می‌کنیم. (مثلاً برای این مسئله بازه ۰ تا ۹۰ درجه برای شیب کالکتور در نظر می‌گیریم) سپس یک STEP (به عنوان مثال ۵) انتخاب می‌کنیم. برنامه با اندازه ۵ درجه شروع به پیشروی می‌کند تا جایی که تابع هدف شروع به افزایش کند (در این برنامه، بهینه‌سازی بر حسب مینیمم است و برای پیدا کردن حداکثر تابع هدف، آن را در منفی ضرب می‌کنیم و بهینه‌سازی را برای منفی تابع هدف انجام می‌دهیم). بعد از آن، با STEP کوچک‌تری برمی‌گردیم تا جایی که دوباره تابع هدف افزایش یابد و به همین صورت، به قدری بازه بهینه‌سازی را کوچک می‌کنیم تا به یک مقدار یا یک بازه خیلی کوچک برسیم.

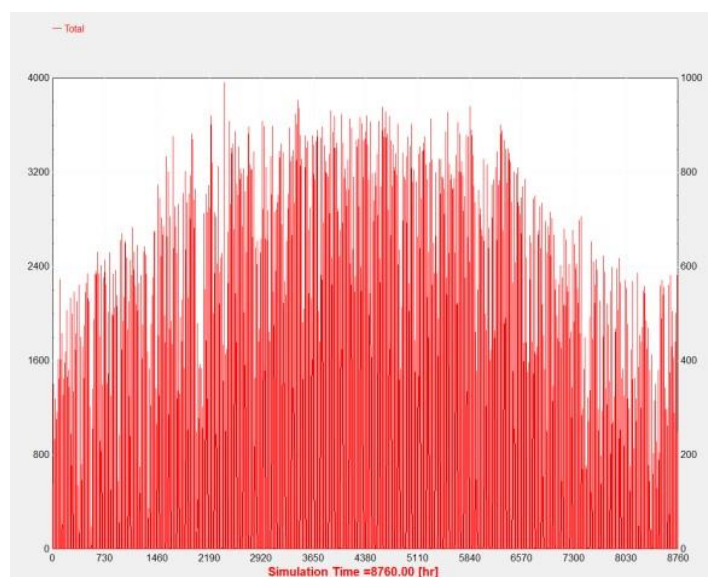


شکل ۷. نمودار بهینه‌سازی

در شکل ۷ نمودار بهینه‌سازی را پس از اتمام مراحل بهینه‌سازی مشاهده می‌کنید که به همگرایی رسیده و جواب این بهینه‌سازی مقدار شیب ۳۵ درجه است. در ادامه، خروجی‌های سیستم حرارتی - خورشیدی با توجه به شیب ۳۵ درجه آمده است.

#### ۴. یافته‌ها

در شکل ۸ میزان تابش خورشیدی کل برای یک سال و در شکل ۹ میزان تابش خورشیدی کل برای هر ماه به صورت جداگانه برای شهر تهران قابل مشاهده است. همان‌طور که می‌بینید، شهر تهران به علت روزهای خورشیدی فراوان با تابش خورشیدی زیاد دارای پتانسیل مناسبی برای سیستم‌های خورشیدی است. با دقت به نمودارهای تابش خورشیدی کل برای هر ماه می‌توان دریافت که مقدار تابش در ماه‌های تابستانی و بهار بیشتر از ماه‌های دیگر سال است؛ به این دلیل که در ۶ ماه زمستان و پاییز به علت ابری یا بارانی بودن هوا و شرایط بد جوی میزان تابش خورشید به حداقل می‌رسد.

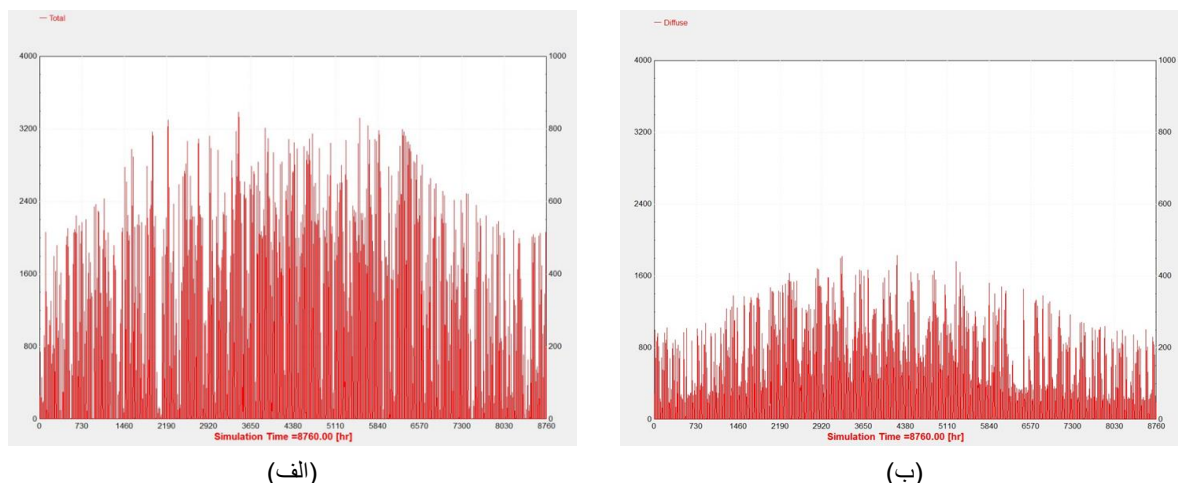


شکل ۸. تابش خورشیدی کل طی سال



شکل ۹. تابش خورشیدی کل در سال

در شکل ۱۰- ب میزان تابش خورشیدی پراکنده طی یک سال برای شهر تهران قابل مشاهده است. تابش خورشیدی پراکنده مجموع تابش‌های پراکنده شده توسط جو و آسمان و انعکاس پرتوهای برخوردی با زمین و سطوح مختلف است. در شکل ۱۰- الف میزان تابش پرتوهای خورشیدی را برای شهر تهران مشاهده می‌کنید. تابش پرتوهای خورشید شامل پرتوهایی می‌شود که بدون پراکنده شدن به سطح می‌رسند. تابش خورشیدی کل نیز مجموع تابش پرتوهای خورشید و تابش خورشیدی پراکنده است.

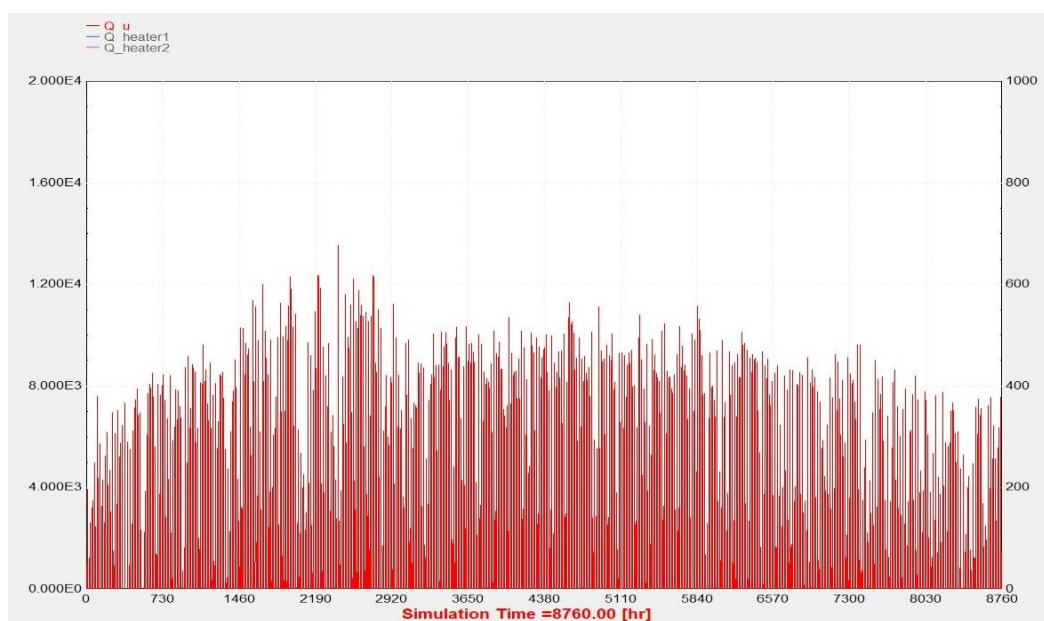


(الف)

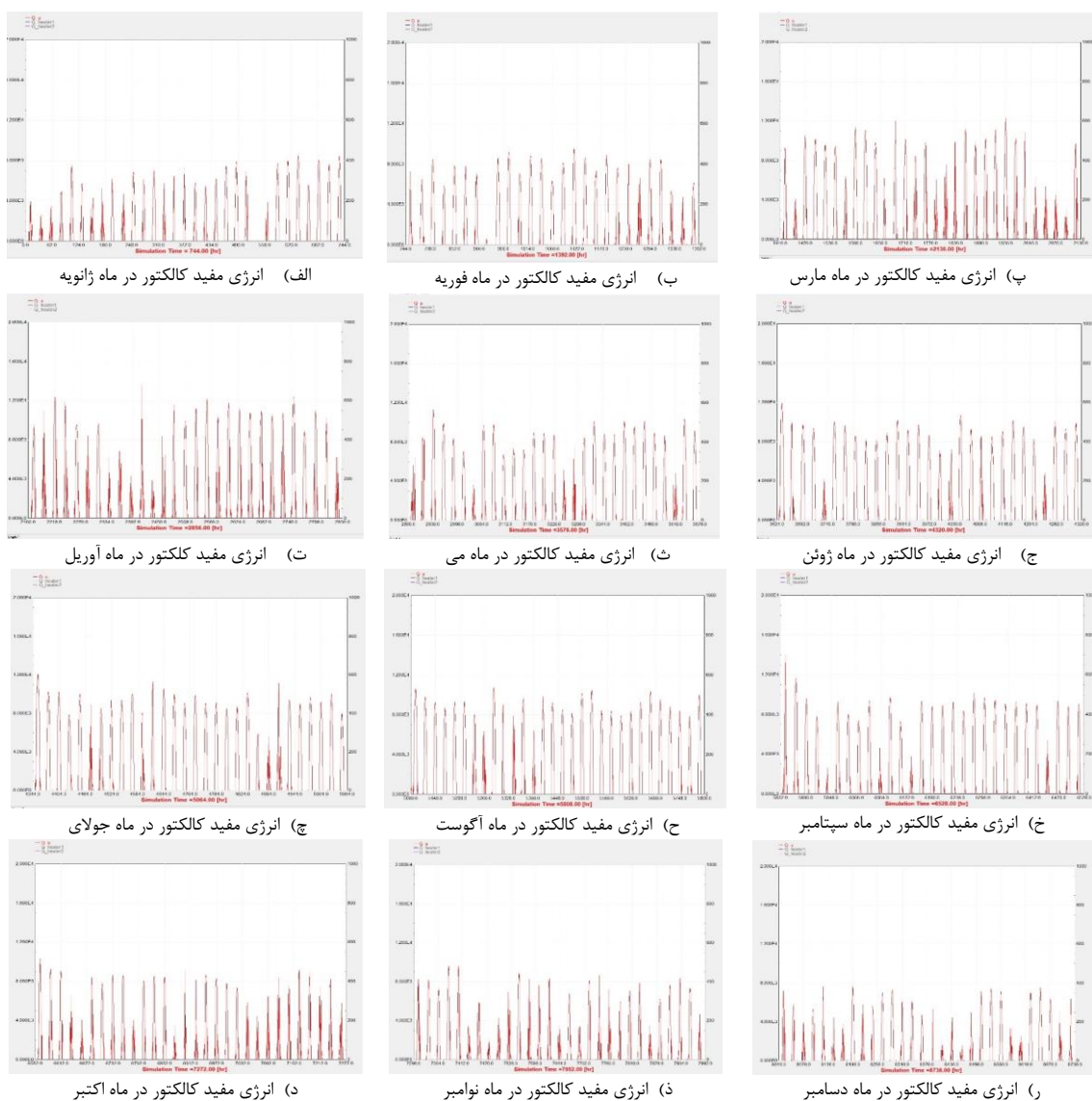
(ب)

شکل ۱۰. الف) تابش پرتوهای خورشید طی یک سال، ب) تابش خورشیدی پراکنده طی یک سال

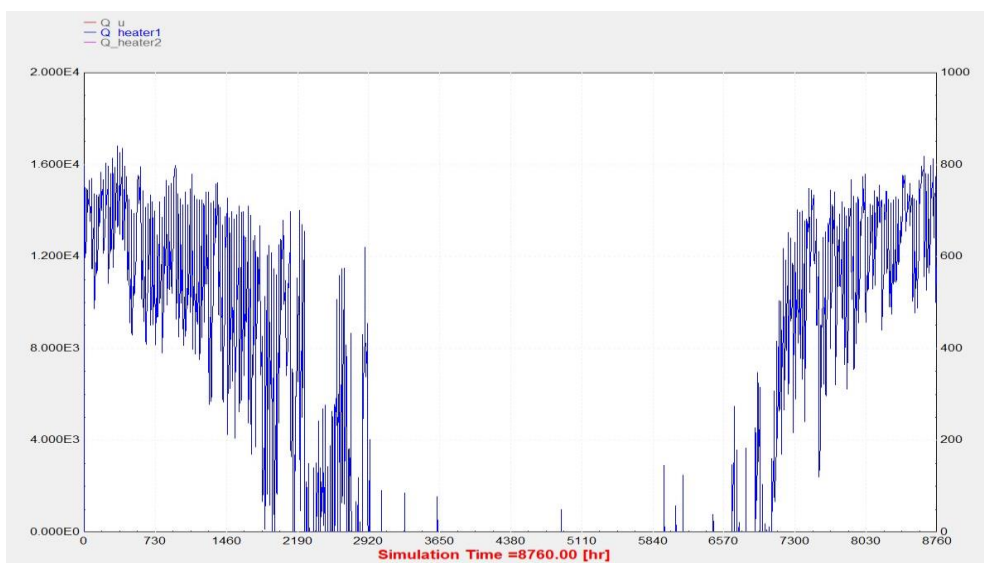
پس از اعمال کردن شیب ۳۵ درجه به کالکتورها نتایج زیر توسط برنامه گرفته شده است. شکل ۱۱ انرژی مفید کالکتور را در یک سال و شکل ۱۲ انرژی مفید کالکتور در هر ماه را به صورت جداگانه برای شهر تهران نشان می‌دهد. همان‌طور که قابل مشاهده است، میزان انرژی مفید کالکتور در ماه‌های تابستانی و بهاری به‌خصوص تابستانی بیشتر از ماه‌های پاییزی و زمستانی است. علت این امر، تابش بیشتر خورشید در ماه‌های تابستانی و بهاری است و بهینه‌سازی شیب کالکتور نیز باعث شده است که کالکتور با بهترین زاویه این تابش‌ها را دریافت کند. در شکل ۱۳ میزان انرژی تولیدشده توسط heater ۱ را طی سال مشاهده می‌کنید. با دقت به شکل می‌توان متوجه شد که سیستم خورشیدی طراحی شده برای آب گرم مصرفی در ماه زمستان نیاز به انرژی خارجی بیشتری نسبت به ماه‌های تابستان برای گرمایش آب دارد که آن هم به علت حداقل بودن تابش خورشیدی در زمستان است. اما در فصل‌های تابستانی و بهاری می‌توان گفت که سیستم بدون هیچ کمکی توانسته انرژی گرمایی مورد نیاز برای آب گرم مصرفی را تولید کند. مقایسه انرژی مفید کالکتور و انرژی تولیدشده توسط heater ۱ طی یک سال در شکل ۱۴ نشان داده شده است.

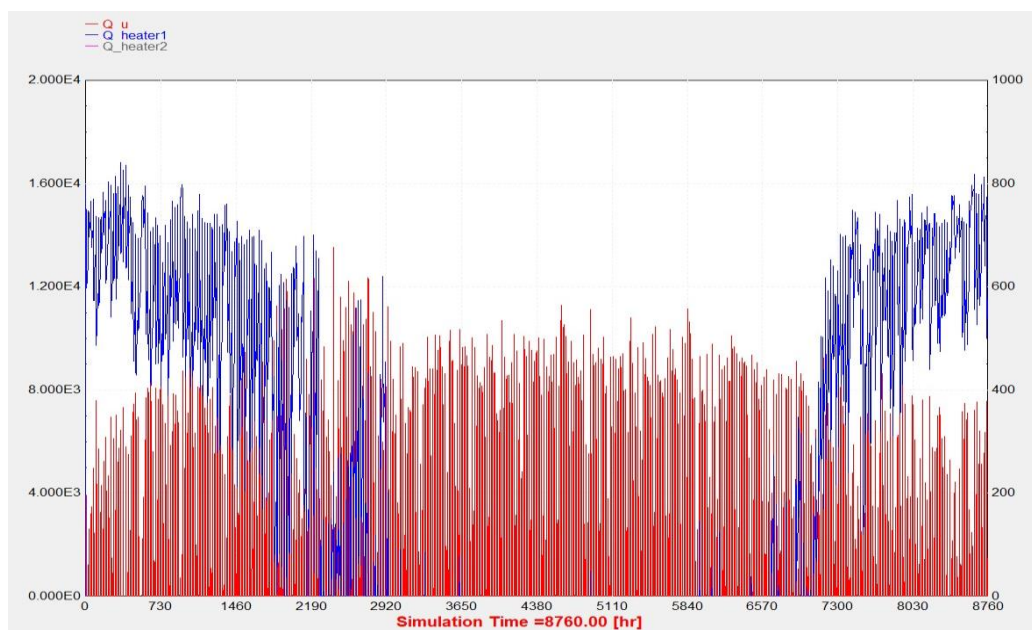


شکل ۱۱. انرژی مفید کالکتور طی یک سال



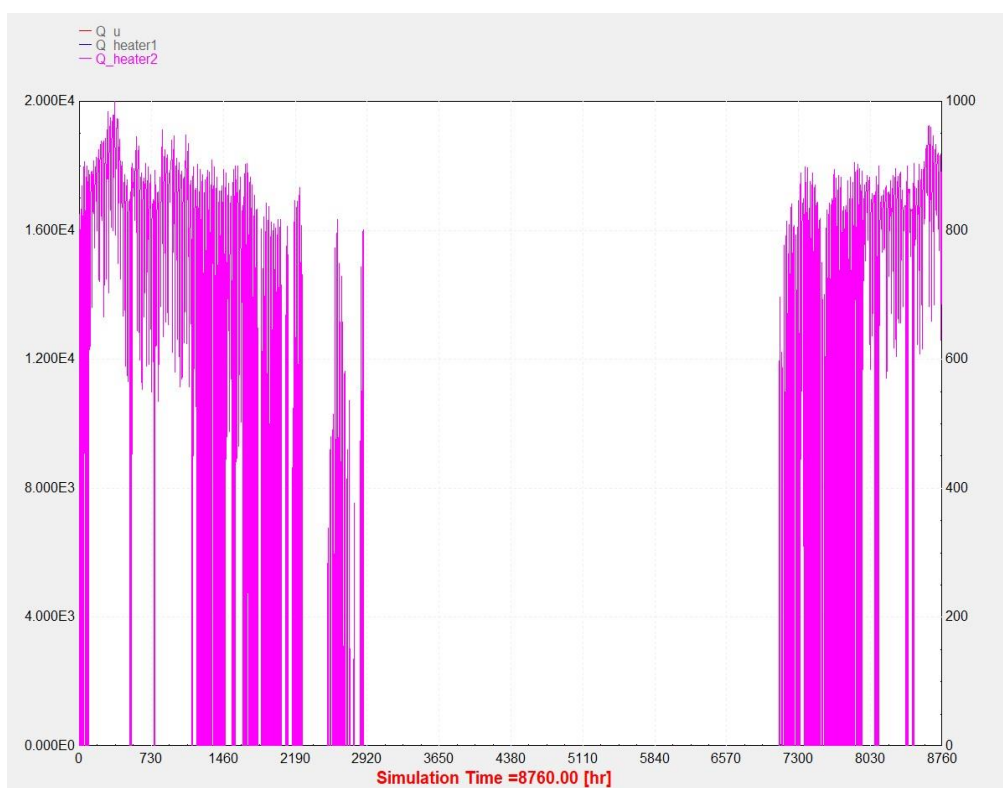
شکل ۱۲. انرژی مفید کالکتور در سال



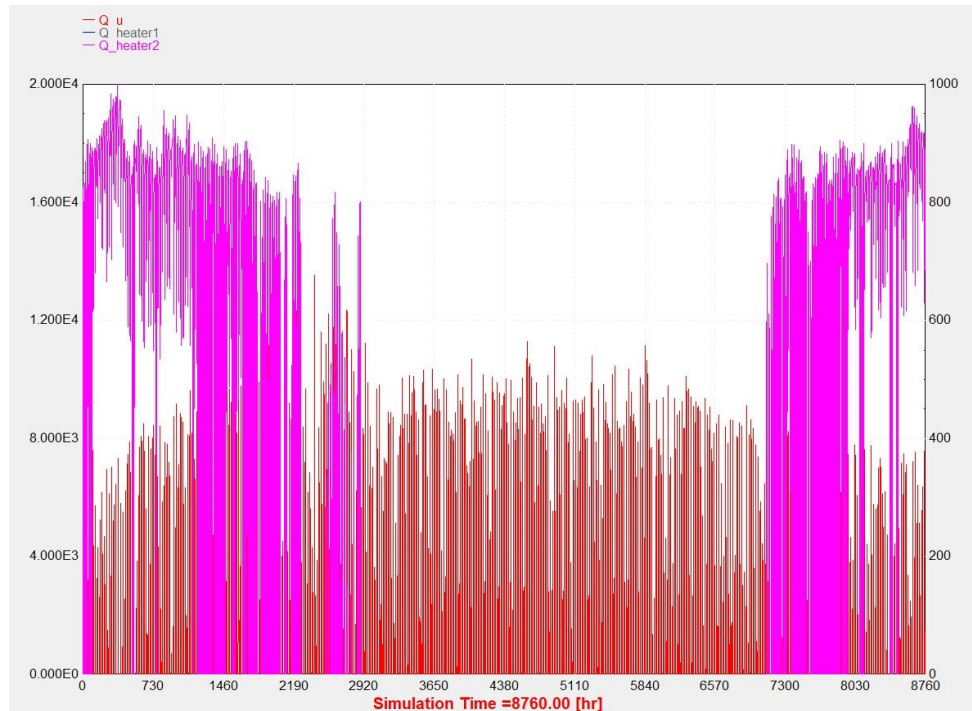


شکل ۱۴. مقایسه انرژی مفید کالکتور و انرژی تولیدشده توسط heater<sup>۱</sup> طی یک سال

مجموع انرژی تولیدشده توسط heater<sup>۱</sup> در یک سال ۱۵ MW است که در مجموع طی شب و مواقعی که سیستم خورشیدی توان تأمین انرژی گرمایی مورد نظر برای رساندن آب به درجه مطلوب را ندارد استفاده شده است. در شکل ۱۵ میزان انرژی تولیدشده توسط heater<sup>۲</sup> طی سال و مقایسه انرژی مفید کالکتور و انرژی تولیدشده در شکل ۱۶ مشاهده می‌شود.

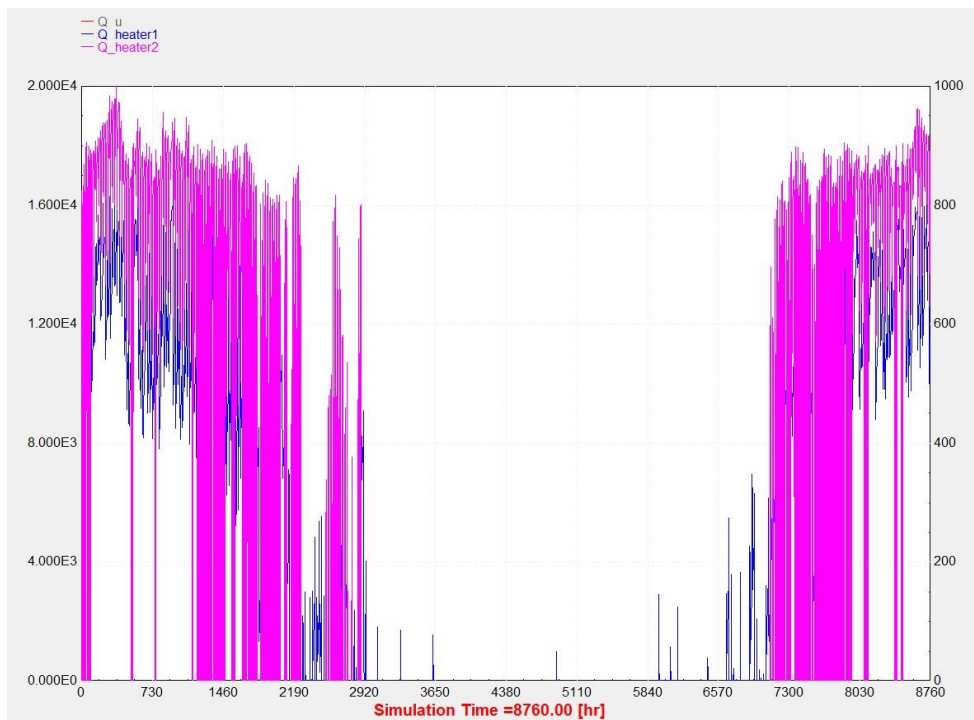


شکل ۱۵. مقایسه انرژی مفید کالکتور و انرژی تولیدشده توسط heater<sup>۱</sup> طی یک سال

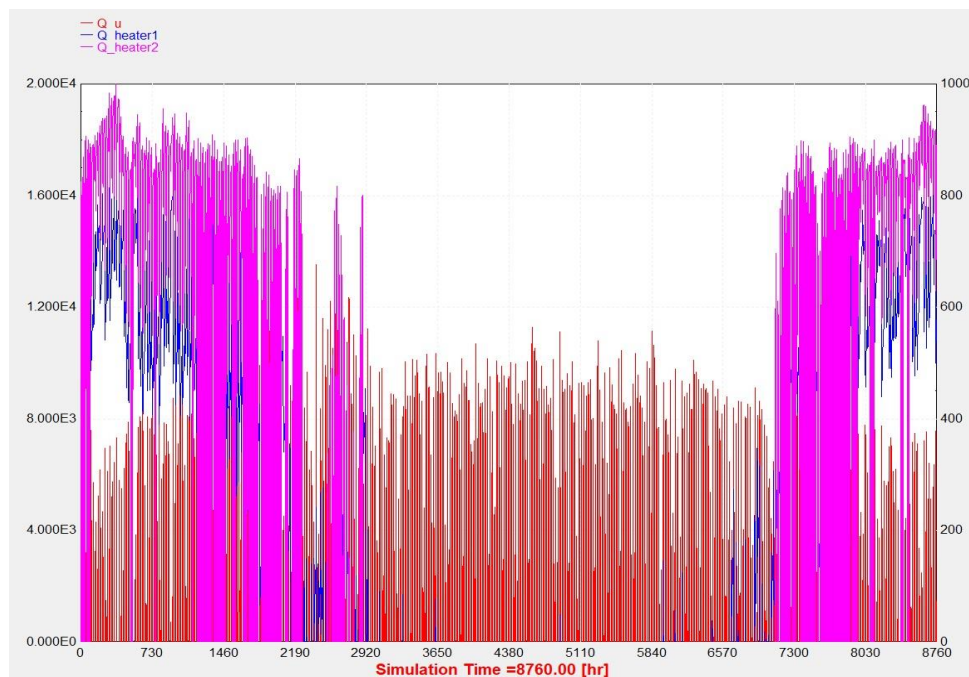


شکل ۱۶. مقایسه انرژی مفید کالکتور و انرژی تولیدشده توسط heater<sub>۲</sub> طی سال

مجموع انرژی تولیدشده توسط heater<sub>۲</sub> طی یک سال ۱۳ MW است. انرژی تولیدشده توسط heater<sub>۲،۱</sub> طی سال و مقایسه انرژی مفید کالکتور و انرژی تولیدشده توسط heater<sub>۲،۱</sub> طی سال در شکل‌های ۱۷ و ۱۸ نشان داده شده‌اند. مجموع انرژی تولیدشده توسط تأسیسات خارجی (heater<sub>۱</sub>+heater<sub>۲</sub>) 28MW است.



شکل ۱۷. انرژی تولیدشده توسط heater<sub>۲،۱</sub> طی سال



شکل ۱۸. مقایسه انرژی مفید کالکتور و انرژی تولیدشده توسط heater<sub>۱</sub> طی سال

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج می‌توان گفت که تهران دارای پتانسیل بسیار بالایی برای استفاده از انرژی خورشیدی در بخش انرژی توزیع‌شده است و نه فقط برای گرمایش، بلکه برای هر سیستم تهویه مطبوعی حتی سرمایشی مانند چیلرهای جذبی - خورشیدی. اما با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در این مقاله با وجود بهینه‌سازی شیب کالکتور، سیستم در تأمین بار گرمایشی فضای شهری، دچار مشکل است و ترکیب دو سیکل باعث حتی پایین آمدن کارایی آبگرمکن خورشیدی شده است. برای گرمایش فضا بهتر است از سیستم‌های مبتنی بر هوا استفاده شود و برای آبگرم مصرفی از سیستم‌های مبتنی بر مایع، زیرا سیستم‌های هوایی به صورت مستقیم هوای برگشتی از فضای شهری را گرم می‌کنند و همان هوا را به محیط تحویل می‌دهند و نیازی به مبدل حرارتی نیست و به همین دلیل بازدهی سیستم افزایش پیدا می‌کند. برای تحقیقات آینده پیشنهاد می‌شود که اثرات اقتصادی و زیست‌محیطی بهینه‌سازی سیستم‌های گرمایش خورشیدی در مقیاس بزرگ‌تر مانند ساختمان‌های تجاری و صنعتی و همچنین ادغام آن با سایر منابع انرژی تجدیدپذیر مورد بررسی قرار گیرد.

## منابع

1. Noorollahi Y, Zahedi R, Ahmadi E, Khaledi A. Low carbon solar-based sustainable energy system planning for residential buildings. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*. 2025;207:114942. <https://doi.org/10.1016/j.rser.2024.114942>
2. Zahedi R, Abdoos M, Shahee A, Aslani A, Yousefi H. Technical, economic and environmental assessment of carbon capture from thermal power plants and convert it into value added concrete material. *Emergent Materials*. 2024;1-12. <https://doi.org/10.1007/s42247-024-00809-8>
3. Khah MV, Zahedi R, Eskandarpanah R, Mirzaei AM, Farahani ON, Malek I, et al. Optimal sizing of residential photovoltaic and battery system connected to the power grid based on the cost of energy and peak load. *Heliyon*. 2023. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2023.e14414>
4. Antoniadis CN, Martinopoulos G. Optimization of a building integrated solar thermal system with seasonal storage using TRNSYS. *Renewable Energy*. 2019;137:56-66. <https://doi.org/10.1016/j.renene.2018.03.074>
5. Tayefeh A, Aslani A, Zahedi R, Yousefi H. Reducing energy consumption in a factory and providing an upgraded energy system to improve energy performance. *Cleaner Energy Systems*. 2024;100124. <https://doi.org/10.1016/j.cles.2024.100124>
6. Zahedi R, Gitifar A, Ahmadi A. Case study and modeling of energy consumption of buildings on an urban scale using MATLAB software. 2022. <https://doi.org/10.22059/ses.2023.340522.1003>
7. Ghodrati A, Bahmanyar S, Orouji S, Zahedi R, Ahmadi A. Modeling of 1 MW Solar Power Plant in Chabahar Using RETScreen Software. 2024. <https://doi.org/10.22059/ses.2024.376593.1068>
8. Zahedi R, Mohseni E, Sadeghitabar E, Ahmadi A, Ranjbar N, Shaghghi A, et al. Optimum planning of hybrid microgrid system connected to the grid using Homer software for Ahvaz city. 2023. <https://doi.org/10.22059/ses.2024.370277.1049>
9. Abdous M, Aslani A, Noorollahi Y, Zahedi R. Design and analysis of zero-energy and carbon buildings with renewable energy supply and recycled materials. *Energy and Buildings*. 2024;114922. <https://doi.org/10.1016/j.enbuild.2024.114922>
10. Shoaie M, Aslani A, Zahedi R. Environmental analysis and comparison of the conventional and fractal glass textured surface photovoltaic panels. *Sustainable Energy Research*. 2024;11(1):27. <https://doi.org/10.1186/s40807-024-00121-3>
11. Zahedi R, Aslani A, Yousefi H, Noorollahi Y, Astarai FR. Water, Energy, Food, and Environment Nexus for Achieving Sustainable Transition, Addressing Gaps, and Implementing Solutions for Global and Iranian Cases. *Energy Science & Engineering*. 2024. <https://doi.org/10.1002/ese3.1950>





## Development of Urban Sports Culture through the Exploration of Sports Events and Urban Management

Kianoosh Zakerhaghighi<sup>1</sup> | Ali Zeynaly Azim<sup>2\*</sup> 

1. Professor, Department of Urban Planning, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: [zakerhaghighi@iauh.ac.ir](mailto:zakerhaghighi@iauh.ac.ir)

2. Corresponding Author, Post-doctoral researcher in urban design, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Rajaee Tarbiat University, Tehran, Iran. Email: [al.zeynaly@gmail.com](mailto:al.zeynaly@gmail.com)

### ARTICLE INFO

**Article type:**  
Research Paper

**Article History:**  
Received 16 October 2024  
Revised 15 November 2024  
Accepted 20 December 2024  
Published Online 04 January 2025

**Keywords:**  
Culture,  
Sports events,  
Sports culture,  
Urban culture,  
Urban Management.

### ABSTRACT

Sports events have a profound and multifaceted impact on the development of urban sports culture, making their study of significant academic and practical importance. This research aims to examine how urban sports culture can be cultivated through the exploration and utilization of sports events, emphasizing the pivotal role of urban management. Using descriptive-library methods and logical analysis techniques, this study delves deeply into the influence of sports events on the enhancement of urban sports culture. Findings reveal that hosting sports events can act as a catalyst for fostering social cohesion, increasing a city's attractiveness, and expanding its cultural and social impact locally and globally. These impacts highlight the importance of urban management in effectively integrating sports events into the broader framework of urban cultural development. The study presents several strategies: integrating sports events with local culture to create a distinctive urban identity, attracting exceptional cultural talents to enhance urban cultural evolution, and establishing cultural brands to boost the city's core competitiveness. Furthermore, urban management plays a crucial role in ensuring the sustainable use of sports infrastructure, fostering participatory planning, and leveraging sports events to strengthen social interaction and inclusivity. The findings of this research offer practical insights for policymakers and urban managers to optimize the synergy between sports events and urban management strategies, enabling the sustainable development of urban sports culture.

**Cite this article:** Zakerhaghighi, K. & Zeynaly Azim, A. (2025). Development of Urban Sports Culture through the Exploration of Sports Events and Urban Management. *Urban Development Policy Making*, 1 (1), 19-33. DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.214475.1003>



© Kianoosh Zakerhaghighi & Ali Zeynaly Azim  
DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.214475.1003>

### 1. Introduction

Urbanization and industrialization over the last century have led to significant transformations in cities, particularly in the central areas and inner fabric of cities. These transformations, while driving economic and social progress, have also created critical challenges in the form of decaying urban infrastructures, dilapidated buildings, and underserved communities. The rapid urban growth and unplanned development in many regions have led to the emergence of informal settlements, deteriorating neighborhoods, and urban slums. In this context, revitalizing these urban areas, particularly those with inefficient infrastructure and substandard living conditions, has become one of the most significant urban challenges worldwide. In response, various urban policies and approaches have been implemented, but the effectiveness of these interventions has often been compromised by

the lack of adequate local participation, ignoring the social and cultural dimensions of the affected communities. Thus, urban regeneration, with a focus on sustainable, inclusive, and participatory development, is becoming increasingly important for improving the quality of life in these neglected areas. This study focuses on urban regeneration in the city of Sarab, specifically targeting deteriorating urban areas in need of revitalization.

## **2. Background**

Through an integrated approach that combines urban planning, community engagement, and environmental sustainability, the research aims to develop a comprehensive framework for identifying and revitalizing the city's most vulnerable neighborhoods.

## **3. Methodology**

The research adopts a descriptive-analytical and survey-based methodology. Data was collected through a combination of document analysis, including reports and plans from relevant governmental organizations, and interviews with experts, local authorities, and residents of the affected neighborhoods. This approach allowed for a comprehensive understanding of the urban challenges in Sarab, as well as insights into the needs and priorities of the local communities. To assess the urban decay and identify the areas most in need of regeneration, a set of qualitative and quantitative indicators was developed. These indicators included demographic, social, economic, environmental, and urban infrastructure criteria. The data was analyzed using advanced analytical tools, such as GIS (Geographic Information Systems), and multicriteria decision-making techniques like AHP (Analytic Hierarchy Process) and WLC (Weighted Linear Combination). These tools were used to map the city's decaying areas based on the identified criteria and to prioritize intervention strategies.

## **4. Results and Discussion**

The results of the study indicate a clear spatial distribution of urban decay in Sarab, with the most deteriorated neighborhoods concentrated in the central parts of the city. The analysis of the collected data showed that factors such as high population density, low-income households, inadequate infrastructure, and limited access to basic services were the main drivers of urban decay in these areas. Additionally, socio-economic challenges such as unemployment, inadequate housing, and lack of community empowerment were found to exacerbate the vulnerability of these neighborhoods. In terms of specific indicators, the study found that the social and economic indices (such as poverty rate, unemployment rate, and social exclusion) had the highest impact on the overall condition of the urban fabric. Environmental factors, such as poor waste management and lack of green spaces, also played a significant role in the decline of urban areas. The findings suggest that a comprehensive approach to urban regeneration, which addresses both the physical infrastructure and the socio-economic needs of the local population, is essential for the success of revitalization efforts in Sarab. The AHP and WLC methods identified several key areas that require immediate attention, including improving infrastructure (such as roads, water supply, and sanitation), enhancing public services (education, healthcare, and transportation), and promoting social inclusion through community empowerment programs. The GIS mapping and decision-making process revealed that interventions in these areas could significantly improve the quality of life for the affected residents and contribute to the sustainable development of the city.

## **Conclusion**

The study highlights the importance of a holistic and integrated approach to urban regeneration, particularly in cities like Sarab, where the challenges of urban decay are compounded by socio-economic inequalities and environmental degradation. The results underscore the need for a shift in urban planning strategies, from purely physical renewal to a more comprehensive model that incorporates social, economic, and environmental considerations. The findings suggest that the key to successful urban regeneration lies in engaging local communities in the planning and implementation processes. By empowering residents and involving them in decision-making, urban renewal efforts can be better tailored to meet the specific needs and aspirations of the community. Furthermore, the study emphasizes the importance of sustainable development practices that not only address the immediate

concerns of urban decay but also ensure long-term resilience to future challenges. In conclusion, the research demonstrates that urban regeneration in Sarab can be effectively achieved through a combination of participatory planning, targeted infrastructure improvements, and socio-economic development programs. The recommendations provided in this study offer a comprehensive roadmap for urban policymakers and planners to tackle the issue of urban decay in Sarab and similar cities facing comparable challenges. The results also serve as a valuable reference for future research in the field of urban regeneration and sustainable urban development.



## پرورش فرهنگ ورزش شهری از طریق اکتشاف رویدادهای ورزشی و مدیریت شهری

کیانوش ذاکر حقیقی<sup>۱</sup> | علی زینالی عظیم<sup>۲\*</sup>

۱. استاد گروه شهرسازی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: [zakerhaghighi@iauh.ac.ir](mailto:zakerhaghighi@iauh.ac.ir)

۲. نویسنده مسئول، پژوهشگر پسادکتری طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. رایانامه: [al.zeynaly@gmail.com](mailto:al.zeynaly@gmail.com)

### اطلاعات مقاله

### چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

کلیدواژه:

فرهنگ،

رویدادهای ورزشی،

فرهنگ ورزشی،

فرهنگ شهری،

مدیریت شهری.

رویدادهای ورزشی تأثیری عمیق و چندبعدی بر توسعه فرهنگ ورزش شهری دارند و بررسی این تأثیر از نظر علمی و عملی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این پژوهش با هدف بررسی چگونگی پرورش فرهنگ ورزش شهری از طریق اکتشاف و بهره‌برداری از رویدادهای ورزشی و با تأکید بر نقش کلیدی مدیریت شهری انجام شده است. در این تحقیق از روش‌های توصیفی - کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل منطقی استفاده شده تا تأثیرات رویدادهای ورزشی بر ارتقای فرهنگ ورزش شهری به طور عمیق بررسی شود. یافته‌ها نشان می‌دهند میزبانی رویدادهای ورزشی می‌تواند به عنوان یک عامل تسریع‌کننده انسجام اجتماعی را تقویت کند، جذابیت شهر را افزایش دهد و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی آن را در مقیاس محلی و جهانی گسترش دهد. این تأثیرات نقش کلیدی مدیریت شهری را در یکپارچه‌سازی رویدادهای ورزشی با اهداف توسعه فرهنگی و اجتماعی شهر برجسته می‌کند. در راستای این اهداف، پژوهش پیشنهادهایی ارائه می‌دهد، از جمله: ادغام رویدادهای ورزشی با فرهنگ محلی برای ایجاد هویتی متمایز شهری، جذب استعدادهای برجسته فرهنگی برای ارتقای توسعه فرهنگی شهری، و ایجاد برندهای فرهنگی برای افزایش رقابت‌پذیری شهر. علاوه بر این، مدیریت شهری باید تضمین‌کننده استفاده پایدار از زیرساخت‌های ورزشی، برنامه‌ریزی مشارکتی، و بهره‌گیری از رویدادهای ورزشی به عنوان ابزاری برای تقویت تعاملات اجتماعی و فراگیری باشد. نتایج این تحقیق راهکارهای عملیاتی برای سیاست‌گذاران و مدیران شهری فراهم می‌کند تا بتوانند هم‌افزایی میان رویدادهای ورزشی و استراتژی‌های مدیریت شهری را به طور مؤثر به کار گیرند و به توسعه پایدار فرهنگ ورزش شهری دست یابند.

**استناد:** ذاکر حقیقی، کیانوش و زینالی عظیم، علی (۱۴۰۳). پرورش فرهنگ ورزش شهری از طریق اکتشاف رویدادهای ورزشی و مدیریت شهری. *سیاستگذاری پیشرفت شهری*، ۱ (۱) ۱۹-۳۳. DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.214475.1003>

© کیانوش ذاکر حقیقی، علی زینالی عظیم

DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.214475.1003>



## ۱. مقدمه

فرهنگ شهری ویژگی‌های فرهنگی، خلق و خوی معنوی و ارزش‌های فرهنگی مشترک شهروندان طی توسعه شهر است [۱]. وظیفه اصلی فرهنگ شهری، استفاده از انسجام متنوع، نیروی میانه‌روی و نفوذ آن برای ایفای نقش در ارتقای توسعه اقتصادی شهری، توسعه مبادلات تجاری و اقتصادی خارجی و گسترش مبادلات فرهنگی است [۲]. از زمان میزبانی موفق بازی‌های آسیایی پکن در سال ۱۹۹۰، کشور من به طور موفقیت‌آمیزی میزبان رویدادهای ورزشی جامعی مانند المپیک پکن، بازی‌های آسیایی گوانگجو و المپیک جوانان نانجینگ بوده است. با توجه به برآوردهای کارشناسان و محققان داخلی و خارجی، میزبانی رویدادهای ورزشی می‌تواند سرعت توسعه شهری را افزایش داده و مقیاس توسعه شهری را گسترش دهد. می‌توان مشاهده کرد که در فرایند پیشنهاد، سازماندهی و برگزاری رویدادهای ورزشی، این امر نه تنها افزایش عظیمی در قدرت اقتصادی شهر میزبان، بهبود سطح نرم‌افزار و سخت‌افزار زیرساخت‌های شهری، بهبود تصویر شهر و چشم‌انداز ذهنی شهروندان ایجاد می‌کند، از همه مهم‌تر، تأثیر فرهنگی شهر به طور قابل توجهی با میزبانی رویدادهای ورزشی افزایش می‌یابد. رویدادهای ورزشی نقش ترکیب فرهنگ را دارند. می‌تواند فرهنگ تاریخی شهر، فرهنگ منطقه‌ای و فرهنگ خارجی پیشرفته را یکپارچه کند، محتوای غنی رویدادهای ورزشی را با فرهنگ غنی کند و گسترش دهد و رقابت بنیادین فرهنگی منحصربه‌فرد شهر را شکل دهد [۳]. فرایند پیشنهاد، سازماندهی و برگزاری رویدادهای ورزشی نیز فرایند انسجام توسعه فرهنگی شهری است. اینکه آیا شهر میزبان می‌تواند به نتایج مورد انتظار دست یابد و اینکه آیا تصویر کلی شهر می‌تواند تا حد زیادی بهبود یابد، به همبستگی نیروی محوری فرهنگی شهر بستگی دارد. از نظر خارجی، ارتباط فرهنگی می‌تواند نیروی میانه‌روی را در داخل و خارج از کشور خلاصه کند. مرکز فرهنگی نیروی گلبرگ نیرویی است که با ادغام عوامل متعدد شکل می‌گیرد. این امر شامل حمل و نقل ملموس، ارتباطات، مکان‌ها و دیگر ساختارهای سخت‌افزاری، و همچنین میراث فرهنگی و تاریخی نامحسوس، منابع انسانی و غیره می‌شود. در الگوی توسعه فرهنگی جهان متنوع امروز، افکار فرهنگی جهان به طور فزاینده‌ای خشن و در حال برخورد هستند، مبادلات و ترکیبات فرهنگی فعال‌تر هستند و فرهنگ شهری از طریق انتشار، نیروی میانه‌روی فرهنگی را شکل داده است [۴]. شهر میزبان باید قدرت نرم فرهنگی خود را بهبود بخشد، رقابت بین‌المللی خود را افزایش دهد، و فشار تقویت ساخت قابلیت‌های ارتباطی فرهنگی متمایز خود را تحمل کند. گوانگجو از فرصت میزبانی بازی‌های آسیایی استفاده کرد و بر رسانه‌های در حال ظهور و اینترنت برای افزایش محبوبیت میراث فرهنگی معنوی شهر تکیه کرد. جاذبه شهر باستانی بشریت یک نیروی مرکزی قوی در داخل و خارج از کشور تشکیل داده است. این افزایش نه تنها محبوبیت را افزایش می‌دهد، بلکه بر قدرت تأثیر انتقال فرهنگی شهری نیز می‌افزاید. به طور داخلی، انتشار فرهنگی می‌تواند نیروی مرکزی عموم مردم را در شهری که این رویداد در آن برگزار می‌شود، متحد کند. پیشنهاد موفق برای رویدادهای ورزشی در مقیاس بزرگ می‌تواند تا حد زیادی نیروی میانه‌روی مردم را افزایش دهد و حس افتخار و غرور آن می‌تواند به راحتی روح مثبت تلاش و میهن‌پرستی قوی شهروندان را تحریک کند [۵]. دولت از این وضعیت برای معرفی جذب رویداد به شهروندان و نیروی میانه‌روی الهام گرفته از جذب موضوع اصلی رویداد ورزشی، ادغام منابع جامعه، و جمع کردن تلاش‌های همه مردم برای اداره رویداد ورزشی، به طور طبیعی برای ترویج روح المپیک، بهبود کیفیت ایدئولوژیکی و اخلاقی شهروندان، و پرورش جامعه متمم اثرات متعددی از بسیج کردن کل جامعه برای مشارکت در ساخت قدرت نرم فرهنگی شهری دارد. نانجینگ که با موفقیت میزبان بازی‌های المپیک جوانان است، قصد دارد تا انسجام و نیروی محوری فرهنگ شهر را افزایش دهد. با بهره‌برداری از منابع فرهنگی نانجینگ، پرورش روح شهروندان جدید، انجام فعالیت‌های عملی اخلاقی، و عمیق‌تر کردن ساختار متمم شهر، به طور مؤثر کیفیت شهروندان خود را بهبود بخشیده است، نیروی مرکزی با روح شهر به عنوان هسته شکل می‌گیرد [۶]. یک شهر روح دارد. این ویژگی معنوی در زمینه تاریخی طولانی مدت و میراث فرهنگی منطقه‌ای آن، ضمنی است. این شهر تاریخ، فرهنگ، آداب و رسوم و رسوم محلی و همچنین، جهت‌گیری ارزشی و میراث فرهنگی مشترک شهر را در خود جای داده است. آن جاذبه جادویی تغییر روان‌شناسی عمومی را دارد و می‌تواند تا حد زیادی حس غرور، افتخار و میهن‌پرستی شهروندان را تقویت کند و نوعی فضای قوی از سلامتی، اتحاد و هماهنگی مثبت را از بالا به پایین شکل دهد [۷]. از طریق جمع‌آوری نمادها، آهنگ‌ها، ماسک‌ها، صدور تمبرهای یادبود، رله

مشعل و فعالیت‌های دیگر، عموم مردم در یک سری فعالیت‌های رنگارنگ برای سازماندهی رویداد، تغییر ارزش‌های عمومی و چشم‌انداز معنوی، و تزریق روح شهر، پی‌گیری ایده‌آل‌ها، و دلالت ضمنی زمان ساخت تمدن با هم، و فراهم کردن یک قدرت معنوی عظیم برای توسعه اقتصادی و اجتماعی شهر جمع خواهند شد. برگزاری رویدادهای ورزشی تأثیر مثبتی بر تحریک توسعه اقتصادی شهری و افزایش توسعه فرهنگی دارد [۸]. رویدادهای ورزشی فرصتی طلایی برای توسعه فرهنگ شهر میزبان ایجاد خواهند کرد. این شهر یک بستر تعاملی برای مبادلات فرهنگی بین شهر میزبان و شهرهای داخلی و خارجی به وجود می‌آورد، پنجره‌ای را برای نشان دادن تصویر شهر به جهان باز می‌کند، و توجه همه را از سراسر جهان به خود جلب می‌کند [۹]. در عین حال، رویدادهای ورزشی این قدرت را دارند که رسانه‌های جهانی را جذب کنند، آن‌ها را به کانون افکار عمومی جهان تبدیل کنند و به جهان فرصتی برای تشخیص، احساس، ارتباط و توسعه دهند [۳]. اجازه دهید جهان خارج تاریخ و فرهنگ شهر میزبان، سبک شهر، آداب و رسوم، مفاهیم فرهنگی و غیره را احساس کند، دید و نفوذ بین‌المللی شهر میزبان را گسترش دهد و پتانسیل زیادی برای توسعه فرهنگ شهری به ارمغان آورد. نوآوری یک نیروی محرک پایان‌ناپذیر برای رونق یک شهر است، و ارزش اساسی فرهنگ در نوآوری نهفته است [۱۰]. مزایده و میزبانی رویدادهای ورزشی، مجموعه‌ای از فرصت‌ها را برای شهر میزبان به ارمغان می‌آورد تا نوآوری فرهنگی را تسریع کند [۱۱] از مجموعه نمادها، جنگ‌ها و بناها، صدور تمبرهای یادبود، حمل مشعل به مراسم افتتاحیه و اختتامیه، از ساخت مکان‌های ورزشی، حمل‌ونقل شهری، ارتباطات و دیگر امکانات حمایتی، تا ساخت تمدن معنوی شهروندان و تطبیق وقایع ایجاد یک محیط طبیعی و فرهنگی، به نوبه خود، صنایع میزبان اقتصادی، فرهنگی، حمل‌ونقل، ارتباطات و دیگر امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، که توسعه گردشگری را ارتقا خواهد داد [۱۲]. برگزاری رویدادهای ورزشی همچنین نوآوری و توسعه صنعت فرهنگی رسانه‌ای رادیو، فیلم و شبکه تلویزیونی را ارتقا خواهد داد، ارتقای تعدادی از برندهای فرهنگی شناخته‌شده اصلی را ارتقا خواهد داد و شکل‌گیری زنجیره صنعت فرهنگی شهر میزبان را ارتقا خواهد داد [۱۳]. یک فرصت استراتژیک برای رویدادهای ورزشی به منظور افزایش فرهنگ از طریق برگزاری یک رویداد ورزشی بین‌قاره‌ای با نفوذ، بدون شک یک رویداد را ایجاد خواهد کرد؛ بستر تعاملی برای مبادلات فرهنگی بین شهر میزبان و شهرهای داخلی و بین‌المللی. رویدادهای ورزشی جذابیت و تأثیر شهر را از طریق گسترش، تشعشع و ارائه رسانه‌های مختلف تقویت کرده‌اند. این دوره رقابت برند است [۱۴]. برند، تشعشع و تأثیر فرهنگ شهری را تعیین می‌کند. این مورد نشانه کیفیت فرهنگ شهری است [۱۵] که شامل ویژگی‌ها، سبک و طعم فرهنگ شهری می‌شود. این تجمع بلندمدت ساخت‌وساز فرهنگی شهر است. ساخت یک برند فرهنگی مهم‌ترین چیز در افزایش تابش فرهنگی یک شهر است. قدرت ارتباطی، رقابت و تأثیر آن، تأثیر، ویژگی‌ها، زیبایی‌شناسی و شهرت شهر را تعیین می‌کند. با توجه به رویدادهای ورزشی، شهر میزبان به‌ناچار از این فرصت برای ایجاد یک پلتفرم فرهنگی، ادغام، ارتقا، و نوآوری تعدادی از برندهای فرهنگی و خلاق با نقاط روشن و نقاط فروش «مردمی» که ندارند، و دیگران دارای هویت من هستند»، و تشکیل یک الگوی تابش فرهنگی عمودی و عمیق و چند زاویه استفاده خواهد کرد [۱۶]. رویدادهای ورزشی مؤثرترین و پرطرفدارترین رویدادهای ورزشی در جهان هستند. به‌جز درآمد مستقیم رویدادهای میزبانی، پس از پایان رویداد، تجارت واردات و صادرات شهر میزبان یا کشور میزبان گسترش خواهد یافت، فرهنگی، اقتصادی، و فناوری افزایش ارتباطات. از یک سو، تابش و انتشار فرهنگ شهری، تعداد زیادی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی را در امور مالی، ایجاد فرهنگی، گردشگری، املاک و مستغلات و سایر صنایع جذب خواهد کرد و به نیروی محرکه برای رونق اقتصادی شهر میزبان تبدیل خواهد شد [۱۷]. از سوی دیگر، توسعه اقتصادی به یک پشتوانه قوی برای ترویج تابش فرهنگی تبدیل شده است. اقتصاد جهانی کنونی وارد عصر «فرهنگ +» شده است، و صنایعی مانند «فرهنگ + گردشگری»، «فرهنگ + مالی»، و «فرهنگ + اینترنت» به سرعت توسعه یافته‌اند، که توسعه همه‌جانبه فرهنگ شهری را ارتقا داده و با توسعه صنایع فرهنگی ناشی از افزایش تولید ناخالص داخلی شهری هدایت شده است. ورزش بخش مهمی از فرهنگ ملل در جهان معاصر است. بحث‌های محافل گوناگون، سرفصل روزنامه‌ها، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی جایگاه آن را روشن ساخته است [۱۸]. اعلام موفقیت در مسابقات ملی و بین‌المللی میلیون‌ها نفر را شاد می‌کند و شکست در برنامه‌ها مردم را غمگین می‌سازد. جلب میلیون‌ها نفر تماشاچی به استادیوم‌ها، تبلیغات تجاری در کنار و خلال مسابقات، حمایت تماشاگران و استقبال آنان از تیم‌های مورد علاقه در کمک به بالا

بردن سطح استعدادها و ارائه مطلوب و موزون حرکتها و فعالیت‌های ورزشی مؤثر است. ورزش، تمرین تفکر واقع‌گرایانه و پرهیز از تفکر ذهن‌گرایانه است. با ورود ورزش به فرهنگ ایده‌آلیست این تفکر به نفع فرهنگ رئالیست رنگ می‌بازد. ابعاد غیر مادی فرهنگ نظیر اعتقادات، آداب و رسوم و ارزش و نیز ابعاد مادی فرهنگ نظیر معماری و تکنولوژی، تحت تأثیر ورزش وارد سیر تکاملی می‌شوند [۱۹]. بازی‌های المپیک که محل تجمع نمایندگان کشورهای مختلف از پنج قاره جهان با فرهنگ‌های مختلف است، از منظر دیپلماسی ورزشی گواه این است که تبادل ارتباطات تنها محصور به یک راه نیست، بلکه این حضور محلی برای ارتباطات بین ملیت‌ها و دولت‌ها به وجود می‌آورد که در تغییر نگرش بازیگران بین‌المللی نیز ایفای نقش می‌کند. در دنیای امروز به واسطه نقش رسانه‌ها در انعکاس رویدادهای جهانی می‌توان از این ابزار در کمک به تقویت دیپلماسی ورزشی استفاده کرد. رسانه‌ها که امروز برای ترویج ورزش، معرفی و انعکاس رویدادها با فناوری‌های جدید به‌ویژه در بخش ارتباطات، به ابزارهای بدون مرز و تأثیرگذار مبدل شده‌اند، نقش مهمی در تقویت دیپلماسی عمومی ایفا می‌کنند [۲۰].

هدف این تحقیق، بررسی نقش رویدادهای ورزشی در تقویت فرهنگ شهری و توسعه پایدار شهرها است. پژوهش حاضر به تحلیل اثرات برگزاری این رویدادها بر هویت فرهنگی، جذب گردشگر، و بهبود کیفیت زندگی شهروندان می‌پردازد. علاوه بر این، هدف از این تحقیق، شناسایی نوآوری‌های مرتبط با ادغام رویدادهای ورزشی در سیاست‌های مدیریت شهری به منظور ارتقای زیرساخت‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شهرها است. این رویکرد با تمرکز بر تقویت برند فرهنگی شهری و افزایش رقابت‌پذیری بین‌المللی شهرها، به دنبال آن است که الگویی نوین برای برنامه‌ریزی شهری مدرن ارائه دهد. به‌ویژه، این تحقیق نشان می‌دهد چگونه رویدادهای ورزشی می‌توانند به عنوان محرک اصلی در توسعه شهری پایدار عمل کنند و از طریق استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی و ورزشی، فرصتی برای ایجاد تحول اقتصادی و اجتماعی فراهم سازند.

## ۲. مواد و روش کار

در این تحقیق، از دو روش اصلی **توصیفی - اسنادی** و **تحلیل محتوا** برای بررسی تأثیرات رویدادهای ورزشی بر فرهنگ شهری استفاده می‌شود. در روش **توصیفی - اسنادی**، پژوهشگر به جمع‌آوری و مطالعه منابع مختلف مانند مقالات علمی، گزارش‌ها و اسناد رسمی می‌پردازد تا روندها و تأثیرات برگزاری رویدادهای ورزشی بر فرهنگ و توسعه اقتصادی شهرهای میزبان را توصیف و تحلیل کند. این منابع مستند به عنوان شواهد و مبنای علمی، اطلاعات لازم را برای درک تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به دست می‌دهند. در مرحله **تحلیل محتوا**، داده‌های به‌دست‌آمده از این اسناد به طور کیفی و دقیق بررسی می‌شود تا مفاهیم و الگوهای اصلی، مانند تقویت هویت فرهنگی، جذب گردشگر و تأثیرات اجتماعی و اقتصادی استخراج شوند. در این فرایند، محتوای اسناد به طور کامل مطالعه می‌شود تا روابط و تأثیرات مختلف میان آن‌ها شناسایی شود. در این تحقیق، به جای استفاده از کدگذاری، تحلیل محتوا به صورت توصیفی و کیفی انجام می‌شود تا بتوان به طور جامع‌تر و دقیق‌تر به تأثیرات رویدادهای ورزشی بر فرهنگ شهری و توسعه پایدار پرداخته شود. این ترکیب از روش‌ها، به پژوهشگر کمک می‌کند تا تأثیرات بلندمدت و جامع این رویدادها را شفاف‌تر و مستندتر بررسی کند. تحلیل محتوا این امکان را فراهم می‌کند که داده‌های کیفی موجود از طریق نمادها و شاخص‌های مشخص به صورت کمی تحلیل شوند. این روش به‌ویژه در پژوهش‌هایی که به بررسی متون، اسناد، گزارش‌ها و داده‌های موجود در قالب‌های مختلف می‌پردازند، کاربرد دارد. تحلیل محتوا نه تنها به درک بهتر معانی و مفاهیم موجود در داده‌ها کمک می‌کند، بلکه روابط بین آن‌ها را آشکار می‌سازد و داده‌های کیفی را به صورت قابل سنجش و قابل مقایسه ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر همچنین از **روش‌های تجزیه و تحلیل منطقی** برای بررسی دقیق‌تر و عمیق‌تر تأثیر رویدادهای ورزشی بر توسعه فرهنگ ورزش شهری بهره گرفته است. این روش‌ها با تکیه بر تفکر انتقادی و بررسی روابط علی و معلولی، امکان شناسایی ارتباطات میان رویدادهای ورزشی و ابعاد مختلف فرهنگ شهری را فراهم می‌کنند. استفاده از تحلیل منطقی در این پژوهش به استخراج روابط معنادار میان متغیرها کمک کرده و نتایج قابل اتکایی ارائه داده است. این تحقیق از نوع **کاربردی و کیفی** است و هدف آن، ارائه راهکارهایی عملی برای استفاده از رویدادهای ورزشی در ارتقای فرهنگ ورزش شهری است. تحقیقات کاربردی، به خلاف تحقیقات بنیادی، بر حل مسائل واقعی و ارائه پیشنهادها عملی

متمرکز هستند. در این راستا، پژوهش حاضر به شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در بهره‌برداری از رویدادهای ورزشی برای بهبود فرهنگ شهری پرداخته و راهکارهایی ارائه داده است که برای سیاست‌گذاران و مدیران شهری قابل اجرا باشد. در مجموع، این پژوهش با بهره‌گیری از ترکیبی از روش‌های توصیفی، تحلیل محتوا و تجزیه و تحلیل منطقی، به تحلیل تأثیرات پیچیده و چندبعدی رویدادهای ورزشی بر فرهنگ شهری پرداخته و بستری برای ارائه راهکارهای کاربردی در این حوزه فراهم کرده است. این روش‌شناسی به محققان اجازه داده است که از داده‌های موجود بهره‌برداری مؤثر کرده و نتایج پژوهش را به گونه‌ای هدایت کنند که قابلیت اجرا و عملیاتی شدن در زمینه مدیریت شهری را داشته باشد.

### ۳. نتایج

#### ۳-۱. مسیر اصلی رویدادهای ورزشی برای پرورش فرهنگ شهری

رویدادهای ورزشی فرصتی استثنایی برای توسعه فرهنگ شهری و تقویت نقش مدیریت شهری فراهم می‌کنند. این یافته‌ها بر سه حوزه اصلی تمرکز دارند: ادغام فرهنگ و رویدادهای ورزشی، استفاده از استعدادها و فرهنگ در مدیریت شهری، و ایجاد برندهای فرهنگی شهری. در ادامه، هر حوزه با جزئیات بیشتری توضیح داده شده است.

#### ادغام رویدادهای ورزشی با فرهنگ محلی در چارچوب مدیریت شهری

یکی از کلیدهای موفقیت در استفاده از رویدادهای ورزشی برای تقویت فرهنگ شهری، ادغام این رویدادها با فرهنگ محلی است. این امر نیازمند همکاری میان بخش‌های مختلف مدیریت شهری، برنامه‌ریزان فرهنگی و جامعه محلی است. نمونه‌هایی مانند بازی‌های آسیایی گوانگجو و هانگزو نشان می‌دهند:

- گوانگجو: فرهنگ لینگنان با رویدادهای ورزشی ترکیب شد تا هم میراث فرهنگی شهر معرفی شود و هم جذابیت بین‌المللی آن افزایش یابد.
  - هانگزو: با بهره‌گیری از نمادهای فرهنگی مانند چای، ابریشم و هنرهای محلی، هویت فرهنگی متمایزی ایجاد شد که این شهر را در میان مقاصد گردشگری جهانی برجسته کرد.
- نقش مدیریت شهری در این زمینه:
- تدوین استراتژی‌های جامع برای ترکیب فرهنگ محلی با رویدادهای ورزشی.
  - ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی - ورزشی که بتوانند پس از پایان رویدادها به عنوان مراکز چندمنظوره مورد استفاده قرار گیرند.
  - حمایت از رویدادهای فرهنگی جانبی مانند نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها در کنار مسابقات ورزشی.
- نمونه موفق دیگر:
- بازی‌های المپیک لندن ۲۰۱۲ نمونه‌ای برجسته از مدیریت شهری موفق است که با ایجاد فضاهای فرهنگی و ورزشی پایدار، مناطق کم‌برخوردار را به مراکز جذب گردشگر تبدیل کرد.

#### ۳-۲. معرفی استعدادهای فرهنگی پیشرفته برای تقویت مدیریت شهری و فرهنگ شهری

یکی از محورهای کلیدی موفقیت در شهرهای میزبان رویدادهای ورزشی، جذب و پرورش استعدادها و فرهنگ است. این امر نه تنها باعث ارتقای فرهنگ شهری می‌شود، بلکه خلاقیت و نوآوری را در مدیریت شهری تقویت می‌کند.

چالش‌های موجود:

- بسیاری از شهرها در جذب و حفظ استعدادها و فرهنگ و مدیریتی سطح بالا ناکام هستند.
- نبود مکانیزم‌های حمایتی کافی برای کارآفرینان و نخبگان فرهنگی.

پیشنهادها:

- ایجاد کانال‌های سبز برای جذب استعدادها و فرهنگ داخلی و خارجی.

- تدوین سیاست‌های حمایتی ویژه مانند تسهیلات رفاهی، مشوق‌های مالی و ایجاد شبکه‌های حمایتی.
- جذب کارآفرینان و برنامه‌ریزان فرهنگی بین‌المللی و استفاده از تجارب آن‌ها برای توسعه زیرساخت‌های فرهنگی.

نمونه موفق:

شهر سیدنی پس از میزبانی بازی‌های المپیک ۲۰۰۰ با ایجاد شبکه‌های فرهنگی - ورزشی، توانست بخشی از استعدادهای بین‌المللی را جذب کرده و به ارتقای پایدار فرهنگ شهری خود کمک کند.

### ۳-۳. ایجاد برندهای فرهنگی شهری و افزایش رقابت‌پذیری هسته‌ای شهر از طریق مدیریت شهری

ایجاد برندهای فرهنگی شهری یکی از ابزارهای کلیدی برای ارتقای جایگاه شهرها در عرصه جهانی است. برندهای فرهنگی می‌توانند:

- توجه گردشگران را جلب کنند.
- سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی را جذب کنند.
- هویت شهری را تقویت کنند.

نقش مدیریت شهری:

- تدوین استراتژی‌های برندینگ شهری با تمرکز بر فرهنگ و رویدادهای ورزشی.
- حمایت از صنایع خلاق و فرهنگی مانند هنرهای نمایشی، تولیدات رسانه‌ای و طراحی.
- برگزاری رویدادهای بزرگ فرهنگی و ورزشی که به تقویت برند شهری کمک کند.

نمونه موفق:

- شهر دبی با تمرکز بر برندینگ شهری و استفاده از رویدادهای بین‌المللی مانند نمایشگاه اکسپو ۲۰۲۰ توانست جایگاه خود را به عنوان یک مقصد جهانی تثبیت کند.
- بارسلونا پس از المپیک ۱۹۹۲ با بهره‌گیری از زیرساخت‌های ورزشی و فرهنگی، به یکی از مقاصد گردشگری و سرمایه‌گذاری برجسته تبدیل شد.

### ۳-۴. مدل‌های تحلیلی برای هماهنگی بین فرهنگ، رویدادهای ورزشی و مدیریت شهری

پژوهش حاضر بر اساس یافته‌ها، دو مدل تحلیلی ارائه می‌دهد:

- مدل ۱: عوامل مؤثر بر فرهنگ ورزش شهری شامل: رویدادهای ورزشی، مدیریت شهری، تعاملات اجتماعی و برنامه‌ریزی فرهنگی.
- مدل ۲: مدل تأثیر رویدادهای ورزشی بر توسعه شهری که نشان‌دهنده تعامل میان زیرساخت‌های ورزشی، فرهنگ محلی و سیاست‌های شهری است.

این مدل‌ها ابزاری را برای برنامه‌ریزی بهتر و هماهنگی بین بخش‌های مختلف مدیریت شهری فراهم می‌کنند. در نهایت نتایج حاصل از این تحقیق به صورت شکل‌های ۱ و ۲ به دست آمد که قابل ملاحظه است.



شکل ۱. عوامل مؤثر بر فرهنگ ورزش

این مدل تحت عنوان «عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگ ورزشی» طراحی شده و به صورت چهار بخش اصلی دسته بندی شده است که هر یک شامل شاخص ها و عوامل کلیدی هستند. در ادامه توضیحات هر بخش ارائه می شود:

- ✓ فهرست منابع صنعت فرهنگ ورزش:

این بخش به منابع اقتصادی، تولیدی و تجاری مربوط به صنعت فرهنگ ورزش می پردازد. شاخص هایی مانند ارزش رشد سالانه صنعت، نسبت صنعت فرهنگ ورزش در تولید ناخالص داخلی، و تعداد مالکان در این صنعت به تأثیرات اقتصادی و تجاری مرتبط با فرهنگ ورزشی اشاره دارد. این بخش نشان می دهد چگونه این منابع می توانند به توسعه فرهنگ ورزشی کمک کنند.

- ✓ شاخص های مشارکت اجتماعی:

این بخش بر مشارکت افراد و خانواده ها در فعالیت های ورزشی تمرکز دارد. شاخص هایی مانند نسبت افراد شرکت کننده در فعالیت های ورزشی و سطح مصرف خدمات مرتبط با فرهنگ ورزش نشان دهنده اهمیت تعاملات اجتماعی و نقش افراد در توسعه این فرهنگ است.

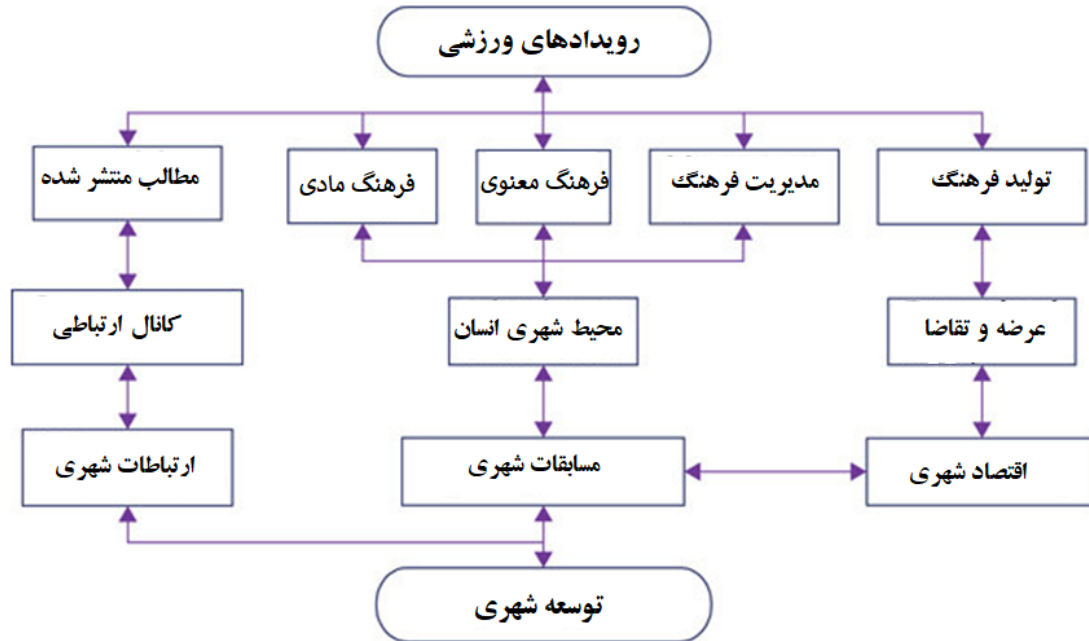
- ✓ شاخص قدرت نرم فرهنگ ورزش:

این بخش به ابعاد فرهنگی و نرم توسعه فرهنگ ورزشی می پردازد. شاخص هایی مانند تعداد اختراعات ورزشی، تعداد رویدادهای بین المللی، و شاخص توسعه انسانی صنعت نشان دهنده نقش فرهنگ ورزشی در ارتقای جایگاه بین المللی و

خلاقیت در این حوزه است.

✓ شرایط تضمینی صنعت فرهنگ ورزش:

این بخش شامل عوامل حمایتی و زیرساختی مانند تأمین مالی دولت، تکمیل مقررات مرتبط با فرهنگ ورزشی، و محیط مناسب تسهیلات ورزشی و شهری است. این عوامل نشان‌دهنده اهمیت سیاست‌گذاری و مدیریت شهری در توسعه پایدار فرهنگ ورزشی هستند.



شکل ۲. مدل تأثیر رویدادهای ورزشی بر فرهنگ و توسعه شهری

این مدل تحت عنوان «عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگ ورزشی» طراحی شده و به صورت چهار بخش اصلی دسته‌بندی شده است که هر یک شامل شاخص‌ها و عوامل کلیدی هستند. در ادامه توضیحات هر بخش ارائه می‌شود:

✓ فهرست منابع صنعت فرهنگ ورزش:

این بخش به منابع اقتصادی، تولیدی و تجاری مربوط به صنعت فرهنگ ورزش می‌پردازد. شاخص‌هایی مانند ارزش رشد سالانه صنعت، نسبت صنعت فرهنگ ورزش در تولید ناخالص داخلی، و تعداد مالکان در این صنعت به تأثیرات اقتصادی و تجاری مرتبط با فرهنگ ورزشی اشاره دارد. این بخش نشان می‌دهد چگونه این منابع می‌توانند به توسعه فرهنگ ورزشی کمک کنند.

✓ شاخص‌های مشارکت اجتماعی:

این بخش بر مشارکت افراد و خانواده‌ها در فعالیتهای ورزشی تمرکز دارد. شاخص‌هایی مانند نسبت افراد شرکت‌کننده در فعالیتهای ورزشی و سطح مصرف خدمات مرتبط با فرهنگ ورزش نشان‌دهنده اهمیت تعاملات اجتماعی و نقش افراد در توسعه این فرهنگ است.

✓ شاخص قدرت نرم فرهنگ ورزش:

این بخش به ابعاد فرهنگی و نرم توسعه فرهنگ ورزشی می‌پردازد. شاخص‌هایی مانند تعداد اختراعات ورزشی، تعداد رویدادهای بین‌المللی، و شاخص توسعه انسانی صنعت نشان‌دهنده نقش فرهنگ ورزشی در ارتقای جایگاه بین‌المللی و خلاقیت در این حوزه است.

✓ شرایط تضمینی صنعت فرهنگ ورزش:

این بخش شامل عوامل حمایتی و زیرساختی مانند تأمین مالی دولت، تکمیل مقررات مرتبط با فرهنگ ورزشی، و محیط مناسب تسهیلات ورزشی و شهری است. این عوامل نشان‌دهنده اهمیت سیاست‌گذاری و مدیریت شهری در توسعه پایدار فرهنگ ورزشی هستند.

دو مدل ارائه شده (مدل عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگ ورزش و مدل تأثیر رویدادهای ورزشی بر توسعه شهری) به طور مستقیم به مدیریت شهری مرتبط هستند و نقش کلیدی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری در بهره‌گیری از رویدادهای ورزشی برای توسعه فرهنگ و ارتقای ابعاد مختلف شهری را نشان می‌دهند. در ادامه، نحوه اتصال این دو مدل به مدیریت شهری توضیح داده می‌شود:

### ➤ مدیریت شهری در توسعه فرهنگ ورزش (مدل اول):

مدل نخست نشان می‌دهد توسعه فرهنگ ورزش به چهار دسته از عوامل وابسته است: منابع صنعت فرهنگ ورزش، مشارکت اجتماعی، قدرت نرم فرهنگی، و شرایط تضمینی صنعت فرهنگ ورزش. مدیریت شهری در هر یک از این حوزه‌ها نقش مهمی دارد:

- **منابع صنعت فرهنگ ورزش:** مدیریت شهری با تأمین مالی و جذب سرمایه‌گذاری در صنعت ورزش، رشد اقتصادی مرتبط با فرهنگ ورزشی را تضمین می‌کند. سیاست‌گذاری برای افزایش ارزش افزوده صنعت فرهنگ ورزش و حمایت از تولیدکنندگان محلی، در این بخش اهمیت دارد.
- **مشارکت اجتماعی:** مدیریت شهری با فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب و برنامه‌ریزی رویدادهای محلی و بین‌المللی، مشارکت شهروندان را در فعالیتهای ورزشی و فرهنگی تقویت می‌کند. ایجاد فضاهای ورزشی عمومی و ترویج فرهنگ ورزش خانوادگی نیز در این زمینه حیاتی است.
- **قدرت نرم فرهنگ ورزش:** مدیریت شهری می‌تواند با میزبانی رویدادهای ورزشی بین‌المللی و حمایت از فعالیتهای خلاقانه، جایگاه شهر را در عرصه‌های بین‌المللی ارتقا دهد. این امر باعث افزایش هویت شهری و رقابت‌پذیری فرهنگی می‌شود.
- **شرایط تضمینی:** تدوین سیاست‌های حمایتی، از جمله تأمین بودجه، قوانین حمایتی و تدوین استراتژی‌های بلندمدت برای مدیریت زیرساخت‌های ورزشی و فرهنگی، بخش مهمی از وظایف مدیریت شهری است.

### ➤ مدیریت شهری در توسعه پایدار شهری (مدل دوم):

مدل دوم نشان‌دهنده تعاملات پیچیده میان فرهنگ، اقتصاد، ارتباطات و رویدادهای ورزشی در توسعه شهری است. در این مدل نیز مدیریت شهری نقش محوری دارد:

- **تولید و مدیریت فرهنگ:** مدیریت شهری باید اطمینان حاصل کند که فرهنگ مادی و معنوی ایجاد شده در نتیجه رویدادهای ورزشی، به‌درستی مدیریت می‌شود که شامل تدوین برنامه‌هایی برای حفظ زیرساخت‌های فرهنگی و تقویت ارزش‌های اجتماعی است.
- **عرضه و تقاضا:** مدیریت شهری با ایجاد تعادل بین عرضه امکانات ورزشی و فرهنگی و تقاضای شهروندان، می‌تواند نیازهای جامعه را به طور مؤثر برآورده سازد و به ارتقای اقتصاد شهری کمک کند.
- **ارتباطات شهری:** ارتباطات شهری که در مدل دوم به عنوان یک کانال مهم معرفی شده، نیازمند مدیریت شهری است تا پیام‌های فرهنگی و ورزشی به‌درستی به شهروندان منتقل شوند. این امر از طریق رسانه‌ها، جشنواره‌ها و کمپین‌های ارتباطی امکان‌پذیر است.
- **محیط و مسابقات شهری:** مدیریت شهری باید زیرساخت‌های شهری را بهبود بخشد تا میزبانی رویدادهای ورزشی و فرهنگی به طور مؤثر انجام شود. ایجاد فضاهای شهری که تعاملات اجتماعی را تقویت کنند، بخش کلیدی این فرایند است.

• **اقتصاد شهری:** رویدادهای ورزشی باید به عنوان ابزارهای تقویت اقتصاد محلی و بین‌المللی در نظر گرفته شوند. مدیریت شهری باید سرمایه‌گذاری در این بخش را تشویق کند و از مزایای اقتصادی این رویدادها برای توسعه زیرساخت‌های عمومی استفاده کند.

### ➤ نقاط اتصال بین دو مدل از منظر مدیریت شهری:

- ۱- سیاست‌گذاری جامع:  
مدیریت شهری باید سیاست‌های هماهنگی تدوین کند که هم‌زمان به توسعه فرهنگ ورزشی (مدل اول) و تأثیرات مثبت آن بر توسعه شهری (مدل دوم) بپردازد.
- ۲- زیرساخت‌های مشترک:  
زیرساخت‌های ورزشی و فرهنگی به عنوان نقاط اتصال دو مدل عمل می‌کنند. مدیریت شهری باید بر ساخت و نگهداری این زیرساخت‌ها تمرکز داشته باشد.
- ۳- تعاملات اجتماعی:  
مشارکت اجتماعی در مدل اول و ارتباطات شهری در مدل دوم نشان می‌دهند مدیریت شهری باید برنامه‌هایی برای افزایش تعاملات اجتماعی و تقویت حس تعلق شهروندان طراحی کند.
- ۴- برندینگ شهری:  
قدرت نرم فرهنگ ورزش (مدل اول) و برند فرهنگی شهری (مدل دوم) نشان می‌دهند مدیریت شهری باید به توسعه برند شهری از طریق ورزش و فرهنگ توجه ویژه‌ای داشته باشد.
- ۵- پایداری اقتصادی و فرهنگی:  
در هر دو مدل، نقش اقتصاد شهری و فرهنگ ورزشی به عنوان عوامل کلیدی توسعه پایدار مشخص شده است. مدیریت شهری باید از این دو عامل برای ایجاد ارزش اقتصادی و فرهنگی پایدار بهره‌برد. اتصال این دو مدل نشان می‌دهد مدیریت شهری به عنوان محور هماهنگی، باید نقش میانجی بین رویدادهای ورزشی، توسعه فرهنگ شهری و اقتصاد شهری ایفا کند. رویدادهای ورزشی می‌توانند ابزاری قدرتمند برای ایجاد تغییرات مثبت در شهرها باشند، اما این تغییرات تنها در صورت وجود یک مدیریت شهری قوی و هماهنگ، امکان‌پذیر است. این مدیریت باید بر برنامه‌ریزی بلندمدت، تعاملات چندبخشی و پایداری تأکید کند.

## ۵. نتیجه‌گیری

در این تحقیق، رویدادهای ورزشی به عنوان ابزاری قدرتمند برای تقویت فرهنگ شهری و توسعه مدیریت شهری معرفی شده‌اند. این تحقیق بر سه حوزه اصلی تمرکز دارد: ادغام رویدادهای ورزشی با فرهنگ محلی در چارچوب مدیریت شهری، استفاده از استعدادها و فرهنگ شهری، و ایجاد برندهای فرهنگی شهری. در حوزه ادغام رویدادهای ورزشی با فرهنگ محلی، نمونه‌هایی مانند گوانگجو و هانگزو نشان داده‌اند ترکیب فرهنگ محلی با رویدادهای ورزشی، هویت فرهنگی شهر را تقویت می‌کند و جذابیت بین‌المللی آن را افزایش می‌دهد. همچنین در این زمینه، نقش مدیریت شهری شامل تدوین استراتژی‌های جامع، ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی - ورزشی، و حمایت از رویدادهای فرهنگی جانبی است. به طور مثال، بازی‌های المپیک لندن ۲۰۱۲ با ایجاد فضاهای ورزشی و فرهنگی پایدار، موفق به تبدیل مناطق کم‌برخوردار به مراکز جذب گردشگر شد. از دیگر حوزه‌های مهم، معرفی استعدادهای فرهنگی برای تقویت مدیریت شهری است که باعث نوآوری و ارتقای فرهنگ شهری می‌شود. به این منظور، ایجاد کانال‌های سبز برای جذب استعدادهای داخلی و خارجی ضروری است. نمونه موفق این امر شهر سیدنی پس از میزبانی بازی‌های المپیک ۲۰۰۰ است. در نهایت، ایجاد برندهای فرهنگی شهری و تقویت رقابت‌پذیری شهر از طریق مدیریت شهری نیز به عنوان ابزارهایی برای ارتقای جایگاه شهرها در عرصه جهانی معرفی شده‌اند. در این تحقیق، دو مدل تحلیلی ارائه شده است. مدل اول به عوامل مؤثر بر فرهنگ ورزش شهری و مدل دوم به تأثیرات رویدادهای ورزشی بر

توسعه شهری پرداخته‌اند. این دو مدل به طور مستقیم به مدیریت شهری مرتبط هستند و نقش سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری را در بهره‌گیری از رویدادهای ورزشی برای توسعه فرهنگ شهری و ارتقای ابعاد مختلف شهری به‌وضوح نشان می‌دهند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد مدیریت شهری باید به عنوان محور هماهنگی، نقش میانجی بین رویدادهای ورزشی، فرهنگ شهری و اقتصاد شهری را ایفا کند. برای بهره‌گیری بهینه از رویدادهای ورزشی، سیاست‌های جامع، زیرساخت‌های پایدار و تعاملات اجتماعی ضروری است. همچنین، استفاده از رویدادهای ورزشی برای ترویج فرهنگ محلی و جذب گردشگران می‌تواند فرصتی مناسب برای تقویت هویت جمعی و افزایش رقابت‌پذیری شهرها باشد. در این پژوهش نشان داده شد که رویدادهای ورزشی نه تنها می‌توانند به عنوان یک عامل تقویت‌کننده در ارتقای فرهنگ شهری عمل کنند، بلکه می‌توانند به بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرها کمک کنند. با استفاده بهینه از رویدادهای ورزشی، امکان توسعه پایدار شهری، ایجاد فرصت‌های جدید اقتصادی، و ارتقای هویت شهری وجود دارد. این تحقیق همچنین تأکید دارد که موفقیت در این زمینه نیازمند همکاری نزدیک میان تمامی بخش‌های مختلف مدیریت شهری، برنامه‌ریزان فرهنگی، و جامعه محلی است. به طور کلی، این پژوهش بر اهمیت رویکرد جامع و چندوجهی در بهره‌برداری از رویدادهای ورزشی به عنوان یک ابزار استراتژیک برای توسعه فرهنگی و اقتصادی شهرها تأکید دارد. در نتیجه، پیشنهادهای عملی برای مدیریت شهری شامل طراحی پایدار شهری، بهره‌برداری بلندمدت از امکانات ورزشی، افزایش مشارکت جامعه، ترویج گردشگری فرهنگی، آموزش و اطلاع‌رسانی، و پایش و ارزیابی تأثیرات اقتصادی و اجتماعی رویدادهای ورزشی است. با توجه به نتایج تحقیق می‌توان راهکارهای اجرایی زیر را ارائه داد:

- ۱- طراحی پایدار شهری: ادغام زیرساخت‌های ورزشی در طرح‌های جامع شهری با تأکید بر پایداری، کاهش آلودگی و افزایش دسترسی عمومی.
- ۲- بهره‌برداری بلندمدت: تضمین استفاده چندمنظوره از امکانات ورزشی پس از رویدادها، مانند تبدیل استادیوم‌ها به مراکز فرهنگی، تفریحی و آموزشی.
- ۳- افزایش مشارکت جامعه: برگزاری جلسات مشورتی و درگیر کردن شهروندان در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با رویدادهای ورزشی.
- ۴- ترویج گردشگری فرهنگی: استفاده از رویدادهای ورزشی به عنوان ابزاری برای معرفی فرهنگ محلی و جذب گردشگران.
- ۵- آموزش و اطلاع‌رسانی: برگزاری کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی در زمینه فرهنگ ورزشی و تقویت نقش آن در توسعه شهری.
- ۶- پایش و ارزیابی: ایجاد شاخص‌هایی برای سنجش تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رویدادهای ورزشی و ارائه گزارش‌های منظم به شهروندان.

## منابع

1. Zeynali Azim, A., Babazadeh Oskouei, S., Mehmani, R., Faraji, S., Rafizadeh, M. Evaluation of Urban Regeneration in the Historical Context of Tabriz City with a Culture-Oriented Approach. Sustainable Development of Geographical Environment, 2023; 5(8): 51-69. <https://doi.org/10.48308/sdge.2023.103833>.
2. Razi, N., Abdollahzadeh Tarf, A., Saghafi Asl, A., Sattarzadeh, D. Assessing the Relationship between the Effective Cultural Indices on the Sustainable Urban Landscape of Urmia City. *Sustainable city*, 2023; 6(1): 19-37. (In Persian)
3. Fahim davin, H., Asadollahi, E. Impact of Dominant Culture in Ritual-Heritage Sports on the Development of Social Capital of Urban Communities (Case study: Zurkhaneh sport and wrestling in Khorasan Razavi province). *Research on Educational Sport*, 2023; 10(29): 45-66. (In Persian)
4. Torabi, F., Mohammadi, M. Institutionalizing the effective factors of the general culture of public sports in the society (case study: Tehran province). *Applied Research in Sport Management*, 2023; 12(2): 15-30. doi: 10.30473/arsm.2023.65980.3719. (In Persian)
5. Bai Y. Thoughts on hosting large-scale sports events in my country [J]. *Sports Culture Guide*, 2013 (5): 4-6.
6. Abedi, A., Razavi, S. M. H., Doosti, M., Ahmadi, S. A. Identifying the Aspects and Approaches of Cultural Development of Sport and Its Factors. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 2019; 17(42): 9-32. (In Persian)
7. Lei Hu. Exploration of Sports Events to the Cultivation of Urban Sports Culture. *Frontiers in Sport Research* (2020) Vol. 2 Issue 8: 90-96. <https://doi.org/10.25236/FSR.2020.020816>.
8. Tong J. Path selection of urban sports development from the perspective of cultural creativity[J]. *Sports Science and Technology*, 2016, (1): 96-97.
9. Qingyuan Li, Junwei Zhang, Mengxin Qi, Taifu Hou, Method of Sports Rehabilitation Based on the Concept of Urban Sports Culture. *Social Medicine and Health Management* (2023) Vol. 4: 64-71. DOI: <http://dx.doi.org/10.23977/socmhm.2023.040210>.
10. Li Y and Li Y. "Research on the impact of hosting large-scale sports events on the development of urban sports culture--Taking the 14th National Games held in Xi'an City as an example. "Contemporary sports Technology 12. 20 (2022): 122-125.
11. Wang C., The application of urban sports culture in the construction of large-scale sports facilities. *Industrial buildings* 52. 03(2022): 316-317.
12. Ma A, and He Y. "Exploration of competitive sports celebrities and the development of sports culture in Nantong City." *Contemporary Sports Technology*, 2021 11(25): 166-168.
13. Wang DJ An introduction to sports materialized culture studies[J]. *Journal of Beijing Sport University*, 2016 39(6):13-20.
14. Lu Q, Qiao KM, Research on the evaluation index system of sports culture industry competitiveness[J]. *J Chaohu Univ*, 2015 31(3): 95-100
15. Abedini, S., Talebi, S. The Socio-economical Factors Related to the Degree of Tendency of Citizens toward Public Sports in Khalkal. *Journal of Applied Sociology*, 2017; 28(1): 131-144. doi: 10.22108/jas.2017.21255. (In Persian)
16. Mahmoudi, A., Pirjamadi, S., Roozbeh Tehrani, S. The Role of Urban Management and Citizens' Acculturation of Public Cycling on Sustainable Urban Development. *Sport Management Journal*, 2022; 14(4): 164-149. (In Persian)
17. Hui S, Evaluation of regional cultural creative Industries. Development based on fuzzy AHP method[J]. *Appl Mech Mater*, 2011, 39(2):592-597
18. Lin L. "Research on the coupling of WTA Super Elite Competition and Zhuhai City Sports Culture." *Journal of Guangzhou Institute of Physical Education*, 2019 39. 05: 89-94.
19. Pope SW, Embracing cultural contexts and critical reflexivity: (re)presenting the global sports industry in research and practice[J]. *Eur Sport Manag Q*, 2010, 10(4):509-524.
20. Clark R, Misener L. Understanding urban development through a sport events portfolio: A case study of London, Ontario. *J Sport Manag*. 2015;29(1):11-26. doi:10.1123/JSM.2013-0259.





## Exploring the Role and Effects of Urban Development Planning on Alienation and Atomization of Urban Individuals (Case Study: Tehran Metropolis)

Ali Faramarzi Rad<sup>1</sup> | Mohammad Hossein Boochani<sup>2\*</sup> 

1. PH.D. Student, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: [Ali.Faramarzi.Rad@ut.ac.ir](mailto:Ali.Faramarzi.Rad@ut.ac.ir)

2. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: [Boochani10@yahoo.com](mailto:Boochani10@yahoo.com)

### ARTICLE INFO

**Article type:**  
Research Paper

**Article History:**  
Received 16 October 2024  
Revised 15 November 2024  
Accepted 20 December 2024  
Published Online 04 January 2025

**Keywords:**  
Urban Alienation,  
Urban Development Planning,  
Urbanized Individual.

### ABSTRACT

This research explores the role of urban planning interventions in shaping urban alienation in Tehran. Despite the remarkable speed of physical growth in the metropolis of Tehran—including roads, bridges, and skyscrapers—it seems that individuals are becoming increasingly alienated from themselves, their citizens, and their surrounding environment. Urban alienation, social fragmentation, and the disconnection between individuals and their urban surroundings have emerged as fundamental challenges of modern urban life. Over the past half-century, the three urban development plans of Tehran, designed to improve the quality of urban life, have inadvertently exacerbated these issues. As the primary strategic documents guiding urban interventions, these plans, instead of bridging the gap between human (inside) and the city (outside), have intensified feelings of powerlessness and lack of control over life. It could even be argued that they have deepened the distance between individuals and their own inner selves. The present study seeks to answer the question of whether urban development plans, as strategic documents in metropolises, address the issue of urban human alienation, reflection, and problem solving. In other words, can this issue be effectively tackled through urban development plans? The research approach, alongside a review of theoretical literature, employed a qualitative methodology using the Delphi technique to conduct interviews with experts and specialists in this field. The findings reveal that the decline of public spaces (10.68%), Persistent construction and physical monotony (9.71%), Expansion of large-scale highways (8.74%). These factors have played a significant role in expanding and deepening urban human alienation and social atomization.

**Cite this article:** Faramarzi Rad, A. & Boochani, M. H. (2025). Exploring the Role and Effects of Urban Development Planning on Alienation and Atomization of Urban Individuals (Case Study: Tehran Metropolis). *Urban Development Policy Making*, 1 (1), 35-55. DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.497357.1002>



© Ali Faramarzi Rad, Mohammad Hossein Boochani  
DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.497357.1002>

### Introduction

In recent decades, the urban development of metropolises such as Tehran has tended to concentrate on physical structure, roads, bridges, and large-scale building projects. However, in many respects, this attentiveness toward material growth has bypassed the psychological and emotional well-being of city dwellers. Despite all the advances that city life offers, many dwellers experience alienation, social breakdown, and dissociation with their environment and even with their selves. Urban alienation is no longer just a sociological concern, but an increasingly pressing urban planning issue demanding

attention. In Tehran, for example, three major urban development plans have been put in place over the past half-century with the intention of improving quality of life. Yet, these three plans have caused city dwellers to feel increasingly powerless, isolated, and disconnected from each other. This research, by studying the urban alienation, attempts to explore the role of urban development plans on this phenomenon.

### Methodology

This article uses a qualitative research method that combines a literature review of theory with the Delphi technique. The study, through interviews with experts such as urban planners, sociologists, and policymakers, finds important factors causing urban alienation. Information was collected and analyzed to construct an in-depth understanding of how urban planning policies affect social connection and emotional well-being.

### Result

The findings highlight three primary factors contributing to **urban alienation** in Tehran:

1. **The decline of public spaces** (10.68%) – Reduced interaction opportunities and lack of vibrant community spaces.
2. **Persistent construction and physical monotony** (9.71%) – Overemphasis on uniform physical infrastructure without attention to social needs.
3. **Expansion of highways and large-scale infrastructure projects** (8.74%) – Fragmentation of urban spaces, reducing pedestrian accessibility and neighborhood connectivity.

These factors collectively exacerbate the **sense of alienation and atomization** among urban residents.

### Conclusion

The studies show that Tehran's city development plans have not considered the emotional and psychological parts of city life. Instead of alleviating feelings of isolation, these plans have often made them worse with big projects that do not connect with social issues. The problem is rooted in the capitalist approach to city planning, whereby human connections and emotional health take a back seat to building and making money. To solve this problem:

- Urban planning must prioritize human-centric design over purely physical infrastructure.
- Develop community spaces that encourage social interaction and a shared identity.
- Consider local context and cultural nuances in planning and execution.

The study throws light on the need for a shift toward context-sensitive, socially aware urban planning to reduce feelings of alienation and create more inclusive and connected urban environments.



## واکاوی نقش و اثرات طرح‌های توسعه شهری در از خودبیگانگی و اتمیزه شدن انسان شهری (نمونه موردی: کلان‌شهر تهران)

علی فرامرزی‌راد<sup>۱</sup> | محمدحسین بوچانی<sup>۲\*</sup>

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، رایانامه: [Ali.Faramarzi.Rad@ut.ac.ir](mailto:Ali.Faramarzi.Rad@ut.ac.ir)  
۲. نویسنده مسئول، استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، رایانامه: [Boochani10@yahoo.com](mailto:Boochani10@yahoo.com)

### اطلاعات مقاله

### چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

کلیدواژه:

از خودبیگانگی شهری،  
طرح‌های توسعه شهری،  
انسان شهری‌شده.

این پژوهش درباره نقش مداخلات برنامه‌ریزی شهری در شکل‌دهی به از خودبیگانگی انسان در تهران است. با وجود سرعت قابل توجهی که در رشد کالبدی کلان‌شهر تهران مانند جاده‌ها، پل‌ها و برج‌ها وجود دارد، به نظر می‌رسد به همان میزان انسان‌ها با خود، همشهریان و محیط اطرافشان بیگانه می‌شوند. از خودبیگانگی شهری، گسست اجتماعی و عدم پیوند میان افراد و محیط شهری به یکی از چالش‌های اساسی زندگی شهری مدرن تبدیل شده‌اند. طی تقریباً نیم‌قرن گذشته، طرح‌های سه‌گانه توسعه شهری تهران که با هدف بهبود کیفیت زندگی شهری اجرا شدند، به طور ناخواسته این مشکلات را تشدید کرده‌اند. این طرح‌ها به عنوان اصلی‌ترین سندهای راهبردی شهر و ملاک عمل در مداخلات، به جای ایجاد پلی میان انسان (درون) و شهر (برون)، حس ناتوانی و عدم تسلط بر زندگی را بیش از پیش افزایش داده‌اند به گونه‌ای که شاید بتوان گفت که فاصله بین انسان با خودش را نیز تشدید کرده‌اند. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا طرح‌های توسعه شهری به عنوان سند راهبردی در کلان‌شهرها در حل مسئله از خودبیگانگی انسان شهرنشین، اندیشه‌ورزی و چاره‌جویی می‌کنند؟ و به بیانی دیگر، آیا می‌شود از طریق طرح‌های توسعه شهری به حل این مسئله پرداخت؟ رویکرد پژوهش در کنار مرور ادبیات نظری، از طریق روش کیفی و با استفاده از تکنیک دلفی، مصاحبه‌ای با نخبگان و متخصصان این حوزه صورت گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد «افول قلمروی عمومی» با ۱۰/۶۸ درصد، «ساخت‌وساز مداوم و بی‌قوارگی کالبدی» با ۹/۷۱ درصد و «افزایش ابعاد بزرگراهی» با ۸/۷۴ درصد تأثیر زیادی در گسترش و عمق بخشیدن به از خودبیگانگی و اتمیزه شدن انسان شهری داشته‌اند.

**استناد:** فرامرزی‌راد، علی و بوچانی، محمدحسین (۱۴۰۳). واکاوی نقش و اثرات طرح‌های توسعه شهری در از خودبیگانگی و اتمیزه شدن انسان شهری (نمونه موردی: کلان‌شهر تهران). *سیاستگذاری پیشرفت شهری*، ۱ (۱) ۳۵-۵۵. DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.497357.1002>

© علی فرامرزی‌راد، محمدحسین بوچانی

DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.497357.1002>



## ۱. مقدمه

در بسیاری از کلان‌شهرها، از جمله تهران، طرح‌های توسعه شهری بیشتر به جنبه‌های کالبدی و فیزیکی شهر، مانند ساخت جاده‌ها، پل‌ها و برج‌های بلند، توجه داشته‌اند [۱]. این رویکرد هرچند در نگاه نخست ممکن است به عنوان نمادی از مدرنیته و پیشرفت تلقی شود، اما اغلب تأثیرات منفی اجتماعی و روانی آن بر شهروندان نادیده گرفته می‌شود. به بیان دیگر، در این‌گونه طرح‌ها توجه چندانی به انسان و رابطه او با محیط شهری نمی‌شود و همین امر بروز احساسات منفی مانند بیگانگی و عدم تعلق به محیط زندگی را در پی دارد. در واقع، ساکنان این مناطق با احساس بی‌هویتی روبه‌رو می‌شوند و در برخی موارد، ممکن است دچار نوعی از خودبیگانگی شوند. این پدیده، که خود را به شکلی پیچیده و چندبعدی در شهرها نمایان می‌کند، فقط یک معضل روان‌شناسی یا اجتماعی نیست، بلکه به طور فزاینده‌ای به یک چالش بزرگ در برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است. از خودبیگانگی شهری زمانی رخ می‌دهد که انسان در دنیای ساخته‌شده توسط خود، احساس می‌کند که دیگر ارتباطی با آن ندارد. این احساس بیگانگی می‌تواند در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی اثرات منفی زیادی بر شهروندان بگذارد.

اگر به تاریخچه طرح‌های توسعه شهری در تهران نگاه کنیم، می‌بینیم که در نیم‌قرن اخیر، سه طرح اصلی با هدف بهبود کیفیت زندگی شهری و به‌روزرسانی زیرساخت‌ها و ساخت‌وسازهای بزرگ در سطح شهر تهیه و اجرا شده‌اند. با وجود هدف اولیه این طرح‌ها برای ارتقای شرایط زندگی شهری، بررسی‌ها نشان می‌دهد این پروژه‌ها در عمل نتوانسته‌اند پیوندهای اجتماعی را تقویت کنند و احساس هویت فردی و جمعی در میان شهروندان به وجود آورند. در عوض، این طرح‌ها غالباً به افزایش احساس ناتوانی و فاصله میان انسان و محیط زندگی خود منجر شده‌اند. به بیانی، این پروژه‌ها به جای آنکه باعث همگرایی و انسجام اجتماعی شوند، زمینه‌ساز گسست میان انسان و محیط‌های مصنوعی شده‌اند [۲].

پایه‌هایم در نظریه خود به این نکته اشاره می‌کند که از خودبیگانگی زمانی رخ می‌دهد که «محیط‌های ساخته‌شده توسط انسان دیگر نتوانند با نیازهای روانی و اجتماعی او همخوانی پیدا کنند و به نوعی بر انسان تسلط یابند». اینجاست که ضرورت بازنگری در رویکردهای فعلی برنامه‌ریزی شهری بیشتر احساس می‌شود. برای حل این چالش‌ها باید توجه ویژه‌ای به ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی توسعه شهری معطوف کرد و محیط‌های شهری را طوری طراحی کرد که به افزایش ارتباط انسان با محیط و تقویت هویت اجتماعی و فردی کمک کنند.

در این راستا، پژوهش حاضر سعی دارد به بررسی دقیق‌تری از نقش طرح‌های توسعه شهری در ایجاد و یا تشدید از خودبیگانگی در تهران بپردازد. هدف مطالعه حاضر این است که بررسی کند آیا اسناد و طرح‌های راهبردی شهری ابزارهای مؤثری در کاهش این مسئله بوده‌اند یا ناخودآگاه بر عمق این بحران افزوده‌اند. این تحقیق به‌ویژه با استفاده از روش‌های کیفی و مصاحبه‌های عمیق با متخصصان حوزه‌های شهرسازی و جامعه‌شناسی، تلاش می‌کند تا به راهکارهایی جدید و نوآورانه برای بازاندیشی در سیاست‌های شهری و کاهش پدیده از خودبیگانگی دست یابد.

## ۱-۲. چارچوب نظری

### ۱-۲-۱. از خودبیگانگی

از خودبیگانگی<sup>۱</sup> یا بیگانگی<sup>۲</sup> یکی از مفاهیم جامعه‌شناسی و فلسفی است و به وضعیت فرد یا گروهی اشاره می‌کند که در آن، فرد احساس می‌کند از خود، دیگران یا حتی محیط اطرافش فاصله گرفته است. این مفهوم برای اولین بار توسط فیلسوفان آلمانی مثل هگل<sup>۳</sup> و مارکس<sup>۴</sup> مطرح شد. مارکس درباره از خودبیگانگی به‌ویژه در جوامع سرمایه‌داری تحلیل می‌کند که کارگران در این جوامع از محصولاتی که تولید می‌کنند بیگانه می‌شوند، زیرا هیچ ارتباط عاطفی یا مالکیتی نسبت به چیزی که خودشان ساخته‌اند

1. Self-alienation

2. Alienation

3. Georg Wilhelm Friedrich Hegel

4. Karl Marx

ندارند. به‌علاوه، کارگران از خودشان و از فرایند کار هم بیگانه می‌شوند و در نهایت، این بیگانگی باعث می‌شود که در زندگی روزمره‌شان احساس معنای کمتری داشته باشند.

با گذشت زمان، این مفهوم فراتر از بعد اقتصادی رفته و به جنبه‌های اجتماعی و روان‌شناختی هم گسترش پیدا کرده است. برای مثال، فردیناند تونیس<sup>۱</sup> (۱۸۸۷) در کتاب معروفش، جامعه و جماعت، به دو نوع جامعه اشاره کرده: جماعت، جایی که روابط بین افراد بیشتر بر اساس پیوندهای عاطفی و شخصی است، و جامعه، که روابط در آن بیشتر بر اساس منافع و قراردادهای اجتماعی است. در جوامع مدرن و به‌ویژه در شهرهای بزرگ، بیگانگی به طور واضحی دیده می‌شود. در این جوامع، افراد وارد شبکه‌های پیچیده‌ای از روابط می‌شوند که باعث می‌شود کم‌کم از هم دور شوند و احساس تنهایی و غربت کنند. در این شرایط، فرد نه تنها از دیگران، بلکه از خودش هم فاصله می‌گیرد.

در نظریه‌های جامعه‌شناسی امروز، از خودبیگانگی فقط به بی‌احساسی نسبت به کار یا جامعه محدود نمی‌شود. امروزه، این مفهوم به ابعاد پیچیده‌تری از تجربه انسانی اشاره دارد. برای مثال ملوین سیمن<sup>۲</sup> در تحقیقاتش شش ویژگی اصلی از خودبیگانگی را معرفی کرده که شامل ۱- بی‌قدرتی<sup>۳</sup>؛ ۲- بی‌هنجاری<sup>۴</sup>؛ ۳- غربت و انزوا<sup>۵</sup>؛ ۴- تمیزه شدن اجتماع<sup>۶</sup>؛ ۵- بی‌معنایی<sup>۷</sup>؛ ۶- بیگانگی فرهنگی<sup>۸</sup> است [۳]. این ویژگی‌ها به‌ویژه در جوامع مدرن و شهری بیشتر به چشم می‌آیند؛ جایی که ارتباطات انسانی واقعی کم‌کم از بین می‌روند و انسان‌ها احساس می‌کنند که در دنیای پیچیده‌ای که ساخته‌اند، جایی برای خود ندارند.

با توجه به این توضیحات، از خودبیگانگی پدیده‌ای چندبعدی است که ابعاد فردی، اجتماعی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. وقتی نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نمی‌توانند نیازهای واقعی افراد را برآورده کنند و به آن‌ها فرصتی برای مشارکت واقعی در جامعه ندهند، این بیگانگی بیشتر و بیشتر می‌شود. در این شرایط، از خودبیگانگی نه فقط یک مشکل فردی، بلکه یک چالش اجتماعی و شهری نیز خواهد بود که باید به آن توجه کرد. این مسئله در برنامه‌ریزی و طراحی شهری بسیار مهم است، زیرا به طور مستقیم با تجربه روزمره مردم در محیط شهری در ارتباط است. بنابراین، باید از رویکردهایی که به ایجاد حس بیگانگی منجر می‌شوند، اجتناب کرد و در پی ایجاد فضاهای همگرا بود [۴].

## ۱-۲-۲. نقش طرح‌های توسعه شهری تهران در از خودبیگانگی انسان شهری

طرح‌های توسعه شهری همواره نقشی کلیدی در مدیریت و شکل‌دهی کلان‌شهرها داشته‌اند. این طرح‌ها به عنوان ابزارهایی مهم در برنامه‌ریزی، با هدف بهبود زندگی شهری، ارتقای زیرساخت‌ها و پاسخ‌گویی به نیازهای روزافزون جمعیت تنظیم و اجرا می‌شوند. اما واقعیت این است که نحوه تدوین و اجرای این طرح‌ها می‌تواند تأثیرات عمیقی بر جنبه‌های روانی و اجتماعی زندگی شهروندان داشته باشد؛ چیزی که شاید در ظاهر کمتر به آن پرداخته می‌شود.

طرح‌های توسعه شهری در ایران از دهه ۱۳۴۰ آغاز شدند و از همان ابتدا، تحت تأثیر ایده‌های مدرنیسم و نوسازی قرار گرفتند. به طور مشخص، تهران سه طرح جامع اصلی توسعه شهری را پشت سر گذاشته است: طرح‌های سال ۱۳۴۹، ۱۳۷۰ و ۱۳۸۶. هر یک از این طرح‌ها، بیشتر بر توسعه زیرساخت‌های فیزیکی، مثل جاده‌ها، بزرگراه‌ها و ساختمان‌ها تمرکز داشته‌اند. عزیزی و رحمانی در پژوهش خود اشاره می‌کنند که این طرح‌ها بیشتر به دنبال نمایش مدرنیته و رقابت با شهرهای پیشرفته جهان بوده‌اند، تا اینکه به مسائل اجتماعی و فرهنگی مردم شهر بپردازند. در بررسی این طرح‌ها، چهار محور اصلی مشخص می‌شود:

- توسعه شبکه حمل‌ونقل و زیرساخت‌های ارتباطی: ساخت بزرگراه‌ها، پل‌ها و تقاطع‌های غیرهمسطح، به همراه گسترش سیستم حمل‌ونقل عمومی با هدف کاهش ترافیک.

1. Ferdinand Tönnies, 1887  
 2. Melvin Seeman, 1959  
 3. Powerlessness  
 4. Normlessness  
 5. Self-estrangement  
 6. Social Isolation  
 7. Meaninglessness  
 8. Cultural Estrangement

- **افزایش تراکم جمعیت با ساخت مجتمع‌های مسکونی بزرگ‌مقیاس:** با رشد جمعیت تهران، تقاضای مسکن افزایش یافت و همین موضوع باعث شد تا ساخت‌وسازهای گسترده، چه به شکل افقی و چه عمودی، در اولویت قرار گیرد.
  - **نوسازی کالبدی شهر و ساخت‌وسازهای وسیع:** پل‌ها، برج‌ها، مراکز تجاری و ساختمان‌های اداری بسیاری در تهران ساخته شد که به نمادهایی از پیشرفت تبدیل شدند.
  - **جذب سرمایه و توسعه اقتصادی:** ایجاد مناطق تجاری و صنعتی در نقاط مختلف تهران با هدف تقویت جایگاه اقتصادی پایتخت کشور، به یکی دیگر از اولویت‌ها تبدیل شد.
- اگرچه این اقدامات باعث شد تهران از نظر کالبدی و زیرساختی پیشرفت نسبی داشته باشد، اما پیامدهای اجتماعی و فرهنگی این نوع برنامه‌ریزی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه، به واکاوی از خودبیگانگی انسان در پنج بعد پرداخته خواهد شد.

### ۱-۲-۳. محیط زیست و از خودبیگانگی انسان شهری

اشتراک نظر بسیاری از حرفه‌مندان در این است که: ۱- سازوکارهای سنتی در شهرسازی ایران شکسته شده‌اند و ۲- سازوکارها و روش‌های جایگزین مدرن، هرگز نتوانسته‌اند به نیازها و خواسته‌های جامعه امروز ایران پاسخ دهند [۵]. طرح‌های توسعه شهری که به عنوان روش‌های مدرن در نظام برنامه‌ریزی شهری فعلی ایران در حال تهیه و اجرا هستند، به نظر می‌رسد با تمام تلاشی که برای ساخت‌وساز و توسعه شهرها دارند، اما همچنان نتوانسته‌اند انسان را به متن اصلی شهر درآورند. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «ما برای انسان برنامه‌ریزی نمی‌کنیم، ما برای شهر برنامه‌ریزی می‌کنیم و انسان را مجبور به اجرا می‌کنیم» (M3).

همواره ارتباط بسیار گسترده و عمیقی بین ساکنان و محیط زیست شهری وجود دارد که تأثیرات متقابلی روی هم می‌گذارند. این تأثیرات ممکن است به شکل زلزله، سیل، رانش زمین و... باشد که به صورت طبیعی بر محیط زیست انسان تحمیل می‌شود، و هم می‌تواند از طریق مداخلات سنگینی که انسان در شهرها به وجود می‌آورد باشد. بنابراین می‌توان گفت که ارتباطی که محیط با انسان برقرار می‌کند: یکی از طریق بلایای طبیعی است که در جهت تضاد با تلاش‌های انسانی، غالباً به تخریب و ویرانی می‌انجامد و دیگری از طریق مداخلاتی است که انسان روی محیط انجام می‌دهد تا شرایط را برای خودش مطلوب کند، اما برآیند این ارتباط و گفت‌وگوی انسان با محیط، نشان از ارتباطی غیرصلح‌آمیز، نادوستانه و کاملاً متضاد است. به بیانی دیگر، تغییراتی که محیط از خود بروز می‌دهد در کمتر مواردی در جهت تلاش‌های انسان است و غالباً نه تنها کمکی به روند زندگی او نمی‌کند، بلکه مخرب و ویران‌کننده نیز هست. محیط بارها از طریق کاهش بارندگی، گرمایش زمین، سیل، زلزله، توفان، رانش، انتشار ویروس و مواردی دیگر دهن‌کجی‌اش را به انسان ابراز داشته است. از طرفی انسان نیز با کوه‌خواری، ایجاد آسمان‌خراش‌ها، تخریب جنگل‌ها، آلودگی هوا، مصرف بی‌رویه از منابع و غیره ارتباط نادوستانه خودش را به اثبات رسانده است. به این سبب، نتیجه این تقابل و نادوستی، صورتی از ناجوری، ناهمگونی و ناسازگاری را به بار آورده که بی‌شک به خسران انسان انجامیده است. در این میان طرح‌های توسعه شهری، چه راه‌حلی برای پیوند و آشتی میان انسان و محیط داشته‌اند؟ یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «خیلی از طرح‌ها هنگامی که برای ارائه به مراجع بالاتر ارائه می‌شوند، می‌گویند که باید یک طرح ارزیابی محیط زیستی نیز برای آن تهیه شود. بنابراین ما نیز به همکاران می‌گوییم که ارزیابی محیطی زیستی را طوری بنویسند که طرح پیشنهادی‌مان را توجیه کند تا سریع‌تر به اجرای طرح برسیم» (M2). با این اوصاف، مشکل را در کجا می‌توان ریشه‌یابی کرد؟ مشکل از نهاد بالادستی است که ارزیابی طرح محیط زیستی را به همان مهندس مشاور می‌سپارد که طرح کالبدی را تهیه کرده؟ یا مشکل از قوانین و مجریان است؟ شاید بتوان با تغییری در روند و ساختار اداری و تهیه طرح‌ها، جلوی بروز چنین اتفاقاتی را کمتر کرد، اما در اصل قضیه تغییری ایجاد نمی‌شود. به نظر می‌رسد که ریشه این قضیه در ذات انسانی است که احساس بیگانگی، او را نسبت به آینده و محیط زیستش خنثی و بی‌تفاوت کرده است [۶].

یکی از راه‌های ارتباط انسان و محیط، زبان و ادبیات است [۵]. امروزه تجربیات عملی و علمی نشان داده است که ایجاد فضایی برای زیستن، چیزی بیشتر از تقسیم ریاضیات است. این دیدگاه به ما امکان می‌دهد تا «برنامه‌ریزی را به عنوان چیزی

جدای از مهندسی بدانیم» (فریدمن<sup>۱</sup>) [۷]. احساسی که در دل یک فضا تزریق می‌شود حاصل زبان، ادبیات بومی، گویش‌ها، اسطوره‌ها، اشعار و... است. چیزی ورای هندسه احجام و کاشت بنا را باید جست. چیزی که ضمیر آدم را به وجد آورد. به قول سعدی «مشکل درد عشق را حل نکند مهندسی». معماری و شهر تبلور اندیشه‌های شاعرانه در فضا است. اکنون این بی‌قوارگی کالبدی در تهران محصول کدام اندیشه است؟ امروزه، با مهاجرت درون‌شهری، برون‌شهری و حتی فرامرزی، کمتر کسی خودش را متعلق به محل سکونتش می‌داند. ایران‌ستیزی و ایران‌گریزی که به نحوی در شهر و شهروندستیزی ریشه دارد، افکار نسل امروزی را به بند می‌کشد و بخش عمده‌ای از آنان را از وطن فراری می‌دهد. در این میان، راه‌های پیوند مجدد انسان با محیط زیستش، با سرزمین‌اش چگونه حاصل می‌شود؟

بنابراین در نقصان و غیبت ادبیاتی که از دل کشور بیرون می‌آید، و کانال «از کجا آمده‌ایم و آمدنمان بهر چه بوده است» را قطع می‌کند، شهرسازی و شهرنشینی در ایران، سمت‌وسوی تمدن‌سازی را ندارد. امروزه، پیوند انسان شهری با ادبیات بومی در بهترین حالت به شکل یک سرگرمی است. «جوانان امروزی ما، ضرورت یادگیری زبان انگلیسی برایشان اولویت بیشتری نسبت به ادبیات فارسی پیدا کرده، زیرا مدام در فکر مهاجرت هستند» (M5). در این بین، طرح‌های توسعه شهری، به عنوان رابط میان انسان و شهر، آیا راه‌حلی برای ایجاد این پیوند دارند؟ آیا نام‌گذاری شخصیت‌های ادبی روی معابر شهر، کمکی به پیوند انسان شهری با ادبیات و شناخت بیشتر کرده است؟

زبان و ادبیات ایرانی که ارتباطی مستقیم و بین‌الذهانی را بین مردم ایجاد می‌کند و می‌تواند آشخور اندیشه‌های سازندگان و باشندگان شهر باشد، به کلی از متن اصلی زندگی روزمره حذف شده و چارچوب‌های فکری از قبل نوشته‌شده و افکار استاندارد شده جایش را گرفته است. این امر مستقیم بر افکار، اعصاب، اعمال و اخلاق سازندگان شهر تأثیر می‌گذارد و نتایج خود را بر محیط زیست اعمال می‌کند. این جدافتادگی از زبان به همراه بدگمانی و ستیزه‌جویی رایج از ایران، به از خود بیگانگی انسان شهری دامن زده و زنجیره‌ای از معضلات و ابر مسائل شهری را ایجاد کرده است. بنابراین توجه به ادبیات و پیوند آن با شهرسازان می‌تواند روح دوباره‌ای به فضاهای شهری تهران ببخشد.

#### ۱-۲-۴. ضوابط و مقررات شهر و از خود بیگانگی

طرح‌های توسعه شهری به عنوان یکی از ابزارهای شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری در ایران، نشئت‌گرفته از اندیشه‌های نوآوری (مدرنیته) است. اندیشه نوآوری گذشته را بر نمی‌تابد و به طور مستمر و با سرعتی سرسام‌آور به سوی آینده می‌شتابد و حیات خود را تنها در گذر از امروز به فردا می‌بیند [۸]. آنچه در این بخش اهمیت دارد، تأثیر نوآوری بر تغییر فضاهای شهری به لحاظ فیزیکی و ذهنی است. البته که تفاوت‌های ریشه‌ای در اصل نوآوری (مدرنیته) و آنچه به نام مدرنیته وارد جهان‌های سوم شد وجود دارد [۸]، اما به طور کلی در کشورهای توسعه‌نیافته، اجرای طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری، عموماً به معنای تولید فضای جدیدی بود که دولت‌ها بتوانند بر آن کنترل داشته باشند [۹] بنا به اندیشه‌های لوفور<sup>۲</sup>، دولت‌ها برای آنکه بتوانند بقای خود را حفظ کنند، نیاز به تغییر و آرایشی جدید در شکل‌دهی به فضا داشتند. بنابراین آن‌ها برای پیش‌برد دو هدف اصلی خود یعنی کنترل فضا و بسط سرمایه‌داری، ابزاری را یافتند به نام نوآوری که چهره‌ای پیشرفت‌گرایانه داشته و پوشش علمی مناسبی برای مقاصدشان است. همچنین، نظریه انتقادی فرانکفورت هم ابزار مهمی برای درک اثرات سرمایه‌داری بر شکل‌گیری بیگانگی شهری فراهم می‌کند [۱۰].

با ظهور دولت مدرن، فرایند تغییر فضا در ایران و به‌ویژه کلان‌شهر تهران شروع شد. در دوره قاجار و پهلوی سیاست‌های کلان‌کشوری نظیر اصلاحات سفید و ارضی، افزایش شدید سرانه خیابان‌ها، بزرگراه‌ها و اتوبان‌ها، تزریق پول نفت به شهرک‌های صنعتی و مسکونی، تعداد زیادی از جمعیت را به سمت تهران روانه کرد. در واقع دولت به تقلید از غرب، شرایط بسط سرمایه‌داری را ایجاد کرد. سپس در دوره انقلاب، با کاهش نقش دولت و استقلال شهرداری‌ها و تأمین نیازهای مالی شهرداری با فروش تراکم، حضور بخش خصوصی پررنگ‌تر شد و شهرها رفته‌رفته به کالا تبدیل شدند [۹]. این در حالی است که از نظر بنرجی<sup>۳</sup> [۱۱] ما در حال

1. John Friedmann, 1993

2. Henri Lefebvre

3. Tridib Banerjee, 2001

تجربه پژمردگی و زوال در قلمروهای عمومی هستیم. این امر به واسطه لیبرالیسم و کوچک شدن نقش دولت‌ها و واگذاری بخش زیادی از شهر به دست بخش‌های خصوصی است که در نهایت موجب خصوصی‌سازی یا «کالاسازی»<sup>۱</sup> کالاهای عمومی شده است. همچنین، بیان می‌کند که افول قلمروی عمومی با کاهش روحیه عمومی همراه است [۱۱].

در این بین، برنامه‌ریزان شهری و مشاوران معماری و شهرسازی مکلف به تهیه طرح‌هایی هستند که با هدف بهبود سازمان فضایی شهر تصویب می‌شوند. اما نکته اینجاست که برنامه‌ریزی نیز ابزاری است در دست سیاست و در خدمت کسانی کار می‌کند که از آن‌ها حق‌الزحمه دریافت کند [۷]. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «اینکه برنامه‌ریز دستمزدش را از بالادستی‌ها می‌گیرد، معنای جیره‌خواری ندارد، بلکه نشان می‌دهد برنامه‌ریز هم همانند دیگر اقشار و اصناف، در چرخه سرمایه‌داری، گرفتار شده است» (M10). بنابراین دولت، سرمایه، شهرداری و برنامه‌ریزی شهری در فرایند تبدیل فضا به کالا نقش دارند.

و این در حالی است که کرمونا<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) در پژوهش خود به این موضوع اشاره می‌کند که اساس مفهوم فضای عمومی در این ایده معنا پیدا می‌کند که تا حد امکان، فضا باید «آزاد» باشد و به مفاهیمی همچون فضای باز، نامحدود و رایگان تأکید کرده است [۱۲].

ساخت بزرگراه، پل، تونل و تقاطع‌های چندسطحی نقش جابه‌جایی شهر را زیاد کرد و مردم را از وقت‌گذرانی، پرسه‌زنی و قدم زدن در کنار مغازه‌های کوچک، غذاخوری‌ها و مراکز فرهنگی به کلی دور ساخت. دیگر کمتر جایی را در تهران سراغ داریم که برای وقت‌گذرانی و تفریح بتوان آنجا جمع شد. ابعاد پنهان و کمتر دیده‌شده در زوال فضاهای شهری، تأثیراتی است که در اخلاق و رفتار شهروندان نمود پیدا می‌کند. شهرنشینی سریع نه فقط فضای فیزیکی از جمله محیط ساخته‌شده، کاربری اراضی و چشم‌اندازها و غیره را تغییر می‌دهد، بلکه فضای تخیلی و ذهنی را نیز عوض می‌کند [۳].

کتل<sup>۳</sup> و همکارانش [۱۳] در پژوهش خود به این نکته اشاره می‌کنند که یکی از کارکردهای اساسی فضاهای عمومی، «مکان‌های گریز» یا «مکان‌های رهایی»<sup>۴</sup> است. آن‌ها در این تحقیق از پیرمرد ۸۴ ساله‌ای سخن می‌گویند که هر هفته به قبرستان نزدیک منزلش می‌رود تا هم عادتی باشد برای خروج از منزل و هم فرصتی فراهم می‌کند تا با خاطرات همسرش تنها باشد. یا از برخی جوانان صحبت می‌کنند که در محیط‌های باز به دنبال خلق فضاهای بسیار شخصی برای خود هستند، تا به خلوت و آرامشی دست یابند که در خانه از آن محروم‌اند. آن‌ها همچنین می‌گویند که فرار و رهایی از خانه برای مادران نیز مهم است. برای مثال، یک مادر جوان با یک اتومبیل به یک مرکز خرید در محدوده خارج از شهر می‌رفت، او هم از دیدن فضا و هم از عزیمت به آنجا لذت می‌برد. پس آن پیرمرد به دنبال تنهایی است که خودش را با خاطرات همسرش پیدا کند، آن جوانان به دنبال ایجاد قلمروهایی بسیار شخصی در فضای عمومی هستند و آن مادر به یک فضای بیرونی می‌رفته است تا خودش را از مسئولیت‌ها، شلوغی‌ها و تعهدات خانه خلاص کند و خلوتش را در بیرون از خانه، در شهر و در فضاهای عمومی شهر بیابد [۱۳]. مطالعه کتل و همکارانش این نکته را یادآور می‌شود که فضای عمومی فقط با جهان بیرون تعریف نمی‌شود و سروکار ندارد، بلکه در عین حال ظرفی است که می‌تواند «جهان‌های درون»<sup>۵</sup> را نیز دربرگیرد. به بیانی دیگر، فضای عمومی می‌تواند علاوه بر ایجاد بستری برای ارتباط و تعامل با دیگران، برای فرد، تنهایی و انزوا نیز داشته باشد، اما تنهایی و انزوا به معنای مثبت‌واژه، یعنی احساسی آرامش‌بخش و خلوتی با خود.

در همین راستا اپلیارد<sup>۶</sup> (۱۹۷۶) [۱۴] در کتاب *برنامه‌ریزی یک شهر کثرت‌گرا*<sup>۷</sup>، ایده‌ای را مطرح می‌کند تحت عنوان «شهرهای شخصی‌سازی‌شده»<sup>۸</sup>. او بیان می‌کند که چگونه آدم‌ها در دل این شهر عمومی که در آن متولد می‌شوند، بزرگ می‌شوند، مدرسه می‌روند، کار می‌کنند، ازدواج می‌کنند، سوگوار می‌شوند و می‌توانند آن را شخصی‌سازی کنند. او می‌گوید که

1. Commodification
2. Matthew Carmona, 2019
3. Vicky Cattell, 2008
4. Places of Escape
5. Interior World
6. Donald Appelyard, 1976
7. Planning a Pluralist City
8. Personalized City

شخصی‌سازی شهرها تا حد زیادی وابسته به شخصی‌سازی فضاها و مکان‌های عمومی است. به بیانی، مستلزم حک کردن رنگ تعلق شخصی بر فضاها و مکان‌های شهر است. یعنی آدم‌ها باید بتوانند فضاهایی را در شهر از آن خود کنند. بدیهی است که از آن خود کردن، امری حقوقی و مادی نیست، بلکه به لحاظ معنوی و معنایی اتفاق می‌افتد [۱۴].

یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «فضاهای ما چه هنگام تولید و چه هنگام استفاده، هیچ‌یک در کنترل فردی و جمعی شهروندان نیست» (M12) و «اصولاً ما حتی اگر فضا تولید کنیم، فقط برای آن است که در بازار نظریه‌ها سهمی داشته باشیم تا دیگران به ما خرده‌ای نگیرند» (M7). بنابراین، فضاهای عمومی سیاسی در خاورمیانه به دلیل طراحی انتزاعی (تمرکز بر جنبه‌های ظاهری، سمبلیک یا کالبدی) حس بیگانگی را تقویت کرده‌اند [۱۵].

پس می‌توان گفت که فضاهای عمومی شهر تهران، در محاصره سه روند ایدئولوژی نووارگی، کالاسازی و بزرگرایی شدن قرار گرفته است. فضاهایی که انسان‌ها در آن می‌توانند به گفت‌وگوی عمیق و مناظره بپردازند کاملاً کنترل شده است و طرح‌های توسعه شهری یکی از ابزار و شاید مجری اصلی این امر هستند. زوال فضاهای شهری، کمک زیادی به کنترل شدن گفت‌وگوهای عمیق کرده و اگر نه مبتذل دست‌کم آن را غیر مؤثر کرده است. فضاهای گفت‌وگو از رهایی، خلاقیت، اشتراک‌گذاری، بیرونی و با صدای بلند، به درونی، نشخوار فکری، بسته، کنترل‌شده و یواشکی تبدیل شده است. فضاهای گفت‌وگو و تعاملات انسانی برای مباحثه و یادگیری، حرف زدن و شنیدن، تنها به مدارس و دانشگاه‌ها و محیط‌های کاری و مهمانی‌های خانوادگی محدود شده و یا در روزنامه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی به صورت دستچین‌شده درآمده است. از این‌رو، امکان هرگونه اندیشه انتقادی که ضامن تغییر و درجا زدن انسان است، از بین می‌رود. غفلت از این مهم، تعاملات شکل‌گرفته در آن و شناخت انسان از خود در چنین محیط‌هایی، باعث شده تا صاحب اصلی فضاهای تولیدشده در دهه‌های اخیر، سرمایه باشد. ضوابط و مقررات موجود در طرح‌های توسعه شهری، اساساً نه تنها به شناخت انسان در فضاهای شهر کمکی نمی‌کند، بلکه در مجموع برنامه‌ای برای از بین بردن این بحران انسانی نیز ندارد. نتایج عینی از اجرای طرح‌های توسعه شهری در تهران، حاکی از اضمحلال فضاهای شهری است، که نتیجه آن فردگرایی، تمیزه شدن اجتماع و از خود بیگانگی شهروندان است.

### ۱-۲-۵. اقتصاد شهر و از خود بیگانگی

شهر یک موجودیت اقتصادی است، زیرا ثروت بزرگی را در خود متمرکز می‌کند [۱۶]، اما انحصار کردن ثروت در دست جامعه‌ای خاص، سبب شد تا توده مردم با مفهوم نابرابری، اضطراب و ناامنی اقتصادی تا آخر عمر دست‌وپنجه نرم کنند. کارل پولانی با طرح یک سؤال موضوع جالبی را مطرح می‌کند: «تهی‌دستان از کجا آمده‌اند؟» میان متفکران سده هجدهمی اتفاق نظر بود که بینوایی و پیشرفت از هم جدایی‌ناپذیر هستند. بنا به نوشته جان مک فارلین (۱۷۸۲)، بیشترین تهی‌دستان را باید نه در کشورهای بی‌آب‌وعلف یا در میان ملل بی‌تمدن، بلکه در حاصلخیزترین و متمدن‌ترین کشورها یافت [۱۷].

در این خصوص دو تن از اساتید جامعه‌شناسی اشاره می‌کنند: «اکنون شرایط اقتصادی طوری شده که آدم‌ها مدام حرص پول را می‌زنند، نه اینکه از حقشان بیشتر بخواهند، بلکه دعوا بر سر بقاست. دیگر کسی به اینکه رسالتش در زندگی چیست، فکر نمی‌کند، یعنی نمی‌تواند فکر کند» (M7). «حضرت علی<sup>(ع)</sup> در این باره یک فرمول دارند که می‌فرماید: «از دری که فقر وارد شود، از در دیگر ایمان بیرون می‌رود»، این یعنی مسائل اقتصادی شوخی‌بردار نیست، به قدری می‌تواند تأثیرگذار باشد که حتی ایمان و باورهای آدم‌ها را تحت‌الشعاع قرار دهد» (M3).

در چنین شرایط اقتصادی، طرح‌های توسعه شهری چه راه‌حلی را برای برون‌رفت از این اوضاع در نظر گرفته‌اند؟ آیا با تعیین نقش اقتصادی شهر و ایجاد مگامال‌ها می‌توان به جنگ با شرایط وخیم اقتصادی رفت؟ علاوه بر این، در چنین شرایطی اشتباه است بپنداریم که مفهوم «کار» به مثابه عنصر ساختاردهنده به زندگی اجتماعی افراد عمل می‌کند و باعث پیشرفت و ترقی انسان شهروندی می‌شود. فکوهی درباره سازمان‌یافتگی زمان کاری در شهرها می‌نویسد: «در قرن نوزدهم که لحظه‌ای تعیین‌کننده و سازنده نظم در پدیده زمان و کار در نظر گرفته شده، دارای دو جنبه کمی و کیفی است: به لحاظ کمی کار در ابتدا بسیار سخت‌گیرانه، از سن ۸ سالگی، روزی ۱۳ تا ۱۵ ساعت و در ۶ روز هفته بوده است. و به لحاظ کیفی این‌گونه است که سایه کار بر تمامی حیات اجتماعی و تمامی مکان‌های زندگی افتاده است. از این پس، همه کارکردهای رایج در یک شهر درون کار حل

شدند» [۱۶]. پس کار در بستر زمان دستخوش تغییرات زیادی شده، اما چگونه می‌شود که پس از این همه سال، و با وجود پیشرفت چشمگیر تکنولوژی، تغییری در کاهش ساعت‌های کاری دیده نمی‌شود؟ چگونه انسان شهری ملزم است روزی ۹ ساعت (و در موارد بسیاری به صورت دو و سه شیفت) کار کند، ولی پیشرفت مالی، توسعه فردی و گشایش فکری را احساس نکند؟

### ۱-۲-۶. از خودبیگانگی فردی و اجتماعی

یکی از مصاحبه‌شوندگان درباره تهران می‌گوید: «اگر ما عمداً قصد داشتیم شهری را که باعث ایجاد تنهایی می‌شود بسازیم، به‌سختی می‌توانستیم موفق‌تر باشیم، اما شهر تهران تصادفی طراحی نشده است. برنامه‌ریزی شهری توسط منافع خصوصی و سیاسی آن را هدایت کرده است» (M9). آنچه ردپای آن را در قبل از انقلاب و تداوم آن را در بعد از آن نیز می‌توان مشاهده کرد، ورود تحمیلی مدرنیته در شهرسازی ایران است که ایدئولوژی‌وار و بدون در نظر گرفتن فرهنگ، تاریخ و تمدن ایرانی همچنان در حال اجراست [۸]. بنابراین طرح‌های توسعه شهری به دلیل آنکه خشت اولشان کج و نامنطبق با زمینه نهاده شده، اکثر مداخلات، طرح‌ها، راه‌ها و دیوارهایشان تا ثریا کج و ناکارآمد خواهد بود.

علاوه بر این، مارکس معتقد است: «مالکیت خصوصی چنان ما را به بلاهت و یک‌سویه‌نگری کشانده که احساس می‌کنیم تنها هنگامی که یک شیء را در تملک خود داریم، متعلق به ماست... احساس تعلق که مظهر و مبین بیگانگی از کلیه احساس‌ها و مفاهیم مادی و معنوی و ذهنی است، خود جایگزین همه این احساس‌ها شده است» [۹]. در این باره، جیس<sup>۱</sup> و راس<sup>۲</sup> [۱۸] در پژوهش خود به این موضوع دست یافتند که سکونت شهری با احساس ناتوانی همراه است [۱۸]. مسئله حادثه این موضوع را می‌توان در کتاب حجت‌اله رحیمی یافت: «کلان‌شهر، حیات بدن را به نحوه دلخواه خود مونتاژ کرده و فضای بدن با اراده کلان‌شهر به هستی خود ادامه می‌دهد» [۱۹]. در واقع، می‌توان گفت که یکی از ابرچالش‌های پنهانی که انسان شهری طی حیات خود در کلان‌شهری مثل تهران با آن مواجه شده، این است که در حیطه کار و روزمرگی، هیچ ارزشی برای حیات خود قائل نباشد، بلکه باید همیشه در حال تلاش باشد تا پیشرفت‌های تدوین‌شده را طی کند و خودش را فدای چرخه زندگی و کلان‌شهر کند. او باید یاد بگیرد که مرگ برایش حقیقت است، و تا زمان رسیدن به آن، کلان‌شهر می‌تواند معنای زندگی را از او بستاند، او را نسبت به خودش بیگانه کند و به او القا کند که هیچ ارزش و احترامی برای خودش قائل نشود [۲۰]. این امر باعث می‌شود تا «بدن مثله شود و در اختیار کلیت کلان‌شهر قرار گیرد و نفرت فراگیر فضای کلان‌شهر را پر کند» [۱۹] اما این تمام ماجرا نیست، «ساکنان تهران، در چرخه ترسناکی از نظم، قانون و بروکراسی احاطه شده‌اند، به گونه‌ای که افسار اخلاقیات آن‌ها را به دست گرفته» (M8). برآیند این موضوع، چیزی جز توقف معنا و از خودبیگانگی را به همراه نداشته و به خط تولید «نانسان شهری» سرعت می‌بخشد.

همچنین، طرح‌های توسعه شهری با پراکنده‌رویی و گسترش شهرها، به ازهم‌گسیختگی اجتماع و دورافتادگی انسان‌ها از یکدیگر دامن زده‌اند [۲۱]. به عنوان مثال، گئورگ زیمل معتقد است توسعه شهری در مقیاس بزرگ به نظر می‌رسد که تغییرات عمیقی در سطح فردی و خانوادگی ایجاد کرده که هم بر تجربه روان‌شناختی فردی و هم بر نحوه تعامل ما با دیگران تأثیر می‌گذارد. او می‌نویسد: «هیچ‌جا به اندازه جمعیت شهری احساس تنهایی و گم‌گشتگی نمی‌کند». برای زیمل، این تنهایی در هیچ‌جا به اندازه زمانی که در میان جمعیت است آشکار نیست: احساس انزوا فقط مختص به زمانی که شخصی خود را از نظر فیزیکی تنها می‌بیند نیست، بلکه حالتی وجود دارد که از آن هم عمیق‌تر و شدیدتر است و آن زمانی است که آدم غریبه است و بدون ارتباط در بین بسیاری از افراد دیگر گرفتار می‌شود، همانند حضور در یک مهمانی بزرگ، در قطار، یا حضور در ترافیک یک کلان‌شهر [۲۲] چنین موقعیت‌هایی مظهر «تنهایی در جمع»<sup>۳</sup> است (ویلکن<sup>۴</sup>) و یا آنکه اروینگ گافمن «بی‌توجهی مدنی»<sup>۵</sup> را برای توصیف این فرایند بیان می‌کند [۳].

1. Karlyn J. Geis

2. Catherine E. Ross

3. Loneliness in Togetherness

4. Rowan Wilken

5. Civil Inattention

حال باید پرسید امکانی که با استفاده از آن انسان قادر است از خود «چیزی» بسازد، چرا در شرایط اجتماعی امروز از وی دریغ شده و در جهانی به سر می‌برد که به جای آنکه مبتکر فعال دنیای اجتماعی‌اش باشد، بدل به موجودی منفعل شیء‌گون و ناانسان شده است. موجودی که نه تنها خود بلکه حتی طبیعت را به نابودی کشانده و این همه تنها برای سود است که هدف اصلی و نهایی انسان بیگانه جامعه مدرن شده است. به راستی عامل ناانسانی شدن انسان چیست؟ چرا او نه در سازندگی و همسازی با طبیعت، زادگاه خود، که در تخریب و نابودی آن و هر آن چه برای بقای او ضروری است به پا خاسته؟ زمین را می‌فرساید، آب را آلوده می‌کند، جنگل را می‌خشکاند، اقیانوس و دریاها را می‌آلاید و حتی پرده محافظ زمین را می‌درد؟ آیا انسان مدرن توان تغییر و آنکه جبر را از غیر جبر باز شناسد ندارد؟

شهر با رفتار و خلقیات ساکنان آن تعریف می‌شود، با غلغل عرق ریختن کودکان در کوچه‌ها معنا می‌یابد، با حضور زنان و دختران رنگ می‌گیرد و با حرف‌ها و شنیدن‌ها و دیدن‌ها ماندگار می‌شود. اما نظام شهرسازی امروز ایران نه تنها انسان را از محیط بیرون گذاشته، بلکه انسان را از خودش و از معنایش تهی کرده و در حد یک شیء تنزل داده و یا به مثابه یک توده عظیم که از قضا نیازهایی هم دارد با آن رفتار می‌کند.

### ۱-۲-۷. روزمرگی در شهر

شاید در نگاه اول واژه «روزمرگی»<sup>۱</sup> اشاره به کارهای روزانه، روتین و تکراری در زندگی داشته باشد که مسئله حادی به نظر نرسد، اما در پس ظاهر نسبتاً آرام این واژه، اندیشه و معانی خطرناکی نهفته است. به کارهای روزانه، روتین و تکراری باید معانی کسالت‌آور، یکنواختی، بی‌هیجانی، خسته‌کنندگی و بی‌معنایی را نیز اضافه کرد. در واقع، روزمرگی شکلی از کارهای روزانه است که بدون فکر کردن اتفاق می‌افتد و مثل هر چیز دیگری اندازه و حدودی دارد، اما گرفتاری در آن انسان را شبیه به مرده‌ای می‌کند که بدون هیچ‌گونه تغییر، پیشرفت و ابتکار عمل، فقط مجبور به انجام اموری تعریف‌شده می‌شود. از این‌رو، شاید گاهی بتوان آن را «روزمرگی» خواند، یعنی روزهای دل‌مردگی.

اهمیت روزمرگی به قدری زیاد است که هانری لوفور در کتاب *زندگی روزمره در جهان مدرن*<sup>۲</sup> در فصلی جداگانه به آن می‌پردازد. روزمرگی به باور او آن سوی سکه مدرنیته و عامل اصلی این مدرنیته برای در اختیار گرفتن انسان‌ها و «از خود بیگانه ساختن» آن‌هاست [۱۶]. او در این کتاب، جهان مدرن را دنیای تروریستی می‌خواند. شاید این موضوع کمی اغراق‌آمیز باشد، ولی او معتقد است: «تاکتیک‌های ترور توسط پلیس یا ارتش به اندازه کافی واضح و آشکار است، اما مصرف‌گرایی، روزمرگی و حتی تبلیغات چگونه؟»

با این وجود، برنامه‌ریزی شهری تصور می‌کند که با ایجاد فعالیت‌های تفریحی و سرگرم‌کننده می‌توان انسان شهری را از معرض روزمرگی نجات داد، اما این تصور نیز خالی از اشکال نیست. طرح‌های توسعه شهری در تهران با تعریف پروژه‌های سنگین، با تمرکز بر راه‌سازی و پل‌کشی، با اصرار بر ساخت مگامال‌های عظیم و به طور کلی با خسران در فضاهای عمومی شهری رفتارهای انسان را در روزمرگی کسالت‌باری به نظم می‌کشند. رویدادهای شهری که ماهیتی اتفاقی و بی‌برنامه دارند نیز به کنترل درآمده و اغلب برنامه‌ریزی شده به اجرا درمی‌آیند. پس می‌توان گفت که روزمرگی حتی به درجه‌ای می‌رسد که اوقات فراغت را نیز تحت سیطره خود درمی‌آورد. همان‌طور که مضمورد می‌گوید: «اجرای فراغت<sup>۳</sup> یا پر کردن وقت بیکاری به صورت تکلیف درآمده است. دیده شدن، شناخته شدن و پذیرفته شدن، عالی‌ترین تکالیف اجتماعی به شمار می‌آید» [۲۳].

بنابراین، لوفور با دیدگاهی روشن بیان می‌کند که در روزمرگی، زندگی انسان به مثابه یک فضا - زمان که قابلیت بالقوه‌ای برای خلاقیت و حیات شادمان در خود دارد، به یک فضا - زمان کالایی تبدیل می‌شود که جزئی از نظام سرمایه‌داری است [۲۴]. امروزه، ما نه فقط با تقسیم کارهای روزمره مواجهیم، بلکه شاهد برنامه‌ریزی شدن آن هستیم. سبیرتیککی کردن جامعه از خلال امر روزمره، به مثابه نتیجه یک عمل فکر شده است که وابستگی شدیدی به برنامه‌ریزی در شهر پیدا کرده و عاری از هرگونه

1. Everyday Life

2. Everyday Life in the Modern World, 1968

3. Performance of Leisure

اتفاق، هیجان و رویداد است. بنابراین، دچارشدگی انسان شهری در روزمرگی، انسان را در چرخه‌ای وارد کرده که بدون فکر کار کند، بدون خلاقیت تفریح کند و نتیجه این تکرار کسل‌کننده و برنامه‌ریزی‌شده مصرف، افسردگی، پوچی، ناکافی بودن و از خودبیگانگی است.

با این حال، ذکر این نکته مهم است که روزمرگی نیز مانند بسیاری از مفاهیم دیگر دو روی سکه دارد. یک روی آن، انسان را در دنیای گیج‌کننده‌ای که پر از تفاسیر متفاوت است رها کرده و برخی از اموراتش را به یک سبک زندگی تبدیل کرده که با خصوصیات رفتاری‌اش پیوند می‌خورد. همچنین از این منظر که قرار نیست هر روز برای درک مکرر مواردی جدید و بازآفرینی شیوه جدیدی از زندگی به تفکر بنشیند، ممکن است آسودگی را نیز برایش به همراه داشته باشد. اما روی دیگر روزمرگی آنجایی است که انسان شهرنشین را به سرآشویی عادت انداخته و آن‌چنان در تاروپود افکار و اعمالش رسوخ می‌کند که برای لحظه‌ای نمی‌تواند آن را متوقف کرده و یا به جهت‌گیری دیگری فکر کند.

## ۲. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، بیگانگی توجه برخی از پژوهشگران حوزه مطالعات شهری را به خود جلب کرده است. این مفهوم در زمینه‌های متنوعی از جمله روابط انسانی، سیاست‌های شهری و حتی تحولات فرهنگی بررسی شده و ابعاد گوناگون آن مورد مطالعه قرار گرفته است. در ادامه، به برخی از پژوهش‌های بین‌المللی مرتبط با موضوع اشاره شده است:

جدول ۱. پیشینه‌های تحقیق بین‌المللی با موضوع از خودبیگانگی انسان و ارتباط آن با شهر

نویسنده و سال	عنوان پژوهش به انگلیسی	روش تحقیق	یافته‌های اصلی
Bauman Z (2001) [۲۵]	The Individualized Society	تحلیل جامعه‌شناختی و فلسفی روابط انسانی در مدرنیته	مدرنیته و جهانی‌سازی باعث افزایش تنهایی و بیگانگی فردی و اجتماعی شده‌اند.
Harvey D (2007) [۲۶]	A Brief History of Neoliberalism	تحلیل تاریخی و اجتماعی سیاست‌های نئولیبرالیسم	سیاست‌های نئولیبرالی، با ایجاد نابرابری و تغییر فضاهای شهری، به افزایش بیگانگی منجر شده‌اند.
Rehmann J (2014) [۲۷]	Theories of Ideology: The Powers of Alienation and Subjection	تحلیل نظری و بررسی ساختارهای ایدئولوژیک	ایدئولوژی‌ها می‌توانند حس بیگانگی را از طریق جدایی انسان از خود و دیگران تقویت کنند.
Fuchs C (2020) [۲۸]	Communication and Capitalism: A Critical Theory	تحلیل انتقادی نظریه‌های سرمایه‌داری و رسانه	سرمایه‌داری و رسانه‌ها می‌توانند ارتباطات انسانی را به ابزارهایی برای تقویت بیگانگی تبدیل کنند.
Zhang B, Zhang H, Yang X (2022) [۲۹]	Research on Social Atomization Risk and Governance Decision Making in Emerging Community	تحلیل ریسک اجتماعی و ارائه راهکارهای مدیریتی	اتمیزه شدن اجتماعی یکی از عوامل اصلی بیگانگی اجتماعی است و نیاز به مدیریت جدی دارد.
Øversveen E (2022) [۲۰]	Capitalism and Alienation: Towards a Marxist Theory of Alienation for the 21st Century	بازخوانی و تحلیل نظریه بیگانگی مارکس	سرمایه‌داری معاصر بیگانگی را در جوامع مدرن گسترش داده است.
Wiryo Martono B (2023) [۳۰]	Alienation and Urban Globalization: A Consequence of Modern Existential Addiction?	تحلیل اثرات جهانی‌سازی و مدرنیته بر بیگانگی	مدرنیته و جهانی‌سازی با تمرکز بر پیشرفت‌های فنی، ارتباطات انسانی را کاهش داده و بیگانگی را تشدید کرده‌اند.
Robu-Movilă A (2025) [۳۱]	Neourbanism: From effective to affective computing in urban planning	تحلیل روش‌های نوین برنامه‌ریزی شهری با تمرکز بر محاسبات عاطفی	نئوروشهرسازی می‌تواند با استفاده از فناوری‌های نوین، بیگانگی را کاهش دهد.
Henning C (2025) [۳۲]	Introduction: Speaking of alienation	تحلیل تاریخی و فلسفی نظریه‌های بیگانگی	نظریه‌های بیگانگی ابعاد تاریخی، مفهومی و فلسفی دارند و در تعامل با ساختارهای مدرن بررسی شده‌اند.
Ran S (2025) [۳۳]	Modernity and Alienation: Revisiting Marx's Theory in Contemporary Cultural Contexts	بازنگری نظریه مارکس در زمینه‌های فرهنگی مدرن	مدرنیته در فرهنگ‌های معاصر حس بیگانگی را تشدید کرده است.

اما در ایران نیز شش مقاله که به طور مستقیم و غیرمستقیم به از خود بیگانگی در شهر پرداخته‌اند در جدول ۲ آورده شده است:

جدول ۲. پیشینه‌های تحقیق داخلی با موضوع از خود بیگانگی انسان و ارتباط آن با شهر

سال انتشار	عنوان پژوهش	نام نویسنده	یافته‌های اصلی
۱۳۸۵	چالش‌های رودرروی شهرسازی در ایران در آستانه قرن ۲۱	ناصر براتی [۵]	اشاره به تهی شدن انسان از معنا و بیگانگی‌اش با خود و شهر
۱۳۹۱	بررسی جامعه‌شناختی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر از خود بیگانگی اجتماعی شهرنشینان شهر گیوی	عبدالحسین کلانتری و همکاران [۳۴]	از خود بیگانگی را بیشتر از بعد جامعه‌شناختی و با دو عامل فرهنگ و اجتماع می‌سنجد
۱۳۹۸	جستاری جامعه‌شناختی پیرامون از خود بیگانگی، شهر و داستان (بررسی پدیده از خود بیگانگی در جامعه شهری مسکو در داستان «دل سگ»)	خیام عباسی [۳۵]	پدیده از خود بیگانگی در محیط شهری مسکو در داستان بلند دل سگ، اثر میخائیل بولگاکف مورد مطالعه قرار گرفته است
۱۴۰۱	تجربه بیگانگی در زندگی روزمره: مطالعه موردی فضای شهری تهران	نیلوفر باغبان مشیری و همکاران [۳۶]	تجربه بیگانگی با دیگری، خود، کار، فضای شهری و زندگی روزمره، تجربه مشترک میان زیست‌کنندگان این فضا و نظم موجود مرتبط است.
۱۴۰۲	بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر الیناسیون اجتماعی (مطالعه موردی: منطقه چهار شهر قزوین)	لیلا حاجی‌آقایی [۳۷]	به نظر می‌رسد رابطه معناداری بین متغیرهای فاصله اجتماعی فرد با نهادهای اجتماعی کننده با میزان از خود بیگانگی اجتماعی وجود دارد.
۱۴۰۳	تحلیل زمینه‌ها و ساختار علی حس از خود بیگانگی در فضاهای شهری	مریم آزادبخت و مجتبی جهانی‌فر [۳۸]	ساختار علی از خود بیگانگی به عواملی همچون بی‌هویتی فضایی، تعاملات اجتماعی محدود و طراحی نامناسب فضاهای شهری وابسته است.

این پژوهش‌ها هر یک از زاویه‌ای خاص به مفهوم بیگانگی پرداخته‌اند و ابعاد مختلف آن را روشن کرده‌اند. در پژوهش حاضر، تلاش می‌شود که این نظریه‌ها و مطالعات با شرایط خاص تهران تطبیق داده شوند و نقش طرح‌های توسعه شهری در شکل‌گیری یا تشدید این پدیده بررسی شود.

### ۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر به بررسی تأثیرات طرح‌های توسعه شهری بر از خود بیگانگی شهرنشینان در کلان‌شهر تهران پرداخته است. این مطالعه در قالب یک مقاله علمی-ترویجی طراحی شده تا ضمن نگاهی انتقادی به طرح‌های توسعه، تحلیلی دقیق و معتبر از اثرات اجتماعی، روان‌شناختی و انسان‌شناختی این طرح‌ها ارائه دهد و یافته‌ها را به گونه‌ای که بتوان به طور نظری و عملی در سیاست‌گذاری شهری و برنامه‌ریزی‌های آتی به کار رود، عرضه کند.

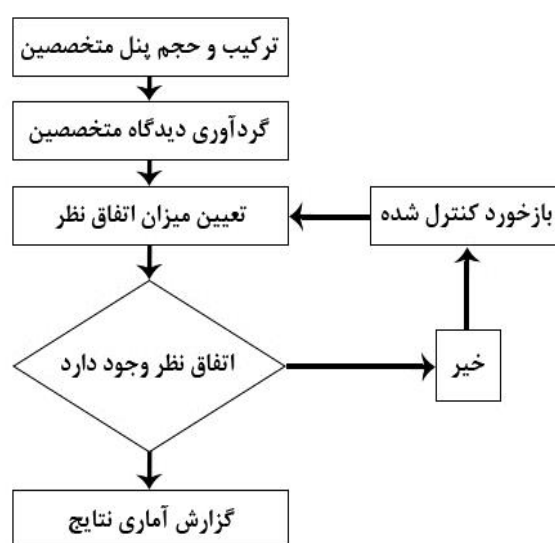
انتخاب رویکرد علمی - ترویجی ناشی از ماهیت چندبعدی و پیچیده مسئله مورد بررسی است. از خود بیگانگی به عنوان یک پدیده اجتماعی نه تنها ریشه در شرایط فرهنگی و تاریخی دارد، بلکه مستقیم تحت تأثیر تغییرات کالبدی و ساختارهای شهری است. بنابراین ضرورت داشت که پژوهش حاضر هم به غنای ادبیات نظری در این حوزه بپردازد و هم نتایج ملموس و قابل استفاده برای مدیران و برنامه‌ریزان شهری ارائه دهد. همچنین سعی شده با نگاهی چندجانبی یافته‌ها به زبانی شفاف و کاربردی تدوین شوند تا شاید فاصله میان نظریات علمی و عمل‌گرایی در حوزه مدیریت شهری و نظام برنامه‌ریزی شهری کاهش یابد.

#### ۳-۱. چارچوب نظری تکنیک دلفی

تکنیک دلفی، به عنوان یک روش ساختاریافته برای دستیابی به اجماع در میان متخصصان، به‌ویژه در حوزه‌هایی که اختلاف‌نظرها زیاد است، مزایای متعددی دارد. در این روش:

۱. گمنامی شرکت‌کنندگان: از تأثیر سوگیری‌های شخصیتی جلوگیری شده و نظرات به صورت مستقل جمع‌آوری می‌شود.
۲. فرایند چندمرحله‌ای: پاسخ‌های اولیه ترکیب و اصلاح می‌شود و تا دستیابی به اجماع ادامه می‌یابد.

۳. اعتبار علمی بالا: تفاوت دیدگاه‌ها به طور دقیق تحلیل شده و نتایج به اجماعی معتبر منجر می‌شود. در این پژوهش، تکنیک دلفی به شناسایی تأثیرات چندجانبه توسعه شهری بر از خودی‌گانگی و ارائه دیدگاهی جامع در این زمینه کمک کرده است. شکل ۱ مراحل انجام تحقیق را نشان می‌دهد. همچنین، تعداد متخصصان در روش دلفی، بین ۵ تا ۲۰ نفر مشخص شده است. برای شناسایی پاسخ‌دهندگان دو معیار مد نظر ما بوده‌اند: (۱) اساتید شهرسازی و مدیران شهری که در تهیه طرح‌های توسعه شهری در تهران کار کرده باشند تا دید وسیع‌تر و منطبق‌تری بر واقعیت‌های موجود داشته باشند، و (۲) اساتید جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دانشگاه‌های معتبر کشور که با تسلط بیشتری روی مفهوم از خودی‌گانگی پرداخته باشند. با توجه به این معیارهای محدودکننده و همچنین عدم همکاری برخی از نخبگان و مدیران، تعداد کل مصاحبه‌شوندگان به ۱۲ نفر محدود شده است. مصاحبه به روش نیمه‌ساختاریافته انجام شد که در آن پرسش‌های اصلی از پیش تعیین شده بود، اما مصاحبه‌گر آزاد بود تا براساس پاسخ‌های مصاحبه‌شونده، سوالات جدیدی را طرح کند یا گفت‌وگو را در مسیرهای مرتبط هدایت کند. این روش باعث شد تا تعادل بین ساختارمندی سوالات و انعطاف‌پذیری آن‌ها حفظ شود و داده‌های عمیق و کیفی مناسب‌تری برای جمع‌آوری به دست آید. در ادامه با اجرای مراحل دلفی پاسخ‌های متخصصان مکتوب، دسته‌بندی و رتبه‌بندی شدند. سپس، نوشتار مکتوب برای مصاحبه‌گرها ارسال و طی دو مرحله مورد بازبینی قرار گرفت. مراحل زمانی متوقف شدند که تیم تحقیق با نتایج مشخصی که با توجه به اهداف پژوهش به دست آمده بود، به اجماع و اشباع نظری رسید. از این‌رو نتایج اخذ شده در کنار ادبیات نظری قابلیت تحلیل و شفافیت بیشتری روی موضوع پژوهش عرضه داشت. حرف استفاده شده M در مقاله به معنای نقل قول مصاحبه‌شونده‌هاست که با اعداد ۱ تا ۱۲ از یکدیگر متمایز شده‌اند.



شکل ۱. چارچوب نظری تکنیک دلفی در تحقیقات کیفی  
برگرفته از: [۳۹]

#### ۴- یافته‌ها و بحث

در مصاحبه‌های انجام‌گرفته، متخصصان حوزه‌های شهری، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی توصیفاتی را از انسان شهرنشین بیان کرده و تأثیراتی را که نظام شهری در تهران بر انسان ساکن در آن می‌گذارد برشمردند. در این میان، از معیارهای مشخصی درخصوص از خودی‌گانگی انسان شهری نیز سخن گفته و طرح‌های توسعه شهری تهران از مرحله ایده تا تهیه و اجرا را مورد واکاوی قرار دادند. معیارهای منتخب با اجتناب از هرگونه ارزیابی و داوری ارزشی و با توجه به تأکید نخبگان در جدول ۳ آورده شده است:

جدول ۳. شناسایی معیارهای از خود بیگانگی انسان شهری از نظر خبرگان

ابعاد	معیارهای از خود بیگانگی	فراوانی	درصد
محیط زیستی	ساخت‌وساز مداوم و بی‌قوارگی کالبدی	۱۰	۹/۷۱
	ایران‌گریزی و افزایش مهاجرت	۱	۰/۹۷
	عدم تطابق طرح‌های شهری با زمینه	۸	۷/۷۷
ضوابط و مقررات	افول قلمروی عمومی	۱۱	۱۰/۶۸
	افزایش ابعاد بزرگراهی	۹	۸/۷۴
	کالاسازی فضاهای عمومی شهر	۲	۱/۹۴
	برنامه‌ریزی شهری در خدمت سرمایه	۸	۷/۷۷
اقتصادی	کاهش قدرت خرید مردم	۳	۲/۹۱
	حضور کم‌رنگ مردم در شهر به علت بی‌پولی	۲	۱/۹۴
	تلاش برای بقا	۵	۴/۸۵
	احساس بیگانگی و انزجار از کار	۴	۳/۸۸
	احساس ناکافی بودن	۶	۵/۸۳
	ناامنی و اضطراب اقتصادی	۵	۴/۸۵
	احساس جدایی و انفصال از جامعه	۸	۷/۷۷
فردی و اجتماعی	سرکوب احساسات فردی و اجتماعی	۳	۲/۹۱
	فراگیری نفرت و بی‌اعتمادی در فضای شهر	۲	۱/۹۴
	زوال خانواده	۲	۱/۹۴
	احساس تنهایی در شهر	۳	۲/۹۱
	مصرف‌گرایی	۱	۰/۹۷
روزمرگی	ترور روزانه توسط تبلیغات	۱	۰/۹۷
	احساس یکنواختی و کسالت‌آور	۵	۴/۸۵
	انحصار خلاقیت	۴	۳/۸۸

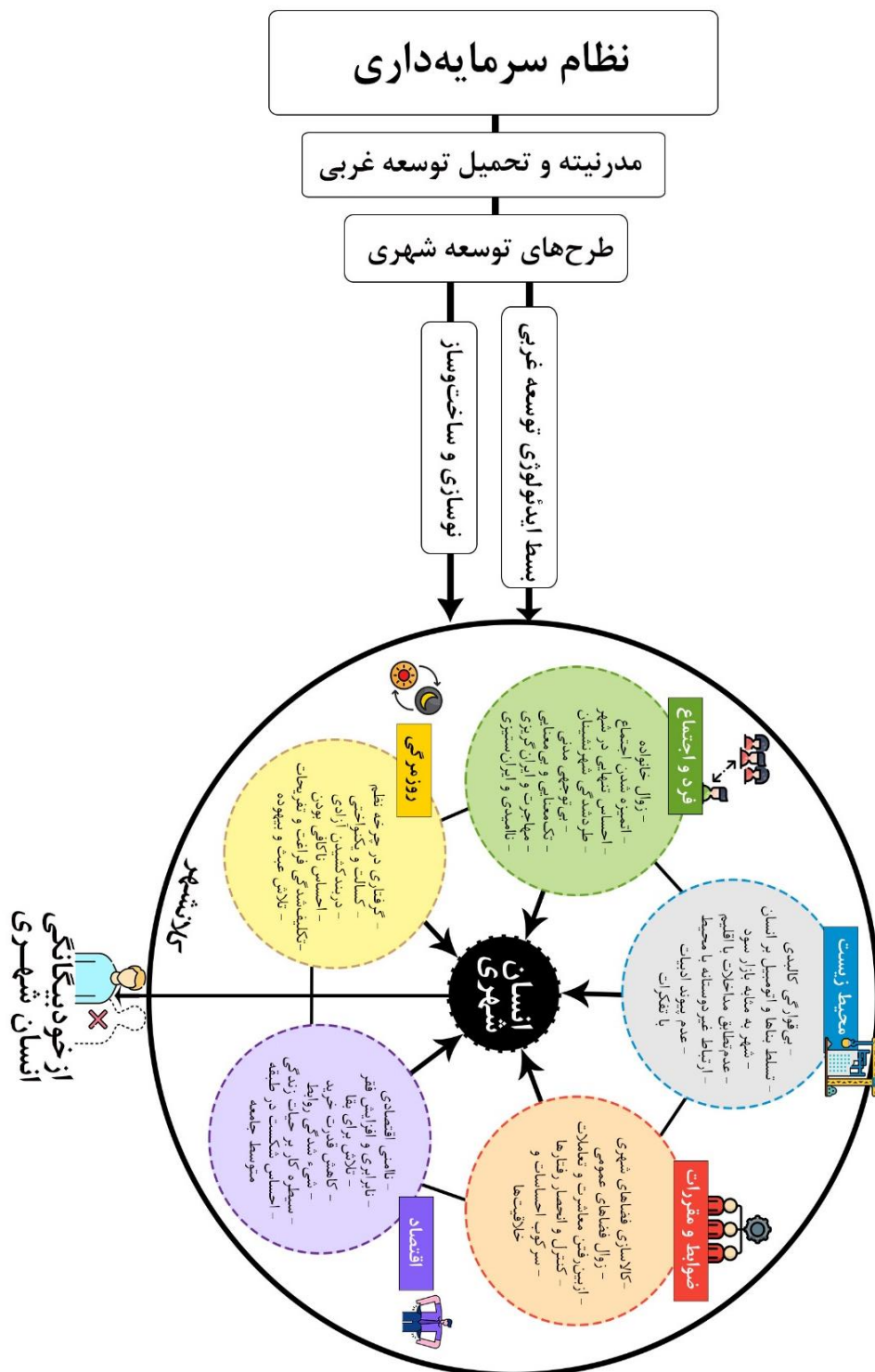
#### ۴-۱. یافته‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، «افول قلمروی عمومی» با ۱۰/۶۸ درصد، «ساخت‌وساز مداوم و بی‌قوارگی کالبدی» با ۹/۷۱ درصد و «افزایش ابعاد بزرگراهی» با ۸/۷۴ درصد بیشترین فراوانی را از نظر خبرگان و متخصصان داشته است. همچنین، در مراتب پایین‌تر «برنامه‌ریزی شهری در خدمت سرمایه»، «احساس جدایی و انفصال از جامعه» و «عدم تطابق طرح‌های شهری با زمینه» بیشترین تکرار را داشته‌اند. به بیان دیگر، بیشترین تأکید متخصصین به عبارات و معیارهایی است که طرح‌های توسعه شهری تأثیر بسیار مستقیمی در آن‌ها دارند.

همچنین، در کنار بسیاری از چالش‌های موجود در شهرهای امروزی ایران، از خود بیگانگی انسان شهری در سیستم ملال‌آور و گاه اغواگر کلان‌شهرها کمتر شناخته شده است. اندیشه‌های غالبی که به این موضوع پرداخته‌اند، روند بسیار نزدیکی را نشان می‌دهند که از ویژگی‌های جامعه مدرن است: یکی گذار از اجتماع به جامعه، آن‌طور که فردیناند تونیس آن را می‌بیند؛ و دیگری تسلط فزاینده تولید کالایی به صورتی که مارکس آن را توصیف می‌کند. با این‌حال، عیان است که پس از گذشت ۱۵۰ سال از تلاش‌های مکرر برای اعتلا، پیشرفت و توسعه ایران، و پس از ۵۰ سال از آغاز اولین طرح‌های توسعه شهری و فعالیت‌های حرفه‌ای شهرسازی در تهران، ما همچنان جزء کشورهای جهان سوم و توسعه‌نیافته محسوب می‌شویم و این موضوع زمانی خود را بیشتر نشان می‌دهد که خود را با کشورهای آسیای جنوب نظیر مالزی، ژاپن و... مقایسه می‌کنیم. در این میان، برنامه‌ریزی شهری که با تمام آزمون و خطاهایی که در طی این سال‌ها با هدف بهبود کیفیت زندگی مردم داشته، به نظر می‌رسد که نه تنها موفق نبوده، بلکه مسیری مخالف تمدن‌سازی را طی کرده است.

#### ۴-۲. یافته‌های حاصل از تحلیل مضامین ادبیات نظری و تجربه خبرگان

این پژوهش با نگاهی انتقادی به واکاوی طرح‌های توسعه شهری در ۵ بعد: محیط زیست انسان، ضوابط و مقررات شهری، اقتصاد شهری، فرد و اجتماع، و روزمرگی، پرداخت و دلایلی را برشمرد که نقش طرح‌های توسعه شهری را در ازخودبیگانگی انسان مدرن افشا می‌کند. در همین راستا می‌توان واکاوی ادبیات نظری و تجربیات متخصصان را در مدل زیر نمایش داد:



شکل ۲. مدل نقش و تأثیرگذاری طرح‌های توسعه شهری در ازخودبیگانگی انسان در کلان‌شهر تهران

شکل ۲ نشان می‌دهد سرمایه‌داری در معنای انحصار ثروت و همچنین اعتیاد ناهمگون به مدرنیته، از عوامل اصلی تقویت بیگانگی شهری هستند [۳۰]. سرمایه‌داری و جهان غرب، از دیرباز با تکیه بر مفهوم مدرنیته و پیشرفت، به تحمیل سیاست‌های توسعه در کشورهای دیگر پرداخته‌اند. این فرایند، که در قالب بسته‌بندی علمی تحت عنوان «طرح‌های توسعه شهری» ارائه شد، از دو مسیر اصلی به جامعه و شهرهای ایران نفوذ کرده است: ۱- ترویج ایدئولوژی توسعه: این مسیر، چارچوب‌های فکری انسان شهری را دستخوش تغییر کرد و ذهنیت او را به تسخیر درآورد. به گفته مارشال برمن، این فرایند منجر به خلق «انسان رشدطلب» شد؛ فردی که همواره در تلاش برای پیشرفت است و وقفه در این مسیر برای او به معنای نابودی تلقی می‌شود. ۲- نوسازی کالبدی: این رویکرد، گسترش فیزیکی شهرها را به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر معرفی کرد و در نتیجه، تخریب و ساخت‌وساز بی‌وقفه را به جریان انداخت. اکنون، پس از گذشت بیش از یک قرن، حضور مداوم جرثقیل‌ها و پروژه‌های ساختمانی در شهرها به نماد این فرایند تبدیل شده است. با این حال، نتایج این نوسازی کالبدی را می‌توان در بحران‌های زیست‌محیطی، بی‌نظمی کالبدی، و تشدید بیگانگی انسان از محیط پیرامونش مشاهده کرد.

اگرچه این فرایند ممکن است تغییرات مثبتی را نیز به همراه داشته باشد، اما بررسی‌های عمیق‌تر نشان می‌دهند این رویکرد توانسته است به حل مسائل اساسی انسان شهری شده بپردازد. در شکل ۲، تأثیر این توسعه تحمیلی در پنج بُعد اصلی تحلیل شده و ویژگی‌های کلیدی هر بُعد ارائه شده است. در نهایت، یکی از پیامدهای مهم این چرخه شهری شده منظم، تعمیق پدیده از خودی‌گانگی در میان انسان‌های شهرنشین بوده است.

#### ۴-۳. بحث و چشم‌انداز تحقیقات آینده درباره از خودی‌گانگی در کلان‌شهر تهران

تحلیل‌های معاصر نظریه مارکس نشان می‌دهد بیگانگی شهری محصول تضاد میان نیازهای بنیادین انسانی و ساختارهای مدرن شهری است [۳۳]. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که تهران، به عنوان نمادی از شهرهای ایران که اغلب معضلاتش به سایر شهرها سرریز کرده یا تحت تأثیر آنان قرار گرفته است، مدت‌ها از تجربه زندگی انسانی و هویت‌مند محروم مانده است. تأثیر مفاهیمی نظیر «توسعه‌نیافته»، «ضعیف»، «غیررسمی»، «حاشیه‌نشین»، «دهک پایین»، «طبقه متوسط»، و «متخلف» که به طور مداوم در ادبیات رسانه‌ای، حرفه‌ای و دانشگاهی بازتاب یافته‌اند، همچون فرایندی مستمر، احساس ناکافی بودن و بی‌ارزشی را القا کرده و پدیده‌هایی چون تمیزه شدن اجتماعی، پردشدگی، انزوا و نارضایتی عمومی را تقویت کرده‌اند [۲۹].

این مفاهیم و احساسی که فضای شهری به انسان منتقل می‌کند، به‌قدری در گفتمان عمومی توجیه‌پذیر به نظر می‌رسد که انسان شهرنشین عملاً رنج و تحقیر را در برابر قواعد و قوانین شهری پذیرفته است. با این حال، تأثیر این واژگان نباید تنها از منظر ساختار زبانی و مفهومی مورد بررسی قرار گیرد. قدرت ساختارهای توسعه‌ای و کالبدی در شهرها به گونه‌ای است که ایستادگی در برابر آن غالباً امری دشوار و گاه غیرممکن به نظر می‌رسد. این پرسش بنیادین مطرح است که انسان شهری شده در مواجهه با توسعه و پیشرفت سریع شهرها چه حقوقی دارد و چگونه می‌تواند تعارض میان نیازهای خود و الزامات تحمیل شده را مدیریت کند؟ در چنین وضعیتی، انسان ناگزیر از پذیرش تناقض‌ها و توجیه ضرورت زیرساخت‌هایی نظیر برج‌ها، مراکز خرید، پل‌ها و بزرگراه‌ها است، چراکه این عناصر به‌عنوان اجزای لاینفک زندگی مدرن به او عرضه شده‌اند.

با این حال، شواهد حاکی از آن است که مدیریت تعارض در برنامه‌ریزی شهری می‌تواند نقشی اساسی در کاهش بیگانگی اجتماعی ایفا کند [۴۰]. مطالعات تطبیقی نظریه‌های شهر آینده نشان می‌دهد شهرهای آینده باید بر اساس اصول انعطاف‌پذیری و ایجاد ارتباط متقابل میان انسان و محیط طراحی شوند تا بتوانند حس تعلق و پیوند اجتماعی را در میان شهروندان تقویت کنند [۴۱].

#### ۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف واکاوی تأثیرات طرح‌های توسعه شهری بر از خودی‌گانگی انسان شهرنشین در کلان‌شهر تهران انجام شد. از آغاز تلاش شد تا با تکیه بر ادبیات نظری، تحلیل سه طرح جامع توسعه شهری تهران و انجام مصاحبه‌های عمیق با ۱۲

متخصص از حوزه‌های شهرسازی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی ابعاد مختلف این پدیده بررسی شود. نتایج نشان داد طرح‌های توسعه شهری تهران به‌جای کاهش از خودبیگانگی اغلب به تشدید آن منجر شده‌اند. طرح‌هایی که به‌ظاهر در راستای مدرنیزاسیون و پیشرفت طراحی شده‌اند با تأکید صرف بر توسعه فیزیکی شهر، بی‌توجهی به نیازهای روانی و اجتماعی شهروندان را به همراه داشته‌اند.

عواملی همچون «افول قلمروی عمومی»، «ساخت‌وسازهای بی‌قواره» و «افزایش ابعاد بزرگراه‌ها» به عنوان مهم‌ترین محرک‌های این پدیده شناسایی شدند. کاهش تعاملات اجتماعی، فقدان فضاهای مشترک برای شهروندان و گسترش فضاهای بی‌هویت به جای تقویت حس تعلق، به ایجاد فاصله میان انسان و محیط زندگی‌اش منجر شده است. در میان هیاهوی شهرسازی سرمایه‌محور، روزمرگی‌های بی‌روح و ساختارهایی که در خدمت سود و قدرت هستند، باعث شده تا شهروندان احساس بی‌قدرتی و انزوا را بیشتر تجربه کنند. تغییرات کالبدی مداوم در شهر و بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی، سبب شده‌اند تا فضاهای شهری از تعاملات انسانی تهی شوند و تنها به بستری برای گذر فیزیکی شهروندان تبدیل شوند. این تحولات، به همراه گسترش بی‌رویه زیرساخت‌های فیزیکی همچون بزرگراه‌ها، اتصال مناطق شهری را قطع کرده و بر جدایی میان انسان‌ها و محیط اطرافشان افزوده‌اند.

پژوهش حاضر نشان داد طرح‌های توسعه شهری در تهران به جای ایجاد تعادل میان نیازهای کالبدی و اجتماعی، به‌طور ناخودآگاه در خدمت تقویت روندهای فردگرایانه و تضعیف حس اجتماع قرار گرفته‌اند. رویکرد این طرح‌ها که بیشتر بر تقلید از مدل‌های غربی مدرنیزاسیون متمرکز است، نه‌تنها در حل چالش‌های زیستی - روانی شهروندان ناکام بوده، بلکه به دلیل نادیده گرفتن بسترهای تاریخی، فرهنگی و اقلیمی ایران‌زمین، بر بحران‌های روانی و اجتماعی افزوده است. به بیان دیگر، این طرح‌ها نه‌فقط در طراحی کالبدی، بلکه در ایجاد پیوندی میان انسان با خودش، دیگران و محیط زندگی‌اش شکست خورده‌اند. فعالیت‌های انجام‌شده در این پژوهش، علاوه بر شناسایی شکاف‌های موجود در طرح‌های توسعه شهری، به بررسی پیامدهای روان‌شناختی، اجتماعی و زیست‌محیطی ناشی از این طرح‌ها پرداخت. نتایج حاکی از آن است که مدرنیته تحمیلی، در کنار سرمایه‌داری شهری، انسان شهرنشین را از خودش، اجتماعش و حتی محیط طبیعی پیرامونش بیگانه ساخته است. نبود فضاهای عمومی پویا، کاهش فرصت‌های تعامل اجتماعی، و افزایش حس ناکافی بودن، همگی از پیامدهای این بیگانگی هستند که خود را در ابعاد مختلف زندگی شهری نشان می‌دهند.

در نهایت، این پژوهش تأکید می‌کند که مسئله از خودبیگانگی در شهرسازی معاصر، هرچند تنها زاده طرح‌های توسعه شهری نیست، اما به‌شدت از آن تأثیر می‌پذیرد. این مسئله نشان می‌دهد برنامه‌ریزی شهری، اگر به جای اولویت‌دهی به انسان و نیازهای او فقط در خدمت سودآوری و توسعه کالبدی باشد، قادر نخواهد بود پیوندی میان انسان و شهر ایجاد کند. از این‌رو، ضروری است که در طراحی و اجرای طرح‌های توسعه شهری، توجهی ویژه به نیازهای روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان صورت گیرد. تنها از این طریق می‌توان از عمیق‌تر شدن شکاف میان انسان و محیط شهری جلوگیری کرد و شهری انسانی‌تر و متعادل‌تر ساخت.

در جدول ۴ اثرات و پیامدهای طرح‌های توسعه شهری تهران بر از خودبیگانگی و اتمیزه شدن انسان شهری در ستون سمت راست نوشته شده است و در مقابل در ستون سمت چپ اقدامات جایگزینی که می‌تواند به شناخت انسان از خود و اجتماع‌سازی شهرنشینان کمک کند نگارش شده است. این جدول که مدعی ارائه راه‌حل نیست، فقط به تقابل دو جنبه پرداخته است: جنبه‌ای که نظام برنامه‌ریزی شهری و طرح‌های توسعه شهری تا کنون در آن قدم برداشته‌اند و در مقابل جنبه‌ای که می‌توان به شهرهای ایران نگریست و آن‌ها را جور دیگری دید.

جدول ۴. مقایسه اثرات طرح‌های توسعه شهری تهران بر از خودیگانگی در برابر اقدامات دگردیس‌سازانه

ردیف	اثرات طرح‌های توسعه شهری بر از خودیگانگی انسان شهرنشین	اقدامات دگردیس‌سازانه در راستای تقویت روح شهر و اجتماع‌سازی
۱	تحلیل اندیشه‌های مدرنیته و توسعه تقلیدی و به دنبال آن مداخلات سنگین در شهرها	بازخوانی اندیشه و زبان ایران شهری از طریق یادگرفتن، یاد دادن و به یاد آوردن
۲	توسعه تقلیدی از جهان غرب و هجرت اندیشه‌های سرزمینی	بازتولید نظریات بومی و اندیشه‌های ایرانی هماهنگ‌یافته با اقلیم و زمانه
۳	غلبه الگوی غالب خودرو سواری در شهر	ازسرگیری نظام پیاده‌مداری و حمل‌ونقل پاک
۴	غلبه شهرساختن و ابعاد کالبدی بر دیگر ابعاد	توجه به شهر سرودن و پرداختن به روح فردی و اجتماعی شهرنشینان
۵	غلبه ضوابط و مقررات در حوزه ساخت‌وساز تک بنا در شهر	ازسرگیری نظام طراحی شهری مبتنی بر شهرک‌سازی
۶	بی‌توجهی به زمان حال از طریق ترسیم چشم‌اندازهای مطلوب در آینده و وعده رسیدن به آن با تلاش همه‌جانبه	توجه به زمان حال از طریق بازیابی گمشده‌های فرهنگی و زیست‌تاریخی در کنار معاصرسازی و به‌روز شدن
۷	از بین رفتن فضاهای عمومی و کالاسازی فضاهای شهری	بازتولید فضاهای عمومی در جهت کمک به شناخت انسان از خود و تقویت مهارت‌های حرف زدن، شنیدن و دیدن
۸	انحصار خلاقیت و کنترل رفتارها از طریق سیطره ضوابط و مقررات	به‌گشت زندگی شهروندان از طریق ظرفیت‌های پویای اجتماعات
۹	توسعه فراتر از ظرفیت پایداری و اکولوژیکی شهر	صرف نظر کردن از توسعه همه‌جانبه و توجه به نیازها و ظرفیت‌های پایدار محلی
۱۰	توسعه در جهت تسلط کامل سرمایه‌داری، افزایش نابرابری و کاهش دسترسی روزافزون دهک‌های پایین جامعه از خدمات عمومی شهر	توسعه در جهت کاهش درد و رنج فقرای جامعه، حفظ کرامت انسانی طبقات متوسط و استفاده همه‌شمول از ظرفیت‌های شهر
۱۱	نگاه توده‌ای به شهرنشینان	نگاه انسانی به شهروندان
۱۲	افزایش جوامع فردمحور مصرف‌گرا	افزایش سرمایه اجتماعی و بهبود پیوندها و تغییر الگوهای مصرف، همراه با انکشاف و یافتن قواعد و زیست‌مایه ماندگاری تمدن
۱۳	برخورداری از درآمدهای ناماندگار نفتی و غفلت و دورماندگی از ریشه‌های بومی و پژمردگی میراث فرهنگی	بازگشت به ریشه‌ها و روزآمد کردن سنت‌ها در محیط نوآور و برانگیزاننده شهر در کنار توزیع و تولید بوم‌محور
۱۴	رویکرد ابرپروژه‌های شهری با تأکید بر مگامال‌ها در جهت افزایش توان سرمایه‌داری	بازتولید اجتماعی فضاهای زیست‌بوم‌محور مبتنی بر اجتماع محلی از طریق همبستگی و احساس سرنوشت مشترک
۱۵	گرفتاری در چرخه نظم و روزمرگی و تدوین رفتارهای شهروندی	ایجاد فضاهای شهری به مثابه مکان‌های رهایی و گریز از روزمرگی

## منابع

1. Rahmani, Mehrdad, Azizi, Mohammad Mahdi. Analyzing the Transformations of "Understanding Tehran" in Its Urban Development Plans. *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 2021; 26(1): 31-41.
2. Hern M. Outside the outside: Alienation, fidelity, and new sub-urbanizations. In: Keil R, Wu F, editors. *After suburbia: Urbanization in the twenty-first century*. Toronto: University of Toronto Press; 2022. p. 319-338.
3. Seeman, M., On the meaning of alienation. *American sociological review*, 1959: p. 783-791.
4. Sihombing A. Alienation in urban design and built environment: A literature review for unalienating cities. *Proceedings of The 6th International Conference on ECO Engineering Development*; 2022 Nov 8.
5. Barati, N., Challenges have to be faced in the context of urbanism in Iran at the beginning of the 21th century. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 2006. 3(6): p. 5-29.
6. Wilson TD. *Strangers to ourselves: discovering the adaptive unconscious*. Translated by Norouzi S. Tehran: Parseh Publishing; 2023. 392 p.
7. Friedmann, J., Toward a non-Euclidian mode of planning. *Journal of the American planning Association*, 1993. 59(4): p. 482-485.
8. Nayebi, H. and T. Azadarmaki, Religiousness and the Impact of Education on It in Iran. VOL. 26 (T) FEB. 2018, 2018: p. 165.
9. Farabiasl, N., M. Rafiean, and M. Khatibi, Development of a theoretical model of urban space production in Abbasabad lands of Tehran, Emphasizing the power relations of actors Based on Grand Theory (using Atlasti qualitative analysis software). 2023.
10. Buchholz T. New directions in Frankfurt critical theory for critical urban theory. In: *Handbook of Urban Studies*. John Wiley & Sons Ltd; 2021. p. 151-172.
11. Banerjee, T., The future of public space: Beyond invented streets and reinvented places. *Journal of the American planning association*, 2001. 67(1): p. 9-24.
12. Carmona, M., Principles for public space design, planning to do better. *Urban Design International*, 2019. 24: p. 47-59.
13. Cattell, V., et al., Mingling, observing, and lingering: Everyday public spaces and their implications for well-being and social relations. *Health & place*, 2008. 14(3): p. 544-561.
14. Talen, E., *New urbanism and American planning: The conflict of cultures*. 2005: Routledge.
15. Zamani F, Mehan A. The abstract space and the alienation of political public space in the Middle East. *Archnet-IJAR*. 2019;13(3):483-497.
16. Fakouhi N. Making and Remaking an Academic Tradition: Towards an Indigenous Anthropology in Iran. *Conceptualizing Iranian Anthropology: Past and Present Perspectives*; 2010. p. 87-115.
17. Roozbehani, M., B. Sarookhani, and S. Parvin, Using Virtual Social Networks and Social Tolerance among Youths in Tehran. *Sociological Studies of Youth*, 2020. 11(38): p.79-100.
18. Geis, K.J. and C.E. Ross, A new look at urban alienation: The effect of neighborhood disorder on perceived powerlessness. *Social Psychology Quarterly*, 1998: p. 232-246.
19. Irandoost, K., et al., Placemaking and the right to the city of urban poor: a case study in Sanandaj, Iran. *Journal of Place Management and Development*, 2019. 12(4): p. 508-528.
20. Øversveen E. Capitalism and alienation: Towards a Marxist theory of alienation for the 21st century. *European Journal of Social Theory*. 2022 Aug; 25(3):440-57.
21. Yousefi A, Mohammadi F. Forms of Alienation from the Perspective of City Sociologists. *Sociological Review*. 2019 Feb 20; 25(2):481-504.
22. Simmel G. The metropolis and mental life. In: Wolff K, editor. *The Sociology of Georg Simmel*. Glencoe, IL: Free Press; 1950. p. 409-424.
23. Mumford L. *The city in history: its origins, its transformations, and its prospects*. New York: Harcourt, Brace & World; 1961.
24. Sá Tv. Urbanism and Urban planning following the thoughts of Henri Lefebvre. with transactions on ecology and the environment. 2018 dec 17;217:157-64.
25. Bauman Z. *The Individualized Society*. 1st ed. Cambridge: Polity Press; 2001. 259 p.

26. Harvey D. A Brief History of Neoliberalism. Oxford: Oxford University Press; 2007. 247p.
27. Rehmman J. Theories of Ideology: The Powers of Alienation and Subjection. Leiden: Brill; 2013.
28. Fuchs C. Communication and Capitalism: A Critical Theory. London: University of Westminster Press; 2020. 270 p.
29. Zhang B, Zhang H, Yang X. Research on Social Atomization Risk and Governance Decision Making in Emerging Community. In: Applications of Decision Science in Management. Singapore: Springer; 2022:119-126.
30. Wiryomartono B. Alienation and Urban Globalization: A Consequence of Modern Existential Addiction? Sustainability. 2023; 15(1):479. doi:10.3390/su15010479.
31. Robu-Movilă A. Neurourbanism: from effective to affective computing in urban planning. Revista Școlii Doctorale de Urbanism. 2025;10(1):85-94.
32. Henning C. Introduction: Speaking of alienation. In Theories of Alienation 2025 (pp. 1-16). Routledge.
33. Ran S. Modernity and Alienation: Revisiting Marx's Theory in Contemporary Cultural Contexts. Cultura: International Journal of Philosophy of Culture and Axiology. 2025; 22(1).
34. Kalantari A, Bashiri Givi H, Gholami Shahsavarlo S. Sociological analysis of cultural and social factors affecting social alienation among urban residents of Givi City. 2012;53-63.
35. Abbasi K. A sociological inquiry into alienation, city, and story (Examining the phenomenon of alienation in the urban society of Moscow in the story "Heart of a Dog"). Urban Sociological Studies. 2020 Feb 20;9(33):109-138.
36. Baghban Moshiri, N., Varij Kazemi, A., Rabiei, K., Ahmadi pour, Z. Alienation in Everyday Life: Case Study of Urban Space in Tehran. *Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences*, 2022; 19(3): 170-137.
37. Hajian Aghaei. Sociological analysis of socio-cultural factors influencing social alienation (Case study: District 4 of Qazvin City). *Urban Futures Quarterly*. 2023 Jul 23;3(2):72-87.
38. Azadbakht M, Jahanifar M. Analyzing the contexts and measuring the causal structure of the feeling of alienation in urban spaces. 2024.
39. Habibi, A., A. Sarafrazi, and S. Izadyar, Delphi technique theoretical framework in qualitative research. *The International Journal of Engineering and Science*, 2014. 3(4): p. 8-13.
40. Bahra B, Rafieian M. Evolution of the nature of conflict and conflict management in urban planning: A systematic review, *Motaleate Shahri*, 13 (51), 49–72. 2024.
41. Tachir G, Evcil AN. City of the Future Theories: A Diachronic Comparative Study. *Journal of Urban Culture Research*. 2025; 25:219-32.





## The role of urban management in urban culture and lifestyle

Naser Ebadati<sup>1\*</sup>  | Lotfollah Forouzandeh<sup>2</sup>

1. Corresponding Author, Associate Professor, Islamic Azad University, Eslamshahr branch, Tehran, Iran and Zaminkav environment and geology research Center. Email: [drebadati@yahoo.com](mailto:drebadati@yahoo.com)

2. Professor, Department of Management, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran. Email: [l.forouzandeh@modares.ac.ir](mailto:l.forouzandeh@modares.ac.ir)

### ARTICLE INFO

#### Article type:

Research Paper

#### Article History:

Received 16 October 2024

Revised 15 November 2024

Accepted 20 December 2024

Published Online 04 January 2025

#### Keywords:

Lifestyle,  
cultural planning,  
urban management.

### ABSTRACT

The significance of urban management in shaping urban culture and lifestyle cannot be understated. This article delves into the intricate relationship between urban development policies and their impact on the evolving cultural and social landscapes in cities within Iran. With the transition of city management responsibilities to non-governmental entities and public institutions, understanding its challenges and contributions becomes imperative. Utilizing a comprehensive approach that integrates articles, research studies, and library resources, this research adopts semi-structured qualitative interviews spanning the past three decades. By soliciting insights from cultural experts and urban management professionals, the study examines sociological, contextual, and behavioral determinants. The findings underscore that urban management policies both internal and influenced by global and governmental factors play pivotal roles in shaping urban culture, social services, and citizen lifestyles. The article emphasizes that a centralized approach to urban management, devoid of collaboration with relevant institutions and stakeholders, risks inefficiencies and challenges.

**Cite this article:** Ebadati, N. & Forouzandeh, L. (2025). The role of urban management in urban culture and lifestyle. *Urban Development Policy Making*, 1 (1), 57-72. DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.502718.1006>



© Naser Ebadati, Lotfollah Forouzandeh

DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.502718.1006>

### Introduction

Recent cultural changes and transformations in Iran have become a primary concern for policymakers. However, understanding the precise trends and cultural shifts has often relied more on personal perceptions rather than systematic and scientific observation. Research among cultural policy experts indicates a notable ambiguity regarding the identification of urban cultural challenges, the processes of cultural policymaking, and the role of government or municipal management in these processes. This lack of clarity is reflected in the content of policies, expectations from them, and their outcomes, exposing cultural policymaking to political conflicts and inconsistencies in execution and evaluation.

In the early 1990s, influenced by urbanization, there was a shift in citizen needs that led to new cultural attitudes among many residents. Consequently, municipalities began to pay more attention to social and cultural issues. For instance, in Tehran, initiatives such as the establishment of the Hamshahri newspaper, neighborhood cultural houses, cultural centers, and cinema theaters by the municipality highlighted a growing focus on creating spaces for leisure activities and developing tourism projects. This approach gradually became institutionalized across other municipalities, particularly in major cities, with city councils increasingly addressing social and cultural issues within their planning frameworks.

Despite these advancements, the diverse cultural issues and social concerns have led to fluctuating policy directions from city councils and municipalities. Changes in council members or mayors often result in shifts in urban cultural approaches, significantly influenced by the political affiliations of each term. Unlike traditional municipal responsibilities concerning urban services and infrastructure projects, there is a lack of precise metrics to evaluate performance in the cultural domain or urban lifestyle. This gap is exacerbated by overlapping responsibilities with other relevant institutions.

This article aims to present an overview of the cultural, social functions, and urban lifestyles influenced by municipal management. It seeks to incorporate these aspects into planning and policymaking while considering global communication developments and urban transformations. The discussion will explore various dimensions of this topic comprehensively.

### **Proposal method**

This research involves a review conducted through the collection of articles, studies, and library research, utilizing semi-structured qualitative interviews to define the structural and temporal horizons over the last three decades. With a practical approach, insights were gathered from cultural experts in the country and the field of urban management, examining the contextual and behavioral sociological factors expressed in three domains: cultural, social, and urban lifestyle.

In today's era, the rapid growth of communication and exchanges between countries, increased migrations, international travel, the presence of social networks, and transformations in media have significantly influenced citizens' lifestyles and cultural behaviors. This has led to changes and vulnerabilities in preserving authentic and desirable cultures that align with a country's patterns and values. Consequently, the control over culture and citizen behavior no longer adheres to a single model; instead, it is affected by global symbols and patterns, which may or may not align with fundamental values or may stem from specific cultural policies and orientations created for particular objectives by some state leaders. Thus, governmental management or ruling systems in the realm of culture and lifestyle face serious challenges. For effective cultural and social planning, it is essential to consider global dimensions, cultural confrontations, and transnational orientations in today's context. Khajeh Sarvi et al. (2003) emphasize that global flows of capital, goods, services, technology, communication, and information increasingly undermine states' control over time and space. Multiple identities challenge the dominance of ruling systems over historical timelines that were previously achievable through tradition and the reconstruction of national identity. In this context, the most critical issue for governments is the dynamism and rationality in formulating and implementing cultural policies.

### **Conclusion**

A comprehensive summary of the relationship between urban management and urban culture or urbanization indicates that the cultural challenges facing urbanization are influenced by two main perspectives. Firstly, the type of approach and organizational culture of urban management, which undergoes changes during different managerial periods or policy-making frameworks, leads to significant shifts in orientations and planning. This affects the functions of urban services, construction, and environmental issues, which in turn impact the style and quality of life as well as citizen behavior. Given that contemporary urban life requires specific laws and communications, any negligence or oversight of these laws can result in numerous social, economic, and cultural anomalies. Citizens' rights and responsibilities lay the groundwork for urban behavior and culture, making it essential to strengthen the foundation of civic laws and urban culture to effectively reduce anomalies and social grievances.

On the other hand, a mismatch between plans or policies and the culture and lifestyle of the people leads to inefficiency and renders formulated and implemented plans unusable. Various factors such as political changes, international orientations, social class, social identity, cultural beliefs, and urban development alter needs and lifestyle patterns. Therefore, it is necessary for urban management to engage in cultural and social planning while monitoring its effectiveness. This involves dividing programs, determining common actions aligned with objectives, and defining boundaries of responsibilities within this domain using appropriate tools, indicators, and metrics. Otherwise, the effectiveness of these programs will be weak.



## نقش مدیریت شهری در فرهنگ شهری و سبک زندگی

ناصر عبادتی<sup>۱\*</sup> | لطف‌الله فروزنده<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر و مرکز تحقیقات زمین‌شناسی و محیط زیست زمین کاو، رایانامه: [drebadati@yahoo.com](mailto:drebadati@yahoo.com)

۲. استاد گروه مدیریت دانشگاه تربیت مدرس تهران، رایانامه: [l.forouzandeh@modares.ac.ir](mailto:l.forouzandeh@modares.ac.ir)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

درک تحولات فرهنگی در شهرها و نقش سیاست‌های توسعه شهری در ایجاد تغییرات و دگرگونی‌ها در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سبک زندگی از دغدغه‌های مهم حکمرانی در ایران است و با توجه به واگذاری مدیریت شهر به ساختارهای غیر دولتی و نهادهای عمومی و مردمی آسیب‌شناسی آن و نقش مدیریت شهری هدف این مقاله است. برای انجام این تحقیق با استفاده از گردآوری مقالات، پژوهش‌ها و مطالعات کتابخانه‌ای به صورت مصاحبه کیفی نیمه‌ساختاریافته به منظور تبیین ساختاری و با افق زمانی در یک مقطع تحلیلی (سه دهه اخیر) انجام گرفته است. به این منظور، با رویکرد کاربردی با اخذ نظر خبرگان فرهنگی کشور و حوزه مدیریت شهری عوامل زمینه‌ای و رفتاری جامعه‌شناختی بررسی شده و در سه حوزه فرهنگی، اجتماعی و سبک زندگی شهروندی دیدگاه‌ها احصا شد. یافته‌ها نشان داد سیاست‌گذاری‌های مدیریت شهری در حوزه‌های خدمات شهری، عمرانی، اقتصادی و به‌ویژه فرهنگی - اجتماعی به عنوان عوامل درونی پیامدها و کارکردهای متفاوتی دارد و عوامل بیرونی اثرگذار جهانی و سیاست‌های دولتی نیز در سبک زندگی شهری و شهرهای فرهنگ‌مدار اثرگذار است. از این رو، برنامه‌ریزی‌های متمرکز مدیریت شهری بدون هماهنگی و اقدامات مشترک با سایر نهادها و دستگاه‌های اجرایی مرتبط دچار پیچیدگی و با مشکلاتی همراه خواهد بود.

#### نوع مقاله:

پژوهشی

#### تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

#### کلیدواژه:

سبک زندگی،

برنامه‌ریزی فرهنگی،

مدیریت شهری.

**استناد:** عبادتی، ناصر و فروزنده، لطف‌الله (۱۴۰۳). نقش مدیریت شهری در فرهنگ شهری و سبک زندگی. *سیاست‌گذاری پیشرفت شهری*، ۱ (۱) ۵۷-۷۲. DOI:

<http://doi.org/10.22034/judpm.2025.502718.1006>

© ناصر عبادتی، لطف‌الله فروزنده

DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.502718.1006>



## ۱. مقدمه

در ایران، تغییرات و تحولات پرشتاب فرهنگی در سال‌های اخیر به یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران در کشور تبدیل شده است، اما تا کنون شناخت دقیق روندهای تغییرات و درک تحولات فرهنگی بیش از آنکه مبتنی بر رصد دقیق و علمی باشد، اغلب بر دریافت‌ها و تصورات شخصی و سلیقه‌ای استوار بوده است [۱]. بررسی نظرات گروهی از نخبگان حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی نشان می‌دهد نوعی ابهام و عدم شفافیت در شناسایی چالش‌های فرهنگی جامعه شهری، چگونگی فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی و نقش دولت و یا مدیریت شهری در این فرایند وجود دارد؛ این ابهام و عدم شفافیت خود را در محتوای سیاست‌ها، انتظارات از آن‌ها و نتایج نشان می‌دهد؛ واقعیتی که حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی را در معرض تحولات و نزاع‌های سیاسی و ناهمسویی‌ها در اجرا و ارزیابی برنامه‌ها قرار می‌دهد [۲].

اوایل دهه ۱۳۷۰ که متأثر از رشد شهرنشینی [۳] بوده، با تغییر در نیازهای شهروندان و متعاقب آن، در بخش زیادی از شهروندان نگرش‌های فرهنگی جدید ایجاد شده است. از این‌رو، توجه شهرداری‌ها به مسائل اجتماعی و فرهنگی بیشتر شده است؛ برای نمونه در شهر تهران می‌توان به تأسیس روزنامه همشهری، خانه‌های فرهنگ محله‌ها، فرهنگسراها و سینما تئاترها توسط شهرداری و توجه مستمر به موضوع ایجاد فضاهایی برای گذران اوقات فراغت شهروندان و توجه به توسعه طرح‌های گردشگری اشاره کرد [۳]. با این رویکرد به تدریج در سایر شهرداری‌های کشور به‌ویژه کلان‌شهرها به یک الگو و مأموریت نهادینه تبدیل شد و شوراهای اسلامی شهرها نیز بیش از پیش در نظام برنامه‌ریزی به مسائل فرهنگی اجتماعی پرداختند و در ساختار تشکیلاتی مدیریت شهری حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی جایگاه رسمی و برجسته‌تری پیدا کردند [۴]. ولی با توجه به موضوعات متنوع فرهنگی و دغدغه‌های اجتماعی خط مشی‌گذاری صحیح از سوی شوراهای اسلامی و نیز شهرداری‌ها مدام با فراز و فرودهایی همراه بود، به گونه‌ای که با تغییر دوره مسئولیت اعضای شوراهای اسلامی شهر و یا شهردار رویکرد به فرهنگ شهری نیز با تغییراتی روبه‌رو بوده است و این موضوع با تغییر در جناح‌های سیاسی هر دوره دستخوش تغییرات جدی می‌شد. به نظر می‌رسد به خلاف وظایف ذاتی و سنتی شهرداری‌ها در حوزه خدمات شهری و پروژه‌های عمرانی، پیشرفت و کارکردها سنجش دقیق‌تری دارد. در حوزه فرهنگی و حتی سبک زندگی شهری معیار و شاخص عملکردی دقیقی که بتواند جهت‌گیری‌های فرهنگی نشئت‌گرفته از فعالیت‌های مدیریت شهری را رصد و پایش کند، طراحی نشده و یا از ابزارها و سنجه‌های لازم برخوردار نیست و این مهم با تداخل وظیفه سایر نهادها و دستگاه‌های اجرایی مرتبط نیز سخت‌تر می‌شود. در برنامه‌ریزی شهری مسائل مدیریت و تصمیمات مربوط به سیاست فرهنگی در چه زمینه‌ای اتخاذ می‌شوند، متمرکز یا غیرمتمرکز؟ کدام روش ارائه خدمات فرهنگی باید پیاده شوند؛ عمل مستقیم یا برون‌سپاری فعالیت‌ها؟ چگونه منابع فرهنگی باید خرج شود؛ برای زیرساخت‌ها یا برای فعالیت‌ها؟ آیا مدیران و سیاست‌گذاران باید در سیاست‌سازی‌های خود ترجیحاتی داشته باشند؟ [۵]

در این مقاله تلاش است سیمایی از کارکردهای فرهنگی، اجتماعی و سبک زندگی شهری که شهرداری‌ها و در نگاه جامع مدیریت شهری در آن نقش دارند و یا فعالیت‌های مدیریت شهری در آن اثرگذار است ارائه شود و در برنامه‌ریزی‌ها و خط مشی‌گذاری‌ها به آن توجه کرد و متناسب با تحولات و توسعه شهری و ملاحظات ارتباطات جهانی روند تغییرات فرهنگی و اجتماعی را در نظام برنامه‌ریزی لحاظ کرد، لذا از زوایای مختلف به بحث پرداخته می‌شود.

## ۲. روش‌شناسی

برای انجام این تحقیق مروری با استفاده از گردآوری مقالات، پژوهش‌ها و مطالعات کتابخانه‌ای به صورت مصاحبه کیفی نیمه‌ساختاریافته به منظور تبیین ساختاری و افق زمانی در یک مقطع تحلیلی (سه دهه اخیر) انجام گرفته است و با رویکرد کاربردی با اخذ نظر خبرگان فرهنگی کشور و حوزه مدیریت شهری انجام گرفته و عوامل زمینه‌ای و رفتاری جامعه‌شناختی بررسی شده و در سه حوزه فرهنگی، اجتماعی و سبک زندگی شهروندی دیدگاه‌ها بیان شده است.

۱. فضای جهانی سبک زندگی و الگوهای فرهنگی در حال رویارویی در شهرها [۶]

امروزه با توجه به سرعت رشد ارتباطات و مبادلات بین کشورها و افزایش مهاجرت‌ها، سفرهای بین‌المللی و حضور شبکه‌های اجتماعی و تحول در رسانه‌ها باعث شده است که سبک زندگی و رفتار فرهنگی شهروندان دستخوش بسیاری از مؤلفه‌های تأثیرگذار شود و صیانت از فرهنگ اصیل و مطلوب که متناسب با الگوها و ارزش‌های یک کشور است، دچار تغییر و آسیب‌پذیری شود و فرهنگ و رفتار شهروند دیگر از یک الگوی واحد تبعیت نمی‌کند و از نمادها و الگوهای جهانی متأثر می‌شود که خواه مطابق با ارزش‌های اصولی باشند و یا برگرفته از سیاست‌های فرهنگی و جهت‌گیری‌ها و سوگیری‌ها برای اهداف خاص برخی از سرمداران کشورها ایجاد شده باشد. از این‌رو، مدیریت دولتی و یا نظام‌های حاکم در حوزه فرهنگ و سبک زندگی با چالش‌های جدی مواجه هستند و برای برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی ضروری است که ابعاد جهانی، تقابل فرهنگ‌ها و جهت‌گیری‌های فراملی در عصر حاضر مورد توجه قرار گیرد. تأکید دارند که جریان‌های جهانی سرمایه، کالا، خدمات، فناوری، ارتباطات و اطلاعات به طور فزاینده‌ای کنترل دولت‌ها بر زمان و مکان را تضعیف کرده است. هویت‌های متعدد، سیطره نظام‌های حاکم بر زمان تاریخی را که از طریق به‌کارگیری سنت و باز برساختن هویت ملی میسر می‌شد، به چالش فرا می‌خواند و در این فضا مهم‌ترین مسئله برای دولت‌ها، پویایی و عقلانیت در تدوین و کاربست سیاست‌های فرهنگی است.

چالش‌های فرهنگی وقتی در یک کشور با وضعیت قطب‌بندی در جامعه گسترش می‌یابد، با شرایط پیچیده‌تری شکل می‌گیرند و تقابل بین گروه‌های اجتماعی مختلف و سطوح شهروندان باعث آسیب به اعتماد اجتماعی و ناپایداری‌های اجتماعی می‌شوند و متعاقب آن، کج‌روی‌های فرهنگی فزونی می‌یابند و در صورت عدم تدبیر صحیح و پیامدهای آن به هم‌افزایی و همپوشانی نگرانی‌های را در عرصه‌های دیگر سیاسی و حتی اقتصادی و تقابل‌های بعدی را باعث می‌شود و جانب‌داری از گروه‌های خاص اجتماعی و یا نادیده گرفتن برخی از گروه‌ها مسیر توسعه اجتماعی و فرهنگی را خدشه‌دار و به‌تدریج اثرات آن در سبک زندگی شهروندی پدیدار می‌شود. برخی چالش‌ها حول محور اجرا متمرکز شده‌اند، آن‌هایی که به مسائل سیاست فرهنگی و یا ارتباط آن با توسعه اجتماعی مربوط می‌شوند، و چالش‌هایی در حوزه فرهنگ با ابعاد اقتصادی درگیر و سرانجام مسائل مرتبط با حوزه مدیریت و تصمیم‌سازی که در فرایند برنامه‌ریزی فرهنگی وجود دارند. در این میان، نوع نگرش به فرهنگ بسیاری از مسائل اجتماعی را در بر دارد؛ فرهنگ به عنوان مبنای توسعه، ابزار تسلط، مبنای تفاهم و گفت‌وگو و یا مبنای جنگ. نگرش‌های ملی به فرهنگ با رهیافت‌های مختلف جلوه‌های متفاوتی به فرهنگ داده است. در عرصه‌های بین‌المللی سیاستمداران از این رهیافت مدل‌های حکمرانی را تبیین می‌کنند. و این سؤالات مطرح است که آیا توسعه اجتماعی. سیاست فرهنگی باید بر اجماع تأکید کند یا اجتماعات و یا به گروه‌های اجتماعی توجه کند؟ آیا تک‌فرهنگی یا تنوع فرهنگی باید در توسعه اجتماعی و جهانی شدن، مطلوب جامعه است؟ چگونه می‌توان تنوع را محترم شمرد و در آن ارزش‌های ملی و هویت‌های دینی و احترام به نظرات و اعتقادات فرهنگی گروه‌های جامعه را در نظر گرفت و انحرافات نرم در حال شکل‌گیری را مدیریت کرد؟ اگر نقش دولت و در یک مقیاس پایین‌تر مدیریت شهری در میزان رفتار فرهنگی و همچنین، دینداری شهروندان مطلوب بودن و یا عدم موفقیت بخواهیم ارزیابی کنیم باید بگوییم که هر میزان از دینداری را که شما ببینید، فی‌نفسه قابل ارزیابی برای موفقیت و عدم موفقیت دولت و مدیریت شهری نیست. باید آن را با مرجعی مقایسه کرد. ارزیابی نقش مدیریت شهری در تغییرات فرهنگی مردم نیازمند مطالعه تطبیقی آن هم به شکل «شبه‌ترین نظام‌ها» است که کار بسیار دشواری است. در حقیقت، برای رسیدن به نتیجه‌ای معتبر در خصوص نقش شهرها و مدیریت شهری در تغییرات فرهنگی لازم است حداقل یک جامعه کاملاً شبیه به جامعه شهری ایران را مد نظر قرار دهیم که فقط و فقط در نظام حکومتی‌اش با ایران متفاوت باشد. شرایط آن کشور باید کاملاً شبیه به ایران باشد و فقط در یک چیز (در نظر گرفتن کارکرد فرهنگی و مذهبی برای مدیریت شهری و یا مدیریتی صرفاً خدماتی) با یکدیگر تفاوت داشته باشند. تقریباً شبیه به شرایط آزمایشگاهی که همه شرایط باید کنترل شود تا ببینیم فقط آن عامل در نظر گرفته شده تأثیر گذاشته و عامل دیگری در آن تأثیرگذار نبوده است. در این مورد نیز باید همه چیز شهرهای دو کشور شبیه باشند و فقط از حیث دولت‌هایشان با یکدیگر متفاوت باشند. دشواری آن هم در این است که یک جامعه را پیدا کنیم که از همه جهات به‌جز دولت‌اش شبیه به جامعه ایران باشد تا ببینیم بعد از چندین سال، مدیریت شهری چه نتایجی برای جامعه شهروندان به بار آورده است. در رابطه با نقش مدیریت شهری در تحولات فرهنگی اجتماعی شهر بدون یک مطالعه سیستماتیک تطبیقی هر چه بگوییم

یک تحلیل است. تحلیلی که برای محققان علوم اجتماعی نقش فرضیه را دارد، اثربخشی قطعی آن را نه می‌توانیم تأیید کنیم و نه آن را رد کنیم. همان‌طور که گفته شد، اگر در مقایسه میزان فرهنگ‌پذیری و دینداری گذشته و حال حاضر شهروندان کاهش ایجاد شده باشد، این استدلال می‌تواند وجود داشته باشد که مسئولان شهری بگویند در غیر این صورت انحرافات فرهنگی و مذهبی بیشتر خواهد بود. بنا به استدلال‌های مندرج و برخی تئوری‌ها، تحولات ساختاری مثل رشد شهرنشینی، صنعتی شدن، افزایش نسبت نیروهای متخصص دانشگاهی و... آیا موجب کاهش دینداری و تغییرات فرهنگی می‌شوند؟ و این تحول ربطی به مدیریت‌ها ندارد. به همین دلیل، برای احراز نقش دولت‌ها و مدیریت‌های شهری در تحولات فرهنگی و دینداری لازم و ضروری است که این عوامل ساختاری کنترل شوند. سازمان ملل متحد، برای ارتقای مدیریت شهری و ارتقای مردم‌سالاری، بر پاره‌ای از موضوعات و اولویت‌ها تأکید ویژه دارد که عبارت‌اند از:

- بازنگری در جایگاه و کارکردهای دولت؛
- تلاش برای تعیین راهبردهای شهر با مشارکت نهادها و شهروندان؛
- شفافیت کارکرد مالی در تمام سطوح؛
- جریان آزاد اطلاعات، به عنوان لازمه شفافیت و مشارکت؛
- تأکید بر جایگاه رهبری مدیریت شهری؛
- وجود ضابطه‌های اخلاقی - فرهنگی برای رفتار مدیریت شهری؛

## ۲-۱. برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی در مدیریت شهری

در مدیریت شهری فقط به گسترش و تعمیق فعالیت‌های فرهنگی خاص و اقدامات پرورشی برای شهر و شهروندان آن محدود نمی‌شود، بلکه به صورت ویژه با وظایف و کارکرد سازمان درگیر است و به دیدگاهی فرهنگی در نحوه برنامه‌ریزی نیاز دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد از دو وجه، توجه به برنامه‌ریزی فرهنگی در مدیریت شهری ضرورت دارد و اثرگذار است: در وجه نخست اقدامات فرهنگی، مدیریت شهری در توسعه فرهنگی شهر و جامعه مؤثر است و باعث توسعه همه‌جانبه در حوزه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و کالبدی با بستر فرهنگ خواهد شد و توسعه پایدار را نیز به دنبال خواهد داشت. در وجه دیگر برنامه‌ریزی فرهنگی باعث تسهیل در امور مدیریت شهری و نزدیک‌تر شدن به هدف مطلوب در کلیه سطوح شهری می‌شود و کاهش هزینه‌های مأموریت‌ها و اقدامات اجرایی را نیز در پی خواهد داشت [۷]. در نگرشی جامع به سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری با لحاظ اهداف یکپارچه اجتماعی و فرهنگی ضروری است در رأس سیاست‌گذاری و مدیریت شهری قرار گیرد. تحقق این اهداف، نیازمند ارزیابی نتایج و تبعات سیستم‌های شهری برای تغییرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی بوده و محتاج تحولات اساسی در سازمان و تشکیلات برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است. ایجاد تعادل بین مراکز شهری بزرگ و کوچک، همکاری بین بخش‌های دولتی، عمومی و خصوصی و نیز تدوین استراتژی محلی در زمره سیاست‌های نیل به مدیریت شهری، قابل تأمل هستند.

سیاست‌گذاری فرهنگی مفهومی بین‌رشته‌ای است که از یک سو یکی از حوزه‌های رشته سیاست‌گذاری عمومی است و از سوی دیگر، از نظر ماهیت رویکردی جامعه‌شناسانه دارد و می‌تواند موضوع مطالعات شهری باشد. شهرداری‌ها در اغلب کشورهای مختلف همواره در حال سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های فرهنگی هستند و در بسیاری از وظایف آن‌ها مأموریت و اختیاراتی لحاظ شده است که در ایران در حوزه‌های دولتی از قبل سازمان بهزیستی، شرکت‌های آب و فاضلاب، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و انرژی [۸] دیده شده و عدم تمرکز سیاست‌گذاری نیز از مقوله‌های دیگری است که علی‌رغم قانون‌گذاری در عمل به اجرا درنیامده است. نبود صورت‌بندی مناسب مفهوم در سیاست‌گذاری فرهنگی شهری عامل سردرگمی در مواجهه با هر فعالیتی است که مدیران و کارگزاران مدیریت شهری آن را به عنوان دستورکار و برنامه فرهنگی معرفی می‌کنند. در خلق مفهومی اولیه، سیاست‌گذاری فرهنگی شهری شامل ترویج و تحکیم ایدئولوژی، توسعه شهری، ارتقای رسانه‌ها، گسترش فضاهای عمومی، سیاست‌های زمانی، صنایع فرهنگی، آموزش شهروندی و تشخیص شهری است. سرمشق سیاست‌گذاری

فرهنگی را می‌توان در دو سرمشق کلی خلاصه کرد: سرمشق آرمان‌شهر و سرمشق واقع‌گرا که در جدول ۱ به شرح ذیل بیان می‌شود.

جدول ۱. سرمشق‌های سیاست‌گذاری فرهنگی

سرمشق	آرمان‌گرا	واقع‌گرا
مبانی نظری	حکومت عهده‌دار پیاده کردن آرمان‌ها و پالودن حوزه فرهنگ عمومی است	حکومت مسئول در نظر گرفتن واقعیات و تکثر موجود در فضای فرهنگی و اجتماعی است
معیار	تعبیر ایدئولوژیک از آرمان‌ها	خواسته‌ها و تمایلات اقشار مختلف
منبع	ایدئولوژی	مصلحت‌اندیشی معطوف به مسئله
روش‌شناسی	عقل‌گرایی فراگیر مبتنی بر ارزش‌ها	تحلیل هزینه فایده، تجزیه و تحلیل عینی مشکلات
تمایزگذاری	بر مبنای حدود و ارزش‌ها	بر مبنای اجتماعی بودن
زبان	واژگان و مفاهیم از پیش تعیین شده	اصول عقلانی و اجتماعی
محدوده عمل	فراگیر حتی شاید در حوزه خصوصی	گزینش تجربی مواضع مناسب، روابط بین فردی
هدف	سعادت انسان‌ها	مصالح فردی و جمعی
روش عمل	اقدام در سطح جامعه به عنوان یک کل	آزمون و خطا و تجربه مداوم
راه درونی کردن	گردن نهادن به حدود و اوامر	عقل و محاسبه
ابزار اجرا	تبلیغ و هدایت و در صورت لزوم اجبار	تبلیغات و قوانین

## ۲-۲. خدمات فرهنگی و محصولات فرهنگی

روندهای مصرف کالاهای فرهنگی در شهرها ارتباط مستقیمی دارد با توسعه و تغییرات در محیط کلان. این تغییرات ممکن است در هزینه سلامتی، رشد اقتصادی، ایجاد بازار محصولات فرهنگی و یا شرایط اقتصادی اتفاق بیفتد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد تقاضا برای تولیدات فرهنگی مردمی در برابر تولیدات فرهنگ فاخر و عالی بیشتر شده و نوع خدمات فرهنگی نیز با تغییر در ذائقه شهروندان با کاهش اثربخشی روبه‌رو شده است. همچنین، تغییرات اقتصادی تأثیرات مستقیمی بر افزایش یا کاهش تقاضای کالای فرهنگی دارد. سوم، تغییرات در سطح جمعی بیشتر از تغییرات در سطح فردی مانند تغییرات در هزینه مسکن، درآمد و ... است. و درنهایت، تغییرات در ارزش‌ها و نگرش‌ها تأثیر قابل توجهی دارد. نگاهی به سرانته مصرف منابع و پیامدهای گاه ناگواری که از این موضع شکل گرفته است نشان می‌دهد اهمیت پرداختن به این موضوع و راهکارهای مدیریت الگوهای رفتاری شهروندان و ارزیابی نوع ارائه خدمات فرهنگی در برابر منابع ناپایدار ضرورت دارد. نگاهی به آمارهای روزانه تولیدات زباله، آلودگی‌های زیست‌محیطی، ترافیک، مصرف بی‌رویه منابع اولیه در تمام سطوح به‌خوبی نشان می‌دهد هنوز فرهنگ‌سازی در حوزه وظایف شهرداری‌ها دچار که باید تدابیر اساسی و جدی اتخاذ شود که بخشی از آن به عهده مدیریت شهری قرار دارد. به منظور دستیابی به فضایی که بتوان به پرسش‌ها و چالش‌های فرهنگ شهری پاسخ داد، موارد زیر باید مد نظر باشد:

- روش‌های برتر تصمیم‌گیری در حوزه فرهنگ شهری؛
- روش‌های اجرای استراتژی فرهنگی در محیط‌ها و مدیریت شهری؛
- افزایش توان مدیریتی برای برنامه‌ریزی فرهنگی - اجتماعی در مدیریت شهر؛
- روش‌های مؤثر برای به‌کارگیری بهینه منابع موجود و در نظر گرفتن سهم فعالیت‌های فرهنگی در جهت مدیریت شهری پایدار؛
- هم‌پیوندی بین شهرسازی و رفتارهای فرهنگی روش‌های مؤثرتر از قبل برای حل معضلات فرهنگی و اجتماعی امروزی شهرها

## ۲-۳. مدیریت شهری و سبک زندگی

سبک زندگی مفهومی کاملاً برخاسته از بطن زندگی اجتماعی هر جامعه است، مفهومی که اساساً در آمیخته با آموزه‌ها، عناصر و متغیرهای فرهنگی است که همواره در جامعه بازتولید می‌شوند یا به همان سیاق قبل همچون سنت‌ها ادامه پیدا می‌کنند. گزارف نیست اگر از سبک زندگی به عنوان مفهومی یاد کنیم که بسط اجتماعی گسترده‌ای در سطح جوامع انسانی دارد و از طریق فرایندهای فرهنگی در اجتماع انتقال پیدا می‌کند و اینکه متغیرهای متعدد اجتماعی که در هر جامعه تفاوت‌هایی دارد در این بسط

اجتماعی دخالت دارند. عوامل متعددی همچون سن، جنس، طبقه اجتماعی، هویت اجتماعی، باورهای فرهنگی، گسترش تکنولوژی و... نوع نیازها و الگوهای زندگی را با تغییراتی مواجه می‌سازند؛ امری که امروزه می‌توان در سطح شهر تهران آن را به صورت ملموس مشاهده کرد. سبک زندگی شهرنشینان امروز تهران به واسطه حضور این متغیرها تفاوت اساسی با گذشته پیدا کرده است، به گونه‌ای که با استانداردهای آن در سطح جهانی مغایرت‌هایی دارد.

اهمیت سبک زندگی بر اساس سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران و تأکیدی که مقام معظم رهبری در خصوص آن دارند، در کنار الزامی که از تحلیل رفتن منابع ناپایدار شکل گرفته است ایجاب می‌کند که روند سیاست‌گذاری در مدیریت شهری به عنوان نهادی محلی در حوزه سیاست‌گذاری، تفاوت‌هایی با گذشته داشته و اهداف جدی‌تر را در این خصوص دنبال کند. در دوره‌های گذشته مدیریت شهری همواره تلاش می‌شد که لوازم توسعه حیات شهری بر مبنای شکل‌گیری زیرساخت‌هایی دنبال شود که بیشتر ابعاد سخت‌افزاری را دنبال می‌کردند هرچند که این بیان به معنای انکار فعالیت‌های نرم‌افزاری نیست که انجام شده است. اما در اولویت قرار دادن فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در کنار فعالیت‌های عمرانی و زیربنایی می‌تواند به عموماً راهکارهای مهمی پیش روی مدیریت شهری در زمینه سبک زندگی به حساب آید. شهر تهران با جمعیتی حدود ۱۲ میلیون نفر و با ترکیبی به نسبت جوان، به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده منابع ناپایدار طبیعی به حساب می‌آید که همواره هزینه‌های سرسام‌آوری را به جامعه تحمیل می‌کند. در نگاهی دیگر ملاحظه می‌شود که سبک زندگی درآمخته با کیفیت زندگی شهری نیز است و امروزه کیفیت زندگی شهری، کلیدی‌ترین مفهوم در برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شود. بر این اساس، در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته برنامه‌ریزان در تلاش برای نمایش سطوح کیفیت زندگی در سطوح مختلف جغرافیایی هستند تا از این طریق بتوانند راهکارهای بهینه‌ای را برای بهبود کیفیت زندگی نواحی عقب‌مانده بیابند و سبک زندگی شهروندان را نیز در همسویی با آن ریل‌گذاری کنند.

همان‌طور که گفته شد، شهر به عنوان بستر زیست بشر نقش اساسی در احساس رضایتمندی دارد و در واقع شکل‌دهنده سبک زندگی انسان و تعیین‌کننده کیفیت زندگی اوست، اما رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و پیچیدگی ماهیت مسائل شهری موجب شده تا تأکید و توجه مدیران و برنامه‌ریزان بیش از هر زمان دیگر به سطوح پایین و ملموس کیفیت زندگی شهروندان معطوف شود، به طوری که امروزه کیفیت زندگی، یکی از دغدغه‌های اصلی مدیریت شهری شده است و سبک زندگی و مؤلفه‌هایی از این نوع در رضایتمندی و حس رفاه شهری و کیفیت آن ارتباط معناداری دارد.

وجود مشکلاتی مانند حمل‌ونقل فرسوده، کمبود منابع شهر، اتلاف وقت شهرنشینان در ترافیک، فرصت‌های کم و موقعیت‌های شغلی نامناسب، آسیب‌های اجتماعی، تغذیه ناسالم، کمبود امکانات فرهنگی و اجتماعی، کمبود امنیت و... زندگی در شهرها را با مشکلات فراوانی مواجه کرده است و شهروندان به‌ناچار سبک زندگی خود را در زندگی شهری با توجه به نیازها و زیرساخت‌های شهر تنظیم می‌کنند. بر این اساس، لزوم توجه به ارتقای کیفیت زندگی در شهرها بیش از گذشته نمایان است.

بر اساس مطالعات بسیاری از محققان، متغیرهای رضایت از کیفیت کالبدی - محیطی محلات بیشترین تأثیر را بر بالا رفتن کیفیت زندگی در محلات شهری [۹ و ۱۰] دارد. بر همین اساس، می‌توان گفت که سنجش‌های محیطی و رضایت از آن نیز به عنوان جزئی از کیفیت زندگی و بلکه مهم‌ترین شاخص آن است [۱۱]. از سوی دیگر، عدم شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی مردم در قلمروهای گوناگون بشری، نه تنها پیامدهای غیرمنتظره و ناگواری را به دنبال خواهد داشت، بلکه با کاهش میزان رضایتمندی از زندگی در میان افراد، جامعه، نیروی انسانی مولد و توانمند خود را نیز طی زمان از دست خواهد داد. در علوم شهری دانش نقش **معماری و شهرسازی در ارتقای کیفیت زندگی شهری** طراحی شهری وظیفه ایجاد و ارتقای کیفیت فضاهای شهری است. در اینجا گذر، معبر، خیابان و کوچه احداث شده، اما کیفیت فضا این خیابان را با آن خیابان متفاوت می‌کند، اگر فضا واجد کیفیت و متناسب با سطح فرهنگی شهروند باشد، این فضا شهروندان را می‌تواند بیشتر در خود نگه دارد. به همین دلیل می‌بینیم برخی از معابر و فضاهای شهری همیشه در تمام ساعت‌های شبانه‌روز شلوغ است چون رابطه بهتری با روح و روان شهروندان برقرار می‌کند و ملاحظه می‌شود مؤلفه‌های معماری و شهرسازی تنگاتنگ در فرهنگ شهروندی و الگوهای رفتاری آن‌ها به شدت تأثیرگذار است و این امر در سیاست‌های بازآفرینی شهری به عنوان یکی از راهبردهای اساسی مورد توجه قرار گرفته است.

سیاست‌های توسعه شهری، باعث ایجاد تغییرات و دگرگونی‌هایی در حوزه‌های اجتماعی می‌شود. این تغییرات در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مواردی ملموس و بی‌واسطه است، زیرا هدف اجرای پروژه‌های عمرانی، دستیابی به تغییرات و دگرگونی‌های مشخصی در این حوزه‌ها است. در اجرای هر پروژه و اعمال هر سیاستی، اهداف مشخصی وجود دارد و انتظار می‌رود اجرای پروژه و پیامدهای حاصل از آن، منجر به حل مسئله و ارتقای کیفیت زندگی اعضای جامعه هدف شود. اجرای پروژه‌های عمرانی و اقتصادی به دو صورت با فرهنگ ربط پیدا می‌کند:

الف) عدم تناسب طرح یا سیاست با فرهنگ و شیوه زندگی مردم، باعث ناکارآمدی و غیرقابل استفاده ماندن طرح اجرا شده می‌شود.

ب) اجرای پروژه‌های اقتصادی و اعمال سیاست‌های توسعه شهری، بر فرهنگ مردم بومی و محلی تأثیر می‌گذارد و باعث دگرگونی در متغیرهای فرهنگی آنان می‌شود. این تغییرات طیفی از ارزش‌ها و باورهای مردم تا از بین رفتن منابع و زیرساخت‌های فرهنگی را در بر می‌گیرد؛ حتی اگر افراد جامعه در برابر این تغییرات واکنش و مقاومتی نشان ندهند. برای مثال، تبدیل واحدهای مسکونی به آپارتمان در شهرها بدون مقاومت مردم انجام شد، اما یکی از نتایج منفی این تغییر، از بین رفتن فرهنگ محله‌ای و تغییر ارزش‌های همسایگی در جامعه بوده است. بنابراین، پروژه‌ها و طرح‌های اقتصادی از یکسو در زمینه فرهنگی معینی اجرا می‌شوند و تحت تأثیر آن قرار دارند و از سوی دیگر، بر فرهنگ موجود تأثیر می‌گذارند و شیوه زندگی افراد جامعه را تغییر می‌دهند.

به منظور مدیریت و کاهش اثرات سوء توسعه شهری بر رفتار و فرهنگ و سبک مناسب زندگی شهری، تهیه پیوست فرهنگی و پیش‌بینی پیامدهای مثبت و منفی طرح‌ها و پروژه‌های شهری است. پیوست فرهنگی در واقع مجرای است که از طریق آن پیشرفت کشور بدون آسیب رساندن به هویت فرهنگی و بومی و بدون تغییر ارزش‌های فرهنگی و دینی صورت می‌گیرد. اگرچه جهت‌گیری پیوست فرهنگی به سمت حفظ ارزش‌ها و میراث فرهنگی است، اما در همان حال زمینه‌ساز اجرای موفق و صحیح پروژه‌های عمرانی نیز خواهد بود. تعیین، پیش‌بینی، ارزیابی و آگاه‌سازی درخصوص تأثیرات احتمالی فعالیت‌ها یا سیاست‌ها بر زندگی شهروندان، نهادها و منابع فرهنگی. از طریق پیوست فرهنگی با هدف حذف تأثیرات مخرب و افزایش نتایج مثبت، یافته‌ها و نتایج را در فرایند برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی وارد می‌سازد. اجرای پروژه‌های سازگار با فرهنگ بومی و توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی و فرهنگی افراد جامعه از مؤلفه‌های مهم موفقیت اجرای پروژه است. و در نظام جمهوری اسلامی ضمن اینکه حفاظت از میراث فرهنگی در پیوست فرهنگی اولویت دارد، حفظ شیوه زندگی دینی هدف اصلی است. نظام اسلامی از ابتدای انقلاب در تلاش بوده است تا فرهنگ عمومی جامعه را به سمت دینی تمدن سوق دهد، در نتیجه پروژه‌های اقتصادی و توسعه‌ای باید با ملاحظات فراهم ساختن این زمینه در جامعه اجرایی شوند.

## ۲-۴. فرهنگ شهروندی و فقر شهری

فقر شهری (Urban Poverty) در سال ۲۰۰۷، برای نخستین بار جمعیت شهری و روستایی جهان برابر شد. رشد جمعیت شهری افزایش می‌یابد و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۳۰ به بیش از پنج میلیارد نفر برسد. برآوردها نشان می‌دهند بخش عمده این افزایش در کشورها در حال توسعه تحقق خواهد یافت و قاره‌های آسیا و آفریقا بزرگ‌ترین جمعیت شهری را خواهند داشت. رشد شهری به دو عامل نسبت داده می‌شود [۱۲]: نخست رشد طبیعی جمعیت و در مرتبه بعد، مهاجرت‌های روستاشهری. توسعه شهری در حفظ رشد اقتصادی نقش مهمی داد که این عامل می‌تواند بر کاهش فقر تأثیر مهمی داشته باشد [۱۲]. صرفه‌جویی‌های اقتصادی ناشی از مقیاس می‌تواند جاذب سرمایه‌گزاران و کارفرمایان اقتصادی باشد که برای رشد کل اقتصاد مفید باشد. در عین حال شهرها می‌توانند موقعیت‌هایی برای بسیاری از افراد به‌ویژه گروه‌های کم‌درآمدی که جذب بازار کار بیشتر می‌شوند و در دسترس بودن خدمات و برای برخی نیز گریز و فاصله گرفتن از محدودیت‌های اجتماعی و سنت‌های فرهنگی نقاط روستایی به شمار می‌رود [۲].

در عین حال زندگی شهری می‌تواند با تراکم جمعیت بیش از اندازه، ازدحام جمعیت، بیکاری و نبود شبکه‌های اجتماعی،

ناوبری شدید و حتی مشکلات اجتماعی مانند بزهکاری و خشونت همراه شود. بسیاری از افرادی که مهاجرت از فرصت‌های موجود در مناطق شهری بهره‌مند می‌شوند در حالی که برخی نیز به دلیل مهارت کم ممکن است از دیگران عقب بمانند و دچار چالش‌های روزمره زندگی شهری شوند. بسیاری از مشکلات مرتبط با فقر شهری ناشی از پیچیدگی استفاده از منابع، تنگناهای ظرفیتی، سیاست‌های ناکارآمد بخش دولتی در سطوح مرکزی و محلی و نبود برنامه‌ریزی برای رشد شهری و مدیریت آن است. به رغم وجود پیش‌بینی‌های جمعیتی درباره رشد فراینده اکثر شهرهای کشورهای در حال توسعه، چالش‌های فقر شهری و در سطح وسیع‌تر مدیریت شهری در بسیاری از شهرها تشدید خواهد شد اگر اقدامی تهاجمی در قبال آن‌ها اتخاذ نشود. نکته مهم این است که بسیاری از این گروه ساکن نقاط شهری کوچک هستند که شدت فقر در آن‌ها در مقایسه با شهرهای بزرگ به مراتب بیشتر است و با تداوم توسعه شهری پیش‌بینی می‌شود که شمار کم‌درآمدان شهری افزایش یابد و فقر به پدیده‌ای شهری بدل شود. پژوهش‌های بسیاری درباره فقر شهری در کشورهای گوناگون در سطح محلی و ملی انجام شده است. اطلاعات دقیقی نیز عرضه می‌کنند، ولی اکثر آن‌ها نمی‌توانند سیر تحول آن را در امتداد زمان بیان کنند تا از این رهگذر بتوان به شناخت ضعف‌ها و قوت‌های سیاست‌هایی پی ببرند که در این زمینه اتخاذ می‌شود.

فقر شهری پدیده‌ای چندوجهی یا علیتی است که ارتباط تنگاتنگی با شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی دارد. کم‌درآمدهای شهری با محرومیت‌های اجتماعی فرهنگی و محیط زیستی بسیاری مواجه هستند و می‌توان از مهم‌ترین موارد زیر را نام برد:

- دسترسی محدود به فرصت‌های اشتغال و تأمین درآمد پایدار؛
- تعارض فرهنگی و قومیت‌های مختلف و سبک زندگی خاص؛
- وضعیت نامناسب مسکن و خدمات شهری و همچنین، وضعیت نامطمئن حق سکونت؛
- محیط‌های غیر بهداشتی و گاه همراه با خشونت و نزاع و درگیری؛
- نبود یا محدود بودن سازوکارهای حمایت اجتماعی؛
- دسترسی محدود به فرصت‌های آموزشی و نداشتن تندرستی کافی در نتیجه فقر شهری فقط دلالت بر گردآوری مجموعه‌ای از مشخصه‌ها ندارد، بلکه مبین وضعیت ناستواری از حیث آسیب‌پذیری و قرار داشتن در معرض مخاطرات است.

### ۳. نتایج

برای شناخت فقر شهری می‌توان از دو چارچوب تحلیلی استفاده کرد:

الف) چارچوب پویای فقر (آسیب‌پذیری و مالکیت دارایی)؛

ب) مشخصه‌های چندگانه فقر و بررسی پیامدهای انباشتی آن‌ها [۱۳].

از سوی دیگر، فقر شهری به دو شیوه دیگر نیز تعریف می‌شود: به مثابه استاندارد مطلق مبتنی بر حداقل درآمد لازم برای حفظ سلامتی و زندگی با حداقل راحتی و همچنین، به مثابه استانداردهای نسبی که مبتنی بر استاندارد زندگی که در کشوری تعیین می‌شود [۸]. برای نمونه خط فقر در ایالات متحده از دولت فدرال تعیین می‌شود و مبتنی بر درآمد سالانه‌ای است که سه برابر هزینه رژیم غذایی مغذی است که وزارت کشاورزی ایالات متحده محاسبه می‌کند. شیوه تعریف فقر به ماهیت سیاست اجتماعی متمرکز بر کاهش فقر نیز شکل می‌دهد. این شیوه‌های فقر را به مثابه استاندارد زندگی در مقطع معینی از زمان تعریف می‌کند. بنابراین فقر دلالت بر محدود بودن گزینه‌های پیش روی افراد، سطح پایین زندگی و پویایی اجتماعی محدود دارد و در عین حال می‌توان آن را به مثابه آسیب‌پذیری نیز در نظر گرفت، تعریفی که می‌تواند از تعریف پولی و موقت نیز فراتر رود [۵]. فقر شهری را می‌توان بازتاب تمرکز جغرافیایی اجتماع‌های گروه‌های کم‌درآمد دانست. بنا به رویکرد بانک جهانی به برنامه کاهش فقر برای سنجش و ارزیابی فقر شهری پنج نام‌گر اصلی به نام‌های درآمد، سلامت و تندرستی، خدمات آموزشی، حق نگاه داشت محل سکونت یا امنیت نحوه تصرف، و تواناسازی به معنای امکان تأثیرگذاری بر نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر مطرح شده‌اند. هر یک از این متغیرهای از طریق متغیر واسطه‌ای و نام‌گرها نشان‌دهنده تأثیر یا پیامد منتهی می‌شوند. متغیرها و یا سنجه‌هایی قابل اندازه‌گیری به تفکیک سطوح ملی شهری و درون‌شهری منتهی می‌شود. این متغیرها در تمامی کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه کاربرد مشابهی الزاماً ندارند، بلکه مجموعه‌ای از مشخصه‌های مرتبط با فقر شهری را معرفی می‌کند

که بنا به تولید ناخالص داخلی یا درآمد سرانه کشورهای کاربردها اصلی یا فرعی پیدا می‌کنند. همین امر در مقیاس درون‌کشوری یا درون‌شهری می‌تواند صادق باشد.

فقر شهری را می‌توان از دو جنبه مشخصه‌های پولی و غیر پولی نیز بررسی کرد. از جنبه مشخصه‌های پولی، دو متغیر هزینه و درآمد خانوار نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. مقدار هزینه خانوار نشان‌دهنده سطح معیشت و مصرف نیز هست. از جنبه مشخصه‌های غیر پولی می‌توان به متغیرهای آموزش یا تحصیلات، تندرستی، نیازها یا خدمات پایه و در نهایت تواناسازی که بیانگر میزان تأثیرگذاری اجتماع محلی بر نهادهای خدماتی و مدیریت شهری است. از همین رو در شهرهای بزرگ برای یافتن دامنه فقر شهری می‌توان از متغیرهایی مانند هزینه که معرف سطح مصرف خانوار است استفاده کرد. و حتی موضوع فقر فرهنگی نیز منبعث از فقر شهری خواهد شد و تغییرات فرهنگی و اجتماعی با سنج‌های فقر شهری نیز در ارتباط و بر یکدیگر اثرگذار هستند. در شهرهایی که عملکرد مدیریت شهری و یا سایر شاخص‌های اقتصادی شهری زمینه تورم و گرانی زندگی را نسبت به سطح درآمد شهروندان آن شهر ایجاد می‌کند، تغییرات اجتماعی و فقر فرهنگی نیز به تدریج ظاهر می‌شود و به دلیل نیازهای اصلی معیشتی از قبیل تأمین غذا، سرپناه و... هزینه‌های مرتبط با رفاه، غنی‌سازی اوقات فراغت و حضور در مراکز فرهنگی و ارتقای آموزش‌های مورد نیاز حذف می‌شود و روند تغییرات فرهنگی به سمت فقر فرهنگی پیش می‌رود.

با توسعه فقر شهری، محله‌های فرودست شهری نیز به تدریج گسترش می‌یابند. اصطلاح محله‌های فرودست شهری بر طیف گسترده‌ای از سکونتگاه‌های گروه‌های کم‌درآمد با وضعیت نامناسب زندگی دلالت دارد. بنا به تعریف برنامه اجلاس جهانی توسعه جهانی وضعیت نامناسب مسکن تجلی بارزی از فقر به شمار می‌آید.

ساده‌ترین تعریف این اصطلاح دلالت بر مناطق پرجمعیت شهری دارد که مشخصه آن‌ها واحدهای مسکونی پایین‌تر از حد استاندارد و فاقد بهره‌مندی از خدمات کافی است. این تعریف بر ویژگی‌هایی از قبیل تراکم زیاد جمعیت، مسکن غیر استاندارد و نامتعارف (از حیث ساختار و خدمات)، و درهم‌ریختگی ناشی از فقر و عدم خدمات‌رسانی تأکید دارد. دو معیار نخست کالبدی و فضایی هستند، در حالی که سومی جنبه اجتماعی و رفتاری دارد و پیامدهای آن بر فرهنگ شهری و مؤلفه‌های اجتماعی اثر می‌گذارد.

در عین حال این اصطلاح به سکونتگاه‌های غیررسمی گسترده گفته می‌شود که در شهرهای کشورهای توسعه‌یافته به سرعت به نماد فقر شهری تبدیل می‌شوند. لذا گسترش این مناطق در شهرها و یا حاشیه شهرها فقط مربوط به مهاجرت افراد از سایر شهرها و مناطق روستایی نیست، بلکه امروز در کلان‌شهرها به دلیل گرانی و رشد فقر شهری خروج از متن شهر و ناتوانی در هزینه‌های زندگی برخی از شهروندان را به حاشیه شهر می‌راند و کارکرد فرهنگی و شرایط اجتماعی جدید در شهروندان می‌تواند تغییرات فرهنگی و سبک زندگی را ایجاد کند. در اینجا محرومیت اجتماعی فضایی دلالت بر فرایندهایی دارد که به حاشیه‌رانی جغرافیایی افراد منجر شده و این امر به دلیل مکانی است که در آن زندگی می‌کنند. ناتوانی آنان در دسترسی کارآمد به تسهیلات و منابعی است که رفاه را بهبود می‌بخشد. این‌گونه شهروندان اغلب دچار وضعیت نامساعد و مخمسه‌ای هستند تنها به دلیل هویت و اصلی شان که از حیث کالبدی معرف وضعیت شهری ناشی از حضور در اسکان غیر رسمی است. در سنج‌های دیگر، عدالت محیطی به معنای مناسبات پویا بین فقر، خدمات اکوسیستمی و آلودگی است. ساکنان فقیر شهری و آسیب‌پذیر وضعیت نامناسبی از حیث تأثیرهای محیطی دارند. این رویکرد در پی تواناسازی اجتماعی و قانونی گروه‌های کم‌درآمد و رویکردهای جدید در زمینه حفظ پایداری کیفیت زندگی حفظ نسل‌های آینده است. و از این حیث نیز ملاحظه می‌شود که حکمرانی نامطلوب مدیریت شهری می‌تواند از زوایای مختلف در سبک زندگی و رفتار شهروندان نقش داشته باشد.

به اعتقاد برخی از پژوهشگران مناطق حاشیه‌نشین غالباً با فرهنگ فقر همراه هستند و ساکنان این مناطق که عمدتاً از مهاجران هستند، به لحاظ سوابق قومی و محدودیت در تحرک اجتماعی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین، با ساکنان سایر مناطق شهری متفاوت‌اند.

فقدان خلوت و حریم خصوصی در خانواده‌های حاشیه‌نشین به گونه‌ای است که هر محدوده در دسترس و کنترل همه اعضای خانواده است، شکاف زیاد بین اعضای خانواده، رقابت و کشمکش برای دستیابی به لوازم زندگی به دلیل کمبود آن‌ها، احساس بی‌ارزشی، تحقیر، درماندگی، سرشکستگی، سرگردانی و عدم هویت، ناتوانی در فرو خوردن خشم خود، و سایر احساسات زمینه را برای رفتار بزهکارانه در جوانان به وجود می‌آورد. ماجراجویی، پرخاشگری و تن دادن به احساسات و امیال آنی از ویژگی‌های فرهنگ فقر است که بر مناطق حاشیه‌نشین حاکم است.

محیط‌های نامأنوس شهری برای مهاجرانی که از فرهنگ خود جدا شده‌اند و انتخاب حاشیه شهرها به عنوان محل سکونت و قرار گرفتن در شرایط خاص زندگی شهری به همراه فقر اقتصادی انحرافات اجتماعی را افزایش می‌دهد. دوگانگی یا چندگانگی فرهنگی حاکم بر مناطق حاشیه‌نشین بازتاب شیوه زندگی طبقات پایین اجتماعی است که معمولاً به عنوان فرهنگ فقر شناخته می‌شود و یکی از عوامل مؤثر در رفتار بزهکارانه و مجرمانه است. معمولاً دار و دسته‌های بزهکار در اجتماعات خرده‌فرهنگی، جایی که شانس کسب موفقیت از راه‌های قانونی کم است، رشد می‌یابند. برخورد هنجارها در خرده‌فرهنگ‌های متفاوت شرایط را برای رفتار بزهکارانه آماده می‌سازد. در این مورد، معمولاً خرده‌فرهنگ‌های ساکنان مناطق حاشیه‌نشین، که پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایینی دارند با فرهنگ عمومی کلان‌شهرها در تضاد قرار می‌گیرند [۱۱]. بی‌اعتنایی نسبت به سازمان‌ها و نهادهای دولتی، به‌ویژه پلیس، ازدحام جمعیت، نداشتن کار مطمئن و دائمی و زیاد بودن تعداد اعضای خانواده از ویژگی‌های مهم اقتصادی و اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین است که زمینه را برای رفتار بزهکارانه و مجرمانه فراهم می‌سازد. به دنبال حاشیه‌نشینی و آلونک‌نشینی و توسعه محلات فقیرنشین و محلات کثیف، خرده‌فرهنگی در این شهرهای بزرگ رشد پیدا می‌کند، اعتقاد به قضا و قدر، توجه به زمان حال و علاقه به مسائل و امور عینی، ماجراجویی، تن دادن به احساسات و امیال را از مظاهر آن دانسته‌اند، نشان دادن پرخاشگری وسیله‌ای است برای بیرون ریختن احساسات که موجب می‌شود کسانی که در فرهنگ فقر به سر می‌برند کمتر دچار خودخوری و سرکوفتگی احساسات شوند. احساس همبستگی و تعلق گروهی در یک محله خاص فقیرنشین وقتی به حداکثر می‌رسد که افراد ساکن در محله دارای پیوندهای خویشاوندی مانند دسته‌ها و انجمن‌های متشکل از داوطلبان محلی به امور مردم رسیدگی کنند و مردمان محله مجبور باشند از حریم و منافع خود حفاظت و دفاع کنند. این احساس محلات فقیرنشین شهر را از بخش‌های دیگر شهر متمایز می‌کند. وجود خرده‌فرهنگ‌های گروهی و صنفی دیگر نیز در درون شهرها می‌تواند به محل تمرکز آن گروه‌ها و ویژگی و خصلت‌های روان‌شناسی خاصی بخشد و آن‌ها را از سایر محلات متمایز سازد [۱۴]. در نگاهی دیگر، حاشیه‌نشینان به عنوان قشری که با عنوان «نه شهری، نه روستایی» مشخص می‌شوند از لحاظ فرهنگی دارای فرهنگ روستایی هستند ولی خود را شهری می‌دانند. به بیان دیگر، این افراد فرهنگ اولیه خود را بدون اینکه فرهنگ ثانویه را جایگزین کنند، از دست داده‌اند و یا در عالم برزخ قرار گرفته‌اند.

برای کنترل اجتماعی و مدیریت فرهنگی در سطح جامعه شهری دو بخش وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱- **کنترل درونی:** منظور این است که افراد و گروه‌های اجتماعی در جامعه با میل و رغبت نسبت به رعایت هنجارها و ارزش‌ها در الگوهای رفتاری اهتمام داشته باشند و در خفا و ظاهر از رفتارهای ناهنجار اجتماعی دوری داشته باشند و در آموزه‌های دینی از آن به عنوان **تقوی** یاد می‌شود.

۲- **کنترل بیرونی:** منظور سازوکارها و مکانیسم‌هایی هستند که نسبت به رفتار افراد و گروه‌های اجتماعی نظارت و کنترل دارند که این سازوکارها در دو بخش قابل تبیین هستند:

الف) کنترل و نظارت عمومی (غیر رسمی): منظور نظارت وجدان جمعی اعم از نظارت مردم از طریق نگاه‌ها، مراقبت همسایگان، افکار عمومی، عدم تأیید اجتماعی و... بر رفتار افراد است و در منظر اسلام این نظارت «امر به معروف و نهی از منکر» است.

ب) کنترل رسمی: کنترل و نظارت بر رفتار افراد و گروه‌ها و تنظیم این رفتارها در حوزه قانون و مقررات مدون توسط دستگاه‌های رسمی همچون پلیس، دستگاه قضایی و... است.

## ۴. بحث

همان‌طور که در مباحث اشاره شده و درک می‌شود، در چند دهه اخیر همراه با تشدید روند جهانی شدن، گسترش ارتباطات و پیدایش جامعه شبکه‌ای، شیوه زندگی شهری بسیار پیچیده‌تر و متنوع‌تر شده است. رشد سریع شهرنشینی در جهان، به‌ویژه در کشورهای جهان سوم، از یک سو فرهنگ‌های مختلف جهان را با هم مرتبط کرده است، و از سوی دیگر مرزهای فرهنگی میان جوامع شهری و روستایی را در هم ریخته است. در نتیجه، مسائل و پدیده‌هایی در حیات اجتماعی دنیای معاصر به‌طور رسیده که به پیدایش مفاهیم و مطالعات جدید انجامیده است در بازتعریفی دیگر، منظور از فرهنگ شهرنشینی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، نهادها، فضاها، امکانات، مقررات و آدابی است که به زندگی در جامعه شهری نظم و تعادل می‌بخشد. از این منظر فرهنگ شهرنشینی امروزه بخش مهمی از فرهنگ عمومی هر جامعه را تشکیل می‌دهد که کیفیت آن نقش اساسی در فرایند توسعه پایدار، کیفیت زندگی، سلامت و شادابی عامه مردم دارد. از سوی دیگر، تبدیل ساکنان شهر به شهروندان تمام‌عیار مستلزم ایجاد و گسترش فرهنگ شهرنشینی است و از این‌رو رویکردهای فرهنگی در شهرها متناسب با ویژگی‌های منطقه‌ای و قومی با هم متفاوت بوده و ارائه یک الگو برای شهرهای مختلف به نظر دارای اشکال است، ولی می‌توان رویکردهایی همگرایی برای کلان‌شهرها که با کارکردهای و مسائل مشابهی روبه‌رو هستند در نظر گرفت و در مقیاس سیاست‌ها و برنامه‌های عملیاتی برای هریک اقدامات مجزایی برنامه‌ریزی کرد.

جدول ۲. پدیده‌های مرتبط با آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی و شرایط زندگی شهری و مناطق فرودست

ردیف	نوع آسیب اجتماعی و انحراف‌های فرهنگی	مسئله اجتماعی	آسیب اجتماعی	انحراف اجتماعی	جرم اجتماعی
۱	فقر	*			
۲	بیکاری	*			
۳	اعتیاد	*	*	*	*
۴	طلاق	*	بینابین		
۵	فرار از منزل	*	بینابین	بینابین	
۶	تکدی‌گری	*	*		*
۷	کودک کار و خیابانی	*	*		
۸	همسرآزاری	*	*	*	بینابین
۹	کودک‌آزاری	*	*	*	بینابین
۱۰	فحشا و روسپیگری	*	*	*	
۱۱	آسیب‌های نوپدید و فرقه‌گرایی	*	*	بینابین	بینابین
۱۲	فرار مغزها و مهاجرت نخبگان	*			
۱۳	نابرابری و تبعیض	*			
۱۴	مزاحمت خیابانی	*	*	*	*
۱۵	خودکشی	*	*	بینابین	
۱۵	فضای مجازی و بازی‌های انیترتی	*			
۱۶	خشونت و خشم	*	*	*	
۱۷	پوشش و رفتار اجتماعی، متهاجرین خیابانی	*	*	بینابین	
۱۸	نزاع و درگیری دسته‌جمعی	*	*	*	*
۱۹	ازدواج سفید و هم‌خانگی	*	*	*	
۲۰	مصرف مشروبات الکلی	*	*	*	*
۲۱	بی‌اعتمادی و بی‌تفاوتی اجتماعی	*			

## جدول ۳. معیارهای فرهنگی و اجتماعی در عملکرد مدیریت شهری

مشارکت اجتماعی	همبستگی اجتماعی
۱- فراهم کردن بستر مناسب برای مشارکت شهروندان در اداره امور	۱- شفافیت مالی قراردادهای مدیریت شهری با هدف پیشگیری از فساد
۲- فعالیت شهروندان در شورایی‌های محلات	۲- شفاف‌سازی تعرفه‌ها و پیشگیری از فساد اداری و تلاش برای عدالت
۳- تعامل مدیران شهری با مردم و به‌ویژه رابطه مطلوب	۳- حکمرانی خوب در شهرداری و مدیریت شهری
۴- ایجاد انجمن‌ها و خیریه‌های محلی و چهره‌های شاخص	۴- رعایت عدالت و مساوات در ارائه خدمات به شهروندان
انسجام اجتماعی	پذیرش اجتماعی
۱- شبکه‌سازی و تقویت حمایت‌های اجتماعی در بین اقشار مختلف جامعه با ۱- احترام به حقوق اقلیت‌ها	
هدف پیش‌بینی‌پذیری رویدادهای شهری	
۲- آزادی‌های فردی	۲- مشارکت افراد بهبودیافته از آسیب‌های اجتماعی در اداره امور شهری
۳- تقویت هویت ملی	۳- ارائه خدمات مطلوب شهروندی در فرهنگسراها و خانه‌های سلامت
شکوفایی اجتماعی	خدمات اجتماعی
۱- ترویج شخصیت جامعه‌پسند و جامعه‌یار از طریق برگزاری آیین‌واره‌های	۱- رعایت حقوق کودکان
تجلیل از این افراد	
۲- هدفمند بودن زندگی	۲- کودک‌آزاری - خشونت خانگی
۳- رشد شخصی	۳- گردآوری اطلاعات اجتماعی شهروندان
۴- تسلط بر محیط	۴- رعایت حقوق سالمندان
۵- امید به زندگی و پیش‌بینی‌پذیری رویدادهای شهری	۵- رعایت حقوق معلولان
سلامت روان	شادی اجتماعی
۱- برگزاری کارگاه‌های آموزشی	۱- برگزاری جشن‌های مناسبتی در پارک‌ها و فضاهای شهری
۲- حضور روانشناس در مراکز اقامتی و بازپروری	۲- استفاده از رنگ‌ها و تصاویر و نقاشی‌های نشاط‌آور
۳- حضور مداوم متخصصان روانشناسی در کلینیک‌های شهرداری	۳- ایجاد باغ‌های عرضه گل و گیاه آپارتمانی
۴- بررسی سلامت روان اقشار آسیب‌پذیر	۴- احداث باغ‌های پرندگان، وحش و آکواریوم
۵- تهیه پیوست سلامت روان	۵- فراهم آوردن امکانات برای گذراندن اوقات فراغت شهری
سلامت جسمی	عدالت شهری
۱- ارائه خدمات رایگان بهداشت عمومی	۱- شفاف‌سازی خدمات سازمانی
۲- بیمه سلامت و نظارت بر رعایت استانداردهای غذایی	۲- سیاست‌های عادلانه در ارائه خدمات اداری
۳- بازسازی و ارتقای امکانات ورزشی -	۳- رعایت عدالت در ارائه خدمات شهری و رعایت حقوق شهروندی
۴- ایجاد باشگاه و استخر	۴- نابرابری درآمدی بین فقرا و ثروتمندان
۵- برگزاری کارگاه‌های آموزشی مادر-کودک و تنظیم خانواده	۵- اجرای عدالت در فراهم ساختن امکانات شهری و رفاهی
آموزش	فرهنگ شهروندی
۱- آموزش شهروندان در ارتباط با حقوق و رفتارهای شهروندی	۱- احداث فرهنگسراها
۲- آموزش‌های شهروندی برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی	۲- نمایش فیلم در پارک‌ها و فضاهای عمومی
۳- توجه ویژه به آموزش افراد آسیب‌پذیر و حاشیه‌نشین	۳- احداث پارک‌های کتاب - برگزاری نمایشگاه‌های عرضه محصولات فرهنگی
۴- آموزش مهارت‌های زندگی و شهروندی به کودکان و نوجوانان	۴- تأسیس پردیس‌های سینمایی و ایجاد موزه‌ها و نگارخانه‌ها

## ۴-۱. رویکردها و ملاحظات در برنامه‌ریزی شهرهای فرهنگ‌مدار

با توجه به آنچه گفته شد، در جدول ۳ به منظور نیل به اهداف ارتقای فرهنگی شهر و کاهش آسیب‌های اجتماعی و بهبود زندگی شهری اصول کلی و راهبردهای زیر را می‌توان در نظر گرفت:

- مدیریت تنوع فرهنگی. بی‌شک تنوع فرهنگی یکی از مسائل بسیار مهم عصر ما است. احترام به تنوع فرهنگی به طور روزافزون هم در ساختار مدیریت شهری و هم در نهادهای دولتی که امروزه مد نظر قرار می‌گیرد. چندفرهنگ‌گرایی الگویی است که طی آن سایر اقلیت‌های فرهنگی می‌توانند خود را به معرض دید بگذارند و در تصمیم‌سازی‌ها مشارکت فعالانه داشته باشند. این الگو در مقابل «تک‌فرهنگ‌گرایی» قرار دارد که مبتنی بر فرهنگ برتر و عالی‌تر و یکسان‌سازی عقاید فرهنگی است.

- به‌کارگیری کالاهای فرهنگی در شهر متناسب با ارزش‌های شهروندی و اصول پایه و پرهیز از مدگرایی و القاعات شبه‌فرهنگی داخلی و خارجی
- توجه به مؤلفه‌ها و عوامل اجتماعی تأثیرگذار در سبک زندگی، رفتار و فرهنگ شهروندی از الزامات توسعه انسانی در محیط‌های شهری است و مواردی همچون اعتماد اجتماعی، رفاه، امنیت و مشارکت اجتماعی باید در راهبردها و برنامه‌ریزی‌های مدیریت شهر به عنوان اصل مد نظر باشد و شهر با رویکرد انسان‌محوری حتی در طراحی‌ها و معماری و شهرسازی نیازمند توجه جدی است و تأمین سرانه‌های فرهنگی اجتماعی (تفریحی، ورزشی، هنری، آموزشی و...) از شاخصه‌ها و زیرساخت‌های توسعه فرهنگی متأثر از مدیریت شهری است که باید در تدوین سیاست‌ها و مأموریت‌ها در نظام بودجه‌ریزی با سهم مناسب دیده شوند.
- کارآفرینی فرهنگی و هنری و توسعه مناطق و راسته‌های کسب‌وکار فرهنگی با رویکرد تعمیق فرهنگ و هنر و توسعه منابع درآمدی اقتصاد شهری در حوزه‌های مختلف فرهنگی هنری (میراث فرهنگی، صنایع دستی، آثار تاریخی، سنن و فرهنگ محلات اصیل شهر و...)
- ظرفیت‌سازی در تبلیغات و رسانه‌های شهری: تغییر رفتار و فرهنگ مستلزم اقدامات ترویجی و آگاهی‌رسانی است و از سوی دیگر، تجاری شدن فرهنگ و کالاهای فرهنگی نیازمند تبلیغ و شناساندن است که این امر در توسعه فرهنگی شهروندی و شهر لازم و نیازمند رصد و پایش مستمر است.
- همگرایی فرهنگی منطقه‌ای و محله‌ای و برجسته‌سازی شاخص‌های و ویژگی‌های مشترک فرهنگی لازم است و باید توجه کرد با احترام به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی برنامه‌ریزی فرهنگی انجام شود.
- استفاده از ظرفیت‌های گروه‌های اجتماعی، تجارب کارآفرینان، مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌های بزرگ و صنایع شهری و ارتقای توانمندی مدیران سازمان‌های دولتی، نهادهای شهری و غیردولتی در جلب مشارک گروه‌ها برای تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی طرح‌های اجرایی به‌ویژه در مقیاس محلی و منطقه‌ای باعث می‌شود ضمن کاهش و مدیریت هزینه اعتماد اجتماعی افزایش یافته و فرهنگ تعاون و همکاری در سطوح مختلف و حس تعلق به شهر توسعه یابد.

## ۵. نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی کلی در ترسیم ارتباط مدیریت شهری و فرهنگ شهری یا شهرنشینی یافته‌ها نشان می‌دهد چالش‌های فرهنگی پیش روی شهرنشینی از دو منظر کلی بر هم اثرگذار هستند: ابتدا نوع رویکرد و فرهنگ سازمانی مدیریت شهری که در دروه‌های مختلف تغییرات مدیریتی و یا ارکان سیاست‌گذاری که با تغییرات معناداری در جهت‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها ارائه می‌دهند و کارکردهای خدمات شهری و عمرانی و مسائل زیست‌محیطی که بر سبک و کیفیت زندگی و رفتار شهروندی اثرگذار است و از آنجا که زندگی کنونی شهری نیاز به قوانین و ارتباطات خاصی دارد و هرگونه قصور، کوتاهی و نادیده گرفتن قوانین، موجب بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ... می‌شود، حقوق و تکالیف شهروندی رفتار و فرهنگ شهرنشینی را پی‌ریزی می‌کند و ضرورت تقویت اساس قوانین شهروندی و فرهنگ شهرنشینی در کاهش ناهنجاری‌ها و ناملايمات اجتماعی اثربخش خواهد بود. از سوی دیگر، عدم تناسب طرح‌ها یا سیاست‌ها با فرهنگ و شیوه زندگی مردم، باعث ناکارآمدی و غیرقابل استفاده ماندن طرح و برنامه‌های تدوینی و اجراشده می‌شود. و عوامل متعددی همچون تغییرات سیاسی، جهت‌گیری‌های بین‌المللی، طبقه اجتماعی، هویت اجتماعی، باورهای فرهنگی، توسعه شهری و... نوع نیازها و الگوهای زندگی را با تغییراتی مواجه می‌سازند. لازم است مدیریت شهری برای برنامه‌ریزی فرهنگی اجتماعی همچنین رصد و پایش آن ضمن تقسیم برنامه‌ها و تعیین اقدامات مشترک همسو و تعیین مرزهای وظایف در این حوزه از ابزارها، شاخص‌ها و سنجه‌های لازم استفاده کند. در غیر این صورت، اثربخشی برنامه‌ها ضعیف خواهد بود.

## منابع

1. Mirsepassi, A., Democracy in modern Iran: Islam, culture, and political change. 2011: NYU Press.
2. Heidari Zahiri, N., H. Amirnejad, and S.A. Hosseini Yekani, The economic contribution of forest resources use to rural livelihoods (Case study: Hezar Jarib area of Behshahr City). Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research, 2015. 46(2): p. 207-215.
3. Zahedi, R., et al., Technical, economic and environmental assessment of carbon capture from thermal power plants and convert it into value added concrete material. Emergent Materials, 2024: p. 1-12.
4. Althaus, C., et al., The Australian policy handbook: A practical guide to the policymaking process. 2022: Routledge.
5. Matarasso, F. and C. Landry, Balancing act: twenty-one strategic dilemmas in cultural policy. Vol. 4. 1999: Council of Europe.
6. Bianchini, F., Culture, conflict and cities: issues and prospects for the 1990s. Cultural policy and urban regeneration: The West European experience, 1993: p. 199-213.
7. Shahee, A., et al., Reducing the energy consumption of buildings by implementing insulation scenarios and using renewable energies. Energy Informatics, 2024. 7(1): p. 18.
8. Fardnia, K., H. Yousefi, and M. Abdoos, A bibliometric analysis of carbon and water footprints in renewable energy: The post-COVID-19 landscape. Green Technologies and Sustainability, 2024: p. 100162.
9. Hammett, D., C. Twyman, and M. Graham, Research and fieldwork in development. 2014: Routledge.
10. Bougouffa, I. and A.S. Permana, A study on the linkages between residential satisfaction and the overall quality of life in Bandar Tun Razak Area of Kuala Lumpur City, Malaysia. Applied Research in Quality of Life, 2018. 13(4): p. 991-1013.
11. Aboutorabi, R.S.S., H. Yousefi, and M. Abdoos, A comparative analysis of the carbon footprint in green building materials: a case study of Norway. Environmental Science and Pollution Research, 2024: p. 1-22.
12. Abdoos, M., et al., Evaluating zero-energy strategies in mixed-use buildings: a case study. Future Energy, 2025: p. 8-18.
13. CHANGE, C., According to the United Nations (World Urbanization Prospects Revised, WUP, 2014), the global urban population in 2014 was close to 3.9 billion, approximately 54% of the total, and it estimates to grow to 6.6 billion by 2050, 66% of the global population. On the other hand, the rural population is expected to remain 3.4 billion up to 2020, and it estimates it will decrease to approximately 3.2 billion by 2050. Almost 90% of the world's rural population lived in Asia and, 2014. 10.
14. Abdous, M., et al., Design and analysis of zero-energy and carbon buildings with renewable energy supply and recycled materials. Energy and Buildings, 2024. 324: p. 114922.



## Developing A Conceptual Framework For Participatory Budgeting In Tehran Municipality

Amir Shahrabi Farahani<sup>1\*</sup> | Reza Ghanbarian<sup>2</sup> | Salar Daneshfar<sup>3</sup>

1. Corresponding Author, PHD in Public Administration, Department of Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: [shahrabi1979@yahoo.com](mailto:shahrabi1979@yahoo.com).
2. PhD in Accounting, Faculty of Accounting, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. Email: [reza.ghanbarian@gmail.com](mailto:reza.ghanbarian@gmail.com).
3. Master of International Business, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: [st.danesh@yahoo.com](mailto:st.danesh@yahoo.com)

### ARTICLE INFO

**Article type:**  
Research Paper

**Article History:**

Received 16 October 2024  
Revised 15 November 2024  
Accepted 20 December 2024  
Published Online 04 January 2025

**Keywords:**

Participatory Budgeting,  
Citizen Engagement,  
Municipal Governance,  
Tehran Municipality,  
Budget Transparency.

### ABSTRACT

The popularity of participatory budgeting as an institutional approach to involve citizens and use their opinions in urban management is increasing day by day. Participatory budgeting, as a new method in urban management, has been widely accepted worldwide in order to increase transparency and citizen participation in municipal decision-making. Considering the very important and significant role of citizens in the development and sustainability of the city, this method is used to attract their cooperation and participation in municipal activities and is a powerful tool in attracting citizens' cooperation and participation in municipal activities. However, participatory budgeting in Iran is a new method and has recently been considered. Therefore, in the present study, the authors have tried to design and introduce a framework for implementing participatory budgeting in Iranian municipalities by examining the common processes and mechanisms of establishing participatory budgeting in municipalities in developed countries.

**Cite this article:** Shahrabi Farahani, A.; Ghanbarian, R. & Daneshfar, S. (2025). Developing A Conceptual Framework For Participatory Budgeting In Tehran Municipality. *Urban Development Policy Making*, 1 (1), 73-89. DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.500641.1004>



© Amir Shahrabi Farahani, Reza Ghanbarian, Salar Daneshfar  
DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.500641.1004>

## 1. Introduction

Participatory budgeting has emerged as a significant institutional approach to enhance citizen involvement in urban governance. It aims to improve transparency and encourage public participation in municipal decision-making processes. Despite its widespread adoption globally, this method is relatively new in Iran. This study explores the mechanisms of participatory budgeting in developed countries to propose a framework for its implementation in Tehran's municipality

## 2. Background

Over the past three decades, PB has expanded globally, influencing budgetary practices in municipalities across North America, Europe, and Asia. Various international organizations, such as the World Bank and OECD, recognize PB as a best practice for fostering citizen engagement, financial transparency, and local governance efficiency. However, despite its global recognition, PB remains a relatively new concept in Iran. While some municipalities in Iran have attempted to involve citizens in budget discussions, these efforts do not fully align with the structured PB processes implemented in

other parts of the world. This study examines international experiences to propose a localized framework for PB in Tehran.

### **3. Methodology**

The study adopts a descriptive research methodology, focusing on participatory budgeting processes in various municipalities worldwide. By analyzing these practices, the research identifies key components, including indicators, intermediary factors, and outcomes of participatory budgeting, to develop a tailored framework for Tehran

### **4. Results and Discussion**

The findings reveal that participatory budgeting significantly enhances financial transparency, citizen engagement, and municipal accountability. It mitigates information asymmetry between policymakers and citizens, fostering a more inclusive and responsive governance system. The study emphasizes the importance of two-way communication in ensuring effective citizen participation and decision-making

### **5. Conclusion**

Participatory budgeting is instrumental in fostering democratic governance and enhancing public trust in municipal institutions. It ensures that resource allocation reflects public priorities, thereby improving the efficacy of municipal services. The proposed framework for Tehran highlights the need for continuous evaluation and adaptation to the participatory budgeting process, ensuring its success and sustainability. The study recommends leveraging digital platforms to facilitate citizen engagement and streamline the participatory budgeting process.



## ارائه چارچوبی مفهومی برای بودجه‌ریزی مشارکتی در شهرداری تهران

امیر شهرابی فراهانی<sup>۱\*</sup> | رضا قنبریان<sup>۲</sup> | سالار دانش‌فر<sup>۳</sup>

۱. نویسنده مسئول، دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران. رایانامه: [shahrabi1979@yahoo.com](mailto:shahrabi1979@yahoo.com)

۲. دکتری حسابداری، دانشکده حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: [reza.ghanbarian@gmail.com](mailto:reza.ghanbarian@gmail.com)

۳. کارشناسی ارشد بازرگانی بین‌الملل، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: [st.danesh@yahoo.com](mailto:st.danesh@yahoo.com)

### اطلاعات مقاله

### چکیده

#### نوع مقاله:

پژوهشی

#### تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

#### کلیدواژه:

بودجه مشارکتی،

مشارکت شهروندان،

مدیریت شهری،

شهرداری تهران،

شفافیت بودجه.

محبوبیت بودجه‌ریزی مشارکتی به عنوان یک رویکرد نهادی برای مشارکت دادن شهروندان و استفاده از نظرات آنان در مدیریت شهری روزبه‌روز در حال افزایش است. بودجه‌ریزی مشارکتی به عنوان یک روش جدید در مدیریت شهری، به منظور افزایش شفافیت و مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهرداری، به طور گسترده‌ای در سراسر جهان پذیرفته شده است. این روش، با توجه به نقش بسیار مهم و حائز اهمیت شهروندان در توسعه و پایدارسازی شهر، برای جلب همکاری و مشارکت آنان در فعالیت‌های شهرداری، به کار گرفته می‌شود و به عنوان ابزاری قدرتمند در جلب همکاری و مشارکت شهروندان در فعالیت‌های شهرداری است. با این حال، بودجه‌ریزی مشارکتی در ایران روشی نوپا بوده و به‌تازگی مورد توجه قرار گرفته است. از این‌رو، در مطالعه حاضر نگارندگان کوشیده‌اند تا با بررسی فرایند و سازوکارهای متداول استقرار بودجه‌ریزی مشارکتی در شهرداری‌های کشورهای توسعه‌یافته، چارچوبی را برای پیاده‌سازی بودجه‌ریزی مشارکتی در شهرداری‌های ایران طراحی و معرفی کنند.

**استناد:** شهرابی فراهانی، امیر؛ قنبریان، رضا و دانش‌فر، سالار (۱۴۰۳). ارائه چارچوبی مفهومی برای بودجه‌ریزی مشارکتی در شهرداری تهران. *سیاستگذاری پیشرفت*

شهری، ۱ (۱) ۷۳-۸۹. DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.500641.1004>

© امیر شهرابی فراهانی، رضا قنبریان، سالار دانش‌فر

DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.500641.1004>



## ۱. مقدمه

شناسایی سازوکارهایی برای تقویت مسئولیت‌پذیری سیاسی موضوعی کلیدی برای اقتصاددانان (و سیاست‌گذاران) در حوزه اقتصاد سیاسی بوده است. از این‌رو، در جهان در حال توسعه نوآوری‌هایی برای بهبود پاسخ‌گویی سیاسی به کار گرفته شده است. طی دهه گذشته، این نوآوری‌ها بر سازوکارهای از پایین به بالا تمرکز یافته که مستلزم مشارکت و همکاری بیشتر شهروندان، به عنوان ذی‌نفعان نهایی خدمات در فرایندهای تصمیم‌گیری و ارائه خدمات است [۱]. از معروف‌ترین این نوآوری‌ها مدل بودجه‌ریزی مشارکتی است که در پورتو آلگرة برزیل توسعه یافته است [۲]. هدف بودجه‌ریزی مشارکتی تقویت حکمرانی، به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات، و پاسخ‌گویی عوامل سیاسی به شهروندان است که به پاسخ‌گویی و کارایی مالی منجر می‌شود [۳]. به علاوه، این روش به عنوان یکی از شاخص‌های تمرکززدایی از مهم‌ترین ابعاد نظام مدیریت نوین در بخش عمومی (NPM) است که ارتقای شفافیت در فرایند بودجه‌بندی را به همراه دارد. با استفاده از این روش، شهروندان قادر خواهند بود تا به صورت فعال در فرایندهای تصمیم‌گیری نهادهای بخش عمومی مشارکت کرده و به عنوان شهروندان محلی، نظرات خود را درباره تخصیص منابع اعلام کنند که این امر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین سیاست‌گذاران و شهروندان کمک کرده و امکان نظارت شهروندان بر فعالیت‌های سیاست‌گذاران را فراهم می‌کند [۱]. از زمان پیدایش بودجه‌ریزی مشارکتی در سال ۱۹۸۹ در پورتو آلگرة، برزیل، این روش به طور پیوسته در سراسر جهان گسترش یافته و در بسیاری از کشورها در سراسر آمریکای شمالی و جنوبی، اروپا و آسیا، از جمله بسیاری از کشورهای با درآمد بالا اجرا شده است [۴]. در اروپا، مفهوم بودجه‌ریزی مشارکتی برای اولین بار در کشورهای اروپای غربی مورد توجه قرار گرفته است [۵]. و از طریق پاریس و مادرید رهبری می‌شود که هر یک حداقل ۱۰۰ میلیون دلار در سال برای پروژه‌های عمومی از طریق بودجه‌بندی مشارکتی هزینه می‌کنند [۶]. مؤسسه‌های بین‌المللی از جمله بانک جهانی، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، سازمان ملل متحد و وزارت توسعه بین‌المللی بریتانیا این روش را نحوه عمل برتر در حوزه بودجه‌ریزی می‌دانند و در سراسر جهان چندین میلیون دلار/یورو از طریق طرح‌های بودجه‌ریزی مشارکتی اختصاص می‌دهند [۷]. سازمان غیرانتفاعی پروژه بودجه مشارکتی<sup>۱</sup> به‌تنهایی به تخصیص بیش از ۳۰۰ میلیون دلار بودجه عمومی در ۲۹ شهر در سراسر ایالات متحده و کانادا کمک کرده است. همچنین، تورنتو اخیراً بودجه‌ریزی مشارکتی سه‌ساله خود را به صورت آزمایشی به پایان رسانده است. ایالت نیو ساوت ولز در استرالیا نیز اخیراً پروژه بودجه‌ریزی مشارکتی با نام (My Community Project)، راه‌اندازی کرده است [۸]. علی‌رغم به‌کارگیری بودجه‌ریزی مشارکتی در بسیاری از شهرداری‌ها در سراسر دنیا، این روش هنوز در ایران مغفول مانده است. شهرداری‌های ایران در سال‌های اخیر تا حدی اقدام به مشارکت دادن شهروندان و نماینده‌های آنان - تحت عنوان شوراییاران - در تصویب پروژه‌ها و تخصیص بودجه کرده‌اند هر چند که این اقدام با آنچه تحت عنوان «بودجه‌ریزی مشارکتی» یاد می‌شود، فاصله چشمگیری دارد. کلان‌شهر تهران برای تدوین بودجه ۱۴۰۱، با اجرای طرحی موسوم به «من شهردارم» تلاش کرد تا زمینه مشارکت شهروندان تهرانی برای انتخاب پروژه‌های توسعه محله‌ای در محل سکونت آن‌ها یا سایر مناطق و نقاط شهر تهران را فراهم سازد. از این‌رو، در راستای تحقق راهبرد پیش‌بینی‌شده مبنی بر حرکت به سمت برنامه‌ریزی توسط شهروندان در پژوهش حاضر سعی شده است ضمن بررسی فرایندها و سازوکارهای استقرار بودجه‌ریزی مشارکتی راهکارهایی برای بهبود و توسعه این روش در شهرداری تهران ارائه شود. مطالعه حاضر با هدف گسترش دانش پایه از طریق ایجاد پیوند بین پژوهش‌های توصیفی و علی انجام و به ارائه چارچوبی مفهومی منجر شده است. این نوع تحقیقات تجربی می‌تواند پیشنهادهایی را در مورد چگونگی بهبود مؤثر مشارکت شهروندان در فرایند بودجه در موقعیت‌های مختلف ارائه دهد. بودجه‌ریزی مشارکتی به وضعیتی اشاره دارد که در آن دولت محلی از شهروندان طی فرایند بودجه دعوت می‌کند و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا در تصمیمات بودجه‌ای تأثیرگذار باشند [۹]. این روش در سال‌های اخیر در ادبیات مدیریت بخش عمومی مستند شده و به دلایل زیر شایسته توجه ویژه است:

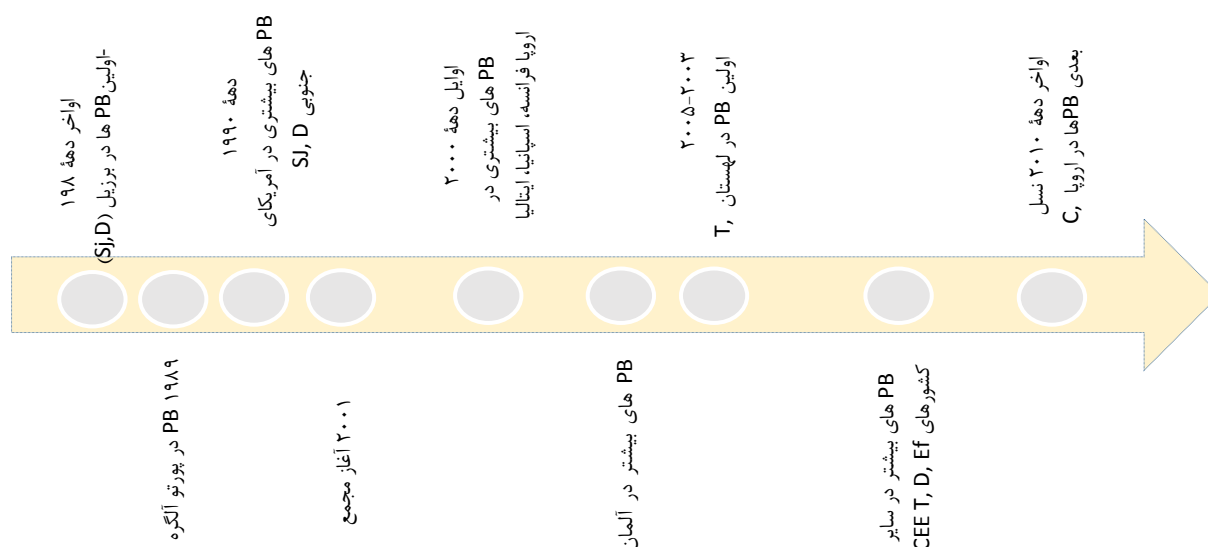
✓ تهیه و اجرای بودجه از عملیات ضروری دولت‌ها و شهرداری‌ها است. اندازه بودجه معمولاً شاخص کلیدی ظرفیت دولت محلی در نظر گرفته می‌شود و تخصیص بودجه نشان‌دهنده ترتیب اولویت‌ها در جامعه است.

1. <http://www.participatorybudgeting.org>

✓ به خلاف برخی دیگر از عملکردهای دولتی (مانند امنیت جامعه، جمع‌آوری زباله)، بودجه‌ریزی نسبتاً پیچیده و فنی است و سطح معینی از دانش برای مشارکت در فرایند مورد نیاز است [۱۰].

علاوه بر این، شهرداری‌ها متناسب با شرایط اقتصاد ملی و محلی برنامه‌های میان‌مدت شهری ممکن است ناگزیر از ایجاد تغییرات در اولویت‌بندی و میزان مصارف بودجه خود باشند که این امر نیازمند توجه و مشارکت شهروندان در تدوین برنامه شهری و بودجه در بخش مصارف برای وضع مالیات و عوارض بدهی باشد [۱۱ و ۱۲]. کارول<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۶) دلایل اجرای بودجه‌ریزی مشارکتی را در شش بعد خلاصه کرده‌اند: دموکراسی (مردم‌سالاری) (D)، شفافیت (T)، آموزش (Ed)، کارایی (Ef)، عدالت اجتماعی (SJ) و جامعه (C). مردم‌سالاری به این معناست که مردم عادی قدرت تصمیم‌گیری داشته باشند. این فرایند می‌تواند موجب تقویت سرمایه اجتماعی شهرداری شده (برمن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷) و همچنین اراده شهروندان برای مشارکت در اداره شهر را بهبود بخشد. بنابراین، بودجه‌ریزی مشارکتی می‌تواند به عنوان ابزاری برای بهبود حکمرانی با محوریت شهروندان تعریف شود. شفافیت به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی فرایند بودجه‌ریزی مشارکتی به این نکته اشاره دارد: «هنگامی که اعضای جامعه پیرامون مخارج شهرداری با اخذ رأی عمومی تصمیم می‌گیرند، فرصت‌های کمتری برای فساد، اتلاف منافع، یا واکنش منفی وجود دارد». به عقیده چوی<sup>۳</sup> (۲۰۱۴)، شهروندان به عنوان اعضای گروه‌های مدنی مانند سازمان‌های غیردولتی (NGO)، سازمان‌های جامعه مدنی (CSOs)، و احزاب محلی در برنامه‌های بودجه‌بندی مشارکتی شرکت می‌کنند [۱۳]. مشارکت باعث ایجاد همبستگی بین مشارکت‌کنندگان و تسهیل کنش جمعی می‌شود. با استقرار بودجه‌ریزی مشارکتی گروه‌های مدنی محلی متعهد به نظارت بر فرایندهای مدیریت محلی و بودجه می‌شوند [۱۴]. برنامه‌های بودجه‌بندی مشارکتی می‌توانند مانند «مدارس شهروندی» عمل کنند و به بهبود آگاهی شهروندان منجر شود. همچنین، اتخاذ رویکرد بودجه‌ریزی مشارکتی به شهروندان اجازه می‌دهد تا با انجام آن دموکراسی را بیاموزند [۱۵]. از این منظر شهروندان درگیر می‌توانند درک بهتری از مسائل سیاسی عمومی و نیازهای جامعه به دست آورند. از نظر کارایی، تصمیمات بودجه زمانی بهبود می‌یابند که از دانش و نظارت محلی شهروندان استفاده کنند. از دیدگاه عدالت اجتماعی، بودجه‌ریزی مشارکتی تضمین می‌کند که همه به فرایند تصمیم‌گیری عمومی دسترسی دارند. گروه‌هایی که به طور سنتی کمتر از آن‌ها نمایندگی می‌کنند (مانند سالمندان) اغلب بیش از حد معمول در بودجه‌ریزی مشارکتی شرکت می‌کنند و فرصت‌هایی را برای حل مشکلات فقر و کاهش طرد اجتماعی فراهم می‌کند [۲]. بر این اساس، برنامه‌های بودجه‌ریزی مشارکتی به «دو نیاز متمایز اما به هم پیوسته» پاسخ می‌دهند: بهبود کارایی دولت‌های محلی و افزایش کیفیت دموکراسی [۱۵]. بودجه‌ریزی مشارکتی از طریق سازوکارهای نهادی به بهبود کارایی دولت‌های محلی کمک می‌کند که فرصت‌طلبی مدیران شهری را مهار کرده و در عین حال فرصت‌هایی را برای شهروندان ایجاد می‌کند تا نگرانی‌های خود را در مورد سیاست‌های عمومی بیان کنند. با این حال، مطالعات تجربی در درجه اول بر جنبه‌های رفاه اجتماعی این روش، مانند بهبود فقر و تخصیص مجدد منابع متمرکز شده‌اند، در حالی که نسبت به اثرات آن بر کارایی دولت محلی قابل مقایسه نیستند [۱۶]. در شکل ۱ سیر تاریخی و تکاملی بودجه‌ریزی مشارکتی بر اساس ابعاد تشکیل‌دهنده آن در قاره‌های مختلف ارائه شده است.

با وجود استقبال گسترده از پیاده‌سازی فرایند بودجه‌ریزی مشارکتی در شهرداری‌های کشورهای مختلف طی سه دهه گذشته تا کنون مطالعات محدودی در ارتباط با نحوه پیاده‌سازی و پیامدهای استقرار این نوع بودجه‌ریزی در شهرداری‌های ایران انجام شده است. بررسی اجمالی مطالعات انجام‌شده در این حوزه نشان می‌دهد روند بررسی‌ها و پژوهش‌ها را می‌توان در دو گروه مطالعات توصیفی و علی مورد بررسی قرار داد.



شکل ۱. سیر تاریخی و تکاملی بودجه‌ریزی مشارکتی بر اساس ابعاد تشکیل‌دهنده آن در قاره‌های مختلف  
منبع: (کوکوکوا و باکوز، ۲۰۱۹)

### دسته اول: سازوکارها و مدل‌های استقرار بودجه‌ریزی مشارکتی در شهرداری‌ها

کانون تمرکز پژوهش‌های دسته اول بر روش‌های تحقیق توصیفی برای تشریح و تبیین سازوکارهای لازم برای اجرای بودجه‌بندی مشارکتی در شهرداری‌ها و دولت‌های محلی و ایالتی استوار شده است [۱۷-۲۱]. (واتسون<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۱). تاناسی<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۹)، در مطالعه‌ای که در رومانی به انجام رساندند، چارچوبی برای بودجه‌ریزی مشارکتی در نهادهای بخش دولتی ایجاد کردند [۲۲ و ۲۳]. مطالعات دیگر بیشتر به ترسیم رویکردها و تجربیات متمرکز بوده‌اند [۲۴]. برخی از تحقیقات روی یک یا دو سازوکار و قوت‌ها و ضعف‌های استفاده از آن‌ها تمرکز دارند. برای مثال، واتسون، جاستر و جانسون (۱۹۹۱) و دانکامب و همکاران (۲۰۰۳)، پتانسیل‌ها و معایب استفاده از نظرسنجی‌های شهروندان در تصمیم‌گیری بودجه عمومی را مورد بحث قرار دادند [۱۸ و ۲۵]. همچنین، کالاهان (۲۰۰۲) استفاده و اثربخشی کمیته‌های مشاوره شهروندی را تشریح کرده‌اند [۱۷]. رایبیز و همکاران (۲۰۰۹) بحث‌های گروهی متمرکز شهروندی و یک نظرسنجی بزرگ در سطح جامعه را انجام دادند و نیازها و اولویت‌های جامعه‌شناسایی شده توسط این دو رویکرد را مقایسه کردند [۲۱]. چندین محقق بر سازوکارهای نوآورانه‌ای مانند رویکرد متخصص محور<sup>۳</sup> [۲۰] و حمایت از شخص ثالث<sup>۴</sup> [۱۹] تمرکز کرده‌اند. در همین حال، محققان دیگر [۱۱ و ۱۲، ۲۶-۲۸]. سازوکارهای متعددی را بررسی کرده‌اند که به موجب آن دولت‌های محلی شهروندان را در فرایند بودجه دخالت داده و همچنین، مسائل کلی در مورد این سازوکارها را مطرح می‌کنند. این محققان روی سؤالات زیر تمرکز کردند: دولت محلی چه روش‌هایی را برای مشارکت دادن شهروندان در فرایند بودجه اتخاذ می‌کند؟ مدیران شهری این سازوکارها را چگونه ارزیابی می‌کنند؟ موانع اصلی مشارکت شهروندان چیست؟ چگونه می‌توان مشارکت شهروندان در فرایند بودجه‌ریزی را بهبود بخشید؟ این پرسش که مشارکت مؤثر چیست، موضوع مطالعات توصیفی بودجه‌ریزی مشارکتی بوده است.

وجود گفت‌وگوی دوسویه از ابعاد حیاتی مشارکت مؤثر تلقی می‌شود [۱۱، ۲۹-۳۴]. در مشارکت اثربخش امکان به‌اشتراک‌گذاری و تبادل اطلاعات بین شهروندان و شهرداری وجود دارد و جریان اطلاعات یک‌سویه نخواهد بود [۱۱]. این جریان اطلاعاتی پیرامون پروژه‌های بالقوه، منابع و محدودیت‌های موجود برای تعریف پروژه بین شهروندان و شهرداری شکل

1. Watson  
2. Tănasea  
3. expert-focused approach  
4. third-party advocacy

می‌گیرد [۱۲]. رو و فرور [۳۲] در مطالعه خود «نوع‌شناسی مکانیزم‌های مشارکت عمومی»، مشارکت عمومی را از ارتباطات و مشاوره عمومی بر اساس جریان اطلاعات متمایز کردند. به گفته [۳۲] ارتباطات عمومی فقط اطلاعاتی را از دولت به مردم منتقل می‌کند، اما کانالی برای ارائه اطلاعات به دولت توسط شهروندان وجود ندارد. به عکس، مشاوره عمومی زمانی صورت می‌گیرد که اطلاعات از مردم در جهت یک‌طرفه دیگر به دولت منتقل شود. در مشارکت عمومی، درجاتی از گفت‌وگو و تبادل اطلاعات بین اعضای مردم و دولت وجود دارد. ارتباط دوطرفه می‌تواند یادگیری اجتماعی و همکاری بین شهروندان و مدیران شهری را تقویت کند، زیرا ذی‌نفعان را قادر می‌سازد به نظرات یکدیگر احترام بگذارند و به نظرات یکدیگر گوش دهند و اجازه می‌دهد دیدگاه‌های رقابتی قبل از تصمیم‌گیری پخش و در نظر گرفته شود [۲۹ و ۳۱].

علی‌رغم اهمیت سازوکارهای مشارکتی دوطرفه، دولت‌های محلی هنوز به طور گسترده از آن‌ها در فرایندهای بودجه خود استفاده نکرده‌اند [۳۱ و ۳۵]. به عقیده [۳۶] تبلیغات و آگاهی‌بخشی از طریق کانال‌های مختلف، از جمله رسانه‌های اجتماعی، می‌تواند کلید افزایش مشارکت مدنی باشد. همچنین، این امر در تشویق اقلیت‌های مختلف برای مشارکت و اطمینان از اینکه ترجیحات آن‌ها در تصمیم‌گیری گنجانده می‌شود، بسیار مهم باشد [۳۷].

در میان سازوکارهای مشارکتی عمده، فرصت‌هایی برای تعامل چهره‌به‌چهره و گفت‌وگوی دوطرفه بین شهروندان و مدیران شهری از طریق جلسات عمومی، هیئت‌های مشورتی، انجمن‌ها یا کارگاه‌های آزاد برای شهروندان و شهروندانی که در جلسات منظم درباره بودجه صحبت می‌کنند، فراهم می‌شود [۱۱ و ۱۲]. همه این موارد به عنوان سازوکارهای ارتباط دوطرفه در نظر گرفته می‌شوند. اگرچه انجام نظرسنجی از شهروندان و ارسال مطالب در فضای مجازی ممکن است در به دست آوردن اطلاعات از تعداد زیادی از شهروندان یا ارائه اطلاعات به آن‌ها مؤثر باشد، اما شهروندان به اندازه کافی توسط این سازوکارهای یک‌طرفه در فرایند تصمیم‌گیری اثرگذار نخواهد بود [۱۱].

بر اساس نتایج حاصل از پژوهش انجام‌شده شهرداری‌ها در اتخاذ سازوکارهای مشارکتی ارتباطات دوطرفه در فرایند بودجه‌بندی خود تا حد زیادی متفاوت هستند و سطح کلی پذیرش این سازوکارها پایین است [۱۲، ۳۱ و ۳۵]. همچنین، اتخاذ ارتباطات دوطرفه تحت تأثیر نگرش‌ها و ادراکات مدیران شهری، نوع سیستم حکمرانی، تنوع شوراها و سیاست‌ها، و ویژگی‌های جامعه است. مارلو و پورتیلو (۲۰۰۶) ادراک مدیران از بودجه‌ریزی مشارکتی را مهم‌ترین جنبه مشارکت شهروندان می‌دانند. آن‌ها استدلال کردند که مدیران بودجه‌ریزی مشارکتی را تشویق نمی‌کنند مگر اینکه از نظر آن‌ها بودجه‌ریزی مشارکتی به ارزش افزوده در فرایندهای تصمیم‌گیری بودجه منجر شود [۳۰].

هم‌زمان با تحولات فناوری اطلاعات استفاده از بسترهای فناوری اطلاعات به عنوان یکی از نوآوری‌های بودجه‌ریزی مشارکتی در کانون توجه قرار گرفته است، به گونه‌ای که برخی از شهرداری‌ها از فرایندهای سنتی مشارکت فراتر رفته و با استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) در بستر IT فصل جدیدی از مشارکت محلی به نام بودجه مشارکتی دیجیتال (DPB) را شروع کرده‌اند. این پدیده ارتباط تنگاتنگی با مفهوم حکمرانی الکترونیک و دولت الکترونیک دارد. پلتفرم‌های بودجه‌ریزی مشارکتی دیجیتال نمونه‌هایی از فناوری‌های مدنی هستند که برای حمایت از شهروندان در ارائه پیشنهادها و تخصیص بودجه طراحی شده‌اند. استفاده از این پلتفرم‌ها توسط دولت‌های مرکزی و محلی کشورهای مختلف که به دنبال بهره‌برداری از پتانسیل فناوری‌های دیجیتال برای فعال کردن مشارکت شهروندان در مسائل مهم هستند، در سال‌های اخیر با استقبال زیادی مواجه شده است. تجربه نشان داده است استفاده از این پلتفرم‌ها علاوه بر تأثیرگذاری بر رویه‌های مشارکتی درگیر در بودجه‌بندی مشارکتی باعث شده تعامل شهروندان برای مشارکت به صورت رقابتی دنبال شود. همچنین کاهش هزینه‌ها، ترویج شفافیت و مشارکت بیشتر شهروندان از دیگر مزایای استفاده از این فناوری‌ها بوده است [۱]. طوری که معرفی پلتفرم‌های آنلاین مرزهای مشارکت شهروندان را در فرایند سیاست‌گذاری و بودجه‌ریزی سالانه گسترش می‌دهد [۳۸]. نمونه موفق استفاده از این نوع از فناوری‌ها در شهر مادرید در بین فعالان دوچرخه‌سواری شهری اجرا شده است که روی مازول بودجه مشارکتی و نحوه استفاده از آن برای ارائه پیشنهادها مرتبط با دوچرخه‌سواری شهری تمرکز شده بود. از توسعه ابزار مشارکت شهروندی منبع باز (CONSUL)، که کد منبع آن در ۹۰ دولت در سطح جهان استفاده می‌شود، تا معرفی پلتفرم شهری آنلاین (Decide

(Madrid) بر اساس CONSUL، در سال‌های اخیر، مادرید را در خط مقدم نوآوری شهری و شهروندمحور قرار داده است. نتایج حاصل از طراحی این پلتفرم دیجیتال (Decide Madrid) علاوه بر تأثیرگذاری بر رویه‌های مشارکتی درگیر در بودجه‌بندی مشارکتی دیجیتال باعث شد تعامل شهروندان برای مشارکت به صورت رقابتی دنبال شود، به این ترتیب، طراحی پلتفرم‌ها به اشکال مشارکت فردی و رقابتی منجر شد، بنابراین امکان توانمندسازی شهروندان در محدوده‌بندی و خودتنظیمی بودجه مشارکتی به طور مشترک ایجاد شد. با این حال، شرکت‌کنندگان از ابزارهای دیگری برای بسیج و ایجاد پیشنهادها به صورت همکاری خارج از پلتفرم نیز استفاده کردند. این تجربه همچنین نشان می‌دهد پلتفرم‌های بودجه‌ریزی مشارکتی دیجیتال برای حمایت از بودجه‌ریزی مشارکتی، قابل تجدیدنظر و بازبینی باشند و در عین حال، از پاسخ‌گویی در میان شرکت‌کنندگان و قابل مشاهده بودن پیشنهادها و فعالیت‌ها حمایت کنند.

تحقیقات توصیفی داخلی اندکی در رابطه با سازوکارهای بودجه‌ریزی مشارکتی انجام شده است در همین راستا مهدیان نسب و معدنی (۱۴۰۱) مطالعه‌ای تحت عنوان «تجربه بودجه‌ریزی مشارکتی در برزیل و امکان‌سنجی آن در ایران» انجام دادند. این مطالعه با هدف مرور مطالعات انجام‌شده در زمینه بودجه‌ریزی مشارکتی و تجربه اجرای آن در برزیل و ارائه مدل و الگوهای یافت‌شده برای امکان‌سنجی اجرا در ایران انجام شده است [۳۹]. همچنین، سرتیپی‌زاده (۱۳۹۷) به شناسایی و اولویت‌بندی الزامات لازم برای عملیاتی کردن بودجه‌ریزی مشارکتی در مناطق ۲۲گانه شهر تهران پرداخت. نتایج نشان داد شاخص‌های الزام شفافیت مالی، اراده سیاسی و اولویت‌بندی هزینه‌ها تأثیرگذارترین شاخص‌ها بر بودجه‌ریزی مشارکتی هستند [۴۰].

### دسته دوم: عوامل مؤثر بر پیاده‌سازی بودجه‌ریزی مشارکتی و جلب مشارکت شهروندان

محور اصلی این پژوهش‌ها بررسی عوامل مؤثر بر استقرار بودجه‌ریزی مشارکتی و جلب مشارکت شهروندان است [۹، ۱۴، ۳۰، ۳۵، ۴۲-۴۴]. بیشتر این پژوهش‌ها بر نقش مدیران شهری تأکید دارند. آن‌ها در مورد چگونگی ساختار فعالیت‌های مشارکت عمومی و نحوه هدایت نفوذ عمومی اختیارات قابل توجهی دارند. با این حال، ممکن است به صورت فعالانه شهروندان را برای مشارکت در تصمیم‌گیری در مورد مسائل شهر دعوت نکنند. موینیان<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) معتقد است به دلیل بیشتر بودن بار مالی تصمیمات مشارکتی شهروندان در فرایند تدوین بودجه نسبت به تصمیمات متخصصان شهری ترجیحات مدیران شهری بر ماهیت مشارکت عمومی تأثیر می‌گذارد [۴۵]. همچنین، مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری نیازمند تعدیل مدل حاکمیت سنتی و توسعه زیرساخت‌های جدید برای حاکمیت مشارکتی جدید است [۳۷]. آلمی (۱۹۷۷) به بررسی چگونگی تأثیر سوابق تحصیلی و حرفه‌ای مدیران شهری و اولویت‌بندی مخارج بر مشارکت عمومی آنان در تصمیم‌گیری پیرامون مصرف درآمدهای عمومی پرداختند و نتیجه گرفتند این رابطه به صورت مثبت و معناداری برقرار است [۴۱]. ژانگ و یانگ معتقدند که حرفه‌ای بودن مدیران شهری نگرش آن‌ها را نسبت به بودجه‌ریزی مشارکتی شکل می‌دهد و به نوبه خود میزان بودجه‌ریزی مشارکتی را تعیین می‌کند [۹]. اونس<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۹) معتقدند که سازمان‌هایی با ساختارهای سازمانی پیچیده‌تر احتمال بیشتری برای پذیرش نوآوری مشارکتی دارند. آن‌ها شهرداری‌های ایالت نوردراین - وستفالن آلمان را بررسی و از بودجه مشارکتی به عنوان شاخصی برای نوآوری استفاده کردند. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد پیچیدگی سازمانی بیان‌شده توسط تمایز عملکردی با وقوع نوآوری مشارکتی رابطه مثبت دارد [۴۶].

علاوه بر این، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی اعضای جامعه نیز می‌تواند بر مشارکت شهروندان تأثیرگذار باشد. جوامع به طور کلی از نظر اندازه جمعیت، همگنی نژادی و سطح درآمد توصیف می‌شوند. با این حال، مطالعات هم رابطه مثبت [۹ و ۱۱]. و هم روابط منفی را بین اندازه جمعیت و مشارکت عمومی پیدا کرده‌اند [۳۳ و ۴۷]. از یک طرف، جوامع همگن ممکن است سطوح بالاتری از همکاری بین شهروندان داشته باشند و بنابراین، مدیران شهری را تشویق به ترویج بودجه مشارکتی کنند. از سوی دیگر، سطح پایین همگنی ممکن است باعث ایجاد تعارض‌های سیاسی بیشتر در بین شهروندان شود و در نتیجه، مشارکت بیشتر شهروندان برای حل تعارض‌های سیاسی را مطالبه کند [۳۰، ۳۵ و ۴۷]. در پژوهش‌های انجام‌شده میزان

1. Moynihan  
2. Ewens

اعتبارات قابل تخصیص به مشارکت شهروندی عامل اثرگذاری در تعیین میزان مشارکت شهروندان در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، هرچقدر اندازه اعتبارات تخصیص یافته برای مشارکت بیشتر باشد احتمالاً میزان مشارکت شهروندان نیز بالاتر خواهد بود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در کلان‌شهرها، سازوکارهای دوطرفه (تعاملی) برای بودجه‌بندی مشارکتی اتخاذ شود [۳۰ و ۴۷]. تأثیر ثروت جامعه بر بودجه‌ریزی مشارکتی نیز به طور قطعی توضیح داده نشده، اما یک فرض معقول این است که شهروندان کم‌درآمد ممکن است به دلیل اولویت‌های کاری و خانوادگی خود در سیاست‌گذاری شرکت کنند [۴۴ و ۴۸]. بنابراین، احتمالاً مدیران شهری در محلات کمتر برخوردار کمتر از سازوکارهای مشارکتی استفاده می‌کنند. عکس آن نیز قابل استدلال است، یعنی جوامع کمتر برخوردار با تقاضای بیشتری برای منابع کمیاب مواجه خواهند شد و بنابراین، نیاز به گفت‌وگو و مشورت بیشتر در فرایند بودجه‌بندی دارند [۴۸].

### پیش‌نیازهای اجرای بودجه‌ریزی مشارکتی

تعدادی پیش‌نیاز برای اجرای موفقیت‌آمیز بودجه‌ریزی مشارکتی مورد نیاز است که در بین آن‌ها اراده سیاسی، دانش و تجربه مدیریتی نقش اساسی دارند. این موارد در برخی از شهرداری‌ها نادیده گرفته شده‌اند [۴۹]. مشارکت شهروندان در فرایندهای تصمیم‌گیری، تمرکز بر مشکلات محلی، و هزینه بودجه عمومی در راستای اهداف مهم به عنوان معیارهای اساسی برای موفقیت بودجه‌ریزی مشارکتی مورد توافق قرار گرفته‌اند. سؤالی که اغلب برای مشارکت در حکمرانی مطرح می‌شود این است که شهروندان ناآشنا نسبت به مسائل تخصصی شهر تا چه حد می‌توانند تصمیمات مالی درستی بگیرند؟ برخی مطالعات بیان می‌کنند که تصمیمات شهروندان بیشتر به سمت سرمایه‌گذاری‌های با بازده فوری (مانند مکان‌های تفریحی) گرایش داشته و از پروژه‌های زیربنایی غفلت شده است [۴۹]. برخی دیگر دریافتند که «سیاست‌گذاران می‌توانند آرمان مردمی کردن سیاست‌گذاری و همچنین، الزامات کارآمدی را تماماً در سازمان دنبال کنند [۵۰]. نادیده گرفته شدن این معیارها و سایر معیارهای مهم، باعث نقص در اجرای موفقیت‌آمیز بودجه‌ریزی مشارکتی می‌شود [۵۱]. دآزودو<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۲)، بیان می‌کنند که مشارکت نباید تنها در مرحله تدوین مورد توجه قرار گیرد، بلکه باید در کل فرایند تدوین، اجرا و نظارت بر اجرای بودجه‌ریزی شهرداری‌ها شهروندان را مشارکت داد [۵۲].

### فرایندهای بودجه‌ریزی مشارکتی در شهرداری‌ها

بودجه‌ریزی مشارکتی معمولاً فرایندی زمان‌بر است که این زمان‌بندی می‌تواند یک سال کامل نیز به طول بینجامد. در حالی که جزئیات اجرای بودجه‌ریزی مشارکتی در نمونه‌های مختلف با هم تفاوت دارد، اما به صورت کلی این فرایند به شهروندان اجازه داده می‌شود تا پیشنهادهای پروژه‌های مؤثر را ارائه و ترجیحات خود را نسبت به تخصیص بودجه ابراز کنند [۵۳].

۱. منطقه جغرافیایی ممکن است به چندین منطقه فرعی (به عنوان مثال ناحیه) تقسیم شود و فرایند بودجه‌ریزی مشارکتی می‌تواند در هر منطقه به طور جداگانه اجرا شود. در این مرحله به شهروندان اجازه داده می‌شود تا بر پروژه‌های منطقه یا محله خود تمرکز کنند. در این مرحله معمولاً پیرامون مجموع بودجه هر منطقه تصمیم‌گیری می‌شود.
۲. شهروندان محلی ایده‌ها را از طریق نشست‌های محله‌ای و ابزارهای برخط به اشتراک می‌گذارند و در مورد آن‌ها بحث می‌کنند. این موضوع به ارائه طرح‌های اولیه پروژه‌ها منجر خواهد شد.
۳. سپس، پیشنهادهای اولیه توسط گروه‌های متمرکز به پیشنهادهای عملی تبدیل شده و توسط کارشناسان بررسی می‌شود. در این مرحله طرح پیشنهادی به بخش‌های مجزای پیاده‌سازی تقسیم می‌شود و برآورد هزینه برای هر مرحله اجرا به دست آید. پروژه‌ها همچنین می‌توانند به دسته‌هایی مانند امور اجتماعی و فرهنگی، حمل‌ونقل، خدمات شهری و غیره طبقه‌بندی شوند.
۴. این مرحله با چندین دور مشورت دنبال می‌شود که از طریق آن شهروندان تعداد کمی از پیشنهادهای را برای درج در رأی‌گیری نهایی در نظر می‌گیرند.

۵. در این مرحله، شهروندان واجد شرایط در مورد چگونگی هزینه‌کرد بودجه عمومی در طرح‌های نهایی رأی می‌دهند و این رأی در تخصیص بودجه نهایی تجمیع می‌شوند [۳۶].
- همچنین، تحقیق در مورد مرحله رأی‌گیری فرایند بودجه‌ریزی مشارکتی بر ملاحظات مهم ذیل متمرکز است:
۱. فضای تصمیم‌گیری: آیا فضای نتایج گسسته است (به این معنا که تنها دو انتخاب وجود داشته باشد مثلاً پروژه می‌تواند «تأمین مالی» شود یا نشود) یا پیوسته است (یعنی بتوان به یک پروژه مقادیر متفاوتی از بودجه برای اجرای آن با درجات اثربخشی متفاوت اختصاص داد).
  ۲. مدل‌سازی اولویت‌ها: اولویت‌های شهروندان نسبت به پروژه‌ها چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟ (روش‌های تجزیه و تحلیل دیدگاه‌ها برای رسیدن به نتایج نهایی)
  ۳. طراحی پرسشنامه (معروف به استخراج اولویت): چه مواردی در برگه رأی یا پرسشنامه گنجانده شود تا اولویت‌های افراد را به صورت مؤثر منتقل کند. برگه رأی باید طوری طراحی شود که برای مدل‌سازی اولویت‌های پیچیده مطلوب باشد.
  ۴. تجمیع رأی: آرای ساکنان چگونه در تخصیص نهایی بودجه عمومی موجود تجمیع می‌شود؟ چگونه این فرایند باید به طور منصفانه ترجیحات جوامع مختلف شهروندان را تجمیع و بودجه عمومی را به طور مؤثر تخصیص دهد؟ (همان منبع).
- روش اجرای بودجه‌ریزی مشارکتی در تورنتو به این شکل است که ابتدا منطقه جغرافیایی ممکن است به چندین منطقه فرعی (به عنوان مثال، ناحیه) تقسیم شود و یک فرایند بودجه‌ریزی مشارکتی ممکن است در هر منطقه به طور جداگانه انجام شود. هدف این مرحله این است که به ساکنان اجازه دهد تا بر پروژه‌های محله و جامعه خود تمرکز کنند. کل بودجه موجود برای هر منطقه نیز معمولاً در این مرحله تصمیم‌گیری می‌شود.
- در مرحله بعد، ساکنان ایده‌ها را از طریق جلسات محله و ابزارهای آنلاین به اشتراک می‌گذارند و در مورد آن‌ها بحث می‌کنند. این امر به آن‌ها اجازه می‌دهد تا با طرح‌های اولیه پروژه ارائه شوند.
  - سپس، این پیشنهادها را اولیه توسط گروه‌های متمرکز به پیشنهادها عملی تبدیل شده و توسط کارشناسان بررسی می‌شود. اغلب در این مرحله یک پیشنهاد ممکن است به مراحل مجزای پیاده‌سازی تقسیم شود و برآورد هزینه برای هر مرحله اجرا به دست آید. پروژه‌ها نیز به دسته‌های مختلفی از جمله: تفریح، زیرساخت، بهداشت، آموزش، حمل‌ونقل و غیره طبقه‌بندی می‌شوند.
  - مرحله نهایی فرایند بودجه‌ریزی مشارکتی رأی‌گیری است که ساکنان واجد شرایط در مورد چگونگی مصرف بودجه عمومی در طرح‌های نهایی رأی می‌دهند و این رأی در تخصیص بودجه نهایی تجمیع می‌شوند [۳۶].
- در شهر مادرید مازول بودجه‌ریزی مشارکتی از یک فرایند بودجه طی سال پیروی می‌کند و به شش مرحله متوالی تقسیم می‌شود. در هر مرحله، شهروندان می‌توانند روش‌های مختلف مشارکت کنند.

### ۱- پیشنهاد اولیه (ارائه پروژه‌ها)

در مرحله اول، شهروندان می‌توانند طرح‌های پیشنهادی خود را در هر منطقه یا کل شهر ارائه دهند. به عنوان مثال، شهروندان می‌توانند پیشنهادی در مورد ساخت یک مسیر دوچرخه‌سواری جدید در منطقه ۱ ایجاد کنند و آن را در پلتفرم ارائه دهند.

### ۲- حمایت از پروژه‌ها

پس از پیشنهاد اولیه، شهروندان می‌توانند حمایت خود را از پیشنهادها خاص نشان دهند. این مرحله یک هفته طول می‌کشد و محدودیتی برای تعداد پیشنهادها مختلف شهروندان در این پلتفرم وجود ندارد. سپس، پیشنهادها بر اساس نمرات دیجیتال مرتب و به ترتیب اولویت در پلتفرم نشان داده می‌شوند.

### ۳- ارزیابی داخلی

پس از نهایی شدن مرحله پشتیبانی، مسئولان شهر تمامی پیشنهادها را جمع‌آوری کرده و فرایند ارزیابی داخلی آغاز می‌شود. روند بازنگری چهار ماه طول می‌کشد و طی آن مدیران شهری قابلیت و بودجه پیشنهادی را ارزیابی می‌کنند. اگر پیشنهادها زیادی

در پلتفرم وجود داشته باشد که مسئولان شهر بتوانند در بازه زمانی چهارماهه آن را ارزیابی کنند، پیشنهادهای باقی‌مانده از مرحله بعدی خارج می‌شوند. بنابراین، فهرست اولویت‌بندی پیشنهادهایی که از طریق سیستم رأی‌گیری ایجاد می‌شوند، تعیین می‌کند که کدام پیشنهادهای مورد بازنگری قرار گیرند و به مرحله بعدی تحویل داده شوند.

#### ۴- انتشار پروژه‌ها

پس از اتمام چهارماهه، برای هر یک از پیشنهادهایی که مسئولان شهر ارزیابی کرده و قابل اجرا اعلام کرده‌اند، کل بودجه برآوردشده و سپس روی پلتفرم منتشر می‌شود.

#### ۵- رأی‌گیری

بر اساس این فهرست، شهروندان در ادامه نسبت به اعتبارات اختصاص‌یافته برای اجرای بودجه مشارکتی سالانه در سراسر مناطق شهری و همچنین، ارائه پیشنهادهای فردی و هزینه‌های تخمینی آن‌ها دسترسی خواهند داشت. سپس، روند رأی‌گیری جدید آغاز می‌شود. این روند رأی‌گیری با روند اولیه حمایت از پروژه‌ها متفاوت است. در این حالت محدودیتی برای تعداد پروژه‌های قابل پشتیبانی وجود دارد که با رویکرد «سبد خرید آنلاین» ساختاردهی و طراحی شده است. به طور مشخص، شهروندان می‌توانند با قرار دادن آن‌ها در سبد خرید خود، پیشنهادهای را «خرید» کنند. با این حال، هزینه کلی سبد خرید باید کمتر از حداکثر بودجه باشد. هر منطقه از مادرید دارای حداکثر بودجه تعیین شده است، پیشنهادهای بر اساس تعداد آرا مرتب می‌شوند و تا رسیدن به حداکثر بودجه به ترتیب آن پذیرفته می‌شوند.

#### ۲. مواد و روش کار

این پژوهش یک پژوهش توصیفی برای تعیین سازوکار استفاده شهرداری تهران برای اجرای بودجه‌ریزی مشارکتی با توجه به تجربیات شهرداری‌های دنیا است. برای رسیدن به این هدف فرایندهای مورد استفاده برای بودجه‌ریزی مشارکتی چندین شهرداری مورد بررسی قرار گرفته و با تطبیق و جمع‌بندی آن‌ها در نهایت سازوکار پیشنهادی برای شهرداری تهران پیشنهاد شد.

#### ۳. نتایج

تحقیقات قبلی بیشتر از روش‌های تحقیق توصیفی برای تعیین سازوکارها استفاده کرده‌اند که دولت‌های محلی برای اجرای بودجه‌ریزی مشارکتی به کار برده‌اند [۱۷-۲۱ و ۲۵]. با توجه به آنکه بودجه‌ریزی مشارکتی در ایران موضوعی نوپا است و پیشینه پژوهشی قوی در رابطه با اجرای آن در شهرداری‌ها وجود ندارد، بنابراین در گام اول سعی شده است این خلأ با پژوهش حاضر تا حدودی مرتفع شود. در ذیل با جمع‌بندی پژوهش‌های انجام‌شده در گذشته چارچوبی مفهومی برای اجرای بودجه‌ریزی مشارکتی در شهرداری‌ها پیشنهاد شده که شامل سه سطح مختلف است:

#### ۳-۱. شاخصه‌های بودجه‌ریزی مشارکتی

شاخص‌های بودجه‌ریزی مشارکتی شاخص‌هایی هستند که بودجه‌ریزی مشارکتی بر پایه آن‌ها تعریف می‌شود و در تحقیقات پیشین به عنوان اجزای تعیین‌کننده بودجه‌ریزی مشارکتی به آن‌ها اشاره شده است. که در اینجا ۱۲ شاخص مختلف به این منظور شناسایی شده‌اند.

#### ۳-۲. عوامل مداخله‌گر یا میانجی

عوامل مداخله‌گر یا میانجی عواملی هستند که اجزای بودجه‌ریزی مشارکتی را به نتایج متصل می‌کنند و موفقیت اجرای بودجه‌ریزی مشارکتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند که در این تحقیق بر اساس پژوهش‌های گذشته عوامل مختلفی از جمله: ترجیحات مدیران شهری، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مدیران، ساختار و فرهنگ سیاسی شهر، ویژگی‌های جامعه (اندازه جمعیت، همگنی نژادی و سطح ثروت یا درآمد جامعه و...)، پیچیدگی سازمانی و... به عنوان عوامل میانجی در نظر گرفته شده‌اند.

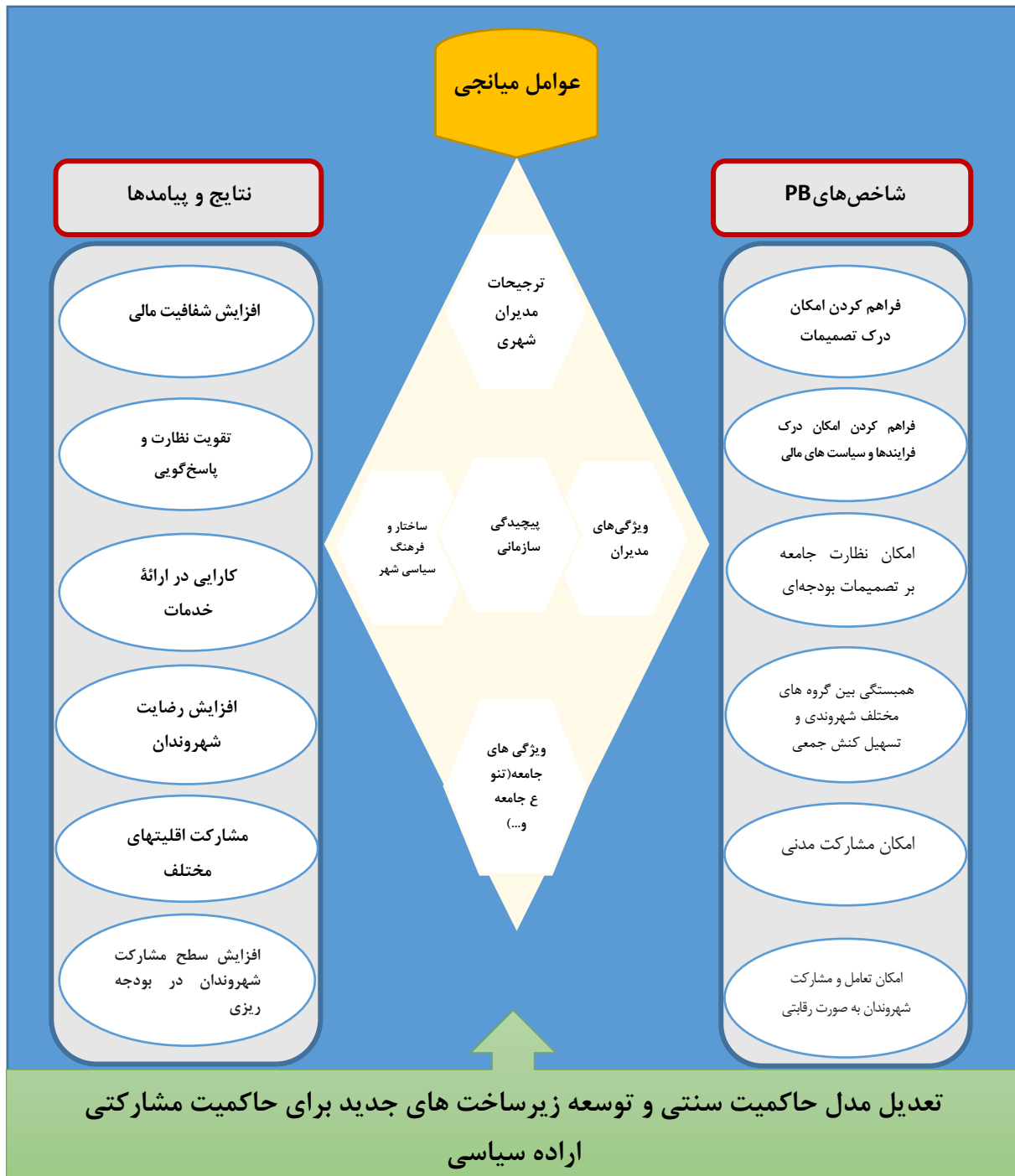
## ۳-۳. پیامدها

در نهایت نتایج و پیامدها به دستاوردهای حاصل از اجرای بودجه‌ریزی مشارکتی اشاره دارد که به عنوان متغیر وابسته عمل می‌کنند و تحت تأثیر شاخص‌های بودجه‌ریزی مشارکتی و عوامل میانجی هستند. در ادامه، نتایج حاصل از بررسی و تطبیق مطالعات گذشته در جدول ۱ و شکل ۲ آورده شده‌اند:

جدول ۱. نتایج حاصل از مطالعات گذشته در رابطه با بودجه‌ریزی مشارکتی در شهرداری‌ها

منبع	شهر و سال	نتایج و پیامدها	نوع سازوکار (یک‌طرفه یا دوطرفه یا مختلط)	عوامل مداخله‌گر یا سازوکارها	شاخصه‌های بودجه‌ریزی مشارکتی		
[۱]		افزایش شفافیت مالی	یک‌طرفه یا دوطرفه	دریافت اطلاعات از طریق مسیرهای رسمی برای ارزیابی و پیشنهاد بودجه	فراهم کردن امکان درک بهتر تصمیمات بودجه‌ای برای شهروندان	متغیرهای مستقل	
[۵۴]		ایجاد شفافیت رسمی <sup>۱</sup>	دوطرفه	ایجاد تعاملات چهره‌به‌چهره با مدیران شهری			
[۵۵]	کره جنوبی	تقویت نظارت شهروندی اجبار شهرداری‌ها به رعایت سلامت و پاسخ‌گویی مالی	دوطرفه	ایجاد مدارس بودجه شهروندان	درک فرایندها و سیاست‌های مالی		
[۵۷، ۵۶، ۱۵، ۴] [۵۹، ۵۸]		عملکرد بهتر خدمات عمومی توانمندسازی شهروندان برای اعمال حقوق و وظایف خود آموزش شهروندان در زمینه سواد مالی	یک‌طرفه یا دوطرفه	نظارت از پایین به بالا	فراهم کردن امکان نظارت جامعه بر تصمیمات بودجه‌ای		
[۱۴، ۵۵]	کره جنوبی	تحت فشار قرار گرفتن شهرداری برای افزایش کارایی	یک‌طرفه یا دوطرفه	ایجاد شبکه‌های عمومی (اجماع شهروندان گروه‌های مدنی، NGO ها و...)	همبستگی بین گروه‌های مختلف شهروندی و تسهیل کنش جمعی		
[۳۶]		مشارکت اقلیت‌های مختلف	یک‌طرفه	تبلیغات و آگاهی‌بخشی از طریق رسانه‌های اجتماعی	مشارکت مدنی		
[۶۰]		نتایج دقیق‌تر و اثربخش‌تر کاهش هزینه‌ها ترویج شفافیت مشارکت حداکثری	یک‌طرفه یا دوطرفه	فناوری‌های دیجیتال	امکان تعامل و مشارکت شهروندان به صورت رقابتی		
[۴۵]		تأثیر بر فرصت و ماهیت مشارکت عمومی		ترجیحات مدیران شهری			عوامل مداخله‌گر
[۴۱]				ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مدیران شهری			
[۳۵]		مشارکت عمومی در فرایند بودجه		ساختار و فرهنگ سیاسی شهر	-		
[۹]		ادراک مدیران در رابطه با اجرای بودجه‌ریزی مشارکتی		ویژگی‌های جامعه (انبازة جمعیت، همگنی نژادی و سطح ثروت یا درآمد جامعه و...)			
[۴۶]		پذیرش نوآوری مشارکتی		پیچیدگی سازمانی		عوامل زیرساختی	
[۳۷]		ایجاد تغییرات اساسی در شیوة حاکمیت و فراهم کردن شرایط برای ایجاد مشارکت ایجاد پیامدهای نامشخص برای تصمیم‌گیرندگان		تعدیل مدل حاکمیت سنتی و توسعه زیرساخت‌های جدید برای حاکمیت مشارکتی	-		
[۴۰]				ارادة سیاسی			

۱. شفافیت «رسمی» که در آن شهروندان مدیران شهری را تشویق می‌کنند تا اطلاعات هدفمند و مبتنی بر نیاز را افشا کنند.



شکل ۲. چارچوب مفهومی بودجه‌ریزی مشارکتی در شهرداری

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

در کلان‌شهر تهران در سال ۱۴۰۱ تلاش شد تا زمینه مشارکت شهروندان تهرانی برای انتخاب پروژه‌های توسعه محله‌ای در محل سکونت آن‌ها با سایر مناطق و نقاط شهر تهران ایجاد شود. از این‌رو، در راستای تحقق راهبرد پیش‌بینی‌شده توسط معاونت محترم برنامه‌ریزی، توسعه سرمایه انسانی و امور شورا مبنی بر حرکت به سمت برنامه‌ریزی توسط شهروندان در پژوهش حاضر تلاش شد با استفاده از تجربیات شهرداری‌های دنیا چارچوب مفهومی برای بودجه‌ریزی مشارکتی ایجاد شود. پیشنهاد می‌شود

برای توسعه این فرایند از نتایج این پژوهش پیش از تنظیم لایحه بودجه سال‌های آتی استفاده شود. بر این اساس، پیشنهادهای ذیل برای توسعه و بهبود فرایند یادشده می‌تواند در کانون تمرکز قرار گیرد.

- پیشنهاد پروژه‌های توسعه محله‌ای در راستای ۵ موضوع کلیدی پیش‌بینی‌شده در تدوین برنامه چهارم تحول و پیشرفت شهر تهران توسط شهروندان (پیشنهاد پروژه‌ها)
- فراهم کردن امکان نظردهی اولیه شهروندان در ارتباط با پروژه‌های پیشنهادی سایر شهروندان در گام ۱ (حمایت از پروژه‌ها)
- پیشنهادهایی که از اقبال اولیه عمومی شهروندان برخوردار بوده‌اند توسط شهرداری بررسی و در قالب پروژه‌های تملک‌دارایی سرمایه‌ای مطالعات لازم برای آن‌ها صورت پذیرد (ارزیابی داخلی پروژه‌ها)
- برگزاری رویدادهای مختلف بودجه‌ریزی مشارکتی با شهروندان به منظور حصول اطمینان از ایجاد جریان اطلاعات بین شهرداری و شهروندان به صورت دوطرفه و پایدار
- امکان نظردهی به پروژه‌های دارای مطالعات توجیهی و انتخاب آن‌ها با توجه به حجم منابع قابل اختصاص به پروژه‌های توسعه محله‌ای (انتشار لیست پروژه‌ها و رأی‌گیری نهایی)
- پیش‌بینی تمهیدات لازم برای بهبود و به‌روزرسانی پلتفرم دیجیتال (مبتنی بر وب) بودجه‌ریزی مشارکتی فراهم شود.
- مشارکت شهروندان در کل فرایند بودجه از تدوین تا تفریغ برای وصول اطمینان از اثربخشی مشارکت شهروندان
- در آخر به پژوهشگران در آینده پیشنهاد می‌شود اعتبار مدل به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر را در شهرداری‌ها مورد سنجش قرار دهند.

## منابع

1. Goncalves S. The effects of participatory budgeting on municipal expenditures and infant mortality in Brazil. *World Development*. 2014;53:94-110.
2. Kukučková S, Bakoš E. Does participatory budgeting bolster voter turnout in elections? The case of the Czech Republic. *NISPAcee Journal of Public Administration and Policy*. 2019;12(2):109-129.
3. Jung SM. Participatory budgeting and government efficiency: Evidence from municipal governments in South Korea. *International Review of Administrative Sciences*. 2022;88(4):1105-1123.
4. Sintomer Y, Herzberg C, Röcke A. Modelos transnacionais de participação cidadã: o caso do orçamento participativo. *Sociologias*. 2012;14:70-116.
5. Schneider SH, Busse S. Participatory budgeting in Germany--A review of empirical findings. *International Journal of Public Administration*. 2019;42(3):259-273.
6. Legendre J, Madénian H, Scully PL. Participatory budgeting in Paris, France, 2017. URL <http://participedia.net/en/cases/participatory-budgeting-paris-france>. Accessed 05-02-2018.
7. Cabannes Y. Contribution of Participatory Budgeting to provision and management of basic services. London: IIED; 2014.
8. Murray. Toronto's participatory budgeting pilot evaluation. <https://www.toronto.ca/legdocs/mmis/2019/bu/bgrd/backgroundfile-124370.pdf>. 2019. Last accessed 05-02-2023.
9. Zhang Y, Yang K. Citizen participation in the budget process: The effect of city managers. *Journal of Public Budgeting, Accounting & Financial Management*. 2009;21(2):289-317
10. Berner M, Amos J, Morse R. What constitutes effective citizen participation in local government? Views from city stakeholders. *Public Administration Quarterly*. 2011;35(1):1-20.
11. Ebdon C, Franklin AL. Citizen participation in budgeting theory. *Public Administration Review*. 2006;66(3):437-447.
12. Franklin AL, Ho AT, Ebdon C. Participatory budgeting in midwestern states: Democratic connection or citizen disconnection. *Public Budgeting and Finance*. 2009;29(3):52-73.
13. Choi I. What explains the success of participatory budgeting? Evidence from Seoul autonomous districts. *Journal of Deliberative Democracy*. 2014;10(2):1-15.
14. Carroll C, Crum T, Gaete C, Hadden M, Weber R. Democratizing tax increment financing funds through participatory budgeting. Chicago, IL: Blocks Together, Great Cities Institute, and Participatory Budgeting Project; 2016.
15. Wampler B. Guide to Participatory Budgeting. In: Shah A, editor. *Participatory Budgeting*. Washington D.C.: World Bank Publications; 2007. p. 21-53.
16. Touchton M, Wampler B. Improving social well-being through new democratic institutions. *Comparative Political Studies*. 2014;47(10):1442-1469.
17. Callahan K. The utilization and effectiveness of citizen advisory committees in the budget process of local governments. *Journal of Public Budgeting, Accounting & Financial Management*. 2002;14(3):423-444.
18. Duncombe W, Robbins MD, Stonecash J. Measuring citizen preferences for public services using surveys: Does a "gray peril" threaten public funding for education? *Public Budgeting and Finance*. 2003;23(1):45-72.
19. Justice JB, Dülger C. Fiscal transparency and authentic citizen participation in public budgeting: The role of third-party intermediation. *Journal of Public Budgeting, Accounting & Financial Management*. 2009;21(2):254-288.
20. Orosz JF. Views from the field: Creating a place for authentic citizen participation in budgeting. *Journal of Public Budgeting, Accounting & Financial Management*. 2002;14(3):423-444.
21. Robbins MD, Simonsen B, Shepard E. Citizens, budgets and performance measures: A case study of West Hartford, Connecticut. *Journal of Public Budgeting, Accounting & Financial Management*. 2009;21(3):426-453.
22. Tănasea GL, Ștefănescu A, Cosmina I. Participatory budgeting in public sector entities-framework development. *AMIS IAAER 2019*. 2019;326.

23. Kantor IA, Greab CG. Experimental local governance in Romania. An exploratory study on participatory budgeting in Cluj-Napoca. In: Hintea C, Moldovan BA, Radu BV, Suci RM, editors. Transylvanian International Conference in Public Administration Proceedings 2017. Bucarest: AMP; 2017. p. 257.
24. Watson DJ, Juster RJ, Johnson GW. Institutionalized use of citizen surveys in the budgetary and policy-making processes: A small town case study. *Public Administration Review*. 1991;51(3):232-239.
25. Berner M. Citizen participation in local government budgeting. *Popular Government*. 2001;66(3):23-30.
26. Berner M, Smith S. The state of the states: A review of state requirements for citizen participation in the local government budget process. *State and Local Government Review*. 2004;36(2):140-150.
27. Preisser V. Citizen-Based Budgeting: The Redding, California, Experiment-When the idea of citizen-based budgeting came to life, it produced de facto ambassadors for government throughout the city. *Public Management*. 1997;79:18-21.
28. King CS, Feltey KM, Susel BON. The question of participation: Toward authentic public participation in public administration. *Public Administration Review*. 1998;58(4):317-326.
29. Marlowe J, Portillo S. Citizen engagement in local budgeting: Does diversity pay dividends? *Public Performance & Management Review*. 2006;30(2):179-202.
30. Roberts N. Public deliberation in an age of direct citizen participation. *The American Review of Public Administration*. 2004;34(4):315-353.
31. Rowe G, Frewer LJ. A typology of public engagement mechanisms. *Science, Technology, & Human Values*. 2005;30(2):251-290.
32. Yang, K., & Callahan, K. (2005). Assessing citizen involvement efforts by local governments. *Public Performance & Management Review*, 29(2), 191-216.
33. Yang K, Callahan K. Citizen involvement efforts and bureaucratic responsiveness: Participatory values, stakeholder pressures, and administrative practicality. *Public Administration Review*. 2007;67(2):249-264.
34. Yang K, Callahan K. Citizen involvement efforts and bureaucratic responsiveness: Participatory values, stakeholder pressures, and administrative practicality. *Public Administration Review*. 2007;67(2):249-264.
35. Ebdon C. The relationship between citizen involvement in the budget process and city structure and culture. *Public Productivity & Management Review*. 2000;23(3):383-393.
36. Aziz, H., & Shah, N. (2021). Participatory budgeting: Models and approaches. *Pathways Between Social Science and Computational Social Science: Theories, Methods, and Interpretations*, 215-236.
37. Zhang Y, Liao Y. Participatory budgeting in local government: Evidence from New Jersey Municipalities. *Public Performance & Management Review*. 2011;35(2):281-302.
38. Bhusal T. Citizen participation in times of crisis: Understanding participatory budget during the COVID-19 pandemic in Nepal. *ASEAN Journal of Community Engagement*. 2020;4(2):321-341.
39. Mehdian Nasab J, Manai J. Participatory Budgeting Experience in Brazil and Its Feasibility in Iran. *Third International Conference on Challenges and New Solutions in Industrial Engineering, Management and Accounting*; 1401; Chabahar. Persian.
40. Sartipizadeh F. Identifying and prioritizing the necessary requirements for operationalizing participatory budgeting in the 22 districts of Tehran [Master's thesis]. Farabi Campus, University of Tehran, Faculty of Management and Accounting; 2018. Persian.
41. Almy TA. City managers, public avoidance, and revenue sharing. *Public Administration Review*. 1977;37(1):19-27.
42. Franklin AL, Ebdon C. Are we all touching the same camel? Exploring a model of participation in budgeting. *The American Review of Public Administration*. 2005;35(2):168-185.
43. Wang X. Assessing public participation in U.S. cities. *Public Performance Management Review*. 2001;24(4):322-336.
44. Weber EP. A new vanguard for the environment: Grass-roots ecosystem management as a new environmental movement. *Society and Resources*. 2000;13(3):237-259.

45. Moynihan DP. Citizen participation in budgeting: Prospects for developing countries. In: Shah A, editor. Participatory budgeting. Washington, DC: World Bank; 2007. p. 53-85.
46. Ewens H, van der Voet J. Organizational complexity and participatory innovation: participatory budgeting in local government. *Public Management Review*. 2019;21(12):1848-1866.
47. Kelleher C, Lowery D. Political participation and metropolitan institutional context. *Urban Affairs Review*. 2004;39(6):720-757.
48. Irvin RA, Stansbury J. Citizen participation in decision making: Is it worth the effort? *Public Administration Review*. 2004;64(1):55-65.
49. Milosavljević M, Spasenić Ž, Benković S, Dmitrović V. Participatory budgeting in Serbia: lessons learnt from pilot projects. *Lex Localis*. 2020;18(4):999-1021.
50. Hong S. Citizen participation in budgeting: A trade-off between knowledge and inclusiveness? *Public Administration Review*. 2015;75(4):572-582.
51. Maravilla GAR, Grayman JH. Understanding participatory budgeting through formal and informal processes of inclusion: a case study in the Philippines. *Development in Practice*. 2020;30(4):448-458.
52. de Azevedo RR, Cardoso RL, da Cunha ASM, Wampler B. Participatory budgeting and budget dynamics in the public sector. *Revista de Contabilidade e Organizações*. 2022;16:1-20.
53. Shah A, editor. Participatory budgeting. World Bank Publications; 2007.
54. Cucciniello M, Nasi G. Transparency for trust in government: How effective is formal transparency? *International Journal of Public Administration*. 2014;37(13):911-921.
55. Seo J. A study on development of participatory budgeting models based on types of local governments. Korea Research Institute of Local Administration (in Korean). 2017.
56. Bjorkman M, Svensson J. Power to the people: Evidence from a randomized field experiment on community-based monitoring in Uganda. *The Quarterly Journal of Economics*. 2009;124(2):735-769.
57. Kim GH, Lee EK. Gap of understanding on citizen participatory budgeting. *The Journal of the Korea Contents Association*. 2009;9(2):289-300.
58. Krishnan GV. Does Big 6 auditor industry expertise constrain earnings management? *Accounting Horizons*. 2003;17(s1):1-16.
59. Stromberg D. Radio's impact on public spending. *The Quarterly Journal of Economics*. 2004;119(1):189-221.
60. Touchton M, Wampler B, Spada P. The digital revolution and governance in Brazil: Evidence from participatory budgeting. *Journal of Information Technology & Politics*. 2019;16(2):154-168.





## An Analysis of the Optimal Size of Neighborhoods (in Terms of Population and Area) in Tehran Metropolis

Neda Mirakbari<sup>1\*</sup> | Amirhosein Pourjohari<sup>2</sup> | Maryam Abhari<sup>3</sup>

1. Corresponding Author, Master's Degree in urban Planning, Islamic Azad University, Ghazvin Branch. Email: [Mirakbari.n@gmail.com](mailto:Mirakbari.n@gmail.com)

2. PhD in Urban Planning, faculty member of the Urban Planning Department, Islamic Azad University, Shahr-e-Quds Branch, Iran. Email: [pourja@gmail.com](mailto:pourja@gmail.com)

3. PhD in Geography and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Iran. Email: [Abhari.57@gmail.com](mailto:Abhari.57@gmail.com)

### ARTICLE INFO

**Article type:**  
Research Paper

**Article History:**

Received 16 October 2024

Revised 15 November 2024

Accepted 20 December 2024

Published Online 04 January 2025

**Keywords:**

Urban divisions,  
neighborhood,  
population,  
Tehran.

### ABSTRACT

In the literature on urban planning, neighborhoods hold significant importance, and their optimal size in terms of population, area, and service levels has been defined by various scholars. Over time, these concepts have evolved in different countries and perspectives, and no universally agreed-upon standard has been presented. This paper reviews different views on the optimal size of a neighborhood and proposes an initial optimal population and area for neighborhoods in Tehran. Using a comparative analysis method, the current status of Tehran's neighborhoods in terms of population and area is examined and categorized, then compared with the optimal range. The results indicate that a new optimal standard needs to be defined for Tehran, as half of the neighborhoods do not fall within the acceptable range. This study emphasizes the necessity of establishing a specific framework for determining neighborhood boundaries to achieve spatial justice and equitable access to service.

**Cite this article:** Mirakbari, N.; Pourjohari, A. & Abhari, M. (2025). An Analysis of the Optimal Size of Neighborhoods (in Terms of Population and Area) in Tehran Metropolis. *Urban Development Policy Making*, 1 (1), 91-105. DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.503093.1007>



© Neda Mirakbari, Amirhosein Pourjohari, Maryam Abhari  
DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.503093.1007>

## 1. Introduction

The neighborhood, as an urban unit, can have various definitions provided by different scientific disciplines involved with cities. In urban planning, a neighborhood refers to a geographical and social unit that includes streets, buildings, public services, and amenities. In analyzing the optimal size of neighborhoods in the metropolis of Tehran, area and population are key factors. Tehran, as one of the largest and most dynamic metropolises in the world, faces multiple challenges in the distribution of urban resources and services. Population density and neighborhood area can have a direct impact on residents' quality of life and the efficiency of urban infrastructure. Increasing population in small neighborhoods can lead to pressure on infrastructure and public services, while larger neighborhoods with lower populations may suffer from a lack of access to essential services and amenities. Therefore, to achieve optimal distribution of urban services and resources, it is essential to balance the area and population of each neighborhood. This paper examines and analyzes the population and area dimensions of Tehran's neighborhoods and attempts to provide specific area and population ranges to

determine the optimal size of neighborhoods. The main goal of this analysis is to improve the quality of life for citizens and enhance managerial efficiency in the distribution of urban resources.

## **2. Methodology**

In this study, to determine the optimal level of neighborhoods in Tehran, the comparative-analytical method has been employed. The analytical-comparative method is one of the significant approaches in scientific and academic research that aims to gain a deeper understanding and analysis of various subjects by comparing and correlating data and information. As essential steps in the selected research method, the first focus is on finding the optimal size of Tehran's neighborhoods in terms of population and area. To this end, the current status of Tehran's neighborhoods in terms of population and area is examined and categorized. Then, a comparative-analytical analysis is conducted between the optimal population and area ranges derived from theoretical foundations and global experiences, and the current status of Tehran's neighborhoods. The results of this analysis indicate the extent to which area and population ranges can be guiding factors for decision-making

## **3. Conclusion**

The investigations in Tehran city showed that there are 352 neighborhoods in Tehran, with nearly half of them having an area between 50 to 150 hectares and a population between 10 to 25 thousand people.

On the other hand, the acceptable ranges from the theoretical literature led to acceptable area (88 to 164 hectares) and population (12 to 23 thousand people). The examination of Tehran's status showed that about one-third of the neighborhoods fall within the acceptable population range and one-third within the acceptable area range.

Therefore, it seems that the acceptable ranges still do not respond to a major part of the divisions at the neighborhood level. Moreover, the determination of each neighborhood boundary, in addition to population and area issues, is influenced by the resident population, social and cultural homogeneity, the existence of definitive boundaries, etc. Thus, it appears that determining an acceptable range and setting neighborhood boundaries considering all these factors may not be possible.

Based on this, it is suggested to consider other levels like neighborhood units for service provision, which can be increased in number according to the acceptable population and area ranges, while other cultural and social factors affecting the neighborhood level remain unaffected.



## تحلیلی بر اندازه مطلوب محلات (از بعد جمعیت و مساحت) در کلان شهر تهران

ندا میراکبری<sup>۱\*</sup> | امیرحسین پورجوهری<sup>۲</sup> | مریم ابهری<sup>۳</sup>

۱. نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین. رایانامه: [Mirakbari.n@gmail.com](mailto:Mirakbari.n@gmail.com)

۲. دکتری شهرسازی، عضو هیئت علمی گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس. رایانامه: [pourja@gmail.com](mailto:pourja@gmail.com)

۳. دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی. رایانامه: [Abhari.57@gmail.com](mailto:Abhari.57@gmail.com)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

در ادبیات برنامه‌ریزی شهری، محله جایگاه مهمی دارد و اندازه مطلوب آن از نظر جمعیت، مساحت و سطح خدمات توسط اندیشمندان مختلف تعیین شده است. با گذشت زمان، این مفاهیم در کشورهای مختلف و از دیدگاه‌های متفاوت، تغییر یافته‌اند و هنوز حد مطلوبی که مورد توافق همگان باشد، ارائه نشده است. این مقاله به بررسی آرای مختلف درباره اندازه مطلوب محله و تعیین یک حد مطلوب جمعیتی و مساحتی در شهر تهران می‌پردازد. با استفاده از روش تحلیل تطبیقی - مقایسه‌ای، وضعیت موجود محلات تهران از حیث جمعیت و مساحت بررسی و طبقه‌بندی شده و سپس با بازه مطلوب مقایسه می‌شود. نتایج نشان می‌دهد لازم است حد مطلوب جدیدی برای تهران تعریف شود، زیرا نیمی از محلات در بازه قابل قبول قرار ندارند. این تحقیق تأکید می‌کند که برای دستیابی به عدالت فضایی و دسترسی عادلانه به خدمات، رسیدن به چارچوبی مشخص برای تعیین محدوده محلات ضروری است. حال آنکه این چارچوب می‌تواند اضافه کردن یک سطح جدید به ساختار تقسیمات شهری شهر تهران باشد.

#### نوع مقاله:

پژوهشی

#### تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

#### کلیدواژه:

تقسیمات شهری،

محله،

جمعیت،

تهران.

**استناد:** میراکبری، ندا؛ پورجوهری، امیرحسین و ابهری، مریم (۱۴۰۳). تحلیلی بر اندازه مطلوب محلات (از بعد جمعیت و مساحت) در کلان شهر تهران. *سیاستگذاری*

پیشرفت شهری، ۱(۱) ۹۱-۱۰۵. DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.503093.1007>

© ندا میراکبری، امیرحسین پورجوهری، مریم ابهری

DOI: <http://doi.org/10.22034/judpm.2025.503093.1007>



## ۱. مقدمه

محل به عنوان یک واحد شهری می‌تواند تعریف‌های گوناگونی داشته باشد و توسط رشته‌های گوناگون علمی که با شهر سروکار داشته‌اند تعریف شده است. در علم شهرسازی، محله به واحدی جغرافیایی و اجتماعی گفته می‌شود که مجموعه‌ای از خیابان‌ها، ساختمان‌ها، خدمات و امکانات عمومی را شامل می‌شود. در تحلیل اندازه مطلوب محلات در کلان‌شهر تهران، مساحت و جمعیت به عنوان دو عامل کلیدی مطرح می‌شوند. شهر تهران به عنوان یکی از کلان‌شهرهای بزرگ و پویای جهان، با چالش‌های متعددی در زمینه توزیع منابع و خدمات شهری روبه‌روست. تراکم جمعیت و مساحت محلات می‌تواند تأثیر مستقیمی بر کیفیت زندگی ساکنان و کارایی زیرساخت‌های شهری داشته باشند. از یک سو، افزایش جمعیت در محلات کوچک ممکن است به فشار بر زیرساخت‌ها و خدمات عمومی منجر شود، در حالی که محلات بزرگ‌تر با جمعیت کمتر ممکن است از نقص در دسترسی به خدمات و امکانات ضروری رنج ببرند. بنابراین، برای دستیابی به توزیع بهینه خدمات و منابع شهری، ضروری است که تعادلی میان مساحت و جمعیت هر محله برقرار شود. این مقاله به بررسی و تحلیل ابعاد جمعیتی و مساحتی محلات تهران می‌پردازد و تلاش می‌کند بازه مساحتی و جمعیتی مشخصی را به منظور تعیین اندازه مطلوب محلات ارائه دهد. هدف اصلی این تحلیل، بهبود کیفیت زندگی شهروندان و افزایش کارایی مدیریتی در توزیع منابع شهری است.

## ۲. تاریخچه تحقیق

بررسی‌های باستان‌شناسی و تاریخی نشان می‌دهد تقسیم فضایی شهرها به مناطق مسکونی از جمله محلات شهری، نشانه زندگی شهری از شهرهای اولیه تا عصر حاضر است. بررسی تاریخ شهرنشینی ایران نشان می‌دهد در شهرهای تاریخی ایران، شالوده سازمان فضایی - کالبدی شهر بر نظام محله‌بندی استوار بوده است و محله به عنوان واحد پایه‌ای و نظم‌دهنده ساختار فضایی و اجتماعی شهر، به قدری در شکل‌گیری آن تأثیر داشته که وجود محله‌ها، مبنای تعریف شهرها می‌شده‌اند.

بعد از انقلاب صنعتی در کشورهای غربی و تغییرات گسترده در نظام‌های اجتماعی و اقتصادی، ساختار فضایی و اجتماعی شهرها نیز دگرگون شد. شروع توجه علمی به موضوع محله از دهه ۱۹۱۰ آغاز شد. برای اولین بار کلرنس پری از مفهوم واحد همسایگی برای حل مشکل حمل‌ونقل در بسیاری از مراکز شهری و مناطق مسکونی در دسترسی ساکنان به مدارس ابتدایی و مراکز تجاری استفاده کرد. مفهوم محله در نظریه او، یک طرح برای آرایش زندگی اجتماعی خانواده‌ها بود.

اولین تجربه در این زمینه را می‌توان احداث محله رادبرن دانست [۱]. تمرکز اشتین و رایت بر جنبه‌های فیزیکی مفهوم همسایگی، ایجاد مرکز خرید، فضای سبز و ساماندهی سکونت بود و موضوعات اجتماعی و مزایای آن فقط فرضیه‌های طراحی بودند. در عمل نیز طرح رادبرن تنها تا حدودی به اهداف اجتماعی دست یافت. پس از جنگ جهانی دوم، مطالعه بسیاری درباره طراحی و چگونگی بهبود کیفیت شهرها صورت گرفت که بر مفهوم همسایگی تأکید داشت. در انگلستان مفهوم همسایگی مورد قبول قرار گرفت و برخی از تأثیرگذارترین برنامه‌ریزان در حوزه اراضی آن را دنبال می‌کردند [۲]. در نیمه دوم قرن بیستم الگوهای جدیدی به وجود آمدند. در این دوران برای به دست آوردن روشی ایده‌آل برای زندگی و سپس، طراحی محیطی فیزیکی، تحقیقاتی صورت گرفته که هدف آنان به وجود آوردن نظم برای زندگی اجتماعی است.

بررسی پیشینه مفهومی محله در دوران‌های مختلف نشان می‌دهد که اصلی‌ترین دغدغه تمام نظریه‌پردازان در تعریف محله، تسهیل دسترسی ساکنان به خدمات بوده است، زیرا این امر در ارتقای رضایت و کیفیت زندگی شهروندان تأثیر بسزایی دارد.

## ۳. پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق در خصوص تعیین اندازه مطلوب محلات بر اساس ابعاد جمعیتی و مساحتی شامل مطالعاتی است که به تحلیل و بررسی مسائل مختلف مرتبط با توزیع جمعیت و منابع در محلات شهری پرداخته‌اند که عبارت‌اند از:

۱. مقاله «بررسی و ارزیابی خدمات و زیرساخت‌های شهری با رویکرد عدالت فضایی مورد مطالعه: نواحی شهر ایلام»؛ سارا

سوخته زاری؛ نشریه جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۲، شماره ۳: ۱۳۹۸

هدف این پژوهش، بررسی توزیع فضایی خدمات و زیرساخت‌های شهری در نواحی شهر ایلام است. نتایج پژوهش لزوم رویکرد عدالت فضایی را در عرصه برنامه‌های شهری و آتی به‌خصوص برنامه راهبردی - اجرایی شهر ایلام جهت استقرار فضایی بهینه‌تر این خدمات و شاخص‌ها را در سطح نواحی شهر ایلام آشکار می‌سازد.

۲. مقاله «تحلیلی بر پراکنش جمعیت و توزیع خدمات شهری بر پایه عدالت فضایی (مطالعه موردی: شهر اردبیل)»؛ توکلی‌نیا جمیله،

مسلمی آرمان، فیروزی ابراهیم، بندانی سارا؛ نشریه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، دوره ۳، شماره ۳؛ ۱۳۹۴

هدف این پژوهش، ارزیابی میزان هماهنگی در پراکنندگی جمعیت و توزیع خدمات در نواحی شهر اردبیل بوده است. نتایج تحقیق نشان داده است که میان پراکنندگی جمعیت و توزیع خدمات در نواحی شهر اردبیل رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین، ضمن افزایش شاخص‌های خدمات شهری در سطح نواحی شهر اردبیل، برقراری ارتباط هماهنگ و مؤثر بین پراکنندگی جمعیت و توزیع خدمات در نواحی شهر اردبیل ضروری به نظر می‌رسد.

۳. مقاله «سنجش شاخص‌های مؤثر بر مطلوبیت محلات شهری با استفاده از معادله رگرسیونی چندمتغیره (مطالعه موردی:

محلات شهر اصفهان)»؛ محمدی محمود، شاهپوندی احمد، ایزدی آرزو؛ نشریه برنامه‌ریزی فضایی؛ دوره ۳؛ شماره ۳؛

۱۳۹۲

این پژوهش با هدف سنجش شاخص‌های مؤثر بر کیفیت محلات مطلوب شهر اصفهان انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد میزان همبستگی متغیرهای مستقل (سودآوری اقتصادی، خدمات‌رسانی، آرامش محیطی، دسترسی به رودخانه زاینده‌رود، عرض مناسب معابر، دسترسی به سایر مناطق) با متغیر وابسته (مطلوبیت) ۰/۹۹۶ است که نشان از همبستگی قوی بین متغیرها می‌کند.

بررسی پیشینیانه تحقیق نشان می‌دهد شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و تأثیر ابعاد جمعیتی و مساحتی بر کیفیت زیست‌پذیری محلات تأثیرگذار بوده است، اما باید توجه داشت که پژوهش‌های مشخصی در خصوص محلات شهر تهران طی سال‌های اخیر صورت نپذیرفته است. حال آنکه با توجه بر مبرهن بودن تأثیر این دو عامل (جمعیت و مساحت محلات) در کیفیت زیست شهری، سعی بر آن است تا بازه مشخصی از ابعاد جمعیتی و مساحتی محلات شهر تهران ارائه شود.

#### ۴. مبانی نظری

با آنکه نخستین بار ابنزهر هوارد (۱۸۹۸) در باغ‌شهر خود از مدل یک اتوپیای مبتنی بر نظام محله‌ای صحبت به میان آورد و پس از او مکزی (۱۹۲۰) با مدل سکونت صنعتی خود سیستم محله‌های سنتی مورد نظر خود را شرح داد، اما این کلرنس پری (۱۹۲۹) بود که برای نخستین بار از واحدهای همسایگی صحبت کرد که برای توسعه سکونت در کلان‌شهرها کاربرد داشتند.

واحد همسایگی (محله) مورد نظر پری محدوده‌ای با مساحت حدود ۶۴۷ مترمربع بوده که جمعیتی حدود ۵ هزار نفر را در خود جای می‌دهد. مساحت مورد نظر پری مساحتی است که بتوان از هر جای آن با ۵ دقیقه پیاده‌روی به مرکز آن که یک دبستان در آن قرار دارد، رسید. برای تعداد جمعیت نیز فرض شد که ۵ هزار نفر جمعیت برای استفاده از یک دبستان به اندازه کافی بزرگ هست [۳ و ۴]. طرح پری دارای ۶ اصل شامل: حد و اندازه، لبه، فضای باز، مراکز عمومی، فروشگاه‌های محلی و سیستم خیابان داخلی بوده است.

ابتدای دهه ۱۹۸۰ ایده «شهرسازی نوین» مطرح شد که هدف آن کم کردن تأثیر اتومبیل بر زندگی روزمره ساکنان شهرها بود. مشخصه اصلی این نگرش، انسان‌گرا بودن، برجسته کردن نقش انسان در شهر امروزی به همان صورتی که در گذشته بود و ایجاد بافت شهری با مشخصه اصلی پیاده‌روی ساکنان برای تأمین مایحتاج و انجام کارهای روزانه و داشتن مقیاس انسانی است [۵، ۶].

در این ایده، یک واحد همسایگی مطلوب ویژگی‌های زیر را دارد:

- دارای یک مرکز و لبه باشد؛

- اندازه بهینه واحد همسایگی، یک‌چهارم مایل از مرکز تا لبه باشد؛

- واحد همسایگی ترکیبی متوازن از فعالیت‌ها شامل سکونتگاه‌ها، مغازه‌ها، محل‌های کار و مدارس باشد؛

- ساختار ترافیکی واحدهای همسایگی از شبکه‌ای مناسب از خیابان‌های بهم‌متصل ساخته شده‌اند؛

- واحد همسایگی به فضای عمومی و همچنین مکان‌یابی مناسب از خیابان‌های شهر اهمیت بدهد. یک نظریه مهم در این راستا عبارت است از: «توسعه واحدهای همسایگی سنتی (TND)»<sup>۱</sup> که نخستین بار به وسیله دوانی و زایبرک مطرح شد. آن‌ها به محله‌هایی فشرده با کاربری مختلط و اولویت عابر پیاده و مناطقی با موقعیت مناسب و کریدورهای کارکردی و زیبا که می‌توانند محیط‌های طبیعی و انسان‌ساخت را در قالب کلیتی پایدار و ماندنی انسجام بخشند، معتقد بودند. دوانی و زایبرک ایده واحد همسایگی پری را این‌گونه گسترش دادند که محدوده همان ۵ دقیقه پیاده‌روی استاندارد محله باشد و علاوه بر آن ایستگاه اتوبوس، پارکینگ و مرکز آموزشی در مرکز آن نیز پیش‌بینی شود [۷ و ۸].

در مطالعات اخیر، پیشنهادها مشابه همان الگوی اولیه واحد همسایگی پری در نظر گرفته شده و مساحت محله را محدوده‌ای به شعاع یک‌چهارم تا نیم مایل (۴۰۰ تا ۸۰۰ متر) از مرکز محله در نظر می‌گیرند، اما واحد آموزشی به جای مرکز در لبه قرار می‌گیرد تا بتواند به چند محله خدمات دهد [۹].

ایده دیگر، در ارتباط با مجموعه با محوریت حمل‌ونقل (TOD)<sup>۲</sup> مطرح است. هر TOD یک محله متراکم فشرده‌ای است که ترکیبی از فروشگاه‌ها، خانه‌ها و ادارات را در یک منطقه فشرده و قابل پیاده‌روی به دور یک ایستگاه حمل‌ونقل مستقر می‌کند و اندازه هر محله باید به گونه‌ای باشد که حداکثر پیاده‌روی در نقاط مختلف تا مراکز تجاری و ایستگاه حمل‌ونقل عمومی در ده دقیقه قابل طی کردن باشد [۱۰ و ۱۱]. به این ترتیب، رابطه مستقیمی میان الگوی حمل‌ونقل عمومی و کاربری زمین، برقرار می‌شود. ایده اصلی این بوده است که نقاط مبدأ و مقصد بیشتری در فاصله قابل پیاده‌روی از ایستگاه حمل‌ونقل قرار بگیرند و افراد بیشتری از ایستگاه استفاده کنند. مدل مجموعه با محوریت حمل‌ونقل از یک حمل‌ونقل ریلی کارآمد برخوردار است، اما به علت بالا رفتن هزینه‌ها، در فاصله قابل پیاده‌روی (۱۰ دقیقه) از ایستگاه‌ها، مناطق مسکونی باید از تراکم بالا برخوردار باشد [۱۲ و ۱۳]. مراکز تجاری و مؤسسه‌های عمومی در کنار ایستگاه‌ها متمرکز شده‌اند تا دسترسی برای ساکنان و مسافران آسان باشد.

یکی از ملزومات سیستم مجموعه با محوریت حمل‌ونقل، تأمین تراکم مورد نیاز برای استفاده از حمل‌ونقل است. نکته قابل توجه اینکه در مقایسه با طراحی محله سنتی نسبت کوچک‌تری از ناحیه مجموعه با محوریت حمل‌ونقل در محدوده ۵ دقیقه پیاده‌روی قرار می‌گیرد. در مجموعه‌های با محوریت حمل‌ونقل که برای استفاده از مزیت حمل‌ونقل ریلی (نسبت به حمل‌ونقل اتوبوس در دیگر مدل‌ها) ساخته شده‌اند فاصله پیاده‌روی به ۱۰ دقیقه به شعاع نیم مایل افزایش یافته است که این افزایش ۴۰ درصد از نواحی متراکم را دربرمی‌گیرد.

بررسی‌ها نشان داد ادبیات موضوع، سلسله‌مراتبی از تقسیمات شهری را مبتنی بر محله و برحسب معیارهای کالبدی، روابط اجتماعی و اهمیت سیاسی، تعریف کرده که عبارت است از:

#### ۴-۱. معیارهای کالبدی

ویژگی‌های کالبدی فاکتوری است که بیش از سایر معیارها در سلسله‌مراتب محله‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. در دهه ۱۹۴۰ پان نلسون سلسله‌مراتبی را از محله‌ها برحسب خدماتی که ارائه می‌دهند، به‌خصوص خدمات آموزشی، ارائه داد [۹].

اشنیدر [۱۱] با الهام از واحدهای همسایگی پری، چهار سطح از تقسیمات را معرفی کرد که هر سطح شامل چهار یا پنج واحد از سطح پایین‌تر است:

- کوی مسکونی<sup>۳</sup>: کوچک‌ترین واحد دارای سازمان مشخص است که مبتنی بر تسهیلات مورد نیاز کودکان شامل مهدکودک، زمین بازی، فضای آموزشی بزرگسالان، سالن اجتماعات و واحد تجاری خرید روزانه، شناخته می‌شود. جمعیت این واحد حدود ۱۲۰۰ نفر است.
- محله<sup>۴</sup>: معمولاً بر اساس دبستان، پارک محلی، مرکز و سالن اجتماعات و واحدهای تجاری محلی تعریف می‌شود. جمعیت محله حدود ۵ هزار نفر است.

1. Traditional Neighborhood Development  
2. Transit Oriented Development  
3. Residential Neighborhood  
4. Neighborhood

- ناحیه<sup>۱</sup>: دارای مراکز آموزشی برای مقاطع بالاتر است که فضای سبز بزرگ‌تری نیز دارد. سالن همایش، ورزشگاه، خدمات اجتماعی و تفریحی، خدمات آموزشی بزرگسالان، مراکز خرید و مراکز بهداشتی و درمانی نیز از خدمات موجود در ناحیه هستند جمعیت پیشنهادی برای این سطح، ۲۵ هزار نفر است.
- منطقه<sup>۲</sup>: بزرگ‌ترین سطح از تقسیمات است که احتمالاً دارای دبیرستان، مرکز فرهنگی، خدمات اجتماعی و تفریحی، نهاد مدیریت شهری یا بیمارستان است. جمعیت یک منطقه حدود ۷۵ هزار نفر است.
- مارانز و راجرز نیز از ویژگی‌های کالبدی برای جدا کردن سطوح تقسیمات شهری در سه سطح استفاده کردند:
- خرد- محله<sup>۳</sup>: به محلات خیلی کوچک شهری اشاره دارد که از کنار هم قرار گرفتن و خوشه شدن شش قطعه مسکونی یا بیشتر ایجاد می‌شود.
- محله: معمولاً با مرکز آموزشی متوسطه شناخته می‌شود که توسط معابر اصلی محدود باشد. محله از یک خرد محله بزرگ‌تر است و احتمالاً گروه اجتماعی مشخصی دارد.
- گروه اجتماعی<sup>۴</sup>: از محله بزرگ‌تر است و معمولاً از نظر سیاسی تعریف مشخصی دارد.
- انجمن برنامه‌ریزی آمریکا (۲۰۰۶) با الهام از چاسکین (۱۹۹۸) و ساتلز (۱۹۷۲) ویژگی‌های مورد نیاز فیزیکی را برای هر سطح با جزئیات بیشتری ارائه داده است:
- بلوک مسکونی<sup>۵</sup>: شامل قطعات مسکونی هستند که در محدوده تشکیل شده از تقاطع معابر قرار دارند. نزدیکی فیزیکی در یک بلوک مسکونی به شکل‌گیری روابط و تعاملات افراد منجر می‌شود، ولی این تعاملات به حدی نیست که بر پروژه‌های برنامه‌ریزی تأثیرگذار باشد.
- محله مسکونی<sup>۶</sup>: از چندین بلوک تشکیل شده است. محله معمولاً دارای خدمات و زیرساخت‌هایی مانند پارک، فضای شهری، واحدهای تجاری و دسترسی به سیستم حمل‌ونقل شهری است. محله مناسب‌ترین واحد برای جلب مشارکت ساکنانش است، اما برای تغییر سیستم‌های بزرگی مانند توسعه اقتصادی یا همکاری نهادها، مناسب نیست.
- حوزه نهادی<sup>۷</sup>: شامل چند محله مسکونی است که مرزهایی از نظر محدودیت‌های اداری و نهادی دارند. این حوزه‌ها باید به اندازه کافی بزرگ باشند که خدمات مشترکی مانند مدرسه، بیمارستان، کلینیک، نهاد دولتی و نهادهای مالی باشند.
- محققان محله را با جمعیت ۷۵۰۰ تا ۲۰ هزار نفر پیش‌بینی کردند که در مرکز آن عملکردهایی مانند داروخانه، تعمیرگاه خودرو و سوپرمارکت قرار می‌گیرد و دسترسی به مرکز حداکثر با ۶ دقیقه به صورت سواره فراهم می‌آید. این محدوده با در نظر داشتن سرعت حدود ۵۰ کیلومتر در ساعت تقریباً برابر ۷۲۰۰ هکتار خواهد بود. جمعیت ۲۰ تا ۱۰۰ هزار نفر نیز یک ناحیه را با یک مرکز خرید در میان آن تشکیل می‌دهد [۱۴].
- محققان چهار سطح از خدمات محلی را این‌گونه تعریف می‌کند:
- واحد تجاری نیش<sup>۸</sup>: محل فروش موارد مورد نیاز روزانه شامل فست‌فود، نوشیدنی و ... برای جمعیتی حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ خانوار.
- فروشگاه روزانه<sup>۹</sup>: فروش کالا و خدمات روزانه مانند داروخانه، سوپرمارکت، نانوايي، خشک‌شویی که حدود ۲ هزار خانوار را تحت پوشش دارد.

1. District
2. Section
3. Macro- Neighborhood
4. Community
5. Face-blocks
6. Neighborhood
7. Institutional Neighborhood
8. Corner Stores
9. Convenience Stores

- مرکز محله<sup>۱</sup>: شامل سوپرمارکت بزرگ و ۱۰ تا ۱۵ واحد تجاری خرده‌فروشی دیگر که مراجعه به آن معمولاً هفتگی خواهد بود. مرکز محله حدود ۶ تا ۸ هزار خانوار را تحت پوشش دارد.
- مرکز اجتماع<sup>۲</sup> [۱۵]

#### ۴-۲. معیارهای اجتماعی و اداری

- علاوه بر ویژگی‌های کالبدی، روابط اجتماعی و مرزهای اداری نیز برای تعریف سطوح مختلف تقسیمات استفاده می‌شوند.
- بیرچ و همکارانش [۱۶] و گالتسر و هلمس [۱۷] چهار سطح را بر این اساس تعریف کرده‌اند:
- محله سطح اول<sup>۳</sup>: به یک بلوک مسکونی که کودکان در آن امکان بازی دارند، اشاره دارد. این محدوده شامل ۱۲ قطعه مسکونی یا بیشتر است.
  - محله سطح دوم<sup>۴</sup>: محدوده‌ای است که ساکنان آن دارای وضعیت اجتماعی - اقتصادی همگن و نزدیکی هستند، به طوری که نسبت به هم احساس نزدیکی اجتماعی - اقتصادی<sup>۵</sup> دارند. این محدوده شامل چندین بلوک (محله سطح اول) است.
  - محله ناهمگن<sup>۶</sup>: دارای هویت و زیرساخت‌های مشترکی است. معمولاً با نام مشترک، مرزهای خدمات‌رسانی آموزشی و یا شریان‌های اصلی حمل‌ونقل، از سایر قسمت‌های شهر متمایز می‌شود. محله‌های ناهمگن دارای چندین گروه با نزدیکی اجتماعی - اقتصادی است.
  - محدوده‌های حاشیه شهر<sup>۷</sup>: به محدوده‌های بزرگ‌تری اشاره دارد که دارای هویت اداری مستقل مانند حومه، نقاط منفصل شهری، یا زیرمنطقه مجموعه شهری هستند [۱۸].
- ندیو و همکاران [۱۹] نیز بر همین اساس چهار سطح را معرفی کرده است:
- بلوک شهری<sup>۸</sup>: به همسایگی مبتنی بر شبکه محلی اشاره دارد. ساکنان از زیرساخت‌های مشترک استفاده می‌کنند و دارای روابط ساده و صمیمی با هم هستند. بنابراین، مرز فیزیکی مشخصی برای آن وجود ندارد.
  - محله حمایت‌شده<sup>۹</sup>: یک واحد سطح اول است که در آن هویت محلی و روابط پیچیده‌ای وجود دارد. به این سطح محله مسکونی نیز گفته می‌شود و یک فضای امن برای اعضا ایجاد می‌کند. اندازه محله متغیر است. ممکن است مجموعه‌ای از تعداد کمی بلوک مسکونی یا بزرگ‌تر باشد، اما لازم است به اندازه کافی بزرگ باشد تا خدمات روزانه مانند خرید روزانه و کلیسا را فراهم آورد.
  - یک ناحیه با مسئولیت‌های محدود<sup>۱۰</sup>: یک مرز مشخص اداری دارد که توسط نهاد مدیریت شهری یا سایر سازمان‌ها کشیده شده است. بنابراین، به آن سطح نهادی<sup>۱۱</sup> نیز گفته می‌شود. این واحد اداری خدمات متنوعی که زندگی شهری را تسهیل می‌کند، فراهم می‌آورد.
  - ناحیه توسعه‌یافته با مسئولیت‌های محدود<sup>۱۲</sup>: یک خوشه از زیرناحیه‌هاست و محدوده وسیعی را دربرمی‌گیرد. معمولاً نام مشخصی دارد برای مثال محله هارلم در نیویورک. مرزهای این محدوده مشخص و تعریف شده است.
- بیرنه و همکاران در تحقیقی بیان کرده‌اند که [۲۰] با تأکید بیشتر روی روابط فردی و تأثیر سیاسی نسبت به ویژگی‌های کالبدی، سه سطح را معرفی کرده است:

1. Neighborhood Center
2. Community Center
3. Primary Neighborhood
4. Secondary Neighborhood
5. Socioeconomic Brotherhood
6. Heterogeneous Neighborhood
7. Subareas
8. Face-block
9. Defended Neighborhood
10. Community Of Limited Liability
11. Institutional Neighborhood
12. Expanded Community Of Limited Liability

- محله‌های خیابانی<sup>۱</sup> بر آشنایی‌ها و روابط فردی در طول خیابان تأکید دارد. به دلیل همپوشانی ادراک و تعاملات فردی، مرزهای این نوع از محله به خوبی مشخص نیست. این محله‌های خیابانی کوچک‌ترین و درعین حال سرزنده و مؤثرترین واحدهای شهری هستند.
  - ناحیهٔ بزرگ<sup>۲</sup> به محدوده‌ای با نام مشخص و سکونت ۱۰۰ هزار نفر یا بیشتر اشاره دارد. این نواحی دارای قدرت سیاسی میانه برای مطالبه‌گری برای ساکنان، گردشگران و یا کارگران در حوزهٔ خود هستند [۱۸].
  - جیکوبز در سطح سوم کل شهر را به‌مثابه یک واحد بزرگ تأمین خدمات و علاقه‌مندی‌های مشترک تعریف می‌کند که در آن افراد با یکدیگر در ارتباط‌اند. در واقع، او این درجه از یکپارچگی شهری را ارزشمندترین سرمایهٔ آن تعریف می‌کند. محله در مبانی نظری و تجربیات عملی، دارای دو مفهوم کلی است که عبارت‌اند از:
    - محله به عنوان واحد همسایگی
    - محله به مفهوم سنتی
- در وضع موجود شهر تهران، به نظر می‌رسد محله به مفهوم سنتی، تنها در بعضی محدوده‌های مرکزی و جنوبی شهر، جایگاه داشته باشد و در نهایت آنچه از محله مد نظر مدیریت شهری است، مفهوم واحد همسایگی است. بررسی مبانی نظری شاخص‌های متفاوتی را برای تعریف واحد همسایگی ارائه کرده است. جدول ۱ مجموعه شاخص‌های ارائه‌شده را جمع‌بندی کرده است.

جدول ۱. مجموعه شاخص‌های تعریف‌کنندهٔ محله به عنوان یک واحد همسایگی

صاحب‌نظر	جمعیت	مساحت	حوزهٔ نفوذ	عملکردها
کلارنس پری، ۱۹۲۹	۵۰۰۰ نفر	۶۴۷ مترمربع	۵ دقیقه پیاده‌روی	دبستان، فضای باز، مراکز عمومی، فروشگاه‌های محلی
واحدهای همسایگی سنتی	-	شعاع یک‌چهارم تا نیم مایل (۴۰۰ تا ۸۰۰ متر) از مرکز محله	۵ دقیقه پیاده‌روی	ایستگاه اتوبوس، پارکینگ مرکز آموزشی
مجموعه با محوریت حمل‌ونقل	-	-	۱۰ دقیقه پیاده‌روی	ایستگاه حمل‌ونقل، فروشگاه‌ها
نلسون، ۱۹۴۰	۵۰۰۰ نفر	-	-	دبستان، پارک محلی، مرکز و سالن اجتماعات، واحدهای تجاری محلی
مارانز و راجرز، ۱۹۷۵	-	-	-	مرکز آموزشی متوسطه گروه اجتماعی مشخص
بیرچ و همکارانش، ۱۹۷۹ گالتسر و هسر، ۱۹۸۲	-	-	-	ساکنان آن دارای وضعیت اجتماعی - اقتصادی همگن و نزدیکی، شامل چندین بلوک
چاسکین، ۱۹۹۷	-	-	-	هویت محلی و روابط پیچیده مجموعه‌ای از تعداد کمی بلوک مسکونی یا بزرگ‌تر خدمات روزانه مانند خرید روزانه و کلیسا
انجمن برنامه‌ریزی آمریکا، ۲۰۰۶	-	-	-	پارک، فضای شهری، واحدهای تجاری و دسترسی به سیستم حمل‌ونقل شهری
اسپریرگن و دپاز (۲۰۰۶)	۲۰۰۰۰ تا ۷۵۰۰۰ نفر	۷۲۰۰ هکتار	۶ دقیقه سواره	داروخانه، تعمیرگاه خودرو سوپرمارکت
گیبیز (۲۰۱۱)	۲۰۰۰ خانوار	-	-	فروش کالا و خدمات روزانه مانند داروخانه، سوپرمارکت، نانواپی، خشک‌شویی
قانون تقسیمات شهری، ۱۳۹۵	۱۲۰۰۰ نفر	۱۱۰ هکتار	-	کاربری‌های روزمره

علاوه بر این، بررسی‌هایی در سطح ۱۸ کلان‌شهر دنیا انجام شد که مقیاس منطقه و تعداد محلات درون آن‌ها در قالب جدول ۲ استخراج شد.

جدول ۲. مقیاس منطقه و محله در کلان‌شهرهای دنیا

شهر	تعداد مناطق	بازه جمعیتی منطقه (هزار نفر)	بازه مساحت منطقه (کیلومتر مربع)	تعداد محله
برلین	۱۲	۲۲۳-۳۳۶	۲۰-۱۶۸	۹۶
بارسلونا	۱۰	۸۲-۲۶۲	۴-۲۱	۷۳
پاریس	۲۰	۱۷-۲۴۰	۱-۸/۵	۸۰
وین	۲۳	۱۶-۱۹۴	-	-
استکهلم	۲۹	۲۷-۱۲۶	۴-۲۵	-
آمستردام	۷	۸۲-۱۵۲	۷-۴۹	۲۶
لندن	۳۲	۱۵۵-۳۶۹	۸-۴۴	-
نیویورک	۵	۴۷۶ هزار تا ۲/۵ میلیون نفر	۵۱-۲۸۱	۵۹
شیکاگو	۷۷	۲-۱۰۰	۱-۳۵	۱۷۸
سن‌دیه‌گو	۹	۱۴۰-۱۴۷	-	-
دنور	۱۱	۵۲-۵۷	-	۸۸
توکیو	۲۳	۶۰-۹۱۰	۱۰-۶۰	-
ستول	۲۵	۱۴۰-۶۳۰	۱۰-۴۷	۵۲۲
شانگهای	۱۶	۶۵۸ هزار تا ۵ میلیون نفر	۲۰-۱۲۰۰	-
کوالالمپور	۱۱	۱۰-۲۲۸	-	-
استانبول	۳۹	۱۴-۷۲۴	-	-
بیروت	۱۲	-	-	۷۹
ملبورن	۱۳	-	-	-

بنابراین می‌توان جدول ۲ را در موارد زیر خلاصه کرد:

- جمعیت (بر اساس مطالعات اخیر): ۱۲ تا ۲۰ هزار نفر
- مساحت: ۱۱۰ تا ۷۲۰۰ هکتار
- عملکردها: مرکز آموزشی، فضای سبز، فروشگاه‌های محلی، ایستگاه حمل‌ونقل، پارکینگ، کلیسا (مسجد)، داروخانه، تعمیرگاه خودرو، نانوايي، خشک‌شویی

## ۵. روش انجام پژوهش

در این مطالعه، برای تعیین سطح مطلوب محله در شهر تهران، از روش تحلیل تطبیقی - مقایسه‌ای استفاده شده است. روش تحقیق تحلیلی - تطبیقی و مقایسه‌ای یکی از رویکردهای مهم در تحقیقات علمی و آکادمیک است که به منظور درک و تحلیل عمیق‌تر موضوعات مختلف از مقایسه و تطبیق داده‌ها و اطلاعات استفاده می‌کند. این روش به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های میان دو یا چند موضوع، پدیده یا مورد تحقیق می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با تحلیل مقایسه‌ای، به نتایج و استنتاج‌های دقیق‌تری دست یابد. لذا به عنوان گام‌های ضروری روش تحقیق منتخب، در گام اول تمرکز بر یافتن اندازه مطلوب محلات شهر تهران در بازه‌های جمعیتی و مساحتی است، به این منظور ابتدا وضعیت موجود محلات در شهر تهران از حیث جمعیت مساحت بررسی شده و طبقه‌بندی می‌شوند. سپس، میان بازه مطلوب جمعیتی و مساحتی که برآمده از مبانی نظری و تجربیات جهانی است، با وضعیت موجود محلات شهر تهران تحلیلی تطبیقی - مقایسه‌ای صورت می‌پذیرد. نتایج حاصل از این تحلیل نشان می‌دهد بازه‌های مساحت و جمعیت تا چه میزان می‌توانند برای تصمیم‌گیری‌ها راهگشا باشند.

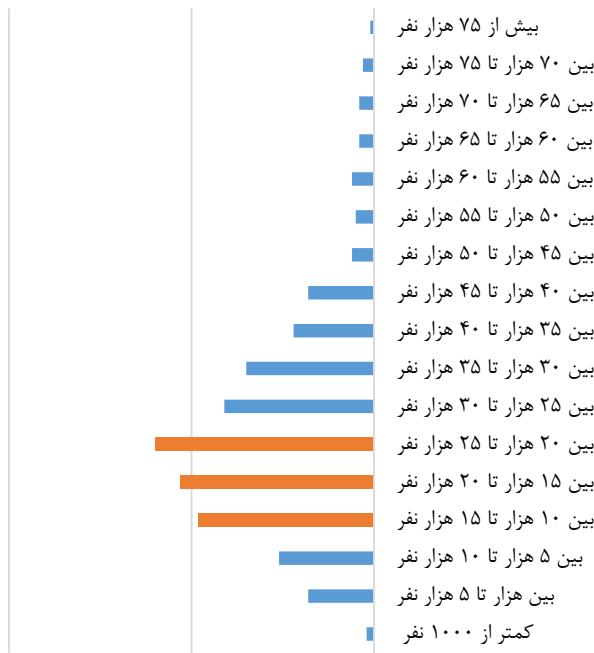
## ۶. بررسی و تحلیل وضعیت موجود محلات شهر تهران (ابعاد جمعیت و مساحت)

شهر تهران دارای ۳۵۲ محله است که در ۲۲ منطقه و ۱۱۵ ناحیه درون شهر استقرار یافته‌اند. بازه جمعیتی محله‌ها در شهر تهران متغیر بوده و از ۸۶ نفر در محله فتح منطقه ۹ تا ۱۲۴۶۳۴ نفر در محله تهرانپارس غربی منطقه ۴، متغیر است. جدول ۳ و نمودار ۱، بازه‌های جمعیتی محله‌ها را در شهر تهران نشان می‌دهد.

جدول ۳. بررسی وضعیت موجود جمعیت محلات شهر

تهران

بازه جمعیتی (هزار نفر)	تعداد محله	درصد نسبت به تعداد محلات
کمتر از ۱	۲	۰/۶
۱-۵	۱۸	۵/۱
۵-۱۰	۲۶	۷/۴
۱۰-۱۵	۴۸	۱۳/۶
۱۵-۲۰	۵۳	۱۵/۱
۲۰-۲۵	۶۰	۱۷
۲۵-۳۰	۴۱	۱۱/۶
۳۰-۳۵	۳۵	۹/۹
۳۵-۴۰	۲۲	۶/۳
۴۰-۴۵	۱۸	۵/۱
۴۵-۵۰	۶	۱/۷
۵۰-۵۵	۵	۱/۴
۵۵-۶۰	۶	۱/۷
۶۰-۶۵	۴	۱/۱
۶۵-۷۰	۴	۱/۱
۷۰-۷۵	۳	۰/۹
بیش از ۷۵	۱	۰/۳

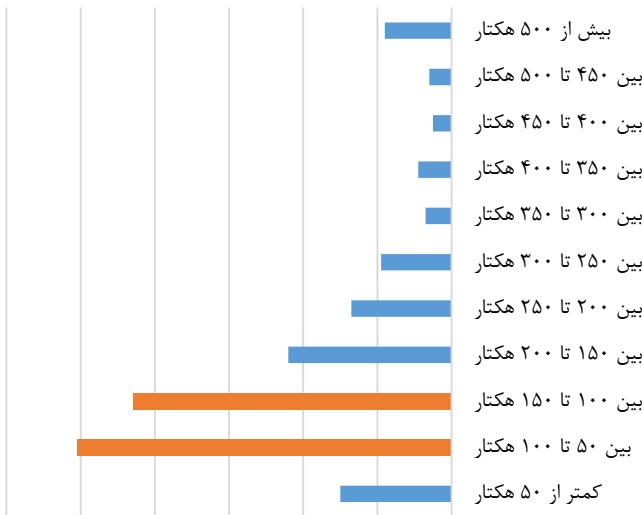


نمودار ۱. بررسی وضعیت جمعیت موجود محلات شهر تهران

بر این اساس، حدود نیمی از محلات (۴۶٪) در بازه جمعیتی بین ۱۰ تا ۲۵ هزار نفر جمعیت قرار دارند. بازه مساحت محله‌ها نیز از ۱۲ هکتار در محله هزارسنگ منطقه ۱ تا ۱۱۸۷ هکتار در محله سرو آزاد منطقه ۲۲ متغیر است. لذا بزرگ‌ترین اندازه محله تقریباً ۱۰۰ برابر کوچک‌ترین محله است. جدول ۴ و شکل ۲ بازه‌های مساحتی محله‌ها را در شهر تهران نشان می‌دهد.

جدول ۴. بررسی وضعیت موجود محلات (مساحت)

بازه مساحتی	تعداد محله	درصد نسبت به تعداد محلات
کمتر از ۵۰ هکتار	۳۰	۸/۵
بین ۵۰ تا ۱۰۰ هکتار	۱۰۱	۲۸/۷
بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هکتار	۸۶	۲۴/۴
بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هکتار	۴۴	۱۲/۵
بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ هکتار	۲۷	۷/۷
بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هکتار	۱۹	۵/۴
بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ هکتار	۷	۲/۰
بین ۳۵۰ تا ۴۰۰ هکتار	۹	۲/۶
بین ۴۰۰ تا ۴۵۰ هکتار	۵	۱/۴
بین ۴۵۰ تا ۵۰۰ هکتار	۶	۱/۷
بیش از ۵۰۰ هکتار	۱۸	۵/۱



نمودار ۲. بررسی وضعیت موجود محلات (مساحت)

بنابراین حدود نیمی از محلات (۵۳٪) در بازه مساحتی بین ۵۰ تا ۱۵۰ هکتار قرار دارند. برای سنجش وضعیت موجود محلات، از بازه منتج از مبانی نظری و تجربیات جهانی، شامل جمعیت ۱۲ تا ۲۰ هزار نفر و مساحت ۱۱۰ تا ۷۲۰۰ هکتار استفاده شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد از ۳۵۲ محله، ۲۰۳ محله جمعیت بالای ۲۰ هزار نفر دارند. همچنین، ۱۵۸ محله مساحت کمتر از ۱۱۰ هکتار دارند. همچنین، می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که مساحت ۶۱۵۰۰ هکتاری شهر تهران، حدود ۵۶۰ محله ۱۱۰ هکتاری باید داشته باشد. همچنین، جمعیت ۸/۷ میلیون نفری شهر تهران حدود ۴۳۵ محله ۲۰ هزار نفری خواهد داشت. بنابراین، با توجه به اینکه تعداد موجود محلات ۳۵۲ است، بنابراین ۵۶۰ یا ۴۳۵ محله بسیار بیشتر از تعداد مورد انتظار است. از این‌رو، معیارهای یادشده به‌تنهایی نمی‌تواند معیار مناسبی برای شهر تهران باشد. از سوی دیگر، تراکم جمعیت شهر تهران در وضع موجود به طور میانگین ۱۴۱ نفر در هکتار است. اگر مساحت هر محله به طور متوسط ۱۱۰ هکتار در نظر گرفته شود، بر اساس تراکم جمعیت میانگین، این محدوده تقریباً جمعیتی برابر ۱۵۵۰۰ نفر خواهد داشت. در مقابل، اگر جمعیت ۲۰ هزار نفر ملاک عمل قرار گیرد، این جمعیت با تراکم ۱۴۱ نفر در هکتار، در محدوده‌ای به مساحت حدود ۱۴۲ هکتار سکونت خواهند داشت. درواقع، با توجه به تراکم جمعیتی موجود در شهر تهران، مساحت ۱۱۰ هکتار با جمعیت ۲۰ هزار نفر، محتمل نبوده و در این مساحت جمعیت کمتری اسکان دارند. مطابق با این اصل، محله استاندارد در شهر تهران دارای مساحت ۱۱۰ تا ۱۴۲ هکتار و نیز ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر جمعیت در نظر گرفته می‌شود. همچنین، افزایش و کاهش در مقادیر جدول ۴ و شکل ۲ تا ۲۰ درصد اندازه استاندارد، به عنوان بازه قابل قبول در نظر گرفته شده است. بنابراین، شاخص‌های تعیین محله به شکل زیر تعریف می‌شوند.

## ۷. یافته‌ها

با توجه به نتایج حاصل از تطبیق‌ها و مقایسه‌های صورت گرفته مساحت و جمعیت محلات شهر تهران در وضعیت موجود با نتایج حاصل از مبانی نظری و تجارب جهانی و نیز دخیل کردن تراکم جمعیتی می‌توان چنین نتیجه گرفت که محله استاندارد در شهر تهران دارای مساحت ۱۱۰ تا ۱۴۲ هکتار و نیز ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر جمعیت باشد. همچنین، افزایش و کاهش در مقادیر جدول‌های ۳ و ۴ تا ۲۰ درصد اندازه استاندارد، به عنوان بازه قابل قبول در نظر گرفته شده است. بنابراین، شاخص‌های تعیین محله مشابه جدول ۵ تعریف می‌شوند.

تحلیل تطبیقی - مقایسه‌ای مجدد مساحتی و جمعیتی وضعیت موجود محلات شهر تهران با استانداردهای جدید به دست آمده نشان می‌دهد مطابق جدول‌های ۶ - ۸، تقریباً یک سوم محلات از هر دو حیث جمعیت و مساحت در بازه قابل قبول و حدود دو سوم محلات در بازه‌های کمتر یا بیشتر از حد قابل قبول قرار می‌گیرند. (شکل‌های ۱ و ۲)

جدول ۵. شاخص‌های تعیین محله در شهر تهران

شاخص	حداقل قابل قبول	حداقل استاندارد	حداکثر استاندارد	حداکثر قابل قبول
مساحت	۸۸ هکتار	۱۱۰ هکتار	۱۴۲ هکتار	۱۶۴ هکتار
جمعیت	۱۲۰۰۰ نفر	۱۵۰۰۰ نفر	۲۰۰۰۰ نفر	۲۳۰۰۰ نفر

جدول ۶. دسته‌بندی محلات وضع موجود در مقایسه با معیار جدید مساحتی

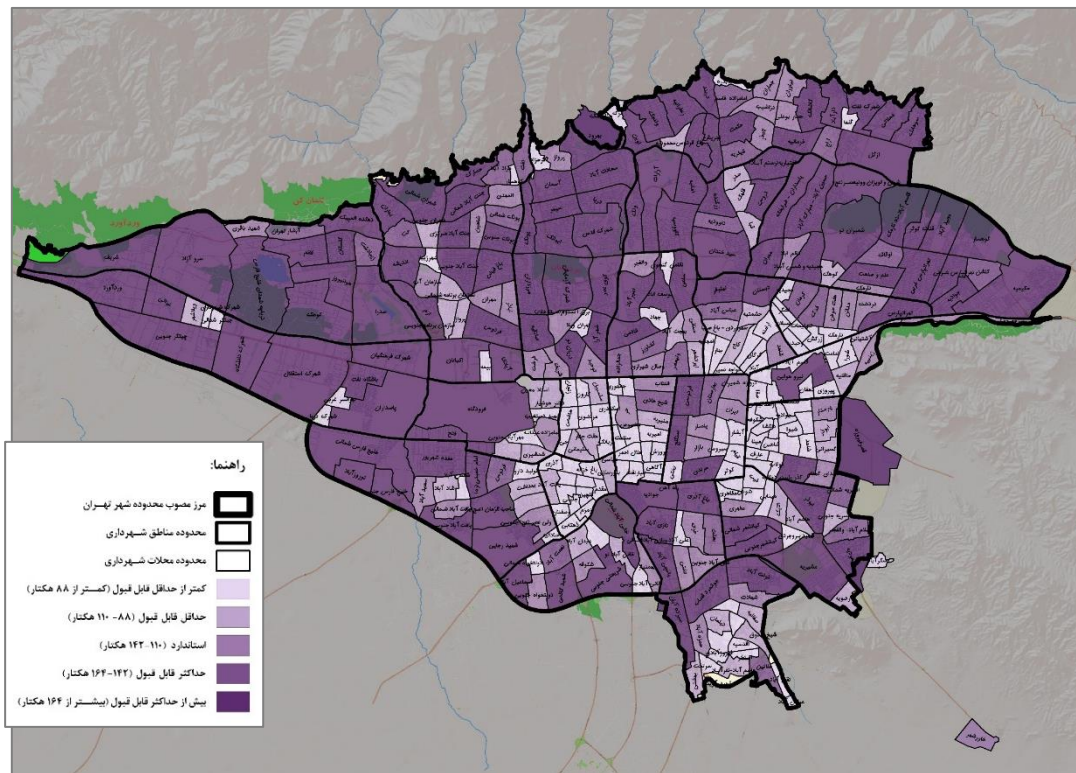
بازه جدید مساحتی	تعداد محله منطبق	درصد نسبت به تعداد کل محلات
کوچک‌تر از حد قابل قبول (کمتر از ۸۸ هکتار)	۱۱۵	۳۲/۶
مساحت قابل قبول (۸۸ تا ۱۶۴ هکتار)	۱۱۸	۳۳/۴
بزرگ‌تر از حد قابل قبول (بیش از ۱۶۴ هکتار)	۱۲۰	۳۴/۰

جدول ۷. دسته‌بندی محلات وضع موجود در مقایسه با معیار جدید جمعیتی

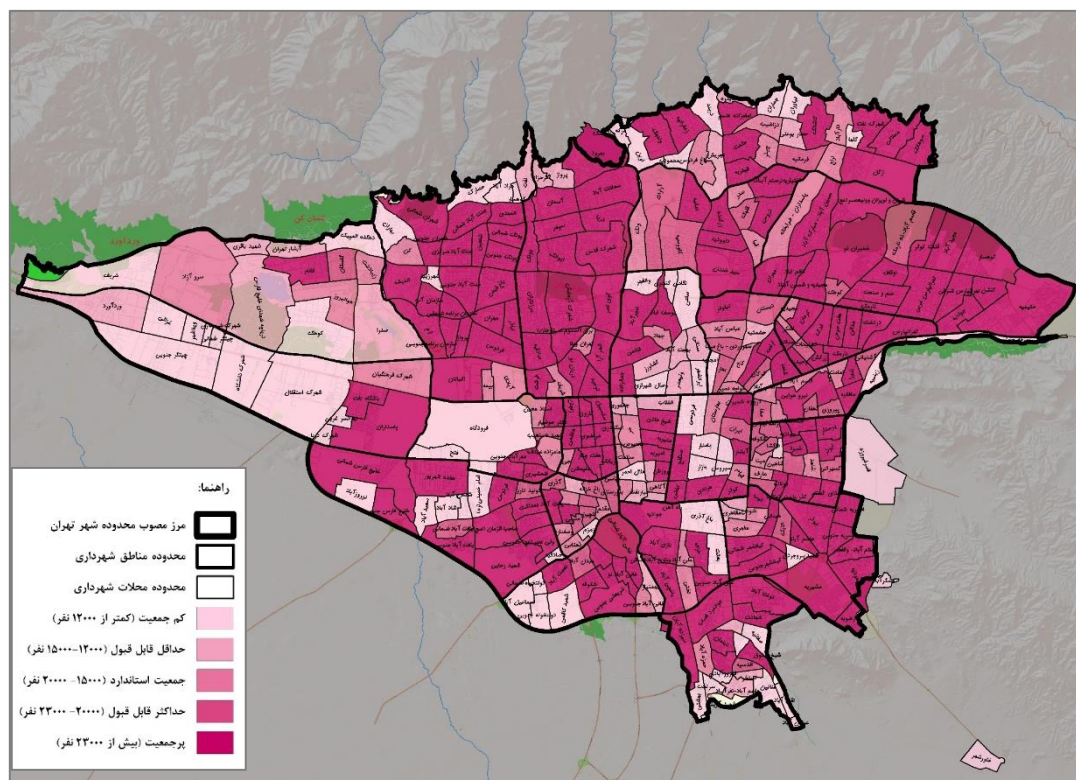
بازه جدید جمعیتی	تعداد محله	درصد نسبت به تعداد کل محلات
کمتر از حد قابل قبول (کمتر از ۱۲۰۰۰ نفر)	۶۷	۱۹
جمعیت قابل قبول (۱۲ تا ۲۳ هزار نفر)	۱۱۸	۳۳/۵
بیشتر از حد قابل قبول (بیش از ۲۳۰۰۰ نفر)	۱۶۸	۴۷/۴

جدول ۸. وضعیت محلات نسبت به بازه‌های قابل قبول مساحت و جمعیت براساس یافته‌های جدید

گروه‌ها	تعداد محلات	درصد نسبت به تعداد کل محلات
محلات در بازه جمعیت و مساحت قابل قبول	۴۱	۱۱/۶
محلات فقط در بازه قابل قبول مساحت (۸۸ تا ۱۶۴ هکتار)	۷۷	۲۱/۹
محلات فقط در بازه قابل قبول جمعیت (۱۲ تا ۲۳ هزار نفر)	۷۷	۲۱/۹
محلات خارج از بازه قابل قبول مساحت و جمعیت	۱۵۸	۴۴/۹



شکل ۱. مقایسه وضعیت موجود مساحت محلات شهر تهران براساس بازه‌های استاندارد مساحتی جدید



شکل ۲. مقایسه وضعیت موجود جمعیت محلات شهر تهران براساس بازه‌های استاندارد جمعیتی جدید

## ۸. نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد بازه‌های قابل قبول همچنان برای بخش عمده‌ای از تقسیمات در سطح محله حدود ۴۵ درصد محلات شهر تهران پاسخ‌گو نیست، زیرا تعیین محدوده هر محله، علاوه بر موضوعات جمعیتی و مساحتی، تحت تأثیر جامعه ساکن در آن، همگنی اجتماعی و فرهنگی، وجود مرزهای قطعی و ... نیز قرار دارد و از سوی دیگر نیز تعیین یک بازه قابل قبول و تعیین مرز محلات با توجه به جمیع این عوامل برای مدیریت شهری به منظور تسهیل دسترسی شهروندان به خدمات امکان‌پذیر نخواهد بود. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود سطح دیگری در تقسیمات شهری به عنوان کوی همسایگی، در نظر گرفته شود که امکان افزایش تعداد آن، بدون ایجاد مشکل در ساختار تقسیمات و مدیریت شهری با توجه به بازه‌های جمعیت و مساحت قابل قبول، وجود داشته باشد. از این طریق می‌توان عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار در سطح محله را تا حدودی در ایجاد عدالت فضایی بی‌تأثیر کرد و امکان بهره‌گیری همگان از خدمات مورد نیاز را تأمین کرد.

## منابع

1. Şahin, M.R., Analysis of urban morphology in squatter transformation areas. 2014, Middle East Technical University.
2. Eckerman, C.O., C.C. Davis, and S.M. Didow, Toddlers' emerging ways of achieving social coordinations with a peer. *Child development* : ۱۹۸۹ ,p. 440-453.
3. Lee, J. and S. Park, Exploring neighborhood unit's planning elements and configuration methods in Seoul and Singapore from a walkability perspective. *Sustainability*, 2018. 10(4): p. 988.
4. Aboutorabi, R.S.S., H. Yousefi, and M. Abdoos, A comparative analysis of the carbon footprint in green building materials: a case study of Norway. *Environmental Science and Pollution Research*, 2024: p. 1-22.
5. Jackson, L.E., The relationship of urban design to human health and condition. *Landscape and urban planning*, 2003. 64(4): p. 191-200.
6. Abdoos, M., et al., Evaluating zero-energy strategies in mixed-use buildings: a case study. *Future Energy*, 2025: p. 8-18.
7. Crawford, W. and J. Kaplan, *J2EE design patterns: patterns in the real world*. 20 " : O'Reilly Media, Inc."
8. Tabrizi, A., et al., Evaluating renewable energy adoption in G7 countries: a TOPSIS-based multi-criteria decision analysis. *Discover Energy*, 2025. 5(1): p. 2.
9. Van Lente, H., et al., Roles of systemic intermediaries in transition processes. *International journal of Innovation management*, 2003. 7(03): p. 247-279.
10. Neal, P., *Urban villages and the making of communities*. 2003: Taylor & Francis.
11. Schneider, J. and P.T. Schneider, *Reversible destiny: Mafia, antimafia, and the struggle for Palermo*. 2003: Univ of California Press.
12. Towers, G., *Building democracy*. 2003: Routledge.
13. Fardnia, K., H. Yousefi, and M. Abdoos, A bibliometric analysis of carbon and water footprints in renewable energy: The post-COVID-19 landscape. *Green Technologies and Sustainability*, 2024: p. 100162.
14. Best, R., C.A. Langston, and G. De Valence, *Workplace strategies and facilities management*. 2003: Routledge.
15. Baker, M.J. and S.J. Hart, *The marketing book*. Vol. 195. 2003: Butterworth-Heinemann Oxford.
16. Gielen, A.C. and D. Sleet, Application of behavior-change theories and methods to injury prevention. *Epidemiologic reviews*, 2003. 25(1): p. 65-76.
17. Helms, A.C., Understanding gentrification: an empirical analysis of the determinants of urban housing renovation. *Journal of urban economics*, 2003. 54(3): p. 474-498.
18. Abdous, M., et al., Design and analysis of zero-energy and carbon buildings with renewable energy supply and recycled materials. *Energy and Buildings*, 2024. 324: p. 1. ۱۴۹۲۲
19. Nadeau, S., *Characterization of community capacity in a forest-dependent community: The case of the Haut-St.-Maurice*. 2003: Oregon State University.
20. Byrne, P., *Ecology, Economy and Redemption as Dynamic: The Contributions of Jane Jacobs and Bernard Lonergan*. *Worldviews: Global Religions, Culture, and Ecology*, 2003. 7(1-2): p. 5-26.



# **Urban Development Policy Making**

## **Vol. 1, No. 1, Winter 2025**

### **Contents**

<b>Optimization of solar heating system for heating urban spaces and domestic water heating.....</b>	<b>1</b>
Rahim Zahedi, Hossein Yousefi, Melika Asgharzadeh, Fatemeh Shams, Sareh Daneshgar, Sahand Heidary, Abolfazl Ahmadi	
<b>Development of Urban Sports Culture through the Exploration of Sports Events and Urban Management. 19</b>	
Kianoosh Zakerhaghighi, Ali Zeynaly Azim	
<b>Exploring the Role and Effects of Urban Development Planning on Alienation and Atomization of Urban Individuals (Case Study: Tehran Metropolis) .....</b>	<b>35</b>
Ali Faramarzi Rad, Mohammad Hossein Boochani	
<b>The role of urban management in urban culture and lifestyle .....</b>	<b>57</b>
Naser Ebadati, Lotfollah Forouzandeh	
<b>Developing A Conceptual Framework For Participatory Budgeting In Tehran Municipality .....</b>	<b>73</b>
Amir Shahrabi Farahani, Reza Ghanbarian, Salar Daneshfar	
<b>An Analysis of the Optimal Size of Neighborhoods (in Terms of Population and Area) in Tehran Metropolis .....</b>	<b>91</b>
Neda Mirakbari, Amirhosein Pourjohari, Maryam Abhari	



**Director-in-Charge**

Dr. Mohammad Hossein Boochani

**Editor-in-Chief**

Dr. Hossein Yousefi

**Deputy Editor**

Dr. Masoud Naddafan

**Director-in-Chief**

Zahra Golsa Rasaei

**Executive Manager**

Hosseinali Mehrnia

**Executive Director**

Marziyeh Razeghi

**Graphist**

Shahedeh Mohammad Alikhani

**Technical Editor**

Fatemeh Rashvand

**Page Designer**

Zahra Ostovari

**Frequency:** Quarterly

**Print ISSN:** ---

**Online ISSN:** ---

**Peer Review:** Double-blind

**Publication Policy:** Open Access

**Address:** Tehran, Karim Khan Zand Street, next to Behjat Abad Park, No. 195, opposite the Municipal Renovation Organization, Tehran Municipality Institute of Applied Scientific Higher Education

**P.O. Box:** 1594645119

**Tel:** +98-21-88924873, 88924876, 88898944

**Email:** amozesh.moasese@gmail.com

**Website:** <https://judpm.ir>

**International Editorial Board**

**Dr. Behnam Mohammadi-ivatloo**

*Professor in Sector Coupling in Energy Systems, LUT University, Finland*

**Editorial Board**

**Dr. Younes Noorollahi**

*Professor, Energy System Engineering, University of Tehran*

**Dr. Hossein Yousefi**

*Professor, Environmental Engineering, University of Tehran*

**Dr. Bizhan Abbasi**

*Professor, Faculty of Law and Political Science of University of Tehran*

**Dr. Mohammad Aliakbari**

*Professor, Department of English Language Teaching, Ilam University*

**Dr. Seyed Abolfazl Zakerian**

*Professor, Department of Occupational Health Engineering, School of Public Health Tehran University of Medical Sciences*

**Dr. Yousef Hojjat**

*Professor, Faculty of Mechanical Engineering, Tarbat Modarres University, Tehran*

**Dr. Kianoosh Zakerhaghighi**

*Professor, South Tehran Campus, Islamic Azad University*

**Dr. Lotfollah. Forouzandeh**

*Professor, Department of Management, Tarbiat Modarres University, Tehran*

**Dr. Arastoo Yari Hesar**

*Professor, Urban and Rural Planning, University of Mohaghegh Ardabili*



# Urban Development Policy Making

Winter 2025. Vol 01. Issue 01. Serial No. 01

## Optimization of solar heating system for heating urban spaces and domestic water heating

Rahim Zahedi; Hossein Yousefi; Melika Asgharzadeh; Fatemeh Shams; Sareh Daneshgar; Sahand Heidary; Abolfazl Ahmadi

## Development of Urban Sports Culture through the Exploration of Sports Events and Urban Management

Kianoosh Zakerhaghighi; Ali Zeynaly Azim

## Exploring the Role and Effects of Urban Development Planning on Alienation and Atomization of Urban Individuals Case Study: Tehran Metropol

Ali Faramarzi Rad; Mohammad Hossein Boochani

## The role of urban management in urban culture and lifestyle

Naser Ebadati; Lotfollah Forouzandeh

## Developing A Conceptual Framework For Participatory Budgeting In Tehran Municipality

Amir Shahrabi Farahani; Reza Ghanbarian; Salar Daneshfar

## An Analysis of the Optimal Size of Neighborhoods (in Terms of Population and Area) in Tehran Metropolis

Neda Mirakbari; Amirhosein Pourjohari; Maryam Abhari

